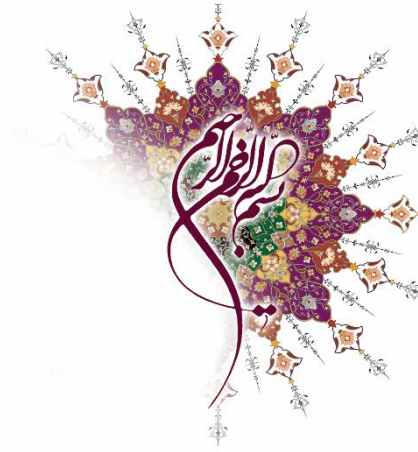


حسابداری و سفافیت مالی

دوره ۱ / شماره اول / پاییز ۱۴۰۲ / پیاپی ۱

- ۱-۱۵ بررسی تاثیر کیفیت عملکرد حسابرسی داخلی بر دقت پیشبینی سود مدیران شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران
معصومه لطیفی بنماران و شهرزاد سراج
- ۱۶-۴۰ رابطه انواع گزارشگری محافظه کارانه با بازدهی شرکت‌ها در بازار سرمایه طی دوره همه‌گیری کووید ۱۹
ملک تاج ملکی اسکونی، محمد حسنی و سعید میرزاخانی
- ۴۱-۶۴ تأثیر ساختارهای مالکیت و ویژگی‌های حاکمیتی بر گزارش پایداری شرکت حامد یادگاری فر و مسعود فولادی
- ۶۵-۸۳ اظهار نظر حسابرس در خصوص تداوم فعالیت و ورشکستگی شرکت‌ها با در نظر گرفتن نقش تعدیل‌کنندگی محافظه‌کاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران
شکوفه نکوئی زاده
- ۸۴-۹۸ بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی، تسهیم دانش و عملکرد سازمانی ذبیح الله خانی معصوم آبادی و مطهره زحلی
- ۹۹-۱۲۱ تأثیر عملکرد اجتماعی شرکت بر عملکرد بازار شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با نقش تعدیلی راهبرد تجاری حسین عسگری آلوچ





فصلنامه حسابداری و شفافیت مالی

دوره ۱ شماره اول پاییز ۱۴۰۲ پیاپی ۱

صاحب امتیاز: دانشگاه آزاد اسلامی واحد صفاشهر

مدیر مسئول: دکتر مهدی ساریخانی

سر دبیر: دکتر رضوان حجازی

مدیر داخلی: دکتر روح اله نوذری

کارشناس نشریه: فاطمه کریمی

اعضای شورای تحریریه به ترتیب حروف الفبا:

دکتر سید حسین ابطحی	استاد مدیریت دانشگاه آزاد اسلامی واحد صفاشهر
دکتر زهره حاجیها	استاد حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق
دکتر مهدی خیراندیش	استاد مدیریت دانشگاه علوم و فنون هوایی شهید ستاری
دکتر غلامرضا زندی	دانشیار حسابداری دانشگاه کوالالامپور مالزی
دکتر محمدحسین ستایش	استاد حسابداری دانشگاه شیراز
دکتر داریوش فروغی	استاد حسابداری دانشگاه اصفهان
دکتر هاشم ولی پور	دانشیار حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد فیروزآباد
دکتر سید عباس هاشمی	دانشیار حسابداری دانشگاه اصفهان

آدرس نشریه: فارس، صفاشهر، بولوار وحدت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد صفاشهر. کد پستی: ۷۳۹۶۱۶۶۵۶۱

تلفن: ۰۷۱۴۴۴۵۱۹۳۶ دورنگار: ۰۷۱۴۴۴۵۱۹۳۹ درگاه الکترونیکی نشریه: <https://sanad.iau.ir/Journal/aft>

این نشریه بر اساس مصوبه چهل و نهمین جلسه کمیسیون تعیین اعتبار نشریات حوزه علوم انسانی و هنر دانشگاه آزاد اسلامی مورخ ۱۴۰۲/۰۶/۱۳ مجوز انتشار دارد.

فصلنامه حسابداری و شفافیت مالی

داوران این شماره:

- دکتر فهیمه ابراهیمی
- دکتر روح اله بهارلو
- دکتر ذبیح الله خانی معصوم آبادی
- دکتر مهدی ساریخانی
- دکتر شهرزاد سراج
- دکتر هاشم کاویانی فرد
- دکتر ملک تاج ملکی اسکوئی
- دکتر شکوفه نکوئی زاده

راهنمای تدوین مقاله

مقاله نتیجه‌ی تلاش و پژوهش‌های علمی نویسنده (نویسندگان) باشد.

مقاله قبلاً در هیچ یک از مجلات و همایش‌ها چاپ و ارائه نشده باشد و هم‌زمان برای سایر مجلات و همایش‌ها نیز ارسال نشده باشد.

در تدوین مقاله، رعایت نکات زیر برای نویسنده (نویسندگان) گرامی الزامی است (برای دریافت الگوی نشریه [اینجا](#) کلیک کنید):

۱. عنوان: عنوان مقاله باید مختصر و متناسب با محتوای مقاله تنظیم گردد.
 ۲. اسامی نویسندگان: در خصوص درج اسامی نویسندگان در فایل مقاله به نکات زیر توجه نمایید:
 - ضروری است در ثبت نام اولیه، اطلاعات دقیق نویسنده (نویسندگان) ذکر شود. پس از ارسال مقاله، هر گونه تغییر در نام، پست الکترونیکی، ترتیب و تعداد نویسندگان امکان‌پذیر نمی‌باشد.
 ۳. در هنگام ارسال فایل مقاله، نام، وابستگی سازمانی و ایمیل نویسندگان (نویسنده مسئول باید ایمیل دانشگاهی داشته باشد) را در قالب فایلی با عنوان "مشخصات نویسندگان" ارسال نمایید.
 ۴. چکیده فارسی: حداقل ۲۰۰ کلمه و حداکثر ۲۵۰ کلمه شامل هدف، روش‌شناسی، یافته‌ها و دانش‌افزایی.
 ۵. چکیده انگلیسی: حداقل ۳۰۰ کلمه و حداکثر ۳۵۰ کلمه با رعایت مطابقت متن فارسی و انگلیسی.
 ۶. کلیدواژه‌ها: حداقل ۳ و حداکثر ۵ واژه که با کاما (،) از هم جدا شده و در یک خط و به ترتیب حروف الفبا باشند.
 ۷. طبقه‌بندی موضوعی: برای تهیه طبقه‌بندی موضوعی کافی است کلمات کلیدی مهم را به انگلیسی و به صورت تخصصی در [اینجا](#) جستجو کنید تا معادل و اختصار آن را پیدا کنید.
 ۸. متن مقاله: در تنظیم متن مقاله، مطالب بر اساس تیتراهای زیر تنظیم می‌گردد:
 - مقدمه: ارائه زمینه و دیدگاه درباره موضوع، اهمیت و بیان هدف و مساله پژوهش.
 - مبانی نظری و پیشینه پژوهش: تعاریف مفهومی، نتایج پژوهش‌های داخلی و خارجی مرتبط به گونه‌ای که پشتیبانی‌کننده فرضیه‌ها و مدل مفهومی باشد.
 - فرضیه‌های پژوهش: این بخش شامل فرضیه‌سازی بر اساس مبانی نظری و خلاصه پژوهش‌ها می‌باشد.
 - روش‌شناسی پژوهش: طرح پژوهش، ابزار و روش گردآوری داده‌ها، جامعه، نمونه، مدل و متغیرها و نحوه اندازه‌گیری آنها به‌طور مفصل ارائه شود.
 - یافته‌های پژوهش: گزارش اطلاعات جمعیت‌شناسی، نتایج تحلیل‌های آماری مدل و فرضیه‌های پژوهش.
 - بحث و نتیجه‌گیری: ارائه یافته‌های پژوهش و مقابله و مقایسه نتایج پژوهش با یافته‌های پژوهش‌های مرتبط، پیشنهادها کاربردی و پژوهش‌های آتی و محدودیت‌های پژوهش آورده شود.
 ۹. فهرست منابع: منابعی که در متن مقاله از آنها استفاده شده است، مطابق ضوابط APA به شرح زیر تنظیم شوند:
 - روش منبع‌نویسی بر حسب الفبایی و مطابق با الگوی APA باشد.
 - منابعی که به زبان فارسی منتشر شده است، در قسمت انگلیسی نیز ترجمه و از عبارت [In Persian] در انتهای منبع استفاده شود.
 - ضروری است شناسه منحصر به فرد مقالات (DOI یا DOR) در انتهای مقالات درج گردد.
- ارسال فایل‌های تکمیلی از جمله پرسشنامه، داده‌ها و خروجی آماری ضروری است.

فهرست مطالب

۱-۱۵		<input type="checkbox"/> بررسی تاثیر کیفیت عملکرد حسابرسی داخلی بر دقت پیش‌بینی سود مدیران شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران معصومه لطیفی بنماران و شهرزاد سراج
۱۶-۴۰		<input type="checkbox"/> رابطه انواع گزارشگری محافظه‌کارانه با بازدهی شرکت‌ها در بازار سرمایه طی دوره همه‌گیری کووید ۱۹ ملک تاج ملکی اسکویی، محمد حسنی و سعید میرزاخانی
۴۱-۶۴		<input type="checkbox"/> تأثیر ساختارهای مالکیت و ویژگی‌های حاکمیتی بر گزارش پایداری شرکت حامد یادگاری فر و مسعود فولادی
۶۵-۸۳		<input type="checkbox"/> اظهارنظر حسابرس در خصوص تداوم فعالیت و ورشکستگی شرکت‌ها با در نظر گرفتن نقش تعدیل‌کنندگی محافظه‌کاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران شکوفه نکوئی زاده
۸۴-۹۸		<input type="checkbox"/> بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی، تسهیم دانش و عملکرد سازمانی ذبیح الله خانی معصوم آبادی و مطهره زحلی
۹۹-۱۲۱		<input type="checkbox"/> تأثیر عملکرد اجتماعی شرکت بر عملکرد بازار شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با نقش تعدیلی راهبرد تجاری حسین عسگری آلوج

Investigating the effect of the quality of internal audit performance on the accuracy of profit forecasting by managers of companies listed on the Tehran Stock Exchange

Massoumeh Latifi Benmaran¹, Sharzad Seraj²

Received: October 3, 2023

Accepted: October 24, 2023

Abstract

Purpose: The purpose of this research is to investigate the effect of the quality of internal audit performance on the accuracy of managers' profit forecast.

Methodology: The data of 136 companies listed on the Iran Stock Exchange were used during the years 2017 to 2021. Hypotheses were tested by multiple regression method considering the fixed effects of year and industry.

Findings: The results of the statistical tests showed that there is a significant relationship between the quality of the internal audit and the accuracy of the company's profit forecast.

Originality: Management forecasts are disclosures made by companies to communicate information about their future performance to shareholders. These disclosures are voluntary and are intended to reduce information asymmetry between management and shareholders. Inaccurate forecasts can be very costly for managers and question the credibility of managers and show managerial incompetence. The quality of the internal audit function reduces the likelihood of erroneous, biased, or incomplete information in management reports that managers use to improve their profit forecasts.

Keywords: Accuracy of managers' profit forecast, companies listed on the Tehran Stock Exchange, quality of internal audit performance,

JEL Classification: G21, G36, G7

1. Assistant Professor, Department of Financial Management, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Tehran, Iran. (m_latifi@azad.ac.ir)

2. Assistant Professor, Department of Accounting, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Tehran, Iran. (Corresponding Author). (shahrzad.seraj@iau.ac.ir)

بررسی تاثیر کیفیت عملکرد حسابرسي داخلي بر دقت پيش بيني سود مديران شركت هاي پذيرفته شده در

بورس اوراق بهادار تهران

معصومه لطيفي بنماران^۱، شهرزاد سراج^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱۱

چکیده

هدف: هدف از پژوهش حاضر بررسی تاثیر کیفیت عملکرد حسابرسي داخلي بر دقت پيش بيني سود مديران است. **روش شناسی:** داده های ۱۳۶ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار ایران، طی سال های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ مورد استفاده قرار گرفت. فرضیه ها به روش رگرسیون چندگانه با در نظر گرفتن اثرات ثابت سال و صنعت آزمون شدند. **یافته ها:** نتایج حاصل از آزمون های آماری نشان داد که بین کیفیت حسابرسي داخلي و دقت پيش بيني سود شرکت ها، رابطه معناداری وجود دارد.

دانش افزایی: پيش بيني های مدیریت، افشاهایی است که توسط شرکت ها برای انتقال اطلاعات در مورد عملکرد آینده خود به سهام داران انجام می شود. این افشاها داوطلبانه بوده و به منظور کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیریت و سهام داران در نظر گرفته شده است. پيش بيني های نادرست می تواند برای مدیران بسیار پرهزینه باشد و اعتبار مدیران را زیر سؤال ببرد و ناتوانی مدیریتی را نشان می دهد. کیفیت عملکرد حسابرسي داخلي احتمال اشتباه، جانب دارانه یا ناقص را در گزارش های مدیریت کاهش می دهد که مدیران از آن برای بهبود پيش بيني های سود خود استفاده می کنند.

کلیدواژه ها: کیفیت عملکرد حسابرسي داخلي، دقت پيش بيني سود مديران، شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران.

طبقه بندی موضوعی: G21, G36, G7

۱. استادیار گروه مدیریت مالی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، ایران. (m_latifi@azad.ac.ir)

۲. استادیار گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). (shahrzad.seraj@iau.ac.ir)

استناد: لطیفی بنماران، معصومه، و سراج، شهرزاد. (۱۴۰۲). بررسی تاثیر کیفیت عملکرد حسابرسي داخلي بر دقت پيش بيني سود مديران شركت هاي پذيرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *حسابداری و شفافیت مالی*، ۱(۱). ۱-۱۵.

مقدمه

نظارت و کنترل یکی از اجزای اصلی مدیریت محسوب می‌گردد به طوری که بدون توجه به این جز، سایر اجزا مدیریت از قبیل برنامه‌ریزی، سازماندهی و هدایت نیز ناقص بوده و تضمینی برای انجام درست آن‌ها وجود ندارد. شاید به جرئت بتوان ادعا کرد که انجام هیچ فعالیتی در سازمان قرین توفیق نخواهد بود مگر آن که کنترل‌های لازم نسبت به آن به عمل آمده باشند. اهمیت نظارت و کنترل از اجزای اصلی مدیریت است (خلیل و حسینی^۱، ۲۰۲۳). حسابرسی داخلی می‌تواند به عنوان مشاور داخلی و عاملی در جهت بهینه‌سازی فرایندهای داخلی شرکت محسوب شود و در تهیه و طراحی پیش‌نویس دستورالعمل‌ها، خدمات مشاوره‌ای ارائه دهد و همچنین به ارزیابی ریسک در شرکت نیز بپردازد؛ بنابراین، عملکرد حسابرسی داخلی یکی از اساسی‌ترین ابزارها برای غربالگری و بهبود عملکرد سازمان است. حسابرسان داخلی از این جهت که نسبت به حسابرسان مستقل دسترسی به موقع‌تری به اطلاعات شرکت دارند و می‌توانند موضوعات شرکت و ریسک‌های مترتب بر آن را از همان ابتدا رصد کنند، نقش قابل ملاحظه‌ای در عملکرد و ارزش افزایی شرکت دارند (کنت و همکاران^۲، ۲۰۲۳). کیفیت کنترل‌های داخلی تأثیر مثبتی بر تصمیم‌گیری‌های مدیریت دارد، زیرا از طریق فراهم‌سازی اطلاعات به موقع از وضعیت مالی شرکت و حذف موانع بین چرخه‌های حسابداری، تصمیم‌گیری مدیران را بهبود می‌بخشد. گزارشگری مالی ابزار اصلی برای اطلاع‌رسانی رویدادهای اقتصادی شرکت‌ها به طرف‌های ذی‌نفع مانند سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان است. گزارشگری مالی با کیفیت بالا به اشخاص ذی‌نفع امکان می‌دهد تا عملکرد شرکت را به دقت ارزیابی کنند و تصمیمات عاقلانه بگیرند (کاراچه^۳، ۲۰۲۳). سود حسابداری یکی از اقلام مهم صورت‌های مالی است که استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی آن را به عنوان مبنایی برای اتخاذ تصمیمات اقتصادی به کار می‌برند. پیش‌بینی سود به وسیله مدیریت، از مهمترین منابع اطلاعاتی سرمایه‌گذاران و سایر اشخاص به شمار می‌رود. پیش‌بینی‌های مدیریت بر قیمت سهام شرکت‌ها تأثیر می‌گذارد و منجر به تجدیدنظرهای قابل توجهی در پیش‌بینی تحلیل‌گران می‌شود. مطالعات گذشته عواملی را که ممکن است بر کیفیت پیش‌بینی مدیریت تأثیر بگذارد، بررسی کرده‌اند و بیان کرده‌اند که ساختار حاکمیت شرکتی مؤثر و مکانیسم‌های نظارتی با پیش‌بینی‌های مدیریت دقیق‌تر مرتبط هستند (مرجانیان و همکاران، ۱۳۹۹). تحقیقات گذشته بیان می‌دارند که افشای سود مدیریت در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی مؤثر است، شواهد نشان می‌دهد که پیش‌بینی‌های بد (نادرست) سود می‌تواند برای مدیران بسیار پرهزینه باشد (محمودزاده و همکاران، ۱۴۰۲). رضائی و صفرزاده^۴ (۲۰۲۳) بیان داشتند که پیش‌بینی نادرست مدیریت، به اعتبار مدیران آسیب می‌رساند و ناتوانی مدیریتی را نشان می‌دهد و حتی ممکن است شغل آن‌ها را به خطر بیندازد. کنترل‌های داخلی قوی احتمال اطلاعات اشتباه، جانبدارانه، نابهنگام یا ناقص را در گزارش‌های مدیریت داخلی کاهش می‌دهد، که مدیران از آن برای بهبود پیش‌بینی‌های سود خود استفاده می‌کنند. هدف از این مطالعه، بررسی تاثیر کیفیت عملکرد حسابرسی داخلی بر دقت پیش‌بینی سود مدیران است و این تحقیق با برجسته کردن نقش حیاتی کیفیت عملکرد حسابرسی داخلی به عنوان یک عملکرد مدیریتی مهم برای اطمینان از دقت و صحت بیشتر پیش‌بینی‌های سود، به ادبیات موجود در این زمینه کمک می‌کند و در ادامه این پژوهش به دنبال

1. Khelil & Hussainey

2. Kent et al

3. Karajeh

4. Rezaee & Safarzadeh

پاسخ به این سوال است که آیا بین کیفیت عملکرد حسابرسی داخلی و دقت پیش‌بینی سود مدیران شرکت‌ها رابطه معناداری وجود دارد یا خیر؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

پیش‌بینی‌های مدیریت، افشای داوطلبانه شرکت‌ها را نشان می‌دهد که با هدف انتقال اطلاعات در مورد عملکرد آتی شرکت‌ها و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیریت و سهامداران است. مدیران انگیزه‌هایی برای ارائه پیش‌بینی‌های دقیق‌تر سود دارند، زیرا پیش‌بینی‌های دقیق می‌تواند منجر به واکنش قوی‌تر بازار و کاهش بیشتر عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیریت و سرمایه‌گذاران شود (آسنا و کالکار^۱، ۲۰۲۳) و به نوبه خود، عدم تقارن اطلاعاتی کمتر می‌تواند نقدینگی در سهام شرکت را افزایش دهد، هزینه سرمایه را کاهش دهد و خطر دعاوی قضایی آینده را کاهش دهد (حاج نوروزی و همکاران، ۱۴۰۲). مدیران همچنین انگیزه دارند تا پیش‌بینی‌های سود دقیق‌تری ارائه کنند، زیرا دقت پیش‌بینی بر شهرت مدیریت تأثیر می‌گذارد و اعتبار و شایستگی مدیریت را نشان می‌دهد.

حاکمیت شرکتی یک سیستم یکپارچه با هدف اصلی تضمین کیفیت گزارشگری مالی است (کیان و فقیه، ۱۴۰۲). این یک مبنای سیستماتیک برای کمک به ذی‌نفعان برای اعمال حقوق خود، حفاظت از منافع و به حداقل رساندن اختلافات احتمالی بین آن‌ها و مدیران ارائه می‌دهد (کنت و همکاران، ۲۰۲۳). ساختار حاکمیت شرکتی از چهار عنصر اصلی تشکیل شده است: مدیریت، حسابرس خارجی، کمیته حسابرسی و عملکرد حسابرسی داخلی (موسوی شیرینی و همکاران، ۱۴۰۲). عملکرد حسابرسی داخلی یک رکن در چارچوب حاکمیت شرکتی است و به عنوان یک کارکرد اساسی در نظر گرفته شده است که نقش پیشگامی در فرآیند حکمرانی ایفا می‌کند (کالاش^۲، ۲۰۲۳). نقش آن ارائه خدمات کنترلی و مشاوره‌ای است که به شرکت‌ها در دستیابی به اهداف خود کمک می‌کند. اثربخشی عملکرد حسابرسی داخلی به عنوان یکی از ویژگی‌های ارزشمند تحولات سیستم حاکمیتی مدرن در نظر گرفته می‌شود که نقشی محوری در تعیین ارزش افزوده کل سیستم کنترل دارد (کاراجه، ۲۰۲۳). کیفیت عملکرد حسابرسی داخلی همچنان موضوعی است که اهمیت مستمر دارد. عملکرد حسابرسی داخلی یک شرکت سنگ بنای حاکمیت شرکتی است که شفافیت گزارشگری مالی را بهبود می‌بخشد و انتظارات از حسابرسی داخلی افزایش یافته است، زیرا بر آن تکیه می‌شود که سهم قابل توجهی داشته باشد (الدیاستی و الامر^۳، ۲۰۲۳). وجود کنترل‌های داخلی قوی در ساختارهای مالی و اداری شرکت‌ها می‌تواند به صورت سیستماتیک رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیریت و در نتیجه انحرافات ناشی از تضاد منافع را کاهش دهد و همزمان با بهبود کیفیت گزارشگری مالی بر شیوه مدیریت بنگاه و چگونگی استفاده از منابع و سرمایه‌گذاری این منابع اثر مثبت بگذارد (مرادزاده فرد و همکاران، ۱۳۹۲).

اهمیت عملکرد حسابرسی داخلی مدتهاست که به عنوان یک تسهیل‌کننده برای مدیریت برای ایجاد و حفظ کنترل داخلی قوی بر گزارشگری مالی و کمک به حسابرسان خارجی در حسابرسی صورت‌های مالی شناخته شده است. یک عملکرد حسابرسی داخلی با کیفیت بالا می‌تواند به مدیریت در طراحی، پیاده‌سازی و حفظ کنترل داخلی

¹. Asthana & Kalelkar

². Kalash

³. El-Dyasty & Elamer

بر گزارش مالی کمک کند (صالح نژاد و وقفی، ۱۳۹۵). آریانپور و همکاران^۱ (۲۰۲۳) استدلال نمودند که عملکرد حسابرسي داخلي یک شرکت ممکن است از سه طریق بر پيش بيني های سود مدیریت تأثیر بگذارد: مدیریت ريسک شرکت، کنترل داخلي و حاکمیت شرکتی. از منظر مدیریت ريسک، عملکرد حسابرسي داخلي می تواند به کاهش عدم قطعیت سود و ريسک های پيش روی مدیریت کمک کند. کنترل داخلي در نقش نظارتی خود، ريسک شرکتهای را شناسایی می کند، ريسک های را ارزیابی می کند، و ريسک شرکت را نظارت و کنترل می کند تا تشخیص ريسک و پاسخگویی را افزایش دهد. هنگامی که خطرات و مشکلات شناسایی می شوند، حسابرسي داخلي راه حل هایی را پیشنهاد می کند و توصیه هایی را برای کاهش ريسک مناسب ارائه می دهد. در نهایت، حسابرسي داخلي با کمیته حسابرسي هیئت مدیره ارتباط برقرار می کند تا به اعضا در مورد نظارت بر ريسک و شیوه های مدیریت ريسک (مانند ريسک های زنجیره تامین و تولید) مشاوره دهد. یک عملکرد حسابرسي داخلي قوی و مؤثر می تواند مدیریت ريسک مؤثرتری را تسهیل کند که منجر به عدم اطمینان سود کمتر می شود. از این رو، با عدم قطعیت سود کمتر، مدیران احتمال بیشتری دارند که پيش بيني هایی را با دقت و صحت بالاتر منتشر کنند. عملکرد حسابرسي داخلي به عنوان کانالی برای تلاش های شرکت ها در جهت بهبود کنترل داخلي، می تواند به مدیریت در ایجاد و حفظ یک سیستم قوی کنترل داخلي بر گزارش های مالی کمک کند.

آسانا و کالیکار (۲۰۲۳) دریافتند که شرکتهایی با ساختار هیئت مدیره و کمیته حسابرسي مؤثرتر، احتمال بیشتری دارد که پيش بيني های سود مدیریتی را که دقیق تر، صادر یا به روز می کنند و بازار به این پيش بيني ها واکنش مطلوب تری نشان می دهد. لیو و همکاران^۲ (۲۰۲۳) استدلال نمودند که عملکرد حسابرسي داخلي با کیفیت بالا، اعتماد مدیران را به کیفیت داده های ورودی افزایش می دهد. در نهایت، یک عملکرد حسابرسي داخلي می تواند کیفیت پيش بيني مدیریت را از طریق بهبود در حاکمیت شرکتی کلی بهبود بخشد. کاپیک و همکاران^۳ (۲۰۲۳) در پژوهشی تاثیر کیفیت حسابرسي داخلي بر دقت پيش بيني سود شرکتهای را مورد بررسی قرار دادند. نمونه آماری این پژوهش مشتمل بر ۱۸۰ شرکت - سال مشاهده طی سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۴ بوده است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که کیفیت حسابرسي داخلي، دقت پيش بيني سود شرکتهای را بهبود می بخشد. بلگاسم - حسین و حسین^۴ (۲۰۲۳) به بررسی تعامل بین ویژگی های شخصیتی حسابرسان داخلي و اثربخشی عملکرد حسابرسي داخلي پرداختند. همچنین تأثیر چنین متغیرهای تعاملی بر کیفیت گزارشگری مالی را بررسی کردند. این مطالعه از یک بررسی پرسشنامه ای برای جمع آوری داده ها از ۱۹۳ حسابرسي داخلي شرکتهای اردنی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار امان استفاده کرد. مدل مطالعه با استفاده از مدل سازی معادلات ساختاری حداقل مربعات جزئی تأیید و آزمایش شده است. نتایج نشان می دهد که تمام ویژگی های شخصیتی بررسی شده حسابرسان داخلي به جز ویژگی برون گرایی، تأثیر معناداری بر اثربخشی عملکرد حسابرسي داخلي دارند. همچنین نتایج نشان می دهد که ویژگی های شخصیتی از طریق اثربخشی عملکرد حسابرسي داخلي بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر غیرمستقیم دارد. این نتایج نشان می دهد که حسابرسان داخلي با نمرات بالا در زمینه باز بودن نسبت به تجربه، ثبات عاطفی و ویژگی های علمی بودن می توانند از مهم ترین عوامل مؤثر در اثربخشی

¹. Arianpoor & Esmailzadeh Asali

². Liu *et al.*

³. Čupić *et al.*

⁴. Belgasem-Hussain & Hussain

عملکرد حسابرسی داخلی باشند. نتایج همچنین نشان می‌دهد که ویژگی‌های شخصیتی حساب‌برسان داخلی می‌تواند به عنوان یک منبع نامشهود عملکرد حسابرسی داخلی در نظر گرفته شود که اثربخشی را افزایش می‌دهد. حسن و همکاران^۱ (۲۰۲۳) در پژوهش خود به بررسی تاثیر کیفیت کنترل‌های داخلی بر نگهداشت غیرعادی وجه نقد شرکت‌های چینی طی سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۵ پرداختند و به این نتیجه رسیدند که شرکت‌های دارای کنترل داخلی با کیفیت‌تر، تمایل کمتری برای نگهداشت غیرعادی وجه نقد دارند. شهیم پر مهر و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی به مطالعه رابطه بین توانایی مدیریت و پیش‌بینی سود توسط مدیران (دیدگاه حسابداری مدیریت) پرداختند. یافته‌های تحقیق بیان گر این مطلب است که بین توانایی مدیر با احتمال افزایش پیش‌بینی، دقت پیش‌بینی و دفعات پیش‌بینی ارتباط معناداری وجود دارد. در نتیجه می‌توان گفت که توانایی مدیرعامل موثری بر پیش‌بینی سود توسط مدیران می‌باشد. علی مدد و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی تاثیر بحران مالی و مالکیت خانوادگی بر مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخت. نتایج حاصل از بررسی فرضیه‌ها نشان داد بین بحران مالی و مدیریت سود رابطه معناداری وجود دارد. به عبارتی دیگر شرکت‌های دارای بحران مالی از طریق دستکاری فعالیت‌های واقعی بیشتر به مدیریت سود می‌پردازند و همچنین مالکیت خانوادگی با مدیریت سود رابطه معکوس و معناداری دارد به عبارتی دیگر شرکت‌های خانوادگی کمتر به مدیریت سود می‌پردازند. در نهایت نتایج حاصله حاکی از این است که بحران مالی و مالکیت خانوادگی با مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری دارد. سادات حسینی و بشکوه (۱۳۹۹) در پژوهشی به بررسی مدیریت سود واقعی، توانایی مدیران و عملکرد آتی شرکت پرداختند. نتایج به دست آمده نشان داد میان مدیریت سود واقعی و عملکرد آتی شرکت‌ها رابطه منفی ضعیفی وجود دارد که با دخالت توانمندی مدیران، ارتباط مذکور ضعیف‌تر شد. موریان زاده و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی تاثیر مالکیت خانوادگی و غیرخانوادگی بر رابطه بین حاکمیت شرکتی و مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار پرداختند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها نشان داد که بین متغیرهای اندازه هیئت‌مدیره و درصد مالکیت نهادی با مدیریت سود شرکت رابطه منفی و معناداری وجود دارد، ولی بین متغیرهای تفکیک وظایف مدیرعامل از رئیس هیئت‌مدیره و نسبت تعداد مدیران غیرموظف در هیئت‌مدیره با مدیریت سود رابطه معناداری یافت نشد. مالکیت خانوادگی و غیرخانوادگی بر رابطه بین دو متغیر اندازه هیئت‌مدیره و درصد مالکیت نهادی تأثیر دارد، ولی بر رابطه بین متغیرهای تفکیک وظایف مدیرعامل از رئیس هیئت‌مدیره و نسبت تعداد مدیران غیرموظف در هیئت‌مدیره با مدیریت سود تأثیر معناداری ندارد. همچنین نتایج پژوهش نشان داد که بین متغیرهای اهرم مالی، رشد شرکت با مدیریت سود رابطه معناداری وجود دارد، ولی بین متغیر اندازه شرکت با مدیریت سود رابطه معناداری یافت نشد.

فرضیه پژوهش

بین کیفیت عملکرد حسابرسی داخلی و دقت پیش‌بینی سود مدیران شرکت‌ها رابطه معناداری وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

تحقیق حاضر، پژوهشی کاربردی بوده و از نظر طبقه‌بندی بر مبنای روش، تحقیق توصیفی محسوب می‌شود و از میان پژوهش‌های توصیفی، از نوع همبستگی است. جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش را کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ تشکیل می‌دهد. نمونه انتخابی تحقیق نیز شرکت‌هایی می‌باشند که مجموعه شرایط زیر را دارا باشند:

- ۱- شرکت‌هایی که تاریخ پذیرش آن‌ها در سازمان بورس اوراق بهادار قبل از سال ۱۳۹۶ بوده و تا پایان سال ۱۴۰۰ نیز در فهرست شرکت‌های بورس‌ای باشند.
- ۲- به منظور افزایش قابلیت مقایسه، سال مالی آن‌ها منتهی به پایان اسفند ماه باشد.
- ۳- طی دوره‌های مورد نظر تغییر فعالیت و یا تغییر سال مالی نداده باشند.
- ۴- جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری‌های مالی نباشند.

پس از اعمال محدودیت‌های فوق، تعداد ۱۳۶ شرکت به عنوان نمونه آماری مورد مطالعه در این تحقیق انتخاب گردید. داده‌های مورد نیاز شرکت‌های منتخب با مراجعه به صورت‌های مالی و یادداشت‌های توضیحی همراه صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران موجود در سامانه کدال، پایگاه اینترنتی بورس اوراق بهادار و نیز از نرم‌افزار ره‌آورد نوین استخراج گردید. جهت تجزیه و تحلیل نهایی داده‌ها نیز از نرم افزارهای اقتصادسنجی ایویوز نسخه چهارده و استاتا استفاده شده است.

در این تحقیق، به منظور آزمون فرضیه پژوهش از مدل رگرسیون چند متغیره زیر که برگرفته از پژوهش هان^۱ و همکاران (۲۰۲۲) می‌باشد، استفاده شده است:

$$EFA_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 IAQ_{i,t} + \beta_2 SIZE_{i,t} + \beta_3 ROE_{i,t} + \beta_4 AGE_{i,t} + \beta_5 MTB_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

که در مدل فوق:

دقت پیش‌بینی سود (EFA) به‌عنوان متغیر وابسته پژوهش در نظر گرفته شده که به‌صورت منفی قدرمطلق تفاوت بین سود هر سهم پیش‌بینی شده و سود هر سهم واقعی تقسیم بر قیمت هر سهم، محاسبه می‌شود.

متغیر مستقل این پژوهش، کیفیت عملکرد حسابرسی داخلی (IAQ) است که برای سنجش آن مطابق با پژوهش ولی‌زاده لاریجانی و خدایی (۱۴۰۰) حقیقت‌شهرستانی و همکاران (۱۴۰۰) و هان و همکاران (۲۰۲۲) از سه سنجه شامل اندازه، قدمت و صلاحیت واحد حسابرسی داخلی استفاده شده است. از آنجا که بکارگیری هر یک از معیارهای فوق به‌طور مجزا، ممکن است باعث بروز ابهام و حصول نتایج غیرقابل اتکا در اندازه‌گیری کیفیت عملکرد حسابرسی داخلی شود، لذا مشابه با تحقیقات قبلی، این معیارها در یک شاخص ترکیبی با یکدیگر ترکیب می‌شوند. بدین منظور ابتدا هر یک از این معیارها پس از محاسبه، به‌صورت اعداد صفر یا یک استاندارد می‌شوند. به‌طوری‌که اگر تعداد کارکنان واحد حسابرسی داخلی شرکت بالاتر از میانه شرکت‌های نمونه باشد به آن عدد یک و در غیر این‌صورت عدد صفر، در صورتی‌که قدمت واحد حسابرسی داخلی شرکت بالاتر از میانه شرکت‌های نمونه باشد به آن عدد یک و در غیر این‌صورت عدد صفر و چنانچه حسابرسی داخلی شرکت عضو جامعه حسابداران رسمی یا انجمن حسابرسان

^۱. Han

داخلی ایران باشد، به آن عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر اختصاص داده می‌شود. در نهایت حاصل جمع مقادیر فوق برای هر شرکت، بیانگر شاخص کیفیت عملکرد حسابرسی داخلی آن خواهد بود. دامنه تغییرات این شاخص جامع بین ۰ تا ۳ بوده، به طوری که مقادیر بزرگ‌تر (کوچک‌تر) بیانگر کیفیت بالاتر (پایین‌تر) حسابرسی داخلی شرکت می‌باشد.

متغیرهای کنترلی پژوهش به شرح زیر است:

$SIZE_{i,t}$: اندازه شرکت i در سال t که از طریق لگاریتم فروش خالص سالیانه شرکت اندازه‌گیری می‌شود.

$ROE_{i,t}$: بیانگر سودآوری شرکت i در سال t است که از تقسیم سود خالص بر ارزش بازار حقوق صاحبان سهام شرکت محاسبه می‌شود.

$AGE_{i,t}$: سن شرکت i در سال t که بر اساس فاصله زمانی بین تاریخ تاسیس شرکت تا پایان دوره زمانی پژوهش، اندازه‌گیری می‌شود.

$MTB_{i,t}$: فرصت‌های رشد شرکت i در سال t است که از طریق نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام بدست می‌آید.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

جدول ۱ آمار توصیفی داده‌های مربوط به متغیرهای مورد استفاده در تحقیق را نشان می‌دهد. این آمار توصیفی، در خصوص ۱۳۶ شرکت نمونه طی سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ است که نتایج تحلیل توصیفی داده‌ها را می‌توان در قالب موارد زیر خلاصه نمود:

همان‌گونه که در این جدول ملاحظه می‌شود، مقادیر میانگین و میانه کیفیت حسابرسی داخلی به ترتیب ۲/۱۶۶ و ۲ می‌باشد که این موضوع بیانگر آن است که شرکت‌های نمونه، از حسابرسان داخلی نسبتاً با کیفیتی برخوردارند. همچنین، میانگین و میانه سودآوری شرکت‌های نمونه به ترتیب ۲۲ درصد و ۲۳ درصد می‌باشد. علاوه بر این، متوسط سن شرکت‌های مورد بررسی حدود ۴۰ سال است. ضمن اینکه، مقادیر میانگین فرصت‌های رشد (۳/۷۸۴) نیز حاکی از آن است که ارزش بازار حقوق صاحبان سهام شرکت‌های نمونه، حدود ۴ برابر ارزش دفتری آن‌ها است.

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	نماد	کمترین	بیشترین	میانگین	میانه	انحراف معیار
دقت پیش‌بینی سود	EFA	-۰/۴۶۳	-۰/۰۰۸	-۰/۱۰۹	-۰/۰۹۷	۰/۱۵۵
کیفیت حسابرسی داخلی	IAQ	۰/۰۰۰	۳/۰۰۰	۲/۱۶۶	۲/۰۰۰	۰/۳۷۹
اندازه شرکت	SIZE	۹/۶۶۲	۱۴/۵۴۹	۱۲/۶۳۲	۱۲/۴۰۸	۰/۵۶۱
سودآوری	ROE	-۰/۴۲۸	۰/۴۱۹	۰/۲۲۷	۰/۲۳۱	۰/۳۸۹
سن شرکت	AGE	۱۵	۶۸	۳۹/۶۰۲	۴۰	۱۰/۰۱۵
فرصت‌های رشد	MTB	-۲/۶۰۳	۸/۴۴۲	۳/۷۸۴	۳/۹۰۲	۱/۶۶۷

نتایج آزمون فرضیه

داده‌های این پژوهش به صورت داده‌های ترکیبی می‌باشند، در داده‌های ترکیبی ابتدا از آزمون اف لیمر استفاده می‌شود تا تلفیقی یا تابلویی بودن داده‌ها مشخص گردد و در صورت استفاده از روش داده‌های تابلویی، به منظور اینکه مشخص گردد کدام روش (اثرات ثابت یا اثرات تصادفی) برای برآورد مدل مناسب‌تر است، از آزمون هاسمن استفاده می‌شود. همچنین برای تشخیص ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی سریالی در مدل، به ترتیب از آزمون نسبت درست‌نمایی (LR) و وولدریج استفاده گردید که نتایج حاصل از این آزمون‌ها در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. نتایج آزمون‌های مورد استفاده برای مدل پژوهش

نوع آزمون	آماره آزمون	سطح معناداری	نتیجه آزمون
آزمون F لیمر	۱۵/۵۰۸	۰/۰۰۰	کارایی روش تابلویی
آزمون هاسمن	۱۳/۳۸۲	۰/۰۱۴	کارایی روش اثرات ثابت
آزمون نسبت درست‌نمایی	۳۴۱/۲۴	۰/۰۰۰	ناهمسانی واریانس
آزمون وولدریج	۲/۱۰۲	۰/۱۲۷	عدم وجود خود همبستگی

با توجه به جدول فوق، آزمون اف لیمر و سطح معناداری آن (۰/۰۰۰) کمتر از ۰/۰۵ بوده، لذا فرضیه صفر آزمون رد شده و بیانگر آن است که باید از روش داده‌های تابلویی استفاده شود. همچنین با توجه به نتایج آزمون هاسمن و سطح معناداری آن (۰/۰۱۴) لازم است که مدل با استفاده از روش اثرات ثابت برآورد گردد. نتایج آزمون نسبت درست‌نمایی و سطح معناداری آن (۰/۰۰۰) نشان می‌دهد که مدل دارای مشکل ناهمسانی واریانس است که به منظور رفع این مشکل، از روش حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) برای برآورد مدل استفاده شد. همچنین، سطح معناداری آزمون وولدریج (۰/۱۲۷) حاکی از عدم وجود خود همبستگی سریالی در مدل است. علاوه بر این، به منظور اطمینان از عدم وجود مشکل همخطی بین متغیرهای توضیحی، آزمون همخطی با استفاده از عامل تورم واریانس (VIF) مورد بررسی قرار گرفت که نتایج این آزمون در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. نتایج آزمون همخطی برای مدل پژوهش

متغیر	نماد متغیر	عامل تورم واریانس	تلورانس
کیفیت حسابرسي داخلي	IAQ	۱/۳۲	۰/۷۵۷
اندازه شرکت	SIZE	۱/۲۶	۰/۷۹۳
سودآوری	ROE	۱/۲۹	۰/۷۷۵
سن شرکت	AGE	۱/۳۴	۰/۷۴۶
فرصت‌های رشد	MTB	۱/۳۱	۰/۷۶۳

زمانی که عامل تورم واریانس کوچک‌تر از ۵ و تلورانس نزدیک به ۱ باشد، نشان‌دهنده عدم وجود همخطی بین متغیرهای مدل است. همان‌گونه که در جدول ۳ مشاهده می‌گردد، میزان عامل تورم واریانس در کلیه موارد کمتر از ۵ و میزان تلورانس نزدیک به یک است. بنابراین می‌توان دریافت که مشکل همخطی چندگانه تهدیدی جدی برای مدل محسوب نمی‌شود. نتایج حاصل از آزمون فرضیه پژوهش در جدول ۴ نشان داده شده است.

جدول ۴: نتایج آزمون فرضیه پژوهش

متغیر	نماد	ضریب	انحراف معیار	آماره t	معناداری
عرض از مبدا	B ₀	۰/۳۰۲	۰/۰۶۱	۴/۹۸۸	۰/۰۰۰
کیفیت حسابرسی داخلی	IAQ	۰/۱۴۱	۰/۰۳۸	۳/۶۶۱	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	SIZE	۰/۱۶۳	۰/۰۵۴	۳/۰۱۸	۰/۰۰۲
سودآوری	ROE	۰/۱۱۹	۰/۰۴۱	۲/۹۶۷	۰/۰۰۳
سن شرکت	AGE	۰/۰۸۷	۰/۰۵۱	۱/۷۳۳	۰/۰۸۴
فرصت‌های رشد	MTB	۰/۰۸۱	۰/۰۵۴	۱/۴۹۱	۰/۱۳۶
	آماره F فیشر			۱۲/۷۳۳	
	معناداری آماره F			۰/۰۰۰	
	ضریب تعیین تعدیل‌شده			۰/۵۷۲	
	آماره دوربین واتسون			۱/۹۶۳	

ملاحظه مقدار آماره F در این جدول و سطح معناداری آن (۰/۰۰۰) بیانگر معناداری کلی مدل رگرسیونی برازش شده در سطح خطای ۵ درصد است. با توجه به مقدار ضریب تعیین تعدیل شده مدل می‌توان ادعا نمود که حدود ۵۷ درصد از تغییرات دقت پیش‌بینی سود شرکت‌ها توسط متغیرهای مستقل و کنترلی مدل توضیح داده می‌شود. همان‌گونه که از نتایج جدول ۴ نیز مشهود است، ضریب برآوردی و آماره t مربوط به متغیر کیفیت حسابرسی داخلی مثبت و در سطح خطای ۵ درصد معنادار بوده که حاکی از وجود رابطه مثبت معنادار بین کیفیت حسابرسی داخلی و دقت پیش‌بینی سود شرکت‌ها می‌باشد. بر مبنای این شواهد، فرضیه پژوهش پذیرفته می‌شود. در خصوص متغیرهای کنترلی مدل نیز همان‌طور که در جدول ۴ نشان داده شده است، متغیرهای اندازه شرکت و سودآوری شرکت، با دقت پیش‌بینی سود مدیران رابطه مثبت و معناداری دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

رسوایی‌های حسابداری در سال‌های اخیر که در سطح عموم به‌طور گسترده‌ای انتشار یافته، موجب شده که توجه بیشتری به عملکرد حسابرسی داخلی به‌عنوان عامل مهم در ایجاد گزارشگری مالی باکیفیت شود. حسابرسی داخلی یک فعالیت مستقل و بی‌طرفانه اطمینان‌بخش و مشاوره‌ای است که به‌منظور ایجاد ارزش افزوده و بهبود عملکرد یک سازمان طراحی و اجرا می‌شود. در واقع حسابرسی داخلی، سازمان را در دستیابی به هدف‌هایش، برای ارزیابی و بهبود

اثربخشي فرآيندهای مديریت ريسک، کنترل و نظام راهبري شرکتي ياری می‌دهد (چادا و وارادهاراجان^۱، ۲۰۱۷). امروزه اهميت حسابرسي داخلي در سازمان های مختلف در سراسر جهان غيرقابل انکار است. بر اين اساس، طيف وسيعی از مطالعات قبلی به بررسی پیامدهای کیفیت حسابرسي داخلي پرداخته‌اند. برای مثال، نتايج حاصل از نظرسنجی صورت گرفته از سهامداران و مديران ارشد موسسه کی. پی. ام. جی. نشان می‌دهد که وجود واحد حسابرسي داخلي باکیفیت، می‌تواند موجب افزايش درآمدهای آتی، کاهش هزینه‌ها و مخارج سرمایه‌ای شرکت‌ها گردد. علاوه براین، حسابرسي داخلي در تعیین استراتژی‌های رشد شرکت و ارزیابی ريسک‌های مرتبط با ارزش شرکت و بازده سرمایه‌گذاری، نقش مهمی ایفا می‌کند. از این‌رو، شناسایی پیامدهای بالقوه کیفیت حسابرسي داخلي اهميت بسزایی می‌یابد. لذا در پژوهش حاضر، تاثیر کیفیت حسابرسي داخلي بر دقت پيش‌بيني سود شرکت‌ها مورد آزمون تجربی قرار گرفت. برای آزمون فرضیه تحقیق از اطلاعات مالی شرکت‌های پذيرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در فاصله زمانی سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ استفاده شده است، به طوری که پس از اعمال محدودیت‌های مورد نظر در این تحقیق، نمونه نهایی متشکل از ۱۳۶ شرکت انتخاب شدند. پس از اندازه‌گیری متغیرهای تحقیق، از تحلیل رگرسیون چندمتغیره مبتنی بر تخمین داده‌های تابلویی برای آزمون فرضیه تحقیق استفاده گردید.

فرضیه پژوهش حاضر، تاثیر کیفیت حسابرسي داخلي بر دقت پيش‌بيني سود شرکت‌ها را بررسی نموده است. نتايج آزمون این فرضیه حاکی از آن است که کیفیت حسابرسي داخلي بر دقت پيش‌بيني سود شرکت‌ها، تاثیر مثبت و معناداری دارد. این یافته بدان معناست که اطلاعات تهیه شده توسط واحد حسابرسي داخلي باکیفیت، به‌عنوان یک درونداد مهمی برای اتخاذ تصمیمات مالی و پيش‌بيني سود مديران به‌شمار می‌رود. چرا که، حسابرسي داخلي باکیفیت، اطلاعات دقیق‌تری را در اختیار مديران شرکت قرار می‌دهد و افزايش کیفیت اطلاعات مديران سبب بهبود کیفیت سود پيش‌بيني شده به‌وسیله آن‌ها می‌گردد. بنابراین، شرکت‌های دارای حسابرسان داخلي باکیفیت‌تر از انگیزه بیشتری برای پيش‌بيني‌های سود دقیق‌تر برخوردارند؛ زیرا پيش‌بيني‌های دقیق‌تر سود حاوی محتوای اطلاعاتی بوده و می‌تواند منجر به واکنش مثبت بازار و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین مديران و سرمایه‌گذاران شود. ضمن آنکه پيش‌بيني سود دقیق‌تر، شایستگی و اعتبار مديران را نشان می‌دهد و می‌تواند موجب شهرت بیشتر مديران گردد. نتیجه بدست آمده در این تحقیق، با یافته‌های پژوهش الناهاس و همکاران^۲ (۲۰۲۲) مبنی بر تاثیر مثبت کیفیت حسابرسي داخلي بر دقت پيش‌بيني سود شرکت‌ها، مطابقت دارد.

براساس یافته‌های پژوهش حاضر مبنی بر تاثیر مثبت کیفیت حسابرسي داخلي بر دقت پيش‌بيني سود شرکت‌ها، به سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران بازار سرمایه پیشنهاد می‌گردد که هنگام اتخاذ تصمیمات سرمایه‌گذاری در کنار سایر عوامل، به کیفیت حسابرسي داخلي شرکت‌ها نیز توجه نموده و آن را به‌عنوان عاملی موثر بر دقت پيش‌بيني سود مديران شرکت‌ها در مدل‌های تصمیم‌گیری خود لحاظ نمایند. به سازمان بورس اوراق بهادار به‌عنوان نهاد نظارتی بازار سرمایه نیز پیشنهاد می‌گردد که ضمن نظارت هرچه بیشتر بر استقرار واحد حسابرسي داخلي شرکت‌های بورسی، الزاماتی را در راستای افزايش اثربخشي حسابرسي داخلي شرکت‌ها وضع نماید و بدین ترتیب، بسترهای لازم برای ارائه اطلاعات با کیفیت‌تر به مديران و به تبع آن، پيش‌بيني‌های سود دقیق‌تر آنان را فراهم نماید و به مديران شرکت‌های

^۱. Chada & Varadharajan

^۲. Elnahass et al.

بورسی نیز پیشنهاد می‌گردد که با بکارگیری و استخدام حسابرسان داخلی با کیفیت‌تر، پیش‌بینی‌های سود دقیق‌تری را به بازار ارائه نمایند. به موسسات حسابرسی پیشنهاد می‌گردد که هنگام برنامه‌ریزی عملیات حسابرسی صاحبکار و تعیین نوع، ماهیت، زمان‌بندی و میزان آزمون محتوا، کیفیت حسابرسی داخلی شرکت‌های صاحبکار را نیز مدنظر قرار دهند.

یکی از مهم‌ترین محدودیت‌های پژوهش حاضر در خصوص اندازه‌گیری متغیر کیفیت حسابرسی داخلی است. به‌طوری که، برای اندازه‌گیری متغیر مذکور تنها معیارهای ورودی واحد حسابرسی داخلی نظیر اندازه، قدمت و صلاحیت واحد حسابرسی داخلی، در دسترس بود و معیارهای خروجی که نشان‌دهنده عملکرد حسابرسی داخلی است در هیچ گزارشی توسط شرکت‌های بورسی منتشر نمی‌شود. همچنین متغیرهای کنترلی متعددی که بر دقت پیش‌بینی سود شرکت‌ها اثرگذار بودند، در نظر گرفته شده و در برآورد مدل لحاظ گردیدند. با این حال، همچنان امکان وجود متغیرهای مرتبط حذف شده وجود دارد که می‌تواند در تعمیم نتایج تحقیق اثرگذار باشد.

با توجه به نتایج تحقیق و سوالاتی که طی انجام آن برای محقق مطرح گردید، جهت تکمیل این تحقیق و انجام تحقیقات بیشتر در حوزه‌های مرتبط با این پژوهش، پیشنهادات زیر ارائه می‌شود:

- ۱) بررسی تاثیر اثربخشی کمیته حسابرسی بر دقت پیش‌بینی سود شرکت‌ها.
- ۲) بررسی تاثیر کیفیت حسابرسی بر دقت پیش‌بینی سود شرکت‌ها.
- ۳) بررسی تاثیر کیفیت حسابرسی داخلی بر شفافیت گزارشگری مالی شرکت‌ها.
- ۴) بررسی تاثیر کیفیت حسابرسی داخلی بر کارایی سرمایه‌گذاری شرکت‌ها.
- ۵) بررسی نفش تعدیل‌کنندگی حاکمیت شرکتی بر رابطه بین کیفیت حسابرسی داخلی و دقت پیش‌بینی سود شرکت‌ها.

فهرست منابع

- حاج نوروزی، احمد، فاضلی، نقی و فغانی ماکرانی، خسرو. (۱۴۰۲). فراتحلیل بررسی تاثیر اندازه شرکت بر دقت پیش‌بینی سود. *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، ۱۲(۴۷)، ۳۴۳-۳۵۶.
- حسینی، لیلا سادات و بشکوه، مهدی. (۱۳۹۹). مدیریت سود واقعی، توانایی مدیران و عملکرد آتی شرکت: شواهدی از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *مطالعات کمی در مدیریت*، ۱۱(۴۲)، ۵-۲۶.
- حقیقت شهرستانی، مهدی، دستگیر، محسن، و سروش یار، افسانه. (۲۰۲۲). تأثیر محافظه‌کاری شرطی و غیرشرطی بر سطح سرمایه‌گذاری آتی و ارزش سهام. *پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی*. ۱۴(۵۳)، ۱-۳۰.
- شهیم پرمهر، ضیال‌الدین، نصرتی، شهره، مظهری فر و امر کنارگیر، سمیه. (۱۳۹۹). مطالعه رابطه بین توانایی مدیریت و پیش‌بینی سود توسط مدیران (دیدگاه حسابداری مدیریت). *اولین کنفرانس بین‌المللی چالش‌ها و راهکارهای نوین در مهندسی صنایع و مدیریت و حسابداری*.

صالح نژاد، حسن و وقفي، حسام. (۱۳۹۵). تأثير پيش بيني سود توسط مديريت بر ريسک و ارزش شرکت. راهبرد مديريت مالي، ۴(۱)، ۱۰۳-۱۲۴.

علي مدد، بهناز و ذبيحي، علي. (۱۳۹۷). بررسی تاثیر بحران مالي و مالکیت خانوادگی بر مديريت سود. کنفرانس ملي مديريت، حسابداري و توسعه کسب و کار.

کیان، علي رضا و فقيه، محسن. (۱۴۰۲). تأثير مشکل نمايندگی بر قدرت پيش بيني کنندگی سود در شرکت های خانوادگی: نقش ميانجی مديريت سود. کاوش های نوين در علوم محاسباتی و مديريت رفتاری، ۱(۱)، ۱-۲۰.

محمودزاده، ميثم، کيقبادی، اميررضا، نوجوان، مهناز و سلطانی، فريبا. (۱۴۰۲). رابطه بين ريسک پذيری، ارزش شرکت و قضاوت مديريت از سود. قضاوت و تصميم گيري در حسابداري و حسابرسي، ۲(۵)، ۱۶۲-۱۳۹.

مرادزاده فرد، مهدي، عليپور درويش، زهرا و نظری، هماد. (۱۳۹۲). بررسی خطای پيش بيني سود مديريت و محتوای اطلاعاتی اقلام تعهدی در شرکت های پذيرفته شده بورس اوراق بهادار تهران. دانش حسابداري و حسابرسي مديريت، ۲(۷)، ۲۸-۱۵.

مرجانیان، یزدان، شاه ويسي، فرهاد، ايواني، فرزاد و خانزادی، آزاد. (۱۳۹۹). بررسی اثر اخبار پيش بيني سود مديريت بر قابليت پيش بيني سود و اختلالات افشاء. مطالعات تجربي حسابداري مالي، ۱۷(۶۶)، ۸۷-۱۲۲.

موريانزاده، نعيم و شمس الديني، کاظم. (۱۳۹۵). بررسی تأثير مالکیت خانوادگی و غير خانوادگی بر رابطه بين حاکمیت شرکتي و مديريت سود. پنجمين کنفرانس بين المللی حسابداري و مديريت و دومين کنفرانس کارآفريني و نوآوری های باز.

موسوی شيری، سيد محمود، سبزی، صغری و قدردان، احسان. (۱۴۰۲). بررسی رابطه بين استراتژی های تجاری شرکت و توانايی مديريت در دوره بحران مالي با کیفیت سود. مطالعات حسابداري و حسابرسي، ۴۵، ۵۷-۸۰.

ولی زاده لاریجانی، اعظم، و خدایی، مونا. (۲۰۲۱). اثر تعديل کننده کیفیت عملکرد حسابرسي داخلي بر رابطه بين کیفیت حاکمیت شرکتي و عملکرد شرکت. پژوهش های حسابداري مالي و حسابرسي، ۱۳(۵۲)، ۱-۲۲.

Ali Madd, B., & Zabihi, A. (2017). Investigating the impact of financial crisis and family ownership on profit management. *National Conference on Management, Accounting and Business Development*. [In Persian]

Arianpoor, A., & Esmailzadeh Asali, F. (2023). The impact of earnings volatility, environmental uncertainty and COVID-19 pandemic on accounting comparability in an emerging economy. *Asian Review of Accounting*. <https://doi.org/10.1108/ARA-10-2022-0257>

Asthana, S., & Kalelkar, R. (2023). Effect of geomagnetic activity on investors and managers: evidence from the pricing and timing of disclosure of earnings news. *Asian Review of Accounting*, 31(3), 387-413.

Belgasem-Hussain, A. A., & Hussaien, Y. I. (2020). Earnings management as an ethical issue in view of Kohlberg's theory of moral reasoning. *Journal of Financial Crime*, 30(2), 522-535.

- Chada, S., & Varadharajan, G. (2023). Earnings quality, institutional investors and corporate cash holdings: evidence from India. *International Journal of Managerial Finance*. <https://doi.org/10.1108/IJMF-05-2022-0224>
- Čupić, M., Todorović, M., & Benković, S. (2023). Value relevance of accounting earnings and cash flows in a transition economy: the case of Serbia. *Journal of Accounting in Emerging Economies*, 13(3), 541-565.
- El-Dyasty, M. M., & Elamer, A. A. (2023). Female leadership and financial reporting quality in Egypt. *Journal of Applied Accounting Research*, 24(3), 583-605.
- Elnahass, M., Tahir, M., Abdul Rahman Ahmed, N., & Salama, A. (2023). Internal governance mechanisms and information value of banks' earnings. *Journal of Accounting in Emerging Economies*. <https://doi.org/10.1108/JAEE-09-2020-0247>
- Hajnoroozi, A., Fazeli, N., & Faghani Makrami, K. (2023). Meta-analysis of investigating the effect of company size on the accuracy of earnings forecasting. *Journal of Management Accounting and Auditing Knowledge*, 12(47), 343-356. [In Persian]
- Han, X., Xu, H., Zhang, C., Shen, Y., & Lu, X. (2022). Will the Narrowing Pay Gap in Chinese State-owned Enterprises Improve Internal Control Quality?. *Emerging Markets Finance and Trade*, 58(12), 3340-3354.
- Hassan, I. M., Amin, H. M., Mostafa, D., & Elamer, A. A. (2023). Roles of board of directors and earnings management across SMEs life cycle: evidence from the UK. *International Journal of Accounting & Information Management*, 31(4), 676-703.
- Hosseini, L. S., & Beshkoh, M. (2019). Real earnings management, managers' ability and company's future performance: Evidence from companies listed in Tehran Stock Exchange. *Quantitative Studies in Management*, 11(42), 5-26. [In Persian]
- Kalash, I. (2023). Corporate sustainability performance in the emerging market of Turkey: the role of accounting information quality and firm risk. *Journal of Economic and Administrative Sciences*, 39(1), 78-99.
- Karajeh, A. I. (2023). The moderating role of board diversity in the nexus between the quality of financial disclosure and dividends in Jordanian-listed banks. *Asia-Pacific Journal of Business Administration*, 15(4), 553-571.
- Karim, K. E. (Ed.). (2023). *Advances in accounting behavioral research*. Emerald Publishing Limited.
- Kent, P. F., Kent, R., & Killey, M. (2023). Analysts' perceptions of cash flow reporting: earnings reliability, confidence and implications for evaluating firm performance. *Journal of Accounting Literature*. <https://doi.org/10.1108/JAL-01-2023-0016>
- Kian, A & Faqih, M. (2023). The effect of agency problem on the predictive power of earnings in family firms: the mediating role of earnings management. *New Explorations in Computational Sciences and Behavioral Management*, 1(1), 1-20. [In Persian]
- Liu, Y., Chen, J. Z., Chi, W., & Long, X. (2023). Auditors' legal liability and client firms' comparability: evidence from China. *Managerial Auditing Journal*, 38(5), 685-709.
- Mahmoudzade, M., Keyghobadi, A., Nojavan, M., & Soltani, F. (2023). The Relationship between Risk-Taking, Company Value and Management Judgment of Profit. *Judgment and Decision Making in Accounting and Auditing*, 2(5), 139-162. [In Persian]
- Marjanian, Y., Shah Veisi, F., Ivani, F., & Khanzadi, A. (2019). Investigating the effect of management profit forecast news on profit predictability and disclosure disorders. *Financial accounting empirical studies*, 17(66), 87-122. [In Persian]

Moradzadehfard, M., Nazari, H., Alipur Darvish, Z., & Heydari, K. (2012). Evaluation of management earnings forecast error and information content of accruals: listed companies in Tehran stock exchange. *Management accounting and auditing knowledge*, 2(7), 15-28. [In Persian]

Mourianzadeh, N., & Shamsaldini, K. (2015). Examining the effect of family and non-family ownership on the relationship between corporate governance and earnings management. *The fifth international conference on accounting and management and the second conference on entrepreneurship and open innovations*. [In Persian]

Mousavi Shiri, S. M., Sabzi, S., & Ghadrnan, E. (2023). Investigating the Relationship Between the Company's Business Strategies and Management Ability in Times of Financial Crisis with Profit Quality. *Accounting and Auditing Studies*, 12(45), 57-80. [In Persian]

Rezaee, Z., & Safarzadeh, M. H. (2023). Corporate governance and earnings quality: the behavioral theory of corporate governance (evidence from Iran). *Corporate Governance: The international journal of business in society*, 23(1), 189-218.

Salehnejad, H., & Waqfi, H. (2015). The effect of profit forecasting by management on risk and company value. *Financial Management Strategy*, 4(1), 103-124. [In Persian]

Shahim Parmehar, Z., Nusrati, S., Mazharifar & Amr Kanaghir, S. (2019). Studying the relationship between management ability and profit forecast by managers (management accounting perspective). *The first international conference on new challenges and solutions in industrial engineering and management and accounting*. [In Persian]

Examining the relationship between conservative reporting practices and company performance in the capital market during the COVID-19 pandemic period

Malektaj Maleki Oskouei¹, Mohammad Hassani², Saeed Mirzakhani³

Received: October 30, 2023

Accepted: November 17, 2023

Abstract

Purpose: This research examines the relationship between conditional and unconditional conservative reporting and performance (stock performance, excess performance, abnormal performance) of companies in the capital market during the COVID-19 pandemic.

Methodology: This research is descriptive in nature and applied in terms of purpose. Since the variables in this study are analyzed through historical data, it falls into the category of descriptive and post-event studies. This research involved formulating two sets of hypotheses and selecting 110 companies through a comprehensive population screening for an 8-year period from 2014 to 2021. The research variables were collected and analyzed using EViews 10 statistical software.

Findings: The results of the first set of hypotheses suggest that the COVID-19 pandemic weakens the relationship between conditional conservative reporting linked to news and the stock performance of companies but strengthens excess performance and abnormal performance. The results of the second set of hypotheses indicate that the COVID-19 pandemic strengthens the relationship between unconditional conservative reporting, independent of news, and stock performance of companies but has no impact on excess performance and abnormal performance.

Originality: This is the first study in Iran to investigate the relationship between different types of conservative reporting by companies and stock performance during the COVID-19 pandemic. Additionally, this research expands the literature on the relationship between conservatism and stock performance.

Keywords: Conservative reporting, COVID-19 pandemic, stock performance

JEL Classification: M41, G1

1. Department of Accounting, Faculty of Management, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author). (m_oskouei@iau-tnb.ac.ir)

2. Department of Accounting, Faculty of Management, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (m_hassani@iau-tnb.ac.ir)

3. Department of Accounting, Faculty of Management, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (saeid68mirzakhani1408@gmail.com)

Cite this paper: Maleki Oskouei, M., Hassani, M., & Mirzakhani, S. (2023). Examining the relationship between conservative reporting practices and company performance in the capital market during the COVID-19 pandemic. *Journal of Accounting & Financial Transparency*, 1(1), 16-40. [In Persian]

رابطه انواع گزارشگری محافظه کارانه با بازدهی شرکت‌ها در بازار سرمایه طی دوره همه‌گیری کووید ۱۹

ملک تاج ملکی اسکویی^۱، محمد حسنی^۲، سعید میرزاخانی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۲۶

چکیده

هدف: پژوهش حاضر به مطالعه رابطه بین گزارشگری محافظه کارانه شرطی و غیر شرطی و بازدهی (بازدهی سهام، بازدهی مازاد، بازدهی غیرعادی) شرکت‌ها در بازار سرمایه طی دوره همه‌گیری کووید ۱۹ می‌پردازد.

روش شناسی: این پژوهش از نظر ماهیت و روش توصیفی و از نظر هدف، یک پژوهش کاربردی است. از آنجایی که در پژوهش حاضر متغیرها از طریق اطلاعات گذشته مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند، در ردیف مطالعات توصیفی و از نوع پس رویدادی می‌باشد. انجام این پژوهش با تدوین دو سری فرضیه و انتخاب ۱۱۰ شرکت با غربالگری جامعه آماری برای دوره زمانی ۸ ساله بین ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۰ بوده و داده‌های مربوط به متغیرهای پژوهش با استفاده از نرم‌افزار ایویوز نسخه ۱۰ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های سری اول نشان داد همه‌گیری کووید ۱۹ ارتباط بین گزارشگری محافظه کارانه شرطی_وابسته به اخبار_ با بازدهی سهام شرکت‌ها را تضعیف، ولی بازدهی مازاد و بازدهی غیرعادی را تقویت می‌نماید. همچنین نتایج فرضیه‌های سری دوم نشان داد همه‌گیری کووید ۱۹ ارتباط بین گزارشگری محافظه کارانه غیرشرطی_مستقل از اخبار_ با بازدهی سهام شرکت‌ها را تقویت می‌نماید ولی بر بازدهی مازاد و بازدهی غیرعادی نقشی ندارد.

دانش افزایی: اولین مطالعه‌ای در ایران است که ارتباط بین انواع گزارشگری محافظه کارانه شرکت‌ها و عملکرد بازده سهام را در دوره همه‌گیری کووید ۱۹ بررسی می‌کند. همچنین، این پژوهش ادبیات ارتباط بین محافظه‌کاری و بازده سهام را گسترش می‌دهد.

کلید واژه‌ها: گزارشگری محافظه کارانه، بازدهی سهام، همه‌گیری کووید ۱۹.

طبقه‌بندی موضوعی: M41, G1

۱. گروه حسابداری، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). (m_oskouei@iau-tnb.ac.ir)

۲. گروه حسابداری، دانشکده مدیریت، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (m_hassani@iau-tnb.ac.ir)

۳. گروه حسابداری، دانشکده مدیریت، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (saied68mirzakhani1408@gmail.com)

مقدمه

اهمیت این پژوهش از چند جهت مهم قابل بررسی است. اولین مطالعه‌ای است که ارتباط بین انواع گزارشگری محافظه‌کارانه شرکت‌ها و عملکرد بازده سهام در دوره همه‌گیری کووید ۱۹ را بررسی می‌کند. تعدادی از مقالات اخیر که به بررسی تأثیر بحران کووید ۱۹ بر بازارهای سهام پرداخته‌اند، عمدتاً بر نقش انعطاف‌پذیری مالی مانند وجه نقد، اهرم مالی و تأمین مالی خارجی (آچاریا و استفن^۱، ۲۰۲۰؛ دینگ و همکاران^۲، ۲۰۲۰؛ فالنبراخ و همکاران^۳، ۲۰۲۰؛ راملی و واگنر^۴، ۲۰۲۰)، فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی شرکت (آبوکوئرو و همکاران^۵، ۲۰۲۰)، ویژگی‌های صنعت (پاگانو و همکاران^۶، ۲۰۲۰) و پیش‌بینی تحلیلگران (لندیر و تسمار^۷، ۲۰۲۰) تمرکز دارند. مطالعه حاضر با مستندسازی شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران و بررسی ارتباط شیوه‌های گزارشگری محافظه‌کارانه و بازدهی شرکت‌ها در بازار سرمایه طی دوره همه‌گیری کووید ۱۹ به کاهش شکاف مطالعاتی موجود می‌پردازد.

علاوه بر این، مطالعات اولیه در مورد واکنش بازدهی بازار سهام به همه‌گیری کووید ۱۹ بر بازار ایالات متحده، چین و برخی کشورهای دیگر متمرکز شده است و در ایران چنین مطالعه‌ای انجام نشده است. همچنین، این پژوهش ادبیات ارتباط بین محافظه‌کاری و بازده سهام را گسترش می‌دهد (فرانسیس و مارتین^۸، ۲۰۱۰؛ کیم و پوزنر^۹، ۲۰۱۰؛ گارسیا لارا و همکاران^{۱۰}، ۲۰۱۱؛ کیم و همکاران^{۱۱}، ۲۰۱۳؛ بالاکریشنان و همکاران^{۱۲}، ۲۰۱۶). با این حال، به دلیل بحران ناشی از کووید ۱۹ مشخص نیست که آیا محافظه‌کاری به طور قابل توجهی با بازده سهام طی دوره همه‌گیری کووید ۱۹ ارتباط دارد یا خیر؟ در این شرایط، همه‌گیری کووید ۱۹ یک شوک برون‌زا واقعی برای بازار سهام بود که محیط قوی‌تری را برای آزمایش رابطه بین گزارشگری محافظه‌کارانه و بازده سهام در طول رکود شدید بازار فراهم می‌کند (آبوکوئرو و همکاران، ۲۰۲۰؛ دینگ و همکاران، ۲۰۲۰؛ راملی و واگنر، ۲۰۲۰).

بررسی‌های اقتصادی که تاکنون و در زمان اپیدمی صورت گرفت نشان دادند که همه‌گیری ویروس کرونا بخش‌های گوناگون اقتصادی از جمله گردشگری، بازرگانی خارجی، بازار سرمایه، بازار ارز، بازار مسکن، کسب و کارهای خرد، کسب و کارهای عمومی، قیمت کالاها و تولید ناخالص داخلی را تحت تأثیر قرار داده است (لی و همکاران^{۱۳}، ۲۰۲۱). با توجه به اینکه در ایران نیز همه‌گیری کووید ۱۹ اثرات منفی بر بازدهی شرکت‌های بورسی داشته و از جهتی برای سرمایه‌گذاران در بازار سرمایه، بازدهی از مهمترین معیارها برای تصمیمات سرمایه‌گذاری است، لذا بررسی تحقیق در این دوره می‌تواند شکاف‌ها و سؤالات موجود در این رابطه را پاسخگو بوده و مقدمات تحقیقات کاربردی بیشتر را فراهم سازد. این پژوهش در پی پاسخگویی به این سؤال است که آیا بین انواع گزارشگری محافظه‌کارانه و انواع بازدهی شرکت‌ها در بازار سرمایه طی دوره همه‌گیری کووید ۱۹ رابطه‌ای وجود دارد؟

1. Acharya & Steffen

2. Ding et al.

3. Fahlenbrach et al.

4. Ramelli & Wagner

5. Albuquerque et al.

6. Pagano et al.

7. Landier & Thesmar

8. Francis & Martin

9. Kim & Pevzner

10. Garcí'a Lara et al

11. Kim et al.

12. Balakrishnan et al.

13. Li et al.

با توجه به مطالب فوق و وجود خلأ تحقیقاتی، به نظر می‌رسد بررسی ارتباط بین دو نوع محافظه‌کاری و انواع بازدهی‌های سهام در دوران همه‌گیری کووید ۱۹، موجب دانش افزایی در حوزه حسابداری و مالی در محیط ایران شود. همچنین به ارزیابی نقش‌های انواع محافظه‌کاری در بازدهی شرکت در طول رکود بازار کمک نماید؛ زیرا طبق برخی شواهد، محافظه‌کاری نقش مفیدی را در بازارهای سرمایه با ارائه مزایای اقتصادی واقعی از طریق کاهش کمتر در بازده سهام هنگام سقوط بازار سهام طی کووید ۱۹ ارائه داده است. گزارشگری مالی محافظه‌کارانه می‌تواند بر بدهی و تعهدات شرکت اثرگذار بوده و بازدهی شرکت را نیز تحت تأثیر قرار دهد. محافظه‌کاری حسابداری با تسهیل نظارت سرمایه‌گذاران و اداره بهتر امور، خوش‌بینی مدیران را نسبت به بازدهی شرکت محدود می‌سازد (جیمی^۱، ۲۰۱۰).

جهت پاسخگویی به پرسش‌های ارتباط محافظه‌کاری و بازدهی شرکتها طی دوره همه‌گیری کووید ۱۹ اقدام به تدوین دو سری فرضیه و آزمون آنها در یک دوره زمانی ۸ ساله و ۸۸۰ سال- شرکت در بورس اوراق بهادار تهران شد و سپس نتایج حاصل از محافظه‌کاری شرطی و غیرشرطی مورد بحث قرار گرفتند. ادامه مقاله به بیان ادبیات نظری و پیشینه پژوهش‌های انجام شده، روش‌شناسی پژوهش، بیان یافته‌ها و بحث آنها و در انتها به نتیجه‌گیری و پیشنهاد می‌پردازد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

مدیران به عنوان تهیه‌کنندگان صورت‌های مالی با وقوف کامل بر وضعیت مالی شرکت و با برخورداری از سطح آگاهی بیشتر نسبت به استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی از یک طرف و افزایش اطلاعات مدیران راجع به روش‌ها و دستورالعمل‌های حسابداری، همگام با قدرت گرفتن بازارهای سرمایه و انعطاف‌پذیری اصول و استانداردهای پذیرفته شده حسابداری از طرفی دیگر، منجر به ایجاد انگیزه‌های بیشتر در مدیران جهت ارائه تصویری مطلوب از وضعیت مالی واحد تجاری از طریق پدیده مدیریت سود گردیده است. در چنین شرایطی اصول و رویه‌های حسابداری به پشتوانه مراجع تدوین‌کننده استانداردهای حسابداری با هدف متعادل کردن خوش‌بینی مدیران، حمایت از ذینفعان و ارائه منصفانه صورت‌های مالی، مفهوم محافظه‌کاری را بکار می‌برند (کنگرلویی و یگانه، ۱۳۸۸).

محافظه‌کاری در واقع واکنشی احتیاطی است که در شرایط نبود اطمینان نسبت به آینده بکار برده می‌شود. محافظه‌کاری در حسابداری، گرایش و تمایل برای به‌کارگیری سطح بالاتری از تأییدپذیری برای شناسایی اخبار خوب در مقایسه با اخبار بد است. علت وجود محافظه‌کاری ناشی از عدم اطمینان در دو عامل تداوم فعالیت واحد تجاری در آینده‌ای پیش‌بینی‌پذیر و الزام به برآورد یا تخمین برخی از مبالغ است (هندریکسن و بردا^۲، ۱۹۹۲). همچنین دلایلی برای کاربرد محافظه‌کاری برشمرده شده‌اند؛ از جمله این‌که بدبینی حاصل از محافظه‌کاری در فرایند گزارشگری مالی موجب تعدیل خوش‌بینی برآوردهای عمده مدیریت درباره عملکرد واحد تجاری است. استفاده از محافظه‌کاری به دلیل تعدیل‌کنندگی خوش‌بینی بیش از حد مدیریت در برآوردهای الزامی است (لافوند و واتس^۳، ۲۰۰۸). محافظه‌کاری الزام به داشتن درجه بالایی از تأیید برای شناخت اخبار خوب مانند سود در مقابل شناخت اخبار بد مانند زیان تعریف

^۱. Jimmy

^۲. Hendriksen & Berda

^۳. LaFond & Watts

شده است (باسو^۱، ۱۹۹۷). این تعریف، محافظه‌کاری را از دیدگاه سود و زیان توصیف می‌کند؛ اما تعریف دیگر محافظه‌کاری از دیدگاه ترازنامه است. براساس این دیدگاه، در مواردی که تردیدی واقعی در انتخاب وجود داشته باشد و یا چند روش گزارشگری مدنظر باشد، روشی باید انتخاب شود که کمترین اثر مطلوب را بر حقوق مالکان داشته باشد. تعریف سوم محافظه‌کاری بر پایه دیدگاه ترکیبی از سود و زیان و ترازنامه است؛ در این مفهوم محافظه‌کاری به معنای کاهش سود انباشته گزارش شده با شناخت دیرتر درآمد و شناخت سریع‌تر هزینه که به ارزیابی پایین‌داری و ارزیابی بالای بدهی منجر می‌شود (گیولی و هاین^۲، ۲۰۰۰). در دسته‌بندی دیگری، محافظه‌کاری عبارت از محافظه‌کاری شرطی و محافظه‌کاری غیرشرطی است (رایان^۳، ۲۰۰۶). محافظه‌کاری شرطی، نوعی محافظه‌کاری است که به مفهوم شناخت به موقع زیان در صورت وجود اخبار بد و تأخیر در شناسایی سود در مواقع وجود اخبار خوب است (لافوند و واتس، ۲۰۰۸). محافظه‌کاری غیرشرطی گونه دیگری از محافظه‌کاری است که متأثر از استانداردهای حسابداری و الزامات قانونی است. طبق این دیدگاه، بزرگی انباشت منفی اقلام تعهدی ناشی از درجه بالاتر محافظه‌کاری غیرشرطی است (شیواکومار^۴، ۲۰۱۳).

مدیران برای جلوگیری از انتشار اخبار بد انگیزه بیشتری دارند، اما به سرعت اخبار خوب را برای سرمایه‌گذاران فاش می‌کنند؛ زیرا افشای اخبار خوب به مدیران در ادامه کار، ابقای مدیریتی و افزایش ثروت و ارزش شرکت کمک می‌کند. از طرفی، افشای اخبار بد برای مدیران گران تمام می‌شود؛ زیرا می‌تواند منجر به فسخ سریع قرارداد مدیریت، عزل مدیریت و کاهش ثروت شود (کوتاری و همکاران^۵، ۲۰۰۹). بنابراین، محافظه‌کاری مشروط تضمین می‌کند که زیان ناشی از رویدادهای بد اقتصادی به شکل بهنگام در ارزیابی سود لحاظ می‌شود، در حالی که سود مورد انتظار از رویدادهای خوب اقتصادی به شکل داوطلبانه توسط مدیران از طریق یادداشت‌های صورت‌های مالی و راهنمایی‌های مدیریت افشا می‌شود (گوی و ورچیا^۶، ۲۰۱۸). بنابراین، محافظه‌کاری مشروط با کاهش مدیریت سود مدیران، اعمال افشای به موقع اخبار ناشی از رویدادهای خوب و بد و ارائه اطلاعات قابل اتکا، محیط کلی اطلاعاتی شرکت را بهبود می‌بخشد (لافوند و واتس، ۲۰۰۸).

ادبیات موجود مستند نموده است که تشخیص زود هنگام اخبار بد، سیگنال‌های اولیه‌ای را در مورد سودآوری پروژه‌های در دست انجام به هیأت مدیره و سهامداران ارائه می‌دهد. این امر به آن‌ها امکان می‌دهد که دلایل زیان‌ها را بررسی کرده و سریعاً در انجام اقدامات اصلاحی برای کنار گذاشتن پروژه‌های با ارزش فعلی خالص منفی یا جایگزینی مدیران ناتوان، مداخله کنند (واتس، ۲۰۰۳؛ رویچادهوری^۷، ۲۰۱۰؛ لوئیس و همکاران^۸، ۲۰۱۲؛ گارسیا لارا و همکاران، ۲۰۱۶). محافظه‌کاری مشروط می‌تواند مدیران را از سرمایه‌گذاری در پروژه‌های تخریب‌کننده ارزش منصرف کند؛ زیرا از مدیران می‌خواهد اطلاعات خصوصی خود را در مورد زیان‌های پیش‌بینی شده به شکل به موقع افشاء کنند (شیواکومار، ۲۰۱۳). مطالعات قبلی نشان داده‌اند محافظه‌کاری مشروط سبب کاهش احتمال شکست شرکت‌ها می‌شود.

1. Basu

2. Givoly & Hayn

3. Ryan

4. Shivakumar

5. Kothari et al.

6. Guay & Verrecchia

7. Roychowdhury

8. Louis et al.

شواهدی حاکی از آن هستند که محافظه‌کاری مشروط بیشتر در گزارشگری مالی، احتمال سقوط قیمت سهام در آینده را به میزان قابل توجهی کاهش می‌دهد. در واقع، حسابداری محافظه‌کارانه، توانایی مدیران را در پنهان کردن اخبار بد شرکت محدود می‌کند تا تجمع اخبار بد به نقطه اوج نرسد که می‌تواند منجر به سقوط قیمت سهام شود (کیم و ژانگ^۱، ۲۰۱۶). شرکت‌های محافظه‌کارتر با مشارکت بیشتر در سرمایه‌گذاری از طریق دسترسی بهتر به منابع مالی بانک‌ها یا سایر اعتباردهندگان نسبت به شرکت‌های کمتر محافظه‌کار، عملکرد سهام بهتری در طول بحران مالی جهانی دارند (بالاکریشان و همکاران، ۲۰۱۶). همچنین محافظه‌کاری به طرز مثبتی با دسترسی شرکت‌ها به اعتبار تجاری قبل و بعد از شروع بحران مالی جهانی ارتباط دارد؛ زیرا تأمین‌کنندگان منابع مالی ترجیح می‌دهند به مشتریان با محافظه‌کاری مشروط بیشتر اعتبار تجاری بدهند تا از ریسک اعتباری در بحران مالی جلوگیری کنند (ژانگ^۲، ۲۰۰۸).

در عین حال، یکی از موضوعاتی که در سال‌های اخیر توجه زیادی را به خود جلب کرده که به عدم اطمینان انجامیده است بحث همه‌گیری کووید ۱۹ است که بازارهای سهام را به شدت تحت تأثیر قرار داده است و بسیاری از شرکت‌ها را به بحران نقدینگی واداشته، جریان نقدینگی آن‌ها را کاهش داده و ریسک ناتوانی در پرداخت تعهدات آن‌ها را افزایش داده است (آچاریا و استفن، ۲۰۲۰). در نتیجه، شرکت‌ها با خطرات و عدم قطعیت بی‌سابقه‌ای در مورد درآمدهای آینده و چشم‌اندازهای بقا در بحران کووید ۱۹ مواجه هستند. هنگامی که عدم قطعیت بالایی وجود دارد، سرمایه‌گذاران نسبت به صورت‌های مالی بیشتر از سایر منابع اطلاعاتی ریسک‌گریز هستند و کمتر به منابع اطلاعاتی وابسته هستند که بیشتر منعکس‌کننده ابهام و عدم اطمینان است (ایسیدرو و دیاس^۳، ۲۰۱۷). اطلاعات مالی شفاف، عدم اطمینان در مورد ارزش شرکت را کاهش داده و به دنبال آن ریسک کاهش می‌یابد (بارتون و وایمیر^۴، ۲۰۰۴). در نتیجه، اطلاعات سود قابل اعتماد برای سرمایه‌گذاران در دوران رکود بازار به دلیل خطرات بیشتر در بازار و عدم اطمینان بیشتر در مورد جریان‌های نقدی آینده شرکت‌ها اهمیت بیشتری پیدا می‌کند (لانگ و مافت^۵، ۲۰۱۱).

تحقیقات قبلی نشان داده‌اند نقش محافظه‌کاری زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که عدم قطعیت بیشتری وجود داشته باشد؛ زیرا اطلاعات حسابداری معتبرتر، سرمایه‌گذاران را در ارزیابی عملکرد قبلی و آینده شرکت کمک می‌کند (لافوند و واتس، ۲۰۰۸؛ خان و واتس^۶، ۲۰۰۹؛ کیم و همکاران، ۲۰۱۳؛ بالاکریشان و همکاران، ۲۰۱۶). علاوه بر این، ویژگی‌های محافظه‌کاری مشروط که مدیران را مجبور می‌کند تا زیان‌های پیش‌بینی شده آینده را در سود لحاظ نموده و از گزارش سودهای مورد انتظار جلوگیری کنند، سبب می‌شود شدت و بزرگی کاهش ارزش در طول رکود بازار برای شرکت‌های محافظه‌کارتر، کاهش یابد. همچنین، بازار نسبت به اعلام اخبار بد برای شرکت‌های محافظه‌کارتر پس از شروع بحران واکنش کمتری نشان می‌دهد؛ زیرا سرمایه‌گذاران کمتر نگران افشای اخبار بد برای شرکت‌های محافظه‌کار هستند (کیم و پوزنر، ۲۰۱۰). علاوه بر این، شرکت‌های محافظه‌کارتر می‌توانند هنگام مذاکره شرایط اعتباری بهتری از تأمین‌کنندگان منابع مالی خود طلب کنند و این امر می‌تواند به آن‌ها در مدیریت بیشتر ریسک اعتباری در

¹. Kim & Zhang

². Zhang

³. Isidro & Dias

⁴. Barton & Waymire

⁵. Lang & Maffett

⁶. Khan & Watts

طول همه‌گیری کووید ۱۹ کمک کند (هویی و همکاران^۱، ۲۰۱۲؛ ژانگ، ۲۰۰۸). در نتیجه، انتظار می‌رود شرکت‌های محافظه‌کارتر، عملکرد بازده سهام بهتری نسبت به همتایان خود در دوران همه‌گیری کووید ۱۹ داشته باشند. با این حال، برخی مطالعات مسائلی را در مورد کاهش مربوط بودن سودهای گزارش شده تحت رویه محافظه‌کارانه مطرح کرده‌اند. استدلال شده است حسابداری محافظه‌کارانه می‌تواند به سودهایی با کیفیت پایین‌تر بینجامد؛ زیرا محافظه‌کاری یک ذخیره پنهان ایجاد می‌کند که می‌تواند بعدها برای افزایش یا کاهش سود مورد استفاده قرار گیرد و استنباط‌های نادرستی را برای سرمایه‌گذاران فراهم کند (پنمن و ژانگ^۲، ۲۰۰۲). همچنین، در شرکت‌های با حسابداری محافظه‌کارتر، پایداری سود کمتر است (چن و همکاران^۳، ۲۰۱۴) و فعالان بازار سودهای با پایداری کمتر را به طور نامطلوب ارزیابی می‌کنند. همچنین هشدار می‌دهند که محافظه‌کاری نامتقارن حسابداری که اخبار بد را به موقع گزارش می‌کند، اما خبرهای خوب را به صورت نابهنگام گزارش می‌دهد، ناکارآمدی اطلاعاتی ایجاد می‌کند و با تحریف رابطه سود و بازده مرتبط است و مربوط بودن اطلاعات سود را برای استفاده کنندگان اطلاعات مالی کاهش می‌دهد (گوی و ورچیا، ۲۰۱۸). با این حال، مزایای محافظه‌کاری حسابداری در بازار سرمایه از جمله ارتباط مثبت آن با ارزش شرکت و عملکرد بازده سهام نیز توسط مطالعات تجربی قبلی به خوبی مستند شده است (فرانسیس و مارتین، ۲۰۱۰؛ گارسیا لارا و همکاران، ۲۰۱۱؛ کیم و همکاران، ۲۰۱۳؛ کیم و ژانگ، ۲۰۱۶؛ لی، ۲۰۱۵؛ بالاکریشنان و همکاران، ۲۰۱۶).

از جمله پژوهش‌هایی که در ایران به بررسی محافظه‌کاری و بازدهی سهام پرداخته‌اند، حسن پور و بغدادی (۱۴۰۱) رابطه بین محافظه‌کاری حسابداری و میزان حساسیت عملکرد نسبت به پاداش مدیران را در شرکت‌های بورسی بین سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۹ بررسی کرده و نتایج نشان داد که محافظه‌کاری حسابداری و میزان عملکرد حسابداری بر پاداش مدیران تاثیر مثبت و معنادار و رابطه معناداری بین محافظه‌کاری حسابداری و حساسیت عملکرد بازار بر پاداش مدیران مشاهده نگردید. در همان سال، بذرافشان و همکاران رابطه بین محافظه‌کاری اجتماعی مدیران و عملکرد شرکت با در نظر گرفتن نقش میانجی محافظه‌کاری را با روش پرسشنامه‌ای از ۳۸۴ نفر در پاییز سال ۱۴۰۰ تجزیه و تحلیل کرده و نتایج حاکی از آن بود که محافظه‌کاری اجتماعی مدیران و محافظه‌کاری حسابداری بر عملکرد شرکت تاثیر معناداری دارد.

اسدی مشیزی و همکاران (۱۴۰۰) با استفاده از اطلاعات ۱۰۶ شرکت بورسی در دوره زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶ به بررسی ارتباط محافظه‌کاری و چولگی منفی بازده سهام پرداخته و دریافتند که اعمال رویه‌های محافظه‌کارانه منجر به کاهش مخاطره سقوط قیمت سهام می‌شود. در پژوهش دیگری در همان سال، مهرادی و همکاران با بررسی ۱۶۷ شرکت بورسی طی سال‌های ۱۳۸۸ الی ۱۳۹۷ تأثیر محافظه‌کاری در افشای ریسک بر محتوای اطلاعاتی اطلاعات حسابداری و هم‌زمانی بازده سهام را آزمون نموده و دریافتند که محافظه‌کاری در افشای ریسک، محتوای اطلاعاتی اطلاعات حسابداری را افزایش می‌دهد. همچنین، محافظه‌کاری در افشای ریسک به واسطه افزایش شفافیت اطلاعات خاص شرکت، هم‌زمانی بازده سهام را کاهش می‌دهد. شماخی و نوذری (۱۴۰۰) نیز رابطه بین محافظه‌کاری حسابداری و عملکرد شرکت در طول همه‌گیری کووید ۱۹ را با یک فرضیه و ۱۴۰ شرکت بورسی برای دوره زمانی ۲ ساله بین

¹. Hui et al.

². Penman & Zhang

³. Chen et al.

سال ۱۳۹۸ تا ۱۳۹۹ تحلیل نمودند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها رابطه مستقیم بین محافظه‌کاری حسابداری و عملکرد شرکت در طول همه‌گیری کووید ۱۹ را نشان داد.

تأثیر کووید ۱۹ بر متغیرهای کلان اقتصادی و سقوط بازارهای سهام را صانعی‌فر و سعیدی (۱۳۹۹) بررسی کردند. نتایج آنها بیان کرد که بهم پیوستگی اقتصاد مدرن بازارهای سهام و متغیرهای اقتصادی، بحران بهداشتی را به بحران اقتصادی در سطح جهان تبدیل کرده است. اثر منفی ویروس کرونا به‌طور مستقیم ۳۵ درصد بر بازارهای سهام بوده که بازار سهام کشورهای اروپایی و آسیایی بیشترین تأثیر و کمترین تأثیر بر بازار سهام کشورهای عربی و آفریقایی بود. ویروس کرونا به‌طور غیرمستقیم با تأثیر بر متغیرهای اقتصادی (کاهش بی‌سابقه قیمت نفت، نوسان قیمت طلا، کاهش قیمت نقره و مس) باعث سقوط بازارهای سهام شده است. حقیقت شهرستانی و همکاران (۱۳۹۹) با بررسی تأثیر سرمایه‌گذاری شرکت بر نوسانات آتی بازده سهام با در نظر گرفتن اثر تعدیل‌کنندگی محافظه‌کاری شرطی و غیرشرطی و با اطلاعات مالی ۱۲۹ شرکت برای دوره مالی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۶ به صورت داده‌های ترکیبی دریافتند که محافظه‌کاری شرطی تأثیر منفی بر رابطه بین سرمایه‌گذاری شرکت و نوسانات بازده آتی سهام دارد. اما محافظه‌کاری غیرشرطی تأثیر مثبت بر رابطه بین سرمایه‌گذاری شرکت و نوسانات بازده آتی سهام دارد.

داوودی و غفوریان شاگردی (۱۳۹۸) تأثیر محافظه‌کاری حسابداری و نوسان بازده و بازده غیرعادی تجمعی سهام شرکت‌ها را با تعداد نمونه ۱۱۷ شرکت بورسی از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶ آزمون نموده و نشان دادند محافظه‌کاری حسابداری بر نوسان بازده سهام تأثیر معناداری ندارد؛ اما محافظه‌کاری حسابداری بر بازده غیر عادی تجمعی سهام تأثیر منفی دارد. مهدی‌زاده ماسوله (۱۳۹۸) اثر محافظه‌کاری غیرشرطی و مقدار وجه نقد نگهداری شده بر بازده غیرعادی سهام (ارزش بازار موجودی نقد نگهداری شده) را با ۱۴۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۶ تحلیل کرد و دریافت که افزایش موجودی نقد منجر به افزایش بازده غیرعادی سهام شده و در مقابل محافظه‌کاری باعث کاهش آن می‌شود. صالحی و همکاران (۱۳۹۸) اثرات محافظه‌کاری شرطی و غیرشرطی بر رفتار سرمایه‌گذاری و بازدهی آتی سهام شرکت‌ها را با اطلاعات ۱۹۱ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انجام دادند. نتایج نشان داد محافظه‌کاری شرطی سبب کاهش تمایل سرمایه‌گذاری شرکت‌ها می‌شود، در حالی که محافظه‌کاری غیرشرطی، شرکت‌ها را به سرمایه‌گذاری بیشتر ترغیب می‌کند. همچنین بین محافظه‌کاری شرطی (غیرشرطی) و بازدهی آتی سهام شرکت‌ها رابطه‌ای منفی (مثبت) وجود دارد. لذا افزایش محافظه‌کاری شرطی (غیرشرطی)، بازدهی آتی سهام شرکت‌ها را کاهش (افزایش) می‌دهد.

بررسی تأثیر محافظه‌کاری حسابداری بر عملکرد مالی و اقتصادی توسط طالبی و همکاران (۱۳۹۷) در ۱۰۱ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۶ نشان داد محافظه‌کاری حسابداری بر کیوتوبین و ارزش افزوده بازار تأثیر مستقیم دارد. ولی محافظه‌کاری حسابداری بر بازده دارایی‌ها و ارزش افزوده اقتصادی تأثیر معنادار ندارد. مرگان و همکاران (۱۳۹۷) نقش محافظه‌کاری حسابداری را بر ارزش منصفانه سرمایه‌گذاری و جریان نقدی آینده شرکت‌ها را در قلمرو زمانی ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۶ و نمونه آماری مشتمل بر ۱۳۵ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بررسی نمودند. نتایج نشان داد محافظه‌کاری حسابداری بر رابطه بین ارزش منصفانه سرمایه‌گذاری و جریان نقدی آینده تأثیر مثبت دارد؛ اما محافظه‌کاری حسابداری بر رابطه بین ارزش منصفانه

سرمایه‌گذاری و قیمت سهام تأثیر ندارد. نتایج بررسی احمدیان و همکاران (۱۳۹۷) درخصوص واکنش محافظه‌کاری و ارتباط ارزشی سود حسابداری به تغییرات چرخه‌های تجاری در ۱۴۵ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۳ حاکی از آن بود که دو متغیر مذکور به تغییرات وضعیت اقتصادی واکنش نشان می‌دهند؛ در دوره رکود نسبت به دوره رونق اقتصادی، محافظه‌کاری حسابداری بیشتری اعمال شده است.

اعتمادی و عبدلی (۱۳۹۶) به بررسی رابطه محافظه‌کاری و عملکرد ارزش سهام (بازده سهام و بازده غیرعادی سهام) در شرایط بحران مالی با استفاده از اطلاعات مالی ۷۱ شرکت دارای بحران مالی و ۷۱ شرکت بدون بحران مالی در بازه زمانی ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۲ پرداختند. نتایج نشان داد که در شرکت‌های بدون بحران مالی، بین محافظه‌کاری با بازده سهام و بازده غیرعادی سهام رابطه منفی وجود دارد. در حالی که در شرکت‌های دارای بحران مالی بین محافظه‌کاری با بازده سهام و بازده غیرعادی سهام رابطه مثبت وجود دارد که نشان می‌دهد شرکت‌های دارای بحران مالی، سیاست‌های محافظه‌کارانه بیشتری نسبت به شرکت‌های بدون بحران مالی اتخاذ می‌کنند؛ در نتیجه زیان ارزش سهام آنها کمتر از شرکت‌های بدون بحران مالی است. زارعی و دارابی (۱۳۹۶) با بررسی تأثیر بیش اطمینانی مدیریت بر ریسک سقوط قیمت سهام با تأکید بر نقش تعدیل‌کنندگی محافظه‌کاری حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ نشان دادند بیش اطمینانی مدیریت و محافظه‌کاری بر ریسک سقوط قیمت سهام تأثیر دارد. در تحقیق دیگری در همان سال، ایزدی‌نیا و عبدالمی با بررسی تأثیر محافظه‌کاری و حاکمیت شرکتی بر رابطه بین اهرم مالی و عملکرد مالی شرکت‌ها با ۱۱۹ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ دریافتند که محافظه‌کاری و سطح اهرم مالی بر عملکرد مالی تأثیر منفی دارند؛ و محافظه‌کاری بر رابطه بین سطح اهرم مالی و عملکرد مالی تأثیر معنی‌دار دارد.

در پژوهش‌های خارج از ایران نیز مورو و همکاران^۱ (۲۰۲۳) اثر همه‌گیری کووید ۱۹ را بر بازار سرمایه با استفاده از قیمت‌های روزانه سهام طی ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۰ بررسی و دریافتند که این خبر اثر منفی بر سهام داشت. الکوذا و همکاران^۲ (۲۰۲۲) اثر کووید ۱۹ بر محافظه‌کاری حسابداری را طی سالهای ۲۰۱۸ الی ۲۰۲۱ آزمون نموده و دریافتند که کووید ۱۹ اثر مثبتی بر محافظه‌کاری حسابداری داشته است. لی و همکاران (۲۰۲۱) با بررسی محافظه‌کاری حسابداری و عملکرد مالی شرکت‌ها در بازار سهام طی دوره همه‌گیری کووید ۱۹ نشان دادند شرکت‌های چینی فهرست شده در بورس سهام شانگهای و شنژن با استفاده از گزارش محافظه‌کارانه‌تر، کاهش کمتری در عملکرد بازده سهام طی همه‌گیری کووید ۱۹ نسبت به سایر شرکت‌ها داشته‌اند. همچنین نقش سودمند محافظه‌کاری مشروط زمانی بیشتر است که شرکت‌ها عدم تقارن اطلاعات بیشتری به دنبال همه‌گیری کووید ۱۹ داشته باشند. هونگ و همکاران^۳ (۲۰۲۱) با بررسی رابطه بین کووید ۱۹ و بی‌ثباتی عملکرد بازار سهام بر اساس پیش‌بینی پذیری بازده سهام و نوسان قیمت سهام در ایالات متحده طی دوره ۱ ژانویه ۲۰۱۹ تا ۳۰ ژوئن ۲۰۲۰ نشان دادند بحران همه‌گیری کووید ۱۹ با ناکارآمدی بازار همراه بوده و فرصت‌های سودآوری را برای معامله‌گران و دلالتان ایجاد کرده است. نتایج حاکی از شکست در پیش‌بینی پذیری بازده سهام و وقوع نوسان قیمت سهام با همه‌گیری کووید ۱۹ است. اینسیدو و همکاران^۴

^۱. Mauro et al.

^۲. Al-Qudah et al.

^۳. Hong et al.

^۴. Insaiddo et al.

(۲۰۲۱) میزان بی‌ثباتی عملکرد بازار سهام غنا با توجه به همه‌گیری کووید ۱۹ را با داده‌های سری‌های زمانی روزانه از ۲ ژانویه ۲۰۱۵ تا ۱۳ اکتبر ۲۰۲۰ بررسی کرده و از نظر آماری رابطه منفی ناچیز بین همه‌گیری کووید ۱۹ و بازده سهام غنا وجود داشت، همه‌گیری کووید ۱۹ باعث افزایش بی‌ثباتی و نوسان بازده سهام غنا شده است. علاوه بر این، نتایج وجود نوسان و اثر نامتقارن اخبار بد بر نوسان بازده سهام را تأیید کرد.

لی (۲۰۲۰) تأثیر محافظه‌کاری حسابداری بر عملکرد مالی شرکت‌ها را بررسی نمود و نشان داد محافظه‌کاری حسابداری به عنوان یک رویکرد گزارشگری حسابداری محتاطانه یک مکانیزم مهم راهبری شرکتی است. تأثیر محافظه‌کاری حسابداری با عملکرد مالی مثبت است. راملی و همکاران (۲۰۲۰) واکنش‌های بازار سهام به بیماری جدید کووید ۱۹ در سال ۲۰۱۹ را بررسی کردند. آن‌ها بیان داشتند این موضوع بینش جدیدی را در مورد چگونگی حرکت شوک‌های واقعی و سیاست‌های مالی بر ارزش شرکت ارائه می‌دهد. شواهد نشان داد شرکت‌های بین‌المللی به ویژه آن‌هایی که بیشتر در معرض تجارت با چین بودند، عملکرد ضعیفی داشتند. با شیوع ویروس به اروپا و ایالات متحده، بدهی شرکت‌ها و دارایی‌های نقدی به عنوان محرک‌های مهم ارزش تحت تأثیر قرار گرفتند. نتایج نشان داد که چگونه اثرات واقعی پیش‌بینی شده ناشی از بحران سلامت، از طریق مجاری مالی تقویت شده است.

فرضیه‌های پژوهش

بررسی ادبیات نظری و پیشینه پژوهش‌های داخلی و خارجی نشان داد که ارتباط محافظه‌کاری و بازده شرکت‌ها در پژوهش‌های پیشین بررسی و آزمون شده است، لذا در این پژوهش نقش تعدیلگر همه‌گیری کووید ۱۹ به عنوان گسست ساختاری (حصارزاده، ۱۴۰۱) فرضیه‌بندی و آزمون می‌شود تا به دانش افزایی و توسعه یافته‌های قبلی درخصوص محافظه‌کاری و بازدهی شرکت‌ها کمک شود.

سری اول فرضیه‌ها ارتباط گزارشگری محافظه‌کارانه شرطی و بازدهی سهام را بیان می‌نماید:

فرضیه اول: بین گزارشگری محافظه‌کارانه شرطی و عملکرد مالی (بازدهی سهم) شرکت‌ها در بازار سرمایه طی دوره همه‌گیری کووید ۱۹ رابطه وجود دارد.

فرضیه دوم: بین گزارشگری محافظه‌کارانه شرطی و عملکرد مالی (بازدهی مازاد) شرکت‌ها در بازار سرمایه طی دوره همه‌گیری کووید ۱۹ رابطه وجود دارد.

فرضیه سوم: بین گزارشگری محافظه‌کارانه شرطی و عملکرد مالی (بازدهی غیرعادی) شرکت‌ها در بازار سرمایه طی دوره همه‌گیری کووید ۱۹ رابطه وجود دارد.

سری دوم فرضیه‌ها به ارتباط گزارشگری محافظه‌کارانه غیرشرطی و بازدهی سهام می‌پردازد:

فرضیه چهارم: بین گزارشگری محافظه‌کارانه غیرشرطی و عملکرد مالی (بازدهی سهم) شرکت‌ها در بازار سرمایه طی دوره همه‌گیری کووید ۱۹ رابطه وجود دارد.

فرضیه پنجم: بین گزارشگری محافظه‌کارانه غیرشرطی و عملکرد مالی (بازدهی مازاد) شرکت‌ها در بازار سرمایه طی دوره همه‌گیری کووید ۱۹ رابطه وجود دارد.

فرضیه ششم: بین گزارشگری محافظه کارانه غیرشرطی و عملکرد مالی (بازدهی غیرعادی) شرکت‌ها در بازار سرمایه طی دوره همه‌گیری کووید ۱۹ رابطه وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

به دلیل آزمون کارایی مباحث علمی در زمینه مطالعه گزارشگری محافظه کارانه و عملکرد مالی شرکت‌ها در بازار سرمایه طی دوره همه‌گیری کووید ۱۹ و توسعه دانش کاربردی، این تحقیق از نظر هدف، تحقیقی کاربردی محسوب می‌شود. از آن جا که این نوشتار به توصیف آنچه که هست یا توصیف شرایط موجود بدون دخل و تصرف می‌پردازد و با توجه به آن که قضاوت‌های ارزشی در تحقیق کم رنگ است، تحقیق حاضر در زمره تحقیقات توصیفی حسابداری به شمار می‌رود. جامعه آماری شامل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. دوره زمانی پژوهش سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۰ است. شرکت‌های جامعه آماری با حضور مستمر در بورس و عدم تغییر سال مالی که جزء شرکت‌های مالی، بانک‌ها، مؤسسات مالی، بیمه، سرمایه‌گذاری، هلدینگ یا واسطه‌گری مالی نبودند، ۱۱۰ شرکت شدند. مدل رگرسیونی جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش با استناد به مقاله لی و همکاران (۲۰۲۱) طراحی شده است:

مدل فرضیه اول

$$MFP_{it} = \beta_0 + \beta_1 CCR_{it} + \beta_2 CPAN_{it} + \beta_3 CCR_{it} * CPAN_{it} + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 BM_{it} + \beta_6 MOM_{it} + \beta_7 LDEBT_{it} + \beta_8 SDEBT_{it} + \beta_9 CASH_{it} + \beta_{10} PRO_{it} + \beta_{11} GOV_{it} + \beta_{12} TOP_{it} + \beta_{13} INDEP_{it} + \beta_{14} BSIZE_{it} + \varepsilon_{it}$$

مدل فرضیه دوم

$$ERET_{it} = \beta_0 + \beta_1 CCR_{it} + \beta_2 CPAN_{it} + \beta_3 CCR_{it} * CPAN_{it} + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 BM_{it} + \beta_6 MOM_{it} + \beta_7 LDEBT_{it} + \beta_8 SDEBT_{it} + \beta_9 CASH_{it} + \beta_{10} PRO_{it} + \beta_{11} GOV_{it} + \beta_{12} TOP_{it} + \beta_{13} INDEP_{it} + \beta_{14} BSIZE_{it} + \varepsilon_{it}$$

مدل فرضیه سوم

$$ARET_{it} = \beta_0 + \beta_1 CCR_{it} + \beta_2 CPAN_{it} + \beta_3 CCR_{it} * CPAN_{it} + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 BM_{it} + \beta_6 MOM_{it} + \beta_7 LDEBT_{it} + \beta_8 SDEBT_{it} + \beta_9 CASH_{it} + \beta_{10} PRO_{it} + \beta_{11} GOV_{it} + \beta_{12} TOP_{it} + \beta_{13} INDEP_{it} + \beta_{14} BSIZE_{it} + \varepsilon_{it}$$

مدل فرضیه چهارم

$$MFP_{it} = \beta_0 + \beta_1 UCCR_{it} + \beta_2 CPAN_{it} + \beta_3 UCCR_{it} * CPAN_{it} + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 BM_{it} + \beta_6 MOM_{it} + \beta_7 LDEBT_{it} + \beta_8 SDEBT_{it} + \beta_9 CASH_{it} + \beta_{10} PRO_{it} + \beta_{11} GOV_{it} + \beta_{12} TOP_{it} + \beta_{13} INDEP_{it} + \beta_{14} BSIZE_{it} + \varepsilon_{it}$$

مدل فرضیه پنجم

$$ERET_{it} = \beta_0 + \beta_1 UCCR_{it} + \beta_2 CPAN_{it} + \beta_3 UCCR_{it} * CPAN_{it} + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 BM_{it} + \beta_6 MOM_{it} + \beta_7 LDEBT_{it} + \beta_8 SDEBT_{it} + \beta_9 CASH_{it} + \beta_{10} PRO_{it} + \beta_{11} GOV_{it} + \beta_{12} TOP_{it} + \beta_{13} INDEP_{it} + \beta_{14} BSIZE_{it} + \varepsilon_{it}$$

مدل فرضیه ششم

$$ARET_{it} = \beta_0 + \beta_1 UCCR_{it} + \beta_2 CPAN_{it} + \beta_3 UCCR_{it} * CPAN_{it} + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 BM_{it} + \beta_6 MOM_{it} + \beta_7 LDEBT_{it} + \beta_8 SDEBT_{it} + \beta_9 CASH_{it} + \beta_{10} PRO_{it} + \beta_{11} GOV_{it} + \beta_{12} TOP_{it} + \beta_{13} INDEP_{it} + \beta_{14} BSIZE_{it} + \varepsilon_{it}$$

تعریف عملیاتی متغیرهای مدل‌های آماری فوق به این شرح است:

متغیر وابسته: عملکرد مالی شرکت‌ها در بازار سرمایه (MFP): بر اساس معیارهای زیر ارزیابی می‌شود:

RET_{it}: بازده سهام شرکت؛ ERET_{it}: بازده مازاد سهام؛ تفاوت بازده سهام شرکت و میانگین بازده پرتفوی بازار؛ ARET_{it}: بازده غیرعادی سهام؛ تفاوت بازده سهام شرکت و بازده مورد انتظار طبق مدل قیمت‌گذاری دارایی‌های سرمایه‌ای.

متغیرهای مستقل: گزارشگری محافظهکارانه (CR): برای ارزیابی آن دو گونه محافظه‌کاری شرطی و غیرشرطی بررسی می‌گردند.

محافظه‌کاری شرطی (CCR): برای محاسبه آن از مدل خان و واتس (۲۰۰۹) به شرح زیر استفاده می‌شود:

$$NI_{it} = \alpha + (\mu_1 + \mu_2 SIZE_{it} + \mu_3 MTB_{it} + \mu_4 LEV_{it}) * R_{it} + (\delta_1 + \delta_2 SIZE_{it} + \delta_3 MTB_{it} + \delta_4 LEV_{it}) * D_{it} + (\lambda_1 + \lambda_2 SIZE_{it} + \lambda_3 MTB_{it} + \lambda_4 LEV_{it}) * D_{it} * R_{it} + \theta_1 SIZE_{it} + \theta_2 MTB_{it} + \theta_3 LEV_{it} + \varepsilon_{it}$$

NI_{it}: نسبت سود خالص به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام شرکت در پایان سال مالی قبل؛ R_{it}: بازده سهام شرکت طی سال مالی؛ D_{it}: متغیر مجازی بازده سهام اگر بازده سهام منفی باشد برابر یک و در غیر این صورت برابر صفر است؛ SIZE_{it}: لگاریتم طبیعی ارزش بازار حقوق صاحبان سهام شرکت در پایان سال مالی؛ MTB_{it}: نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام شرکت در پایان سال مالی؛ LEV_{it}: نسبت بدهی به دارایی شرکت در پایان سال مالی؛ ε_{it}: باقیمانده یا پسماند مدل.

رابطه بالا را با استفاده از رگرسیون مقطعی سالانه برآورد کرده و ضرایب برآوردی حاصل از رابطه بالا استخراج می‌شود؛ در نهایت بر اساس رابطه زیر محافظه‌کاری شرطی محاسبه می‌شود:

$$C\text{-SCORE} = \lambda_1 + \lambda_2 SIZE_{it} + \lambda_3 MTB_{it} + \lambda_4 LEV_{it}$$

محافظه‌کاری غیرشرطی (UCCR): برای ارزیابی آن از دیدگاه گیولی و هاین (۲۰۰۰) استفاده می‌شود که مبتنی بر قرینه نسبت کل ارقام تعهدی به دارایی‌ها است. ارقام تعهدی منفی تر ناشی از درجه بالاتر محافظه‌کاری نامشروط است. زیرا نتیجه محافظه‌کاری نامشروط، کم‌نمایی سود بوده و در نتیجه سود گزارش شده پایین‌تر از جریان نقدی است.

$$UCCR_{it} = (-1) * TACC_{it} / TA_{it}$$

TACC_{it}: کل ارقام تعهدی (تفاوت بین سود عملیاتی و جریان وجه نقد عملیاتی)؛ TA_{it}: کل دارایی‌ها

متغیر تعدیلگر متغیری است که بین سطوح مختلف رابطه درست متغیر مستقل و متغیر وابسته تغییر می‌کند. به عبارت دیگر مطالعه متغیر تعدیلگر اینجا دوره همه‌گیری کووید ۱۹ (CPAN) در صدد هست بررسی نماید رابطه بین متغیر مستقل و وابسته در کدام بخش از مشاهدات متفاوت (قویتر یا ضعیفتر) است (حصارزاده، ۱۴۰۱) و برای محاسبه آن از کدبندی صفر و یک استفاده می‌شود. برای سال‌های مشمول دوره همه‌گیری کووید ۱۹ کد یک و برای سایر سال‌ها کد صفر لحاظ می‌شود.

محاسبه متغیرهای کنترلی طبق لی و همکاران (۲۰۲۱) به شرح زیر است:

اندازه شرکت (SIZE): لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها؛ نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار (BM): نسبت ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام به ارزش بازار سهام؛ نوسان بازده سهام (MOM): تغییرات بازده سهام نسبت به دوره قبل؛ بدهی بلندمدت (LDEBT): نسبت بدهی بلندمدت به کل دارایی‌ها؛ بدهی کوتاه‌مدت (SDEBT): نسبت بدهی کوتاه‌مدت

به کل دارایی‌ها؛ نقدینگی (CASH): نسبت جمع وجوه نقد و سرمایه‌گذاری کوتاه مدت به کل دارایی‌ها؛ سودآوری (PRO): نسبت سود عملیاتی به کل دارایی‌ها؛ مالکیت دولتی (GOV): درصد سهام متعلق به دولت؛ مالکیت عمده (TOP): درصد سهام در اختیار بزرگترین سهامداران؛ استقلال هیأت مدیره (INDEP): نسبت تعداد اعضای غیرموظف به کل اعضای هیأت مدیره شرکت؛ اندازه هیأت مدیره (BSIZE): لگاریتم طبیعی تعداد اعضای هیأت مدیره شرکت.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی

جدول ۱، آمار توصیفی داده‌های مربوط به متغیرهای مورد استفاده در تحقیق را نشان می‌دهد. اصلی‌ترین شاخص مرکزی، میانگین است که نشان‌دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص خوبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌هاست. میانگین بازدهی سهام ۱۰۸٪ است و با توجه به تعریف عملیاتی بازدهی مازاد و بازدهی غیرعادی میانگین آنها به ترتیب ۳۷/۵٪ و ۱۱/۳٪ می‌باشد. میانگین محافظه‌کاری شرطی ۱/۲۷۵ است و محافظه‌کاری غیرشرطی (با توجه به تعریف عملیاتی آن) ۰/۰۲۶- است. درصد فراوانی متغیر کیفی دوران کرونا ۲۵٪ در دوه همه‌گیری و ۷۵٪ دوره غیرهمه‌گیری است.

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
بازدهی سهم	۱/۰۸۰	۰/۳۳۶	۲۴/۲۴۷	-۰/۶۵۸	۲/۱۵۶	۳/۹۲۴	۲۷/۴۳۸
بازدهی مازاد	-۰/۳۷۵	-۰/۱۷۹	۲۲/۶۹۷	-۱/۹۵۷	۲/۰۹۳	۳/۵۳۷	۲۵/۴۱۸
بازدهی غیرعادی	-۰/۱۱۳	۰/۱۱۶	۰/۷۵۳	-۰/۴۵۵	۰/۱۰۸	-۰/۲۲۵	۸/۷۴۴
محافظه‌کاری شرطی	۱/۲۷۵	۰/۸۲۶	۷/۱۳۵	-۱/۳۸۸	۱/۷۹۴	۱/۴۴۷	۴/۴۶۶
محافظه‌کاری غیرشرطی	-۰/۰۲۶	-۰/۰۰۷	۰/۶۳۵	-۰/۹۹۷	۰/۱۷۶	-۰/۹۱۳	۶/۵۰۹
اندازه شرکت	۱۴/۴۷۹	۱۴/۱۹۲	۲۰/۱۸۳	۱۰/۶۷۱	۱/۵۶۷	۰/۸۴۳	۳/۸۴۹
ارزش دفتری به بازار	-۰/۸۵۹	۰/۴۱۳	۳/۳۵۱	-۴/۶۳۲	۰/۳۸۵	-۱/۲۷۲	۴۲/۸۱۶
نوسان بازده سهم	-۰/۷۲۴	-۰/۷۹۵	۱۲/۸۱۳	-۲۰/۲۵۰	۴/۰۴۲	-۰/۴۹۰	۷/۵۲۷
بدهی بلندمدت	-۰/۲۶۵	۰/۲۳۷	۰/۸۲۱	۰/۰۰۰	۰/۱۷۹	۰/۶۹۵	۲/۹۵۶
بدهی کوتاه مدت	-۰/۷۳۴	۰/۷۶۲	۱/۰۰۰	۰/۱۷۸	۰/۱۷۹	-۰/۶۹۵	۲/۹۵۶
نقدینگی	-۰/۱۵۲	۰/۱۳۰	۰/۶۸۱	۰/۰۰۱	۰/۱۱۲	۱/۲۰۲	۴/۹۸۱
سودآوری	-۰/۱۶۰	۰/۱۳۶	۰/۶۳۹	-۰/۳۲۵	۰/۱۴۲	۰/۵۲۹	۳/۲۸۷
مالکیت دولتی	-۰/۳۱۰	۰/۳۲۸	۰/۴۴۹	۰/۰۴۰	۰/۰۸۵	-۱/۰۲۷	۳/۷۰۷
مالکیت عمده	-۰/۶۹۱	۰/۷۳۰	۰/۹۹۸	۰/۰۹۰	۰/۱۹۱	-۱/۰۲۹	۳/۶۹۰
استقلال هیئت مدیره	-۰/۶۷۶	۰/۶۰۰	۱/۰۰۰	۰/۲۰۰	۰/۱۹۱	-۰/۱۶۴	۲/۵۵۵
اندازه هیئت مدیره	۵/۰۷۰	۵	۷	۵	۰/۳۶۲	۵/۰۳۹	۲۶/۶۵۵

یکی از نکاتی که بایستی همیشه قبل از برازش مدل‌ها در نظر داشت بررسی مانایی متغیرهای تحقیق می‌باشد. نا مانایی متغیرها یا به عبارتی تصادفی بودن سری زمانی متغیرها منجر به کاذب شدن مدل رگرسیونی برآورد شده می‌گردد. اگر متغیرهای سری زمانی مورد استفاده در برآورد ضرایب مدل ناپایا باشند، درحالی‌که هیچ رابطه مفهومی بین متغیرهای مدل وجود نداشته باشد، موجب می‌شود تا استنباط‌های نادرستی در مورد میزان ارتباط بین متغیرها انجام گیرد (بنی مهد و همکاران، ۱۳۹۵). با توجه به جدول ۲ مشاهده می‌شود سطح خطای همه متغیرها کمتر از ۵ درصد بوده و بیانگر مانا بودن متغیرهاست.

جدول ۲. آزمون مانایی برای متغیرهای پژوهش

نام متغیر	آماره آزمون	سطح خطا	نتیجه
بازدهی سهم	۶/۰۶۹	۰/۰۰۰	مانا است
بازدهی مزاد	۸/۷۸۵	۰/۰۰۰	مانا است
بازدهی غیرعادی	۱۱/۰۲۲	۰/۰۰۰	مانا است
محافظه‌کاری شرطی	۱۳/۵۳۰	۰/۰۰۰	مانا است
محافظه‌کاری غیرشرطی	۱۱/۲۲۶	۰/۰۰۰	مانا است
اندازه شرکت	۲۰/۲۰۳	۰/۰۰۰	مانا است
ارزش دفتری به بازار	۱۳/۹۲۳	۰/۰۰۰	مانا است
نوسان بازده سهم	۹/۵۲۸	۰/۰۰۰	مانا است
بدهی بلندمدت	۱۲/۳۶۰	۰/۰۰۰	مانا است
بدهی کوتاه مدت	۱۲/۳۶۰	۰/۰۰۰	مانا است
نقدینگی	۸/۸۸۴	۰/۰۰۰	مانا است
سودآوری	۸/۸۹۷	۰/۰۰۰	مانا است
مالکیت دولتی	۱۴/۵۹۵	۰/۰۰۰	مانا است
مالکیت عمده	۱۴/۵۸۷	۰/۰۰۰	مانا است
استقلال هیئت مدیره	۱۲/۴۰۰	۰/۰۰۰	مانا است
اندازه هیئت مدیره	۱۴/۶۱۱	۰/۰۰۰	مانا است

گاهی اوقات داده‌هایی که ما با آن‌ها روبرو هستیم هم دربرگیرنده داده‌های سری زمانی و هم مقطعی می‌باشد. به چنین مجموعه‌ای از داده‌ها عموماً پانلی از داده‌ها یا پانل دیتا شناخته شده است. در برآورد مدل پانل دیتا با دو حالت کلی روبرو هستیم. حالت اول این است که عرض از مبدأ برای کلیه مقاطع یکسان است که در این صورت با مدل پول دیتا (تلفیقی) مواجه هستیم. حالت دوم عرض از مبدأ برای تمام مقاطع متفاوت است که به این حالت پانل دیتا گفته می‌شود. برای شناسایی دو حالت فوق از آزمونی به نام اف-لیمر استفاده می‌شود. بنابراین آزمون اف-لیمر برای انتخاب بین روش‌های رگرسیون پول دیتا و رگرسیون با اثرات ثابت استفاده می‌شود (بنی مهد و همکاران، ۱۳۹۵). در صورتی که سطح خطای آماره‌ی چاو کمتر از سطح ۰/۰۵ باشد، داده‌های تابلویی (پانل دیتا) انتخاب می‌شود. در این

حالت برای تشخیص اثرات ثابت یا تصادفی باید آزمون هاسمن نیز انجام شود. در جدول ۳ سطح خطای آماره‌ی چاو در مدل های پژوهش کمتر از ۵ درصد است، از این رو رویکرد داده‌های تابلویی در مقابل رویکرد داده‌های تلفیقی مورد پذیرش قرار می‌گیرند. خروجی آزمون هاسمن نشان داد که سطح خطا در هر شش مدل کمتر از ۵ درصد است، از این رو اثرات ثابت عرض از مبدأ در مقابل اثرات تصادفی مورد پذیرش قرار می‌گیرد. یکی از مفروضات مدل رگرسیونی خطی کلاسیک وجود همسانی واریانس جملات اخلاخل می‌باشد. اما به‌طور متعارف در داده‌های سری زمانی و داده‌ها مقطعی ممکن است واریانس جملات اخلاخل ثابت نموده و از مقادیر وقفه دار جملات اخلاخل تبعیت نماید. در این صورت مشکل ناهمسانی واریانس بین جملات اخلاخل بروز می‌کند و تخمین زنده‌های رگرسیون علی‌رغم بدون تورش بودن دارای کارایی نخواهد بود. سطح خطای آزمون ناهمسانی واریانس در همه مدل ها کمتر از ۵ درصد می‌باشد و بیانگر وجود ناهمسانی واریانس در جملات اخلاخل می‌باشد. لازم به توضیح است که این مشکل در تخمین نهایی مدل‌ها (با روش وزن‌دهی به داده‌ها از طریق دستور gls) رفع گردیده است. لازم هست که قبل از تفسیر نتایج حاصل، به بررسی پدیده خودهمبستگی سریالی بین جملات پسماند پرداخته شود؛ زیرا در صورت وجود خودهمبستگی سریالی بین اجزاء اخلاخل، تخمین زن‌های OLS دیگر در بین تمام تخمین زن‌ها بدون تورش، کارا نیستند. سطح خطای آزمون خودهمبستگی سریالی در مدل های پژوهش کمتر از ۵ درصد می‌باشد و بیانگر وجود خودهمبستگی سریالی است. با استفاده از دستور Auto Correlation در نرم‌افزار ایویوز، این مشکل رفع شده است.

جدول ۳. نتایج آزمون‌های اف لیمر (چاو) و هاسمن و همسانی واریانس و خودهمبستگی سریالی

نام مدل	آزمون اف لیمر		آزمون هاسمن		آزمون خودهمبستگی سریالی	
	آماره	سطح خطا	آماره	سطح خطا	آماره	سطح خطا
مدل اول	۳/۹۳۷	۰/۰۰۰	۵۵/۲۰۳	۰/۰۰۰	۳/۲۵۸	۰/۰۰۰
مدل دوم	۷/۰۵۶	۰/۰۰۰	۵۸/۲۵۶	۰/۰۰۰	۲/۴۸۷	۰/۰۰۱
مدل سوم	۱۱/۲۴۰	۰/۰۰۰	۶۳/۳۵۶	۰/۰۰۰	۳/۷۳۴	۰/۰۰۰
مدل چهارم	۲/۱۳۱	۰/۰۰۰	۵۴/۲۵۵	۰/۰۰۰	۳/۳۰۵	۰/۰۰۰
مدل پنجم	۷/۰۲۶	۰/۰۰۰	۶۶/۳۲۰	۰/۰۰۰	۲/۴۴۴	۰/۰۰۲
مدل ششم	۸/۷۲۷	۰/۰۰۰	۷۸/۲۵۵	۰/۰۰۰	۳/۴۳۱	۰/۰۰۰

همچنین نتایج آزمون همخطی (VIF) در تمام مدل‌های مورد بررسی کمتر از عدد ۵ شد که نشان از عدم همخطی در مدل‌های پژوهش است.

در تمامی فرضیه‌های مورد بررسی ضریب متغیر محافظه‌کاری (اعم از شرطی و غیر شرطی) تنها رابطه محافظه‌کاری و عملکرد مالی را برای دوره‌ای که همه گیری کووید ۱۹ نبود، نشان می‌دهد و اثر مقید است. برای بررسی نقش تعدیلگری کووید ۱۹ کافی است در تمام تخمین‌های نهایی مدل رگرسیونی قدرمطلق ضریب محافظه‌کاری را با قدرمطلق جمع ضریب محافظه‌کاری و ضریب متغیر ضریب مقایسه نمود (حصارزاده، ۱۴۰۱).

نتایج خروجی مدل رگرسیونی سری اول فرضیه‌های (سه فرضیه اول) در جدول ۴ ارائه شده است و به شرح زیر است:

فرضیه اول: بین گزارشگری محافظهکارانه شرطی و عملکرد مالی (بازدهی سهم) شرکت‌ها در بازار سرمایه طی دوره همه‌گیری کووید ۱۹ رابطه وجود دارد. متغیر ضربی اثر تعاملی محافظه‌کاری شرطی*دوران کرونا دارای سطح خطای کمتر از ۵ درصد است. ضریب متغیر محافظه‌کاری شرطی ۰/۲۲۰ و جمع ضریب محافظه‌کاری شرطی و ضربی ۰/۲۰۵ است. از این رو می‌توان گفت کرونا ارتباط بین محافظه‌کاری شرطی و بازده سهام را تضعیف نموده است. ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۷۱ درصد می‌باشد که نشان می‌دهد متغیرهای مستقل و کنترلی موجود در مدل توانسته‌اند ۷۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند. آماره فیشر سطح خطای کمتر از ۵ درصد دارد از این رو می‌توان گفت که مدل برازش شده از اعتبار کافی برخوردار است. همچنین آماره دوربین واتسون مابین ۱/۵ و ۲/۵ است و نشان از برازش نبود خودهمبستگی مرتبه اول در مدل است.

فرضیه دوم: بین گزارشگری محافظهکارانه شرطی و عملکرد مالی (بازدهی مازاد) شرکت‌ها در بازار سرمایه طی دوره همه‌گیری کووید ۱۹ رابطه وجود دارد. متغیر ضربی اثر تعاملی محافظه‌کاری شرطی*دوران کرونا سطح خطای کمتر از ۵ درصد دارد. ضریب متغیر محافظه‌کاری شرطی ۰/۳۰۴ و جمع ضریب محافظه‌کاری شرطی و ضربی ۰/۱۲۳ است. از این رو می‌توان گفت کرونا ارتباط بین محافظه‌کاری شرطی و بازده مازاد سهام را تقویت نموده است. ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۶۳ درصد می‌باشد که نشان می‌دهد متغیرهای مستقل و کنترلی موجود در مدل توانسته‌اند ۶۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند. آماره فیشر سطح خطای کمتر از ۵ درصد دارد از این رو می‌توان گفت که مدل برازش شده از اعتبار کافی برخوردار است. همچنین آماره دوربین واتسون مابین ۱/۵ و ۲/۵ است و نشان از نبود خودهمبستگی مرتبه اول در مدل است.

فرضیه سوم: بین گزارشگری محافظهکارانه شرطی و عملکرد مالی (بازدهی غیرعادی) شرکت‌ها در بازار سرمایه طی دوره همه‌گیری کووید ۱۹ رابطه وجود دارد. متغیر ضربی اثر تعاملی محافظه‌کاری شرطی*دوران کرونا سطح خطای کمتر از ۵ درصد دارد. ضریب متغیر محافظه‌کاری شرطی ۰/۱۵۶ و جمع ضریب محافظه‌کاری شرطی و ضربی ۰/۱۱۴ است. از این رو می‌توان گفت کرونا ارتباط بین محافظه‌کاری شرطی و بازده غیرعادی سهام را تقویت نموده است. ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۴۹ درصد می‌باشد که نشان می‌دهد متغیرهای مستقل و کنترلی موجود در مدل توانسته‌اند ۴۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند. آماره فیشر دارای سطح خطای کمتر از ۵ درصد می‌باشد از این رو می‌توان گفت که مدل برازش شده از اعتبار کافی برخوردار است. همچنین آماره دوربین واتسون مابین ۱/۵ و ۲/۵ است و نشان از نبود خودهمبستگی مرتبه اول در مدل دارد.

جدول ۴: تخمین نهایی مدل‌های فرضیه‌های اول، دوم و سوم

شرح	فرضیه اول			فرضیه دوم			فرضیه سوم		
	ضرایب	آماره t	P-value	ضرایب	آماره t	P-value	ضرایب	آماره t	P-value
محافظه‌کاری شرطی	۰/۲۲۰	۱۵/۶۵۲	۰/۰۰۰	۰/۳۰۴	۴/۶۷۵	۰/۰۰۰	۰/۱۵۶	۳/۱۹۱	۰/۰۰۱
دوران کرونا	-۰/۱۵۲	-۱/۴۰۱	۰/۱۶۱	-۰/۱۰۸	-۴/۵۱۷	۰/۰۰۰	-۰/۰۴۵	-۳/۳۷۷	۰/۰۰۸
محافظه‌کاری شرطی* دوران کرونا	-۰/۰۱۵	-۳/۱۱۵	۰/۰۰۱	۰/۱۲۳	۵/۴۱۲	۰/۰۰۰	۰/۱۱۴	۶/۳۶	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	۰/۰۴۶	۲/۹۲۵	۰/۰۰۳	۰/۱۳۸	۵/۵۶۶	۰/۰۰۰	-۰/۰۵۸	-۲/۱۴۷	۰/۰۳۲
ارزش دفتری به بازار	۰/۰۱۵	۱/۰۹۴	۰/۲۷۴	۰/۰۰۶	۲/۱۳۲	۰/۰۳۳	-۰/۱۸۸	۱۱/۲۸ -۱	۰/۰۰۰
نوسان بازده سهم	۰/۰۰۲	۳/۱۱۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۷	۰/۹۶۳	۰/۳۳۵	-۰/۰۰۱	-۲/۰۵۰	۰/۰۰۴
بدهی بلندمدت	۰/۰۰۷	۰/۴۸۶	۰/۶۲۷	-۰/۰۱۴	-۲/۰۵۱	۰/۰۴۰	-۰/۰۱۴	-۰/۹۱۲	۰/۳۶۲
بدهی کوتاه مدت	-۰/۰۱۸	-۰/۷۴۲	۰/۴۵۷	۰/۲۴۴	۱۴/۰۳	۰/۰۰۰	۰/۰۱۱	۰/۲۰۶	۰/۸۳۶
تقدینگی	-۰/۹۵۳	-۱۸/۳۱۵	۰/۰۰۰	۰/۱۵۲	۶/۹۷۷	۰/۰۰۰	۰/۸۷	۱۳/۴۸ ۳	۰/۰۰۰
سودآوری	۰/۶۵۹	۱۳/۳۰۲	۰/۰۰۰	-۰/۵۹۶	-۱۲/۷۱۰	۰/۰۰۰	-۱/۲۷۰	۲۵/۲۷ -۹	۰/۰۰۰
مالکیت دولتی	۰/۱۳۲	۳/۳۹۴	۰/۰۰۷	۰/۰۱۵	۰/۳۱۷	۰/۷۵۱	-۰/۱۵۶	-۳/۱۹۱	۰/۰۰۱
مالکیت عمده	-۰/۰۷۰	-۴/۰۸۴	۰/۰۰۰	۰/۰۳۱	۰/۸۲۳	۰/۴۱۰	۰/۱۱۴	۶/۳۶	۰/۰۰۰
استقلال هیئت مدیره	-۰/۰۱۵	-۰/۷۰۷	۰/۴۷۹	۰/۰۳۳	۳/۶۹	۰/۰۰۲	۰/۰۳۸	۱/۷۳۵	۰/۰۸۳
اندازه هیئت مدیره	-۰/۰۲۳	-۲/۶۲۵	۰/۰۰۸	-۰/۰۴۲	-۲/۸۰۵	۰/۰۰۵	۰/۰۴۱	۳/۷۷۱	۰/۰۰۲
عرض از مبدأ	-۰/۴۵۵	-۲/۱۹۸	۰/۰۲۸	-۱/۵۹۷	-۳/۸۹۳	۰/۰۰۱	۱/۲۱۲	۳/۳۸۹	۰/۰۰۷
اتورگرسیو مرتبه اول	۰/۰۱۹	۰/۳۹۹	۰/۶۸۹	۰/۳۲۶	۳/۴۶۷	۰/۰۰۶	۰/۱۴۴	۳/۰۹۴	۰/۰۰۲
ضریب تعیین تعدیل‌شده	۰/۷۱۱	۰/۶۳۲						۰/۴۹۸	
آماره فیشر	۱/۵۶	۱/۶۹۲	۰/۰۰۰	۱/۶۹۲		۰/۰۰۰	۳/۴۹۹		۰/۰۰۰
دوربین واتسون	۲/۱۸۸	۲/۱۲۵		۲/۱۲۵			۱/۹۹۶		

فرضیه چهارم: بین گزارشگری محافظه‌کارانه غیرشرطی و عملکرد مالی (بازدهی سهم) شرکت‌ها در بازار سرمایه طی دوره همه‌گیری کووید ۱۹ رابطه وجود دارد. متغیر ضریبی اثر تعاملی محافظه‌کاری غیرشرطی* دوران کرونا دارای سطح خطای کمتر از ۵ درصد است. ضریب متغیر محافظه‌کاری غیرشرطی ۰/۲۲۰ و جمع ضریب محافظه‌کاری شرطی و ضریبی ۰/۳۳۰ است. از این رو می‌توان گفت کرونا ارتباط بین محافظه‌کاری غیرشرطی و بازده سهام را تقویت نموده است. ضریب تعیین تعدیل‌شده برابر با ۶۲ درصد می‌باشد که نشان می‌دهد متغیرهای مستقل و کنترلی موجود در مدل توانسته‌اند ۶۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند. آماره فیشر سطح خطای کمتر از ۵ درصد دارد از این رو می‌توان گفت که مدل برازش شده از اعتبار کافی برخوردار است. همچنین آماره دوربین واتسون مابین مابین ۱/۵ و ۲/۵ است و نشان از نبود خودهمبستگی مرتبه اول در مدل دارد.

جدول ۵. تخمین نهایی مدل‌های فرضیه‌های چهارم، پنجم و ششم

شرح	فرضیه چهارم		فرضیه پنجم		فرضیه ششم		متغیرها
	ضرایب	آماره t	P-value	ضرایب	آماره t	P-value	
محافظه‌کاری غیرشرطی	۰/۲۲	۱۵/۰۷۶	۰/۰۰۰	۰/۰۳۹	۱/۸۴۳	۰/۰۶۵	
دوران کرونا	-۰/۱۰۸	-۳/۰۳۶	۰/۰۰۲	-۰/۰۵۸	-۳/۴۷۸	۰/۰۰۵	
محافظه‌کاری غیرشرطی*	۰/۱۱	۳/۱۳۴	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۱۵۲	۰/۸۷۹	
دوران کرونا							
اندازه شرکت	۰/۰۵۹	۴/۱۵۱	۰/۰۰۰	۰/۱۰۶	۵/۷۸۵	۰/۰۰۰	
ارزش دفتری به بازار	-۰/۰۰۲	-۰/۱۴۶	۰/۸۸۳	۰/۰۹۹	۳/۷۲۹	۰/۶۸۸	
نوسان بازده سهم	۰/۰۰۱	۳/۰۶۷	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۰/۴۰۱	۰/۰۰۴	
بدهی بلندمدت	۰/۰۰۷	۰/۵۳۲	۰/۵۹۴	-۰/۰۱۹	-۲/۸۷۳	۰/۰۰۰	
بدهی کوتاه مدت	-۰/۰۰۹	-۰/۳۳۷	۰/۷۳۵	۰/۲۰۸	۱۴/۵۴۶	۰/۰۰۰	
نقدینگی	-۰/۹۵۳	-۱۸/۴۰۲	۰/۰۰۰	۰/۱۵۷	۴/۴۶۲	۰/۰۰۰	
سودآوری	۰/۶۷۶	۱۴/۰۷۳	۰/۰۰۰	-۰/۵۹۰	-۱۳/۷۱۵	۰/۵۴۳	
مالکیت دولتی	۰/۱۰۳	۲/۵۵	۰/۰۱۲	۰/۰۳۱	۰/۶۰۸	۰/۲۲۹	
مالکیت عمده	-۰/۰۶۸	-۳/۷۷۰	۰/۰۰۲	۰/۰۵۱	۱/۲۰۳	۰/۰۱۴	
استقلال هیئت مدیره	-۰/۰۱۳	-۰/۵۲۶	۰/۵۹۸	۰/۰۳۹	۲/۴۵۷	۰/۰۱۶	
اندازه هیئت مدیره	-۰/۰۲۲	-۲/۴۳۷	۰/۰۱۵	-۰/۰۴۶	-۲/۴۰۰	۰/۰۰۶	
عرض از مبدأ	-۰/۶۴۲	-۳/۴۵۳	۰/۰۰۶	-۱/۱۱۵	-۳/۴۶۳	۰/۰۰۰	
اتورگرسیو مرتبه اول	۰/۰۴۵	۰/۹۱۸	۰/۳۵۸	۰/۳۱۰	۳/۴۶۳	۰/۰۰۰	
ضریب تعیین تعدیل‌شده	۰/۶۲۰	۰/۶۲۰		۰/۵۲۲	۰/۵۲۲		
آماره فیشر - سطح خطا	۱/۵۴۳	۱/۵۴۳	۰/۰۰۰	۱/۷۰۲	۱/۷۰۲	۰/۰۰۰	
دوربین واتسون	۲/۱۸۰	۲/۱۸۰		۲/۱۲۸	۲/۱۲۸		
							۱/۹۹۸

فرضیه پنجم: بین گزارشگری محافظهکارانه غیرشرطی و عملکرد مالی (بازدهی مازاد) شرکت‌ها در بازار سرمایه طی دوره همه‌گیری کووید ۱۹ رابطه وجود دارد. ضریب متغیر ضریبی معنی دار نیست و تحلیل نقش تعدیلگری کووید ۱۹ بی‌مورد است. به عبارت دیگر تفاوت معنی‌داری بین دوران همه‌گیری و نبود همه‌گیری وجود ندارد. رابطه محافظه‌کاری غیرشرطی و بازدهی مازاد سهام در دوره همه‌گیری کووید ۱۹ تغییری نداشته است. ضریب تعیین تعدیل‌شده برابر با ۵۲ درصد می‌باشد که نشان می‌دهد متغیرهای مستقل و کنترلی موجود در مدل توانسته‌اند ۵۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند. آماره فیشر دارای سطح خطای کمتر از ۵ درصد می‌باشد از این رو می‌توان گفت که مدل برازش شده از اعتبار کافی برخوردار است. همچنین آماره دوربین واتسون مابین ۱/۵ و ۲/۵ است و نشان از نبود خودهمبستگی مرتبه اول در مدل است.

فرضیه ششم: بین گزارشگری محافظه‌کارانه غیرشرطی و عملکرد مالی (بازدهی غیرعادی) شرکت‌ها در بازار سرمایه طی دوره همه‌گیری کووید ۱۹ رابطه وجود دارد. ضریب متغیر ضربی معنی‌دار نیست و تحلیل نقش تعدیلگری کووید ۱۹ بی‌مورد است. به عبارت دیگر تفاوت معنی‌داری بین دوران همه‌گیری و نبود همه‌گیری وجود ندارد. رابطه محافظه‌کاری غیر شرطی و بازدهی غیر عادی سهام در دوره همه‌گیری کووید ۱۹ تغییری نداشته است. ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۴۴ درصد می‌باشد که نشان می‌دهد متغیرهای مستقل و کنترلی موجود در مدل توانسته‌اند ۴۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند. آماره فیشر دارای سطح خطای کمتر از ۵ درصد می‌باشد از این رو می‌توان گفت که مدل برازش شده از اعتبار کافی برخوردار است. همچنین آماره دوربین واتسون مابین ۱/۵ و ۲/۵ است و نشان از برازش نبود خودهمبستگی مرتبه اول در مدل است. نتایج خروجی مدل رگرسیونی سری دوم فرضیه‌ها (فرضیه‌های چهارم و پنجم و ششم) در جدول ۵ ارائه شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

در این تحقیق رابطه بین گزارشگری محافظه‌کارانه و عملکرد مالی شرکت‌ها در بازار سرمایه طی دوره همه‌گیری کووید ۱۹ پرداخته شد. جامعه آماری تحقیق حاضر، کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۱۳۹۳ الی ۱۴۰۰ با تعداد ۱۱۰ شرکت به عنوان نمونه بود. پس از اندازه‌گیری متغیرهای تحقیق از تجزیه و تحلیل رگرسیون خطی چند متغیره مبتنی بر تکنیک داده‌های پانل برای آزمون فرضیه‌های تحقیق استفاده گردید. فرضیه اول: بین گزارشگری محافظه‌کارانه شرطی و عملکرد مالی (بازدهی سهم) شرکت‌ها در بازار سرمایه طی دوره همه‌گیری کووید ۱۹ رابطه وجود دارد. سطح خطای متغیر ضربی محافظه‌کاری شرطی* دوران کرونا کمتر از ۵ درصد شد و از این رو همه‌گیری کووید ۱۹ نقش تعدیلگری بر ارتباط بین محافظه‌کاری شرطی و بازدهی سهام ایفا کرد ولی بررسی جمع ضرایب نشان داد که نقش تعدیلگری در جهت تضعیف رابطه بود و میزان محافظه‌کاری شرطی در دوره همه‌گیری کووید ۱۹ در ارتباط با بازدهی سهام کاهش یافته است. نتیجه این فرضیه با اکثریت نتایج در تقابل است. طبق مطالعه ادبیات نظری، محافظه‌کاری مشروط مدیران را مجبور می‌کند تا زیان‌های پیش‌بینی شده آینده را در سود لحاظ نموده و از گزارش سودهای مورد انتظار جلوگیری کنند بنابراین شدت و بزرگی کاهش ارزش در طول رکود بازار برای شرکت‌های محافظه‌کارتر کمتر است و بازار نسبت به اعلام اخبار بد برای شرکت‌های محافظه‌کارتر پس از شروع بحران واکنش کمتری نشان می‌دهد؛ زیرا سرمایه‌گذاران کمتر نگران افشای اخبار بد برای شرکت‌های محافظه‌کار هستند. با توجه به نتایج خروجی مدل می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که طبق نظر لافوند و واتس، مدیران شرکت‌های بورسی این مطالعه در دوره کووید ۱۹ که به عنوان اخبار بد تلقی می‌شد اقدام به شناسایی به موقع زیان و طبق نظر کوتاری و همکاران، مدیران این شرکت‌ها در آن دوره افشای کمتری از اخبار بد داشته‌اند.

فرضیه دوم: بین گزارشگری محافظه‌کارانه شرطی و عملکرد مالی (بازدهی مازاد) شرکت‌ها در بازار سرمایه طی دوره همه‌گیری کووید ۱۹ رابطه وجود دارد. متغیر ضربی محافظه‌کاری شرطی* دوران کرونا معنادار بود و از این رو همه‌گیری کووید ۱۹ نقش تعدیلگری بر ارتباط بین محافظه‌کاری شرطی و بازدهی مازاد سهام داشت. بررسی جمع ضرایب نشان داد که نقش تعدیلگری در جهت تقویت رابطه بود و میزان محافظه‌کاری شرطی در دوره همه‌گیری

کووید ۱۹ در ارتباط با بازدهی مازاد سهام افزایش یافته است. در این فرضیه منظور از بازدهی مازاد سهام تفاوت بازده سهام شرکت و میانگین بازده پرتفوی بازار است. نتایج این فرضیه همسو با اکثر تحقیقات است که افزایش محافظه‌کاری مشروط در شرایط عدم اطمینان را تایید کردند.

فرضیه سوم: بین گزارشگری محافظه‌کارانه شرطی و عملکرد مالی (بازدهی غیرعادی) شرکت‌ها در بازار سرمایه طی دوره همه‌گیری کووید ۱۹ رابطه وجود دارد. متغیر ضربی محافظه‌کاری شرطی*دوران کرونا معنادار بود و از این رو همه‌گیری کووید ۱۹ نقش تعدیلگری بر ارتباط بین محافظه‌کاری شرطی و بازدهی غیرعادی سهام داشت. بررسی جمع ضرایب نشان داد که نقش تعدیلگری در جهت تقویت رابطه بود و میزان محافظه‌کاری شرطی در دوره همه‌گیری کووید ۱۹ در ارتباط با بازدهی غیرعادی سهام افزایش یافته است. در این فرضیه منظور از بازدهی غیرعادی سهام تفاوت بازده سهام شرکت و میانگین بازده مورد انتظار است. نتایج این فرضیه همسو با اکثر تحقیقات است که افزایش محافظه‌کاری مشروط در شرایط عدم اطمینان را تایید کردند. نتایج تحقیقات قبلی نشان داد که بحران همه‌گیری کووید ۱۹ فرصتهای سودآوری برای دلالت ایجاد کرده است و پیش‌بینی پذیری بازده سهام شکست خورده است.

فرضیه چهارم: بین گزارشگری محافظه‌کارانه غیرشرطی و عملکرد مالی (بازدهی سهم) شرکت‌ها در بازار سرمایه طی دوره همه‌گیری کووید ۱۹ رابطه وجود دارد. متغیر ضربی محافظه‌کاری غیرشرطی*دوران کرونا دارای سطح خطای کمتر از ۵ درصد است و همه‌گیری کووید ۱۹ نقش تعدیلگری تقویت‌کننده بر ارتباط بین گزارشگری محافظه‌کارانه غیرشرطی و بازده سهام داشته است. به عبارت دیگر دوران کووید ۱۹ باعث شده است مدیران شرکت‌ها به نسبت نبود همه‌گیری بیشتر از استانداردهای حسابداری و الزامات قانونی استفاده کنند که نتیجه‌اش در بازدهی سهام منعکس شده است. محافظه‌کاری در گزارشگری یک مکانیزم راهبردی شرکتی تلقی می‌شود و می‌توان نتیجه گرفت که در دوران عدم اطمینان مدیران شرکت‌های بورسی مورد مطالعه سعی در تقویت کنترل داخلی شرکت و پایبندی به قوانین و استانداردها داشته‌اند تا ریسکهای مرتبط با بازدهی سهام را کاهش دهند.

فرضیه پنجم: بین گزارشگری محافظه‌کارانه غیرشرطی و عملکرد مالی (بازدهی مازاد) شرکت‌ها در بازار سرمایه طی دوره همه‌گیری کووید ۱۹ رابطه وجود دارد. نتایج تخمین مدل عدم معناداری متغیر ضربی محافظه‌کاری غیرشرطی*دوران کرونا را نشان داد. پس دوران همه‌گیری کووید ۱۹ همان اثری را بر ارتباط بین محافظه‌کاری غیرشرطی و بازدهی مازاد سهام داشته است که در سایر زمانها نیز برقرار بوده است و از نظر آماری تغییری در این همه‌گیری رخ نداده است. بررسی خروجی آماری نشان می‌دهد ضریب محافظه‌کاری غیرشرطی در زمان نبود همه‌گیری نیز معنادار نبوده است. همان‌طور که بیان شد بازدهی مازاد حاصل تفاوت بازده سهام شرکت با میانگین بازده پرتفوی بازار است. در کل می‌توان چنین نتیجه گرفت که به کارگیری بیشتر استانداردها و رعایت الزامات قانونی توسط تمامی شرکتها در هیچ دوره‌ای بر بازدهی مازاد سهام اثر نداشته است. نتایج این فرضیه با سایر تحقیقات در این زمینه همسو نیست.

فرضیه ششم: بین گزارشگری محافظه‌کارانه غیرشرطی و عملکرد مالی (بازدهی غیرعادی) شرکت‌ها در بازار سرمایه طی دوره همه‌گیری کووید ۱۹ رابطه وجود دارد. تخمین مدل عدم معناداری متغیر ضربی محافظه‌کاری غیرشرطی*دوران کرونا را نشان داد. پس دوران همه‌گیری کووید ۱۹ همان اثری را بر ارتباط بین محافظه‌کاری

غیرشرطی و بازدهی غیرعادی سهام داشته است که در سایر زمانها نیز برقرار بوده است و از نظر آماری در این همه گیری تغییری رخ نداده است. بررسی خروجی آماری نشان می دهد ضریب محافظه کاری غیرشرطی در زمان نبود همه گیری معنادار بوده است پس به طور کلی در همه دوره ها رعایت بیشتر قوانین و مقررات و استانداردها باعث بازدهی غیرعادی سهام شده است. همان طور که بیان شد بازدهی غیرعادی حاصل تفاوت بازده سهام شرکت با بازده موردانتظار است. در کل می توان چنین نتیجه گرفت که به کارگیری بیشتر استانداردها و رعایت الزامات قانونی توسط شرکتها باعث می شود فعالان بازار مکانیزمهای راهبری شرکتی را قوی ارزیابی کنند و انتظار بازدهی بیشتری را نسبت به بقیه شرکتها داشته باشند. نتیجه این فرضیه با سایر تحقیقات مشابه همراستا نیست.

با توجه به نتایج حاصل از آزمونهای آماری شش فرضیه فوق پیشنهادهای کاربردی این تحقیق برای فعالان بازار و مدیران شرکتها می تواند سودمند باشد. همه گیری کووید ۱۹ باعث تضعیف رویکرد گزارشگری محافظه کارانه شرطی مدیران شد. از آنجایی که محافظه کاری شرطی با انتشار اخبار بد و گزارش زیان در دوران رکود و عدم قطعیت ارتباط دارد، شاید یکی از دلایل کاهش این رویکرد عدم تمایل مدیران شرکتهای بورسی مورد مطالعه به افشای اخبار بد درخصوص عملکرد شرکت تحت مدیریتشان است که با مفاهیمی چون مدیریت ادراک و تئوری علامت دهی مرتبط است. در دوره کووید ۱۹ رویکرد گزارشگری محافظه کارانه شرطی بر تفاوت بازدهی سهام شرکت با بازدهی پرتفوی بازار و بازدهی موردانتظار سهامداران اثر داشته است که با توجه به نتایج فرضیه اول منطقی است و نشان می دهد با اینکه مدیران شرکتها انتشار به موقع اخبار بد را به تعویق انداخته اند ولی این اخبار به موقع بر بازار و بازدهی مورد انتظار فعالان بازار اثر گذاشته است. این نتایج بر لزوم تقویت راهکارهایی جهت کاهش شکاف اطلاعاتی و عدم تقارن اطلاعاتی در شرکتهای بورسی صحنه می گذارد. میزان تاییدپذیری و شفافیت اطلاعات در دوران ابهام و شوکهای اقتصادی میتواند با مصاحبه بیشتر مدیران و الزام بورس به افشای اطلاعات و قراردادهای افزایش یابد.

با توجه به نتایج حاصل از سری دوم فرضیه ها، در دوره شوکهای اقتصادی الزام شرکتها به رعایت استانداردها و قوانین بدون توجه به اخبار با بازدهی شرکت ارتباط داشت ولی به بازدهی بیشتر از بازار و بازدهی غیرعادی منجر نشد. به این معنا که شرکتهای بورسی مورد مطالعه در همه دوره ها با رویکرد گزارشگری منطبق با استانداردها که مستقل از اخبار اقتصادی است، بازدهی مازاد نسبت به میانگین بازار کسب نمی کنند ولی همواره با تقویت مکانیزمهای راهبری شرکتی باعث کسب بازدهی غیرعادی می شوند. پس لازم است سرمایه گذاران و تحلیلگران به دقت به مفاهیم محافظه کاری غیرشرطی و اینکه چه اقلامی طبق استانداردها بر سود و داراییهای شرکت اثر دارد، توجه نمایند. پیشنهاد می شود در تحقیقات آتی اثر انواع تحریمهای اقتصادی به عنوان گسست ساختاری مورد مطالعه قرار گیرد. در برنامه هفتم توسعه به تحول دیجیتال صنایع و شرکتها پرداخته شده است. پیشنهاد می شود اثر تحول دیجیتال هر صنعت به طور جداگانه بر ارتباط بین محافظه کاری و عملکرد شرکت مورد بررسی قرار گیرد.

فهرست منابع

اسدی مشیزی، محمدحسین، حاجیها، زهره، جعفری، سیده محبوبه. (۱۴۰۰). بررسی ارتباط محافظه کاری و چولگی منفی بازده سهام با تأکید بر سررسید بدهی در مراحل چرخه عمر. *دانش مالی تحلیل اوراق بهادار*، ۱۴(۴۹)، ۱-۱۸.

- اعتمادی، حسین و عبدلی، لیلا (۱۳۹۶) محافظه‌کاری و عملکرد ارزش سهام در بحران مالی. مدیریت دارایی و تامین مالی، ۵(۳)، ۱۳۳-۱۵۰.
- ایرج، قلی پور، سیروس، فتاحی. (۱۳۹۳). بررسی محافظه‌کاری سود بر بازده سهام و ارزش دفتری سهام شرکت‌های درمانده مالی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. دانش حسابرسی، ۵۶، ۱۴۳-۱۷۰.
- ایزدی نیا، ناصر، عبداللهی، پریسا. (۱۳۹۶). تأثیر محافظه‌کاری و حاکمیت شرکتی بر رابطه بین سطح اهرم مالی و عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. بررسی‌های حسابداری، ۵(۱۷)، ۱-۲۴.
- بذرافشان کوجل، مهدی، یوسفوند، داود، رکابدار، قاسم. (۱۴۰۱). تأثیر محافظه‌کاری اجتماعی مدیران بر عملکرد شرکت با در نظر گرفتن نقش میانجی محافظه‌کاری حسابداری. مطالعات حسابداری و حسابرسی، ۱۲(۴۷)، ۱۱۳-۱۳۰.
- بنی مهد، بهمن، عربی، مهدی و حسن پور، شیوا. (۱۳۹۵). پژوهش‌های تجربی و روش‌شناسی در حسابداری. تهران: انتشارات ترمه.
- بولو، قاسم و فلاح برندق، مهدی. (۱۳۹۱). رابطه محافظه‌کاری و بازده غیرعادی کوتاه‌مدت سهام عرضه‌های عمومی اولیه با تأکید بر نقش مدل‌های عدم تقارن اطلاعاتی. مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۰(۳۹)، ۵۷-۸۲.
- جبارزاده کنگرلویی، سعید، خدایار یگانه، سعید. (۱۳۸۸). تأثیر محافظه‌کاری در گزارشگری مالی بر مدیریت سود. حسابداری مدیریت، ۲(۲)، ۲۵-۳۶.
- حسن پور، ولی، بغدادی، سعید. (۱۴۰۱). بررسی رابطه بین محافظه‌کاری حسابداری مشروط و میزان واکنش عملکرد نسبت به پاداش مدیران. نشریه علمی رویکردهای پژوهشی نوین مدیریت و حسابداری، ۶(۲۳)، ۶۵-۸۲.
- حصارزاده، رضا. (۱۴۰۱). اصول نگارش مبانی نظری و آزمون فرضیه‌های دارای متغیر تعدیلگر. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- حقیقت شهرستانی، مهدی، دستگیر، محسن، سروش یار، افسانه. (۱۳۹۹). تأثیر سرمایه‌گذاری شرکت برنوسانات آتی بازده سهام با در نظر گرفتن اثر تعدیلی محافظه‌کاری حسابداری. مجله مدیریت توسعه و تحول، ۴۳، ۳-۱۹.
- خالقی مقدم، حمید، برزیده، فرخ. (۱۳۸۲). ارتباط بین رویکردهای مختلف در اندازه‌گیری عملکرد مالی شرکت‌ها. مطالعات حسابداری، ۲(۱)، ۸۳-۱۰۶.
- داودی، معصومه، غفوریان شاگردی، امیر. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر محافظه‌کاری حسابداری بر رابطه بین اعتماد به نفس بیش از حد مدیرعامل و نوسان بازده و بازده غیر عادی تجمعی سهام در شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران. نشریه علمی رویکردهای پژوهشی نوین مدیریت و حسابداری، ۳(۱۰)، ۹۱-۱۱۰.
- روحی‌ملکی، سحر، پاک‌مرام، عسگر. (۱۳۹۶). بررسی رابطه محافظه‌کاری حسابداری با واکنش بازار و ارزش شرکت‌ها. حسابداری، پاسخگویی و منافع جامعه، ۲۷(۷)، ۹۹-۱۲۶.

ستایش، محمد حسین، روستا، منوچهر. (۱۳۹۲). بررسی ارتباط بین محافظه‌کاری و کارایی مالی شرکت های بازار بورس اوراق بهادار تهران به وسیله تحلیل پوششی داده ها-کارایی برتر. *مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۱۱(۴۴)، ۹۵-۷۱.

شماخی، حمیدرضا، نوذری نوبر، ناصر. (۱۴۰۰). بررسی رابطه بین محافظه‌کاری حسابداری و عملکرد شرکت در طول همه گیری کووید ۱۹ در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *چشم انداز حسابداری و مدیریت*، ۴(۴۹)، ۹۷-۸۲.

صالحی، مهدی، عباس زاده، محمدرضا، احمدی، احمد. (۱۳۹۸). بررسی اثرات محافظه‌کاری شرطی و غیرشرطی بر رفتار سرمایه‌گذاری و بازدهی آتی شرکت ها. *پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی (پژوهشنامه حسابداری مالی و حسابرسی)*، ۱۱(۴۲)، ۲۲-۱.

صانعی فر متین، سعیدی، پرویز. (۱۳۹۹). مقایسه شبکه‌های پیچیده بازارهای بورس سهام و متغیرهای اقتصادی در دوران قبل و بعد از شیوع ویروس کرونا (کووید-۱۹). *تحقیقات مدلسازی اقتصادی*، ۱۰(۴۰)، ۱۲۳-۱۵۸.

طالبی، الهه، ترابیان، علیرضا، میرزامحمدی، محمدعلی. (۱۳۹۷). تأثیر محافظه‌کاری حسابداری بر عملکرد مالی عملکرد اقتصادی. *سومین کنفرانس ملی سالانه اقتصاد، مدیریت و حسابداری*. اهواز.

مرگان، سعید، سعیدی، هادی، قدیری مقدم، ابوالفضل، طالبی نجف آبادی، عبدالحسین. (۱۳۹۷). تبیین ارزش منصفانه حسابداری و محافظه‌کاری حسابداری در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، *کنفرانس بین‌المللی یافته‌های نوین در حسابداری، مدیریت اقتصاد و بانکداری، تهران*.

مهدی زاده ماسوله، ندا. (۱۳۹۸). بررسی اثر محافظه‌کاری غیرشرطی و مقدار وجه نقد نگهداری شده بر بازده غیرعادی سهام. *رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری*، ۳(۹)، ۵۱-۶۴.

مهرداد، رامین، بادآور نهندی، یونس، زینالی، مهدی، برادران، رسول. (۱۴۰۰). تأثیر محافظه‌کاری در افشای ریسک بر محتوای اطلاعاتی اطلاعات حسابداری و همزمانی بازده سهام. *پژوهشهای حسابداری مالی*، ۱۳(۲)، ۳۳-۵۶.

وحید، احمدیان، حسین، اعتمادی، محمدعلی، آقایی. (۱۳۹۷). بررسی تأثیر عملکرد اقتصاد کلان بر ارتباط ارزشی و محافظه‌کاری سود حسابداری شرکت های بورس اوراق بهادار تهران. *تحقیقات حسابداری و حسابرسی*، ۱۰(۳۸)، ۱۶۴-۱۴۵.

Acharya, V.V., & Steffen, S. (2020). The risk of being a fallen angel and the corporatemandash for cash in the midst of COVID, *Working paper* (National Bureau of EconomicmResearch).

Albuquerque, R., Koskinen, Y., Yang, S., & Zhang, C. (2020). Resiliency of environment and social stocks: an analysis of the exogenous COVID-19 market crash. *The Review of Corporate Finance Studies*, 9(3), 593-621.

Al-Qudah, L. A., Ahmad Qudah, H., Abu Hamour, A. M., Abu Huson, Y., & Al Qudah, M. Z. (2022). The effects of COVID-19 on conditional accounting conservatism in developing countries: evidence from Jordan. *Cogent Business & Management*, 9(1), 1-15.

- Aminu, L., & Hassan, S.U. (2017). Accounting Conservatism and Financial Performance of Nigerian Deposit Money Banks: an Analysis of Recent Economic Recession Scholedge International. *Journal of Business Policy & Governance*, 4(12), 124-135.
- Balakrishnan, K., Watts, R., & Zuo, L. (2016). The effect of accounting conservatism on corporate investment during the Global Financial Crisis. *Journal of Business Finance and Accounting*, 43(5-6), 513-542.
- Barton, J., Waymire, G. (2004). Investor protection under unregulated financial reporting. *Journal of Accounting and Economics*, 38, 65-116.
- Basu, S. (1997). The conservatism principle and the asymmetric timelines of earnings. *Journal of Accounting and Economics*, 30 (1), 215-241.
- Chen, L. H., Folsom, D.M., Paek, M., & Sami, H. (2014). Accounting conservatism, earnings persistence, and pricing multiples on earnings. *Accounting Horizons*, 28(2), 233-260.
- Ding, W., Levine, R., Lin, C., & Xie, W. (2020). Corporate immunity to the Covid-19 pandemic. *Working paper* (National Bureau of Economic Research).
- Fahlenbrach, R., Rageth, K., & Stulz, R.M. (2020). How valuable is financial flexibility when revenue stops? Evidence from the COVID-19 crisis. *Working paper* (Fisher College of Business Working Paper Series).
- Francis, J. R., Martin, X. (2010). Acquisition profitability and timely loss recognition. *Journal of Accounting and Economics*, 49(1-2), 161-178.
- Garcia Lara, J. M., Garcí'a Osma, B., & Penalva, F. (2011). Conditional conservatism and cost of capital. *Review of Accounting Studies*, 16, 247-271.
- Garcia Lara, J. M., Garcí'a Osma, B., & Penalva, F. (2016). Accounting conservatism and firm investment efficiency. *Journal of Accounting and Economics*, 61(1), 221-238
- Givoly, D., Hayn, C. (2000). The changing time-series properties of earnings, cash flows and accruals: Has financial reporting become more conservative?. *Journal of Accounting and Economics*, 29(3), 287-320.
- Guay, W., Verrecchia, R. (2018). Conservative disclosure. *Journal of Financial Reporting*, 3(1), 73-92.
- Hendriksen, E.S. & Berda, M. F. (1992). *Accounting theory*, 5th Edition, Irwin: Pence-Hill.
- Hong, H., Bian, Z., & Lee, C. C. (2021). COVID-19 and instability of stock market performance: evidence from the US. *Financial Innovation*, 7(1), 1-18.
- Hui, K. W., Klasa, S., & Yeung, P.E. (2012). Corporate suppliers and customers and accounting conservatism. *Journal of Accounting and Economics*, 53(1-2), 115-135.
- Insaído, M., Arthur, L., Amoako, S., & Andoh, F. K. (2021). Stock market performance and COVID-19 pandemic: evidence from a developing economy. *Journal of Chinese Economic and Foreign Trade Studies*, 14(1), 60-73.
- Isidro, H., & Dias, J.G. (2017). Earnings quality and the heterogeneous relation between earnings and stock returns. *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 49, 1143-1165.
- Jimmy, L. (2010). The role of accounting conservatism in firms' financial decisions. Unpublished working paper.
- Khan, M., & Watts, R.L. (2009). Estimation and empirical properties of a firm-year measure of accounting conservatism. *Journal of Accounting and Economics*, 48(2-3), 132-150.
- Kim, B. H., Pevzner, M. (2010). Conditional accounting conservatism and future negative surprises: an empirical investigation. *Journal of Accounting and Public Policy*, 29(4), 311-329.

- Kim, J. B., Zhang, L. (2016). Accounting conservatism and stock price crash risk: firm-level evidence. *Contemporary Accounting Research*, 33(1), 412–441.
- Kim, Y., Li, S., Pan, C., & Zuo, L. (2013). The role of accounting conservatism in the equity market: evidence from seasoned equity offerings. *The Accounting Review*, 88(4), 1327–1356.
- Kothari, S. P., Shu, S., & Wysocki, P.D. (2009). Do managers withhold bad news?. *Journal of Accounting Research*, 47(1), 241–276.
- LaFond, R., & Watts, R. L. (2008). The information role of conservatism. *The Accounting Review*, 83(2), 447–478.
- Landier, A., Thesmar, D. (2020). Earnings expectations in the COVID crisis. *The Review of Asset Pricing Studies*, 10(4), 598–617.
- Lang, M., Maffett, M. (2011). Transparency and liquidity uncertainty in crisis periods. *Journal of Accounting and Economics*, 52(2-3), 101–125.
- Li, C., Kent, P., Kim, S., & Li, S. (2021). Accounting conservatism and firm performance during the COVID-19 pandemic. *Accounting & Finance*, 61(4), 5543–5579.
- Li, X. (2015). Accounting conservatism and the cost of capital: an international analysis. *Journal of Business Finance and Accounting*, 42(5-6), 552–582.
- Louis, H., Sun, A.X., Urcan, O. (2012). Value of cash holdings and accounting conservatism. *Contemporary Accounting Research*, 29(4), 1249–1271.
- Mauro, M., Giacotti, M., Pipitone, V., & Tiscini, R. (2023). Covid-19 on stock market performance: evidence from Italy. *Economic Research-Ekonomska Istraživanja*, 36(3), 2264369.
- Pagano, M., Wagner, C., & Zechner, J. (2020). Disaster resilience and asset prices. Available at: <http://dx.doi.org/10.2139/ssm.3603666>.
- Penman, S., Zhang, X. (2002). Accounting conservatism, the quality of earnings, and stock returns. *The Accounting Review*, 77(2), 237–264.
- Ramelli, S., Wagner, A., (2020). What the stock market tells us about the consequences of COVID-19. *Mitigating the COVID Economic Crisis: Act Fast and Do Whatever*, 63.
- Ramelli, S., Wagner, A.F. (2020). Feverish stock price reactions to COVID-19. *The Review of Corporate Finance Studies*, 9(3), 622–655.
- Roychowdhury, S. (2010). Discussion of: Acquisition profitability and timely loss recognition by J. Francis and X. Martin. *Journal of Accounting and Economics*, 49(1-2), 179–183.
- Ryan, S. (2006). Identifying conditional conservatism. *European Accounting Review*, 15(4), 511–525.
- Sana'a, N.M. (2016). The Effect of Accounting Conservatism on Financial Performance Indicators in the Jordanian Insurance Companies. *Journal of Internet Bank Commer*, 21(1), 1.
- Shivakumar, L. (2013). The role of financial reporting in debt contracting and stewardship. *Accounting and Business Research*, 43(4), 362–383.
- Watts, R. (2003). Conservatism in Accounting Part I: Explanations and Implications. *Accounting Horizons*, 17(3), 207–221.
- Zhang, J. (2008). The contracting benefits of accounting conservatism to lenders and borrowers. *Journal of Accounting and Economics*, 45(1), 27–54.

The effect of ownership structures and governance characteristics on the company's sustainability report

Hamed Yadegari far¹, Masood Fooladi²

Received: November 1, 2023

Accepted: December 21, 2023

Abstract

Purpose: Managers can strategically use the disclosure of corporate social responsibility and sustainability to hide their opportunistic behavior. Based on this, it is necessary to implement a monitoring mechanism to improve the social responsibility disclosure situation. Therefore, the purpose of this research is to investigate the impact of ownership structures and governance characteristics on the company's sustainability report.

Methodology: In order to test the hypotheses, a sample consist of 169 companies listed on the Tehran Stock Exchange during the years 2015 to 2021 was selected and a panel data multiple regression model was used.

Findings: Findings of this study show that there is no positive relationship between the board size, the number of board meetings and the company's sustainability report. There is no positive and significant relationship between the ratio of independent members of the board of directors and the company's sustainability report. Also, there is no significant relationship between government ownership and the company's sustainability report. There is no positive relationship between the size of audit firm and the company's sustainability report.

Originality: Findings of this study may help investors and other users of accounting information to better understand the effect of board of directors on the long-term sustainability of companies and is important in their decision-making.

Keywords: Corporate sustainability report, governance characteristics, ownership structures.

JEL Classification: M41

1. Master's student, Department of Accounting, Isfahan Branch (Khorasgan), Islamic Azad University, Isfahan, Iran. (Corresponding Author).
(hamed.yadegarifar@gmail.com)

2. Assistant Professor, Department of Accounting, Shahin Shahr Branch, Islamic Azad University, Shahin Shahr, Isfahan, Iran. (foladim57@gmail.com)

تأثیر ساختارهای مالکیت و ویژگی‌های حاکمیتی بر گزارش پایداری شرکت

حامد یادگاری فر^۱، مسعود فولادی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۱۰

چکیده

هدف: مدیران می‌توانند به‌طور استراتژیک از افشای مسئولیت اجتماعی و پایداری شرکت برای پنهان کردن رفتار فرصت‌طلبانه خود استفاده کنند. بر این اساس لازم است که سازوکاری نظارتی برای بهبود وضعیت افشای مسئولیت اجتماعی وارد عمل شود. لذا هدف این پژوهش بررسی تأثیر ساختارهای مالکیت و ویژگی‌های حاکمیتی بر گزارش پایداری شرکت است.

روش‌شناسی: به‌منظور دستیابی به این هدف، پنج فرضیه تدوین شد. جهت آزمون فرضیه‌ها نمونه‌ای متشکل از ۱۶۹ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۰ انتخاب گردید و مدل رگرسیونی چندگانه مبتنی بر داده‌های ترکیبی به کار برده شد.

یافته‌ها: نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که بین اندازه هیئت مدیره، تعداد جلسات هیئت مدیره و گزارش پایداری شرکت رابطه مثبت وجود ندارد. بین نسبت اعضای مستقل هیئت مدیره و گزارش پایداری شرکت رابطه مثبت و معناداری وجود ندارد. همچنین بین مالکیت دولت و گزارش پایداری شرکت رابطه معناداری وجود ندارد. بین اندازه مؤسسه حسابرسی و گزارش پایداری شرکت رابطه مثبت وجود ندارد.

دانش افزایی: این موضوع می‌تواند راهنمایی برای سرمایه‌گذاران و سایر استفاده‌کنندگان از اطلاعات حسابداری برای درک بهتر تأثیر نوع هیئت مدیره بر پایداری بلندمدت شرکت‌ها باشد و در تصمیم‌گیری آنها راهگشا شود.

کلیدواژه‌ها: ساختارهای مالکیت، گزارش پایداری شرکت، ویژگی‌های حاکمیتی.

طبقه‌بندی موضوعی: M41

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه حسابداری، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول). (hamed.yadegarifar@gmail.com)

۲. استادیار، گروه حسابداری، واحد شاهین شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهین شهر، اصفهان، ایران. (foladim57@gmail.com)

مقدمه

حاکمیت شرکتی به تصمیمات استراتژیک شرکت مربوط می‌شود و چگونگی ساختار حاکمیت شرکتی و ساختار مالکیت در شکل‌گیری نگرش سازمان در ورود به فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی اثرگذار است. شرکت‌هایی که اطلاعات پایداری خود را منتشر می‌کنند در طول سال‌های گذشته در سراسر جهان افزایش چشمگیری داشته است. رابطه حاکمیت شرکتی و ساختار مالکیت و گزارشگری پایداری حوزه مهمی برای مطالعه است و این حوزه سبب افزایش حسن شهرت، سودآوری، بهبود شفافیت و افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران می‌شود. حاکمیت شرکتی و ساختار مالکیت و گزارشگری پایداری بر اهمیت دستیابی به اهداف بلندمدت اجتماعی، محیطی و ارزش‌های تجاری تأکید می‌کنند که این موضوع خود به ارتقاء تداوم کسب و کار و مشروعیت آن در جامعه کمک می‌کند. مفهوم مسئولیت اجتماعی، زیست محیطی و حاکمیتی و افشاء، موضوعاتی در هم تنیده و مرتبط هستند که سبب اطمینان از حاکمیت بهتر می‌شوند (کومار و همکاران، ۲۰۲۲). این پژوهش در محیط بازار سرمایه ایران که دولت در ساختار مالکیت شرکت‌ها حضور فعال دارد انجام شده و تلاش می‌کند با معرفی نقش ساختارهای مالکیت و ویژگی‌های حاکمیتی بر گزارش پایداری شرکت، حوزه تحقیقاتی ساختار مالکیت و حاکمیت شرکتی را بسط دهد.

گزارشگری پایداری به‌طور فزاینده به عنوان عاملی مهم برای بهبود پایداری شرکت شناخته می‌شود. امروزه اهمیت مفهوم پایداری با توجه به ابعاد مختلف آن به اندازه‌ای است که سازمان‌ها و نهادهای زیادی در سطح جهان به این موضوع توجه دارند (معصومی و همکاران، ۱۳۹۷). پایداری، سودآوری بلندمدت یک واحد تجاری را تحت تأثیر قرار می‌دهد و باید به‌عنوان دارایی‌های راهبردی واحد تجاری قلمداد شود. پایداری، نقش مهمی را در حفظ روحيات و امید به آینده در ذینفعان ایفا می‌کند (اراس و گروثر^۲، ۲۰۰۸). امروزه اهمیت مفهوم پایداری با توجه به ابعاد مختلف آن به اندازه‌ای است که سازمان‌ها و نهادهای زیادی در سطح جهان به این موضوع توجه دارند؛ برای نمونه، فدراسیون بین‌المللی حسابداران نیز در نشست‌های اعضای خود به این موضوع توجه ویژه‌ای داشته و حتی چارچوب نظری نیز برای مفهوم پایداری تعریف کرده است؛ بنابراین به نظر می‌رسد طراحی گزارشگری پایداری شرکت‌ها دارای اهمیت باشد. ضرورت انجام این پژوهش آن است که در حال حاضر در ایران هیچ‌گونه مقررات اجباری یا دستورالعملی برای افشای شاخص‌های گزارشگری پایداری وجود ندارد و سطح افشای این شاخص‌ها در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بسیار پایین است. همچنین در حال حاضر، شاخص‌های مرتبط با فعالیت‌های پایداری به دلیل ناتوانی نظام گزارشگری مالی سنتی به‌طور مناسب افشا نمی‌شود. این ناتوانی به‌گونه‌ای است که در حال حاضر تقاضای زیادی برای تغییر در هدف گزارشگری مالی سنتی به سمت گزارشگری پایداری مبتنی بر اطلاعات اجتماعی و زیست محیطی به وجود آمده است (فخاری و همکاران، ۱۳۹۶). این موضوع سبب شده است افزون بر طرح شیوه‌های گزارشگری جدید، نیاز به پژوهش‌های گسترده‌ای در این حوزه نیز احساس شود.

نتایج پژوهش حاضر از آنجا که می‌تواند موجب بسط مبانی نظری پژوهش‌های گذشته در حوزه مطالعات پایداری در کشورهای در حال توسعه نظیر ایران شود و همچنین نشان می‌دهد که تا چه اندازه هر یک از ویژگی‌های هیئت

مدیره و ساختار مالکیت، می‌تواند بر افشای جنبه غیرمالی پایداری (شامل ابعاد زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی) اثرگذار باشد و این موضوع می‌تواند موجب درک بهتر سرمایه‌گذاران و سایر استفاده‌کنندگان از اطلاعات حسابداری از تأثیر نوع هیئت مدیره با پایداری بلندمدت شرکت‌ها شده و در تصمیم‌گیری آنها راهگشا باشد، دارای اهمیت است. علی‌رغم اهمیت این نوع گزارشگری در سایر کشورها، در ایران این نوع گزارشگری تاکنون جنبه داوطلبانه داشته است. از این رو با توجه به ضرورت این نوع گزارشگری لازم است که موضوع گزارشگری پایداری و عوامل مؤثر بر آن در بازار نوظهور ایران مورد بررسی قرار گیرد. با توجه به ماهیت دولتی اکثر شرکت‌ها و ساختار هیئت مدیره متفاوت در شرکت‌های ایرانی نسبت به سایر شرکت‌های کشورهای دیگر، مطالعه در مورد تأثیر ویژگی‌های حاکمیتی و ساختار مالکیت بر گزارشگری پایداری می‌تواند از زمینه‌های تحقیقاتی مناسب و ضروری باشد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

با گسترش روزافزون نیازهای اطلاعاتی درباره عملیات واحدهای تجاری، ارائه صورت‌های مالی به روش سنتی، پاسخگوی همه نیازهای استفاده‌کنندگان نیست. گزارشگری مالی سنتی نه تنها اطلاعات کاملی را برای پاسخگویی فعالیت‌های تجاری در اختیار نمی‌گذارد، حتی از ارائه کافی و مناسب عملکرد اقتصادی و ارزش تجاری یک شرکت نیز ناتوان است (ستایش و مهتری، ۱۳۹۷). به عبارت دیگر، با گسترش فعالیت‌های تجاری در جهان، استفاده از سیستم‌های حسابداری سنتی امروزی، امکان اندازه‌گیری و سنجش آثار خارجی عملیات سازمان را با دشواری مواجه کرده است. سیستم‌های حسابداری سنتی، عملکرد واحد تجاری را از جنبه‌های خاص ارزیابی می‌کند؛ به طوری که نمی‌تواند در برگیرنده آثار محیطی و اجتماعی سازمان‌ها باشد. یک راه حل مهم برای تأمین این نیازها، گزارشگری پایداری است (عبدی و همکاران، ۱۳۹۸). گزارش پایداری، گزارشی سازمانی است که اطلاعاتی درباره عملکرد اقتصادی، زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیت شرکتی را در اختیار می‌گذارد. عملکرد پایداری، امروزه مسئله‌ای اساسی برای بسیاری از شرکت‌ها و صنایع مهم محسوب می‌شود و هرچند این عامل با ماهیت متغیر و پویای محیط‌های رقابتی امروزی در تناقض به نظر می‌رسد؛ اما سازمان‌ها با وجود تغییرات مستمر، چالش رقابت دائمی و تلاطم همیشگی پیش روی آنها، راهی جز قرار گرفتن در مسیر توسعه ندارند. رسیدن به این سطح از توسعه به واسطه دستیابی به عملکرد پایداری در شرکت امکان‌پذیر است (بورلاکس و همکاران^۱، ۲۰۱۴). مدیران می‌توانند به طور استراتژیک از افشای مسئولیت اجتماعی و پایداری شرکت برای پنهان کردن رفتار فرصت‌طلبانه خود استفاده کنند (چوی و همکاران^۲، ۲۰۱۳). بر این اساس لازم است که سازوکاری نظارتی برای بهبود وضعیت افشای مسئولیت اجتماعی وارد عمل شود (کارمانو و وافیز^۳، ۲۰۰۵). نظام راهبری شرکت با مکانیزم‌های برون سازمانی و درون سازمانی می‌تواند به اعمال مدیریت مؤثر، کاهش مشکلات عدم تقارن اطلاعاتی و افزایش اعتماد سهامداران منجر گردد (لیم^۴، ۲۰۱۱). هیئت مدیره یکی از حیاتی‌ترین جنبه‌های مکانیزم حاکمیت شرکتی برای اطمینان از رفتار تجاری مسئولانه است. محققان مختلفی که تأثیر اندازه هیئت مدیره بر افشای پایداری را بررسی کرده‌اند، رابطه مثبتی بین این دو پیدا کرده‌اند

1. Bourlakis et al.
2. Choi et al.
3. Karamanou & Vafeas
4. Lim

(سعید و همکاران^۱، ۲۰۰۹؛ شمیل و همکاران^۲، ۲۰۱۴). بر اساس دیدگاه تئوری مشروعیت، تعداد زیادی از اعضای هیئت مدیره تخصص بیشتری را به وجود می‌آورد و گزارش پایداری بهتری را برای رسیدگی به مسائل پاسخگویی و مشروعیت تضمین می‌کند (محمود و اورزالین^۳، ۲۰۱۷). بنابراین انتظار می‌رود که اندازه هیئت مدیره بر افشای پایداری شرکت‌ها تأثیر مثبت داشته باشد.

ادبیات قبلی در مورد حاکمیت شرکتی نشان می‌دهد که نسبت بالاتری از مدیران مستقل در هیئت مدیره مکانیزم حاکمیت شرکتی و اثربخشی هیئت مدیره را بهبود می‌بخشد. بر اساس دیدگاه نظریه نمایندگی، مدیران مستقل در نظارت بر رفتار اجتماعی مدیران و کاهش مشکلات نمایندگی کمک می‌کنند (باراکو و همکاران^۴، ۲۰۰۶؛ شمیل و همکاران، ۲۰۱۴؛ الفاروغ و آهولو^۵، ۲۰۱۷). ماهیت غیرمالی موقعیت مدیر مستقل آنها را تشویق می‌کند تا از نیازهای اجتماعی ذینفعان بیرونی حمایت کنند. هیئت‌های با مدیران مستقل تر بر مسائل گزارشگری پایداری تمرکز می‌کنند تا تصویر شرکت را بهبود بخشند و همچنین بر مدیران برای گزارش اطلاعات پایداری بهتر تأثیر می‌گذارند (بروکس و اویکونومو^۶، ۲۱۰۸؛ لیو و ژانگ^۷، ۲۰۱۷). بنابراین انتظار می‌رود که نسبت اعضای مستقل هیئت مدیره بر افشای پایداری شرکت‌ها تأثیر مثبت داشته باشد.

طرفداران دیدگاه تئوری نمایندگی پیشنهاد می‌کنند که دفعات بیشتر جلسات هیئت مدیره با نظارت بهتر همراه است و بنابراین ممکن است به طور مثبت بر افشای کیفیت پایداری شرکت‌ها تأثیر بگذارد (شمیل و همکاران، ۲۰۱۴). فراوانی جلسات هیئت مدیره شاخص مهمی از فعالیت هیئت مدیره و میزان نظارت مدیریتی است. تصور می‌شود که جلسات مکرر هیئت مدیره باعث افزایش مشارکت هیئت مدیره در فعالیتهای تجاری می‌شود و مدیران را تشویق می‌کند تا به جای صرفاً سهامداران، منافع همه سهامداران را در نظر بگیرند (لیو و ژانگ، ۲۰۱۷). به طور گسترده پذیرفته شده است که جلسات مکرر هیئت مدیره باعث افزایش هماهنگی، ارتباطات و کاهش هزینه نمایندگی می‌شود (جیزی و همکاران^۸، ۲۰۱۴). فراوانی تعداد جلسات هیئت مدیره به دلیل تأثیر بالقوه آن بر میزان گزارش‌دهی پایداری در مطالعات قبلی توسط جیزی و همکاران (۲۰۱۴) و الشبیلی و همکاران^۹ (۲۰۱۹) گزارش شده است. بنابراین انتظار می‌رود که تعداد جلسات هیئت مدیره بر افشای پایداری شرکت‌ها تأثیر مثبت داشته باشد.

ساختار مالکیت در ادبیات حاکمیت شرکتی دارای یک جایگاه هسته‌ای و مشخص است. تعیین نوع ساختار مالکیت و ترکیب سهامداران شرکت یک ابزار کنترل و اعمال حاکمیت در شرکت‌هاست (پیرایش و اشتري، ۱۳۹۶). مطالعات تجربی قبلی بر اساس رابطه بین نوع مالکیت و میزان افشای پایداری نشان داد که شرکت‌های دولتی به احتمال زیاد اطلاعات پایداری بالاتری را افشا می‌کنند زیرا در معرض بررسی انتقادی عمومی قرار دارند (الشبیلی و همکاران، ۲۰۱۹). بر اساس دیدگاه تئوری مشروعیت، شرکت‌های دولتی بیشتر نگران تصویر عمومی و مشروعیت

1. Said *et al.*
2. Shamil *et al.*
3. Mahmood & Orazalin
4. Barako *et al.*
5. Al Farooque & Ahulu
6. Brooks & Oikonomou
7. Liu & Zang
8. Jizi *et al.*
9. Alshbili *et al.*

سازمانی هستند. بنابراین، آنها تمایل بیشتری به گزارش اطلاعات پایداری دارند (سعید و همکاران، ۲۰۰۹؛ خان و همکاران^۱، ۲۰۱۳؛ دیسانایاک و همکاران^۲، ۲۰۱۶). بنابراین انتظار می‌رود که مالکیت دولتی بر افشای پایداری شرکت‌ها تأثیر مثبت داشته باشد.

حسابرسی به عنوان یک سازوکار اجتماعی، برای کمک به نظارت و کنترل رفتار مدیران و به عنوان ابزار نظارتی دولت‌ها است (صالحی و عبدلی محمودآباد، ۱۳۹۷). ادبیات قبلی حاکی از آن است که حسابرسی خارجی نقش مهمی در ارائه افشای شفاف و باکیفیت شرکت ایفا می‌کند. مؤسسات حسابرسی بزرگ، بیشتر از شرکت‌های کوچکتر در معرض خطرات دعوی قضایی قرار دارند، بنابراین، مشتریان را تشویق می‌کنند تا افشای جامعی را ارائه دهند و از همه هنجارهای گزارشگری پیروی کنند. از منظر تئوری نمایندگی، حسابرسی خارجی حساب‌ها، توسط شرکت‌های حسابرسی بزرگ یک مکانیزم حاکمیتی مؤثر برای بررسی عملکرد مدیران و بهبود اعتبار شیوه‌های گزارش‌دهی شرکتی است (الفاروخ و آهولو، ۲۰۱۷؛ حمادی و هندیدجانی‌زاده^۳، ۲۰۲۰). الحلابی و حسینی^۴ (۲۰۱۵) و اورالین و محمود^۵ (۲۰۱۸) به این نتیجه رسیدند که شرکت‌های حسابرسی شده توسط شرکت‌های حسابرسی بزرگ بین‌المللی، اطلاعات پایداری بالاتری را افشا می‌کنند. بنابراین انتظار می‌رود که اندازه مؤسسه حسابرسی بر افشای پایداری شرکت‌ها تأثیر مثبت داشته باشد.

لذا با توجه به مطالب فوق، هدف اصلی پژوهش حاضر پاسخ به این سوال است که ساختارهای مالکیت و ویژگی‌های حاکمیتی بر گزارش پایداری شرکت چه تأثیری دارد؟

پژوهش‌های خارجی

آپیاگی و همکاران^۶ (۲۰۲۳) پژوهشی با عنوان تأثیر حاکمیت شرکتی بر عملکرد گزارش‌دهی یکپارچه و عملکرد پایدار انجام دادند. این مطالعه آزمایشی را با استفاده از نمونه‌ای از ۱۳۹ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار آفریقای جنوبی از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۶ مدل‌سازی معادلات ساختاری حداقل مربعات جزئی انجام داد. نتایج حاکی از آن است که اثربخشی هیئت مدیره و کیفیت حسابرسی خارجی از عوامل مهم تعیین‌کننده کیفیت گزارش‌دهی یکپارچه می‌باشند. همچنین عملکرد پایداری شرکت تأثیر قوی بر کیفیت گزارش‌دهی یکپارچه دارد.

کومار و همکاران (۲۰۲۲) پژوهشی با عنوان تأثیر ساختارهای مالکیت و ویژگی‌های حاکمیتی برای گزارش پایداری شرکت طی سال‌های ۲۰۱۵ الی ۲۰۱۹ با استفاده از ۵۳ شرکت فهرست شده در بورس ملی هند و تحلیل رگرسیون حداقل مربعات معمولی مورد بررسی قرار دادند. نتایج مطالعه نشان داد که مالکیت دولت و دفعات جلسات هیئت مدیره دو عامل مهم هستند که به طور قابل توجهی بر میزان افشای اطلاعات پایداری شرکت‌ها تأثیر می‌گذارند. با این حال، اندازه هیئت مدیره و اندازه مؤسسه حسابرسی بر روی شیوه‌های گزارشگری پایداری تأثیر قابل توجهی نداشت. به طور غیرمنتظره، تعداد بیشتر مدیران مستقل، افشای پایداری شرکت‌ها در هند را بهبود نمی‌بخشد.

1. Khan *et al.*
 2. Dissanayake *et al.*
 3. Hammami & Hendijani Zadeh
 4. El-Halaby & Hussainey
 5. Orazalin & Mahmood
 6. Appiagyei *et al.*

بدرالحیدر و نیشیتانی^۱ (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان ساختار مالکیت، حاکمیت شرکتی، و اطمینان در گزارش‌دهی پایداری، با استفاده از فرضیه‌های تئوری ذینفعان، تأثیر ساختار مالکیت (ترکیب مؤسسه مالی، شرکت تجاری و سرمایه‌گذاران خارجی) و ویژگی‌های حاکمیت شرکتی (اندازه هیئت مدیره و استقلال) را بر روی شیوه‌های اطمینان در گزارش‌دهی پایداری شرکت‌های فهرست شده در بورس اوراق بهادار توکیو را به روش رگرسیون لاجیت مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد که گروه‌های مختلف سهامداران و مدیران هیئت‌مدیره مستقل می‌توانند مدیریت را تشویق کنند تا گزارش‌های پایداری معتبر را با اطمینان منتشر کنند، که نشان می‌دهد مالکیت نهادی، استقلال هیئت‌مدیره و تضمین پایداری نقش‌های مکمل در تضمین مسئولیت‌پذیری مدیریتی در قبال ذینفعان خارجی دارند.

نگوین و همکاران^۲ (۲۰۲۱) در پژوهشی تحت عنوان هیئت مدیره و عملکرد پایداری شرکت، تأثیر ساختار هیئت مدیره بر ابعاد اقتصادی، زیست محیطی و اجتماعی عملکرد پایداری شرکتی را بر اساس تجزیه و تحلیل داده‌های بازارهای نوظهور آسیای شرقی بین سال‌های ۲۰۱۱ الی ۲۰۱۶ از دیدگاه تئوری‌های نمایندگی و ذینفعان بررسی کردند. این پژوهش با استفاده از تعداد مشاهدات ۱۵۹۶ سال-شرکت و با استفاده از روش رگرسیون چندگانه انجام شد. یافته‌ها حاکی از این است که رابطه معناداری بین سه ویژگی هیئت مدیره (اندازه هیئت مدیره، نسبت مدیران مستقل و دوگانگی مدیرعامل) و بعد اقتصادی عملکرد پایداری وجود ندارد. اندازه هیئت مدیره و نسبت مدیران مستقل بر ابعاد زیست محیطی و اجتماعی پایداری تأثیر مثبتی دارد. با این وجود، هیچ رابطه معناداری بین دوگانگی مدیرعامل و ابعاد عملکرد پایداری وجود ندارد.

ناسیتی^۳ (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان حاکمیت شرکتی و هیئت مدیره: تأثیر ترکیب هیئت مدیره بر عملکرد پایداری شرکت، به بررسی اثر ترکیب هیئت مدیره بر عملکرد پایداری شرکتی در ۳۶۲ شرکت از ۴۶ کشور مختلف پرداخت. این پژوهش در بازه زمانی ۲۰۱۳ الی ۲۰۱۶ و با استفاده از روش رگرسیون حداقل مربعات معمولی انجام شد. نتایج نشان داد در شرکت‌هایی که تنوع بیشتری در هیئت مدیره دارند و بین نقش رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل دوگانگی وجود دارد، عملکرد پایداری شرکتی بالاتر است. همچنین یافته‌ها نشان داد بین استقلال اعضای هیئت مدیره و عملکرد پایداری شرکتی رابطه منفی و معنادار وجود دارد.

باندارا و همکاران^۴ (۲۰۱۸) در پژوهشی به بررسی تأثیر ساختار حاکمیت شرکتی بر گزارش‌گری پایداری پرداختند. این مطالعه بر اساس تجزیه و تحلیل گزارش‌های سالانه ۵۲ شرکت از مارس سال ۲۰۱۷ تا پایان سال ۲۰۱۷ به روش رگرسیون خطی صورت گرفت. نتایج نشان داد ارتباط معناداری بین تناسب مدیران مستقل، دوگانگی نقش مدیرعامل و در دسترس بودن کمیته مسئولیت اجتماعی با افشای گزارش پایداری داوطلبانه وجود دارد. همچنین نتایج نشان داد که گزارش‌دهی پایداری نیز به طور مثبت تحت تأثیر اندازه و رشد شرکت است و شرکت‌های جوان احتمالاً گزارش پایداری بیشتری را افشا می‌کنند.

شمیل و همکاران (۲۰۱۴) پژوهش با عنوان تأثیر ویژگی‌های هیئت مدیره بر گزارش‌دهی پایداری انجام دادند. نمونه‌ای متشکل از ۱۴۸ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار سریلانکا با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی

1. Badrul Haider & Nishitani

2. Nguyen *et al.*

3. Naciti

4. Bandara *et al.*

طبقه‌ای و داده‌ها از گزارش‌های سالانه ۲۰۱۲ جمع‌آوری شد. فرضیه‌های پیشنهادی با استفاده از رگرسیون لجستیک باینری سلسله‌مراتبی مورد آزمون قرار گرفتند. نتایج نشان داد که اندازه هیئت مدیره و رهبری دوگانه به طور مثبت با گزارش پایداری و هیئت مدیره با مدیران زن ارتباط منفی با گزارش پایداری دارند. همچنین نتایج نشان داد که گزارش پایداری احتمالاً تحت تأثیر اندازه شرکت و رشد شرکت است. علاوه بر این، نتایج نشان داد که شرکت‌های جوان احتمالاً گزارش‌دهی پایداری را اتخاذ می‌کنند.

پژوهش‌های داخلی

بزرگی و امامی‌میبدی (۱۴۰۱) پژوهشی را با عنوان تأثیر ساختار مالکیت و ویژگی‌های هیئت مدیره بر عملکرد پایداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۹ با استفاده از اطلاعات ۱۰۳ شرکت به روش رگرسیون لجستیک مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد بین مالکیت خانوادگی و عملکرد پایداری شرکت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین نتایج نشان داد که بین استقلال هیئت مدیره و عملکرد پایداری شرکت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. سایر نتایج نشان داد که بین تمرکز مالکیت، مالکیت نهادی، اندازه هیئت مدیره و دوگانگی مدیرعامل با عملکرد پایداری شرکت، رابطه معناداری وجود ندارد.

معزی (۱۴۰۱) در پژوهشی به بررسی حاکمیت شرکتی و هیئت مدیره: تأثیر ترکیب هیئت مدیره بر عملکرد پایداری شرکت با استفاده از نمونه‌ای متشکل از ۱۹۲ شرکت از بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۹۲ تا ۹۸ و تحلیل رگرسیون چند متغیره با استفاده از روش داده ترکیبی پرداخت. نتایج نشان داد که استقلال هیئت مدیره با عملکرد پایداری شرکت رابطه معناداری دارد، اما تنوع هیئت مدیره با عملکرد پایداری شرکت رابطه معناداری ندارد. نتایج همچنین حاکی از آن است که دوگانگی نقش مدیرعامل با عملکرد پایداری شرکت رابطه معناداری دارد.

کهزادی (۱۴۰۰) پژوهشی تحت عنوان تأثیر ساختار مالکیت و ویژگی‌های هیئت مدیره بر عملکرد پایداری شرکت طی سال‌های ۱۳۹۴ الی ۱۳۹۸ انجام داد. نتایج حاکی از آن است که مالکیت خانوادگی، اندازه هیئت مدیره، استقلال هیئت مدیره و دوگانگی مسئولیت مدیرعامل تأثیر مثبت بر پایداری عملکرد شرکت دارند و مالکیت نهادی تأثیر منفی بر آن دارد. اما عضویت زنان در هیئت مدیره بر پایداری عملکرد شرکت تأثیر معنادار ندارد.

ثابت‌کوشکی‌نیان (۱۴۰۰) در پژوهشی به بررسی رابطه مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی و عملکرد پایداری شرکتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخت. بدین منظور داده‌های مالی ۶۳ شرکت بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۱ الی ۱۳۹۸ به روش رگرسیون چند متغیره مورد آزمون قرار گرفت. نتایج نشان داد بین مالکیت نهادی، کیفیت حسابرسی، استقلال هیئت مدیره، استقلال کمیته حسابرسی، تخصص کمیته حسابرسی و عملکرد پایداری شرکتی رابطه معناداری وجود دارد.

عامری (۱۳۹۸) در پژوهشی به بررسی تأثیر ویژگی‌های هیئت مدیره بر افشای گزارش پایداری شرکت‌ها طی بازه زمانی ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۶ با استفاده از نمونه‌ای متشکل از ۹۵ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخت. یافته‌ها نشان داد که متغیرهای اندازه هیئت مدیره، استقلال هیئت مدیره و درصد مالکیت هیئت مدیره بر سطح افشای

گزارش پایداری شرکت‌ها تأثیر معناداری دارند. اما متغیر دانش مالی هیئت مدیره بر سطح افشای گزارش پایداری تأثیر معناداری ندارد.

خوزین و همکاران (۱۳۹۷) پژوهشی با عنوان بررسی اثر ساختار مالکیت بر توسعه سطح گزارشگری پایداری طی سال‌های ۱۳۸۵ الی ۱۳۹۳ انجام دادند و تعداد ۱۵۳ شرکت به عنوان نمونه آماری به روش رگرسیون چندگانه مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که درصد سهام بزرگترین سهامدار و درصد سهام دولتی اثری بر سطح گزارشگری پایداری شرکت ندارد. از سوی دیگر با افزایش درصد سهام شناور آزاد، از سطح گزارشگری پایداری در شرکت؛ کاسته می‌شود. پایداری شرکت‌های ایرانی همانند شرکت‌های سایر کشورهای آسیایی در سطح پایینی بوده و نیاز به بهبود بسیاری در افشاء موارد مربوط به حاکمیت شرکتی، وضعیت اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی است که البته این موارد اجزاء اصلی پایداری هستند.

نظری (۱۳۹۷) پژوهشی با عنوان بررسی تأثیر ساختار مالکیت و نوآوری بر شاخص‌های پایداری در شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار ایران انجام داد. برای این منظور ۱۰۰ شرکت به عنوان نمونه طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ به روش رگرسیون چندگانه مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌ها حاکی از تأثیر معنادار بین مالکیت نهادی، مالکیت شرکتی و نوآوری با شاخص‌های پایداری می‌باشد.

روش شناسی پژوهش

برای جمع آوری مبانی نظری و اطلاعات مربوط به ادبیات موضوعی پژوهش، از روش کتابخانه‌ای و مقالات منتشر شده در سایت‌های معتبر و مراجعه به پایان‌نامه‌های ارائه شده در سامانه ایرانداک، استفاده شده است. داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز پژوهش با مراجعه به ارقام صورت‌های مالی حسابرسی شده و یادداشت‌های توضیحی همراه و همچنین از گزارش فعالیت‌های هیئت مدیره به مجمع عمومی صاحبان سهام استخراج شده است. ابزار گردآوری داده‌ها شامل شبکه جامع اطلاع رسانی کدال و نرم‌افزار ره‌آورد نوین می‌باشد. پژوهش حاضر در زمره پژوهش‌های کاربردی قرار دارد. روش مطالعه حاضر به دلیل اینکه به بررسی و ارزیابی ویژگی‌ها و صفات و رابطه بین چند متغیر در شرایط واقعی می‌پردازد از لحاظ ماهیت در زمره پژوهش‌های توصیفی و از نظر روش نیز در دسته پژوهش‌های همبستگی محسوب می‌گردد.

جامعه آماری پژوهش شامل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در طی دوره زمانی ۱۳۹۴ الی ۱۴۰۰ می‌باشد.

در پژوهش حاضر برای تعیین نمونه آماری شرکت‌ها با استفاده از روش غربالگری انتخاب می‌شوند. بدین صورت که آن دسته از شرکت‌هایی که دارای شرایط زیر نباشند، از جامعه آماری حذف می‌شوند. شرایط به شرح ذیل است:

- ۱- تا قبل از سال ۱۳۹۴ در بورس پذیرفته شده و تا پایان سال ۱۴۰۰ در بورس حضور داشته باشند.
- ۲- سال مالی آنها به پایان اسفند ختم شود و در طی دوره مورد بررسی پژوهش سال مالی خود را تغییر نداده باشند.

۳- از دسته شرکت‌های سرمایه‌گذاری و هلدینگ و بیمه و بانک‌ها نباشند.

۴- داده‌های مورد نیاز پژوهش را در اختیار داشته باشند.

باتوجه به شرایط و محدودیت های اعمال شده و با استفاده از روش غربالگری، از بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در مجموع تعداد ۱۶۹ شرکت به عنوان نمونه انتخاب گردید. به منظور توصیف و تلخیص داده‌های جمع‌آوری شده از آمار توصیفی و استنباطی بهره گرفته شده است. در بخش آمار استنباطی به منظور تحلیل داده‌ها ابتدا آزمون‌های ناهمسانی واریانس، آزمون اف لیمر، آزمون هاسمن، همخطی و خودهمبستگی صورت گرفته و برای سپس برای تأیید و یا رد فرضیه‌های پژوهش از آماره تی و برای بررسی اعتبار مدل، از آماره اف فیشر استفاده شده است. تمامی داده‌های پژوهش در نرم افزار اکسل ساماندهی شده و برای تجزیه و تحلیل اطلاعات نرم‌افزار ایویوز^۱ ۱۰ به کار گرفته شده است.

فرضیه های پژوهش

۱- بین اندازه هیئت مدیره و گزارش پایداری شرکت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

۲- بین نسبت اعضای مستقل هیئت مدیره و گزارش پایداری شرکت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

۳- بین تعداد جلسات هیئت مدیره و گزارش پایداری شرکت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

۴- بین مالکیت دولت و گزارش پایداری شرکت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

۵- بین اندازه مؤسسه حسابرسی و گزارش پایداری شرکت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته پژوهش حاضر گزارش پایداری شرکت است. به استناد پژوهش‌های کومار و همکاران (۲۰۲۲) و رضایی و محمدپور (۱۳۹۶) برای اندازه گیری متغیر پایداری شرکت با استفاده از الگوی مسئولیت اجتماعی کارول^۲ (۱۹۹۷) ابتدا شاخص‌هایی برای ابعاد انسان دوستانه، اقتصادی، قانونی، اخلاقی انتخاب گردید. در جدول ۱، متغیرهای مورد استفاده و نحوه اندازه‌گیری آنها بیان شده است. سپس از روش تحلیل پوششی داده‌ها که امکان مقایسه چند شرکت از لحاظ چندین معیار را فراهم می‌کند، برای سنجش ضریب ایفای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها به عنوان متغیر وابسته استفاده شد. تحلیل پوششی داده‌ها، ابزاری است که کارایی نسبی شرکت‌هایی را در موضوعی معین اندازه‌گیری می‌کند که دارای ورودی‌ها و خروجی‌های مشابهی می‌باشند. الگوهای اصلی این روش به دو الگوی چارنز- کوپر-رودز و الگوی بنکر- چارنز- کوپر تقسیم می‌شوند. هر کدام از این الگوها را می‌توان به دو رویه ورودی محور و خروجی محور مورد بررسی قرار داد. در الگوی اول فرض بر بازده ثابت نسبت به مقیاس و در الگوی دوم فرض بر بازده متغیر نسبت به مقیاس است. منظور از بازده ثابت نسبت به مقیاس این است که ستاده‌ها به نسبتی تغییر کنند که نهاده‌ها تغییر می‌کنند. برای مثال، اگر نهاده‌ها دو برابر شوند ستاده‌ها هم دو برابر شوند. اما منظور از بازده متغیر نسبت به مقیاس این است که ستاده‌ها متناسب با نهاده‌ها تغییر نکنند.

جدول ۱. نحوه محاسبه متغیر

بعد	متغیر	شاخص	نحوه محاسبه
		نرخ تعدیل کارکنان	نسبت تغییرات کارکنان سال جاری به کارکنان سال قبل (موسوی و همکاران، ۱۳۹۶).
انسان	ورودی	دریافت گواهینامه ایزو ۱۴۰۰۱	در صورتی که شرکت موفق به دریافت گواهینامه ایزو ۱۴۰۰۱ شده باشد برای متغیر مجازی مربوط به ایزو، عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر منظور می‌شود (موسوی و همکاران، ۱۳۹۶).
دوستانه		۱۴۰۰۱	
		اقلام تعهدی اختیاری	به استناد پژوهش مهم و همکاران (۱۳۹۴)، برای به دست آوردن اقلام تعهدی اختیاری از مدل تعدیل شده جونز ^۱ (۱۹۹۱)، استفاده می‌شود.
	ورودی		$\alpha_0 \left[\frac{1}{TA_{it-1}} \right] + \alpha_1 \left[\frac{\Delta REV_{it} - \Delta REC_{it}}{TA_{it-1}} \right] + \alpha_2 \left[\frac{PPE_{it}}{TA_{it-1}} \right] + \varepsilon_{it} \frac{TAC_{it}}{TA_{it}} =$ <p>TAC_{i,t}: جمع کل اقلام تعهدی شرکت i در سال t که برابر با سود خالص عملیاتی منهای جریان نقد حاصل از فعالیت‌های عملیاتی است.</p> <p>TA_{i,t-1}: کل دارایی‌های شرکت i در سال t-1</p> <p>ΔREV_{i,t}: تغییر در درآمدهای عملیاتی شرکت i در سال t</p> <p>ΔREC_{i,t}: تغییر در خالص حساب‌های دریافتی شرکت i در سال t</p> <p>PPE_{i,t}: ناخالص اموال، ماشین آلات و تجهیزات شرکت i در سال t</p>
اخلاقی		نرخ مؤثر مالیاتی	نسبت مالیات ابرازی به سود و زیان قبل از کسر مالیات (غزنوی‌قصورنی و همکاران، ۱۳۹۷).
		اندازه حسابررس	اگر حسابرسی شرکت توسط سازمان حسابرسی و شرکت‌های حسابرسی رتبه الف مورد تأیید بورس، حسابرسی شده باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر می‌پذیرد (رمضان‌احمدی و همکاران، ۱۳۹۳).
قانونی	ورودی		
		جریان‌های نقدی آزاد	به استناد پژوهش رضایی و محمدپور (۱۳۹۶)، از محاسبه جریان‌های نقدی آزاد استفاده شده است.
			$\left[\frac{INC_{it} - TAX_{it} - INTEP_{it} - CSDIV_{it}}{TA_{it}} \right] FCC_{it} =$ <p>FCC_{i,t}: جریان نقدی آزاد شرکت i در سال t</p> <p>INC_{i,t-1}: سود عملیاتی شرکت i در سال t-1</p> <p>TAX_{i,t}: مالیات بر درآمد پرداختی شرکت i در سال t</p> <p>INTEP_{i,t}: هزینه بهره پرداختی شرکت i در سال t</p> <p>CSDIV_{i,t}: سود پرداختی به سهامداران عادی شرکت i در سال t</p>
اقتصادی		کیوتوبین	به استناد پژوهش نوروش و همکاران (۱۳۹۴) مجموع ارزش بازار سهام شرکت و ارزش بدهی‌ها تقسیم بر دارایی‌ها
خروجی		چرخه نقدینگی	به استناد پژوهش رضایی و محمدپور (۱۳۹۶)، از رابطه زیر برای محاسبه چرخه نقدینگی استفاده شده است.
			$CCC_i = INV + AR - AP$ <p>INV: میانگین موجودی کالا تقسیم بر بهای تمام شده کالای فروش رفته ضربدر ۳۶۵</p> <p>BVD: میانگین حساب‌های دریافتی تقسیم بر فروش خالص ضربدر ۳۶۵</p> <p>BVA: میانگین حساب‌های پرداختی تقسیم بر بهای تمام شده کالای فروش رفته ضربدر ۳۶۵</p>

در نهایت پس از جمع‌آوری داده‌های متغیرهای ورودی (ابعاد قانونی، اخلاقی) و خروجی (بُعد اقتصادی)، با استفاده از نرم‌افزار تحلیل پوششی داده‌ها، روش بنکر- چارنز- کوپر خروجی محور، ضریب ایفای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها اندازه‌گیری می‌شود. در این روش، ابتدا مرز کارا میان شرکت‌های مورد بررسی تشکیل می‌شود و براساس آن کارایی هر یک از شرکت‌ها مورد محاسبه قرار می‌گیرد. بدین ترتیب آن واحدهایی که بر روی مرز کارا قرار گرفته باشند دارای کارایی ۱۰۰٪ (یک) و آن واحدهایی که بر بالای این مرز قرار گرفته باشند دارای کارایی کمتر از ۱۰۰٪ (کمتر از یک) خواهند بود. بنابراین اگر واحدهای مورد بررسی روی مرز کارا قرار گیرند می‌توان چنین استدلال کرد که از لحاظ ایفای مسئولیت اجتماعی شرکت در وضعیت مناسبی نسبت به بقیه واحدها قرار دارند و هر چه مقدار به‌دست آمده کمتر باشد بدان معناست که ایفای مسئولیت اجتماعی شرکت در سطح پایین‌تری قرار دارد.

متغیرهای مستقل پژوهش حاضر ویژگی‌های هیئت مدیره (اندازه، استقلال، تعداد جلسات هیئت مدیره) و ساختار مالکیت (مالکیت دولتی) و اندازه مؤسسه حسابرسی می‌باشند.

اندازه هیئت مدیره^۱: به استناد پژوهش‌های کومار و همکاران (۲۰۲۲) و بزرگی و میبیدی (۱۴۰۱)، برابر است با تعداد کل اعضای هیئت مدیره

استقلال هیئت مدیره^۲: به استناد پژوهش‌های کومار و همکاران (۲۰۲۲) و بزرگی و میبیدی (۱۴۰۱)، برابر است با نسبت اعضای غیرموظف (مدیران خارجی) در هیئت مدیره به کل اعضای هیئت مدیره

تعداد جلسات هیئت مدیره^۳: به استناد پژوهش‌های کومار و همکاران (۲۰۲۲) و بحری‌ثالث و همکاران (۱۳۹۳)، برابر است با تعداد جلسات برگزار شده هیئت مدیره در هر سال مالی

مالکیت دولتی^۴: به استناد پژوهش‌های ملکیان و همکاران (۱۳۹۵) و ملکیان و نیکروان‌فرد (۱۳۹۴)، مالکیت دولتی و نهادهای وابسته به دولت به‌صورت مجموع سهام در اختیار سهامداران دولتی و نهادهای وابسته به دولت تقسیم بر کل سهام منتشره شرکت محاسبه می‌گردد. طبق ماده ۴ قانون محاسبات عمومی کشور، شرکت دولتی واحد سازمانی می‌باشند که با اجازه قانون تشکیل شده و بیش از ۵۰ درصد از سهام آن به صورت مستقیم یا غیرمستقیم متعلق به دولت باشد.

اندازه مؤسسه حسابرسی^۵: به استناد پژوهش رمضان‌احمدی و همکاران (۱۳۹۳)، یک متغیر مجازی است به طوری که اگر شرکت توسط سازمان حسابرسی و مؤسسات معتمد بورس که رتبه الف دارند، حسابرسی شده باشد برابر است با یک و در غیر این صورت برابر است با صفر.

متغیرهای کنترلی پژوهش حاضر شامل، عمر شرکت، اهرم مالی و بازده دارایی می‌باشند.

عمر شرکت^۶: لگاریتم طبیعی سن شرکت از زمانی که در بورس پذیرفته شده است تا پایان دوره بررسی.

اهرم مالی^۷: نسبت بدهی‌ها به کل دارایی‌ها

1. Board Size
2. Board Independence
3. Frequency of Board Meeting
4. Government Ownership
5. Audit Size
6. Age
7. Level of Leverage

بازده دارایی^۱: نسبت سود خالص به کل دارایی‌ها

مدل پژوهش

به پیروی از پژوهش کومار و همکاران (۲۰۲۲)، برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، از مدل رگرسیونی چندمتغیره به شرح رابطه (۱)، استفاده شده است.

$$SRI_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 BSi_{i,t} + \beta_2 BLi_{i,t} + \beta_3 FBMi_{i,t} + \beta_4 GOi_{i,t} + \beta_5 ADi_{i,t} + \beta_6 AGEi_{i,t} + \beta_7 LEVi_{i,t} + \beta_8 ROAi_{i,t} + \epsilon_{i,t}$$

رابطه (۱)

که با توجه به مدل فوق:

$SRI_{i,t}$: گزارش پایداری شرکت i در سال t ; $BSi_{i,t}$: اندازه هیئت مدیره شرکت i در سال t ; $BLi_{i,t}$: اعضای مستقل هیئت مدیره شرکت i در سال t ; $FBMi_{i,t}$: تعداد جلسات هیئت مدیره شرکت i در سال t ; $GOi_{i,t}$: مالکیت دولتی شرکت i در سال t

$ADi_{i,t}$: اندازه مؤسسه حسابرسی شرکت i در سال t ; $AGEi_{i,t}$: عمر شرکت i در سال t ; $LEVi_{i,t}$: اهرم مالی شرکت i در سال t ; $ROAi_{i,t}$: بازده دارایی شرکت i در سال t .

چنانچه ضریب β_1 در سطح اطمینان مورد نظر (۹۵ درصد) مثبت و معنادار باشد، فرضیه اول پژوهش تایید می‌شود. چنانچه ضریب β_2 در سطح اطمینان مورد نظر (۹۵ درصد) مثبت و معنادار باشد، فرضیه دوم پژوهش تایید می‌شود. چنانچه ضریب β_3 در سطح اطمینان مورد نظر (۹۵ درصد) مثبت و معنادار باشد، فرضیه سوم پژوهش تایید می‌شود. چنانچه ضریب β_4 در سطح اطمینان مورد نظر (۹۵ درصد) مثبت و معنادار باشد، فرضیه چهارم پژوهش تایید می‌شود. چنانچه ضریب β_5 در سطح اطمینان مورد نظر (۹۵ درصد) مثبت و معنادار باشد فرضیه پنجم پژوهش تایید می‌شود.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

اصلی‌ترین شاخص مرکزی، میانگین است که نشان‌دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص خوبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌هاست. همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود میانگین گزارش پایداری شرکت برابر با ۰/۴۷۲ است که نشان می‌دهد بیشتر داده‌های مربوط به این متغیر در حول این نقطه تمرکز یافته‌اند، بدین معنا که متوسط گزارش پایداری شرکت‌های مورد بررسی ۴۷ درصد می‌باشد. میانه این متغیر برابر با ۰/۳۹۳ می‌باشد که نشان می‌دهد گزارش پایداری شرکت‌های مورد بررسی بیشتر از ۳۹ درصد است و نیمی کمتر از این مقدار. میانگین متغیر مالکیت دولتی برابر با ۴۷/۸۸۹ می‌باشد که نشان می‌دهد متوسط سهام تحت تملک دولت در شرکت‌های مورد بررسی بیش از ۴۷ درصد است و میانه این متغیر برابر با ۵۶/۲۳ می‌باشد که نشان می‌دهد سهام تحت تملک دولت در نیمی از شرکت‌های مورد بررسی بالاتر از این میزان می‌باشد و نیمی دیگر کمتر از این میزان می‌باشد. شاخص‌های پراکندگی به طور کلی معیاری برای تعیین میزان پراکندگی داده‌ها از یکدیگر یا میزان پراکندگی آن‌ها نسبت به میانگین است. از

جمله مهم ترین شاخص های پراکندگی که شرط مطلوب برای وارد کردن متغیر به مدل رگرسیونی است، انحراف معیار است. همان طور که در جدول ۲ نیز قابل مشاهده است، انحراف معیار متغیرها صفر نبوده و حائز این شرط می باشند. در جامعه آماری مورد بررسی بیشترین و کمترین مقدار این پارامتر برابر با $7/348$ و $0/163$ است که به ترتیب مربوط به متغیرهای تعداد جلسات هیئت مدیره و بازده دارایی است. پارامتر چولگی میزان عدم تقارن منحنی فراوانی متغیر را نشان می دهد. اگر ضریب چولگی صفر باشد، جامعه کاملاً متقارن است و چنانچه ضریب مثبت باشد، چولگی به راست و اگر منفی باشد، چولگی به چپ وجود خواهد داشت. به عنوان مثال ضریب چولگی متغیر نسبت مدیران مستقل هیئت مدیره، منفی و برابر با $-0/136$ است، یعنی منحنی فراوانی این متغیر در جامعه مورد بررسی چولگی به چپ داشته و به این اندازه از مرکز تقارن انحراف دارد.

جدول ۲. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	نماد متغیر	میانگین	میانه	ماکزیمم	مینیمم	انحراف معیار	چولگی
گزارش پایداری شرکت	SRI	0/472	0/393	1	0/037	0/297	0/616
اندازه هیئت مدیره	BS	5/016	5	7	5	0/183	10/738
استقلال هیئت مدیره	BI	0/655	0/6	1	0	0/181	-0/136
تعداد جلسات هیئت مدیره	FBM	16/581	13	59	4	7/164	2/126
مالکیت دولتی	GO	47/889	56/23	95/45	0	32/819	-0/397
اندازه مؤسسه حسابرسی	AD	0/743	1	1	0	0/436	-1/117
عمر شرکت	AGE	2/939	2/995	4/007	0/693	0/494	-1/101
اهرم مالی	LEV	0/537	0/533	1/824	0/031	0/212	0/360
بازده دارایی	ROA	0/152	0/124	0/764	-0/581	0/163	0/430

تجزیه و تحلیل استنباطی داده ها

برای تجزیه و تحلیل داده های هر یک از مدل های بیان شده نیاز است قبل از پردازش آن ها و آزمون فرضیه ها، فروض کلاسیک مدل آزمون شود.

آزمون اف لیمر و هاسمن

همانطور که در جدول ۳ مشاهده می شود سطح معناداری آزمون اف لیمر در مدل های پژوهش کمتر از ۵ درصد است، از این رو نوع داده ها تابلویی است و با توجه به اینکه سطح معناداری نتایج آزمون هاسمن در مدل های پژوهش کمتر از ۵ درصد است؛ لذا باید از اثرات ثابت برای برآورد مدل های پژوهش استفاده کرد.

جدول ۳. نتایج آزمون اف لیمر و هاسمن

نتیجه	آزمون اف لیمر		نتیجه	آزمون هاسمن	
	سطح معناداری	آماره آزمون		سطح معناداری	آماره آزمون
تابلویی	0/0000	61/362	اثرات ثابت	0/0000	

آزمون همخطی

هم خطی به معنای وجود رابطه شدید بین متغیرهای مستقل و کنترلی موجود در مدل است. برای بررسی هم خطی بین متغیرها از آزمون عامل تورم واریانس^۱ استفاده می‌شود. در واقع یک شاخص معرفی می‌گردد که بیان می‌دارد چه مقدار از تغییرات مربوط به ضرایب برآورد شده بابت هم خطی افزایش یافته است. چون میزان عامل تورم واریانس برای متغیرهای پژوهش کمتر از عدد ۵ بوده است، بنابراین مطابق با جدول ۴ هم خطی وجود ندارد.

جدول ۴. آزمون هم خطی

عامل تورم واریانس	نماد متغیر
۱/۰۲۷	BS
۱/۰۷۶	BI
۱/۰۸۳	FBM
۱/۱۸۱	GO
۱/۰۵۸	AD
۱/۰۵۲	AGE
۱/۸۵۲	LEV
۱/۷۳۰	ROA

آزمون ناهمسانی واریانس

در این پژوهش به منظور بررسی ناهمسانی واریانس از آزمون بروش پاگان گادفری استفاده شده است. فرضیه صفر این آزمون نشان می‌دهد که واریانس مقادیر خطا همسان است و فرضیه مخالف آن بیانگر ناهمسانی واریانس مقادیر خطا است. جدول ۵ نتیجه استفاده از بروش پاگان گادفری را نشان می‌دهد. نتایج مندرج در جدول ۵ نشان می‌دهد که سطح معناداری محاسبه شده برای مدل‌های پژوهش کمتر از ۵ درصد و بیانگر وجود ناهمسانی واریانس در جملات اخلاقی می‌باشد که برای رفع این مشکل از روش تخمین مدل به صورت رگرسیون حداقل مربعات تعمیم یافته استفاده شده است.

جدول ۵. نتایج آزمون ناهمسانی واریانس

فرض کلاسیک	آماره آزمون	سطح معناداری	نتیجه آزمون	روش تخمین مدل
همسانی واریانس	۶/۱۵۳	۰/۰۰۰	وجود ناهمسانی واریانس	حداقل مربعات تعمیم یافته GLS

نتایج آزمون مدل‌های پژوهش

پس از انجام آزمون‌های آماری لازم، به منظور تعیین به‌کارگیری داده‌ها و اطمینان از صحت الگوی برازش شده، نتایج نهایی حاصل از تخمین مدل‌های پژوهش در ادامه ارائه می‌گردد.

نتایج حاصل از آزمون مدل پژوهش

در تحلیل نتایج ابتدا به بررسی معناداری مدل و میزان بیان‌کنندگی متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل و کنترلی پرداخته شده و در ادامه قبل از ارائه نتایج اصلی، به بیان مدل پژوهش پرداخته می‌شود.

همان‌طور که در جدول ۶، مشاهده می‌شود مقدار سطح معناداری اف فیشر در مدل برابر با ۰/۰۰۰ است. چون این مقدار کمتر از سطح خطای ۵ درصد است، بنابراین فرض صفر در سطح اطمینان ۹۹ درصد رد می‌شود، یعنی مدل معناداری وجود دارد؛ به عبارتی مدل مورد بررسی دارای اعتبار است. ضریب تعیین تعدیل شده در مدل نیز ۰/۷۹ است، این ضریب بیان‌گر این است که متغیرهای مستقل و کنترلی در این مدل توانایی توجیه بیش از ۷۹ درصد از تغییرات سطوح متغیر وابسته را دارا می‌باشند. در مدل پژوهش، مقدار سطح معناداری آماره دوربین واتسون برابر با ۱/۹۷ است که حاکی از عدم خودهمبستگی بین باقی‌مانده‌های مدل است.

جدول ۶. نتایج آزمون مدل پژوهش

$SRI_{it} = \beta_0 + \beta_1 BS_{it} + \beta_2 BI_{it} + \beta_3 FBM_{it} + \beta_4 GO_{it} + \beta_5 AD_{it} + \beta_6 AGE_{it} + \beta_7 LEV_{it} + \beta_8 ROA_{it} + \varepsilon_{it}$					
متغیرها	نماد	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری
اندازه هیئت مدیره	BS	-۰/۰۵۵	۰/۰۱۵	-۳/۵۳۹	۰/۰۰۰
استقلال هیئت مدیره	BI	-۰/۰۰۸	۰/۰۳۳	-۰/۲۶۵	۰/۷۹۸
تعداد جلسات هیئت مدیره	FBM	-۰/۰۰۳	۰/۰۰۱	-۲/۰۰۷	۰/۰۴۵
مالکیت دولتی	GO	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۴۸۷	۰/۶۲۶
اندازه مؤسسه حسابرسی	AD	-۰/۲۰۴	۰/۰۱۳	-۱۵/۳۳۳	۰/۰۰۰
عمر شرکت	AGE	-۰/۳۰۶	۰/۰۵۵	-۵/۴۷۶	۰/۰۰۰
اهرم مالی	LEV	۰/۱۷۶	۰/۰۴۱	۴/۲۱۱	۰/۰۰۰
بازده دارایی	ROA	-۰/۰۵۷	۰/۰۴۹	-۱/۱۴۱	۰/۲۵۴
عرض از مبدا	C	۱/۷۵۸	۰/۱۹۵	۸/۹۹۸	۰/۰۰۰
آماره F	۲۷/۲۶۴	ضریب تعیین تعدیل شده			۰/۷۹۰
سطح معناداری F	۰/۰۰۰	آزمون دوربین واتسون			۱/۹۷۰

هدف فرضیه اول پژوهش پاسخ به این سوال است که آیا بین اندازه هیئت مدیره و گزارش پایداری شرکت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؟ همان‌طور که در جدول ۶ مشاهده می‌شود، مقدار سطح معناداری محاسبه شده برای متغیر اندازه هیئت مدیره برابر با ۰/۰۰۰ می‌باشد که نشان می‌دهد تاثیر این متغیر در سطح اطمینان ۹۵ درصد به صورت معنادار می‌باشد، همچنین ضریب برآورد شده متغیر ذکر شده برابر با -۰/۰۵۵ است که نشان می‌دهد رابطه مورد بررسی به صورت منفی و معکوس می‌باشد. بنابراین با توجه به ضریب برآورد شده متغیر اندازه هیئت مدیره، نمی‌توان گفت بین اندازه هیئت مدیره و گزارش پایداری شرکت رابطه مثبت وجود دارد. بنابراین با توجه به نتایج به دست آمده، فرضیه اول رد می‌گردد.

هدف فرضیه دوم پژوهش پاسخ به این سوال است که آیا بین نسبت اعضای مستقل هیئت مدیره و گزارش پایداری شرکت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؟ همان‌طور که در جدول ۶ مشاهده می‌شود، مقدار سطح معناداری محاسبه شده برای متغیر نسبت اعضای مستقل هیئت مدیره برابر با ۰/۷۹۸ می‌باشد که نشان می‌دهد تاثیر این متغیر در سطح اطمینان ۹۵ درصد به صورت معنادار نمی‌باشد، همچنین ضریب برآورد شده متغیر ذکر شده برابر با -۰/۰۰۸ است که نشان می‌دهد رابطه مورد بررسی به صورت منفی و معکوس می‌باشد. بنابراین با توجه به سطح معناداری و

ضریب برآورد شده متغیر نسبت اعضای مستقل هیئت مدیره، نمی‌توان گفت بین نسبت اعضای مستقل هیئت مدیره و گزارش پایداری شرکت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. بنابراین با توجه به نتایج به دست آمده، فرضیه دوم رد می‌گردد.

هدف فرضیه سوم پژوهش پاسخ به این سوال است که آیا بین تعداد جلسات هیئت مدیره و گزارش پایداری شرکت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؟ همان‌طور که در جدول ۶ مشاهده می‌شود، مقدار سطح معناداری محاسبه شده برای متغیر بین تعداد جلسات هیئت مدیره برابر با ۰/۰۴۵ می‌باشد که نشان می‌دهد تاثیر این متغیر در سطح اطمینان ۹۵ درصد به صورت معنادار می‌باشد، همچنین ضریب برآورد شده متغیر ذکر شده برابر با ۰/۰۰۳- است که نشان می‌دهد رابطه مورد بررسی به صورت منفی و معکوس می‌باشد. بنابراین با توجه به ضریب برآورد شده متغیر تعداد جلسات هیئت مدیره، نمی‌توان گفت بین تعداد جلسات هیئت مدیره و گزارش پایداری شرکت رابطه مثبت وجود دارد. بنابراین با توجه به نتایج به دست آمده، فرضیه سوم رد می‌گردد.

هدف فرضیه چهارم پژوهش پاسخ به این سوال است که آیا بین مالکیت دولت و گزارش پایداری شرکت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؟ همان‌طور که در جدول ۶ مشاهده می‌شود، مقدار سطح معناداری محاسبه شده برای متغیر مالکیت دولت برابر با ۰/۶۲۶ می‌باشد که نشان می‌دهد تاثیر این متغیر در سطح اطمینان ۹۵ درصد به صورت معنادار نمی‌باشد، همچنین ضریب برآورد شده متغیر ذکر شده برابر با ۰/۰۰۰ است که نشان می‌دهد رابطه مورد بررسی به صورت مثبت و مستقیم می‌باشد. بنابراین با توجه به سطح معناداری متغیر مالکیت دولت، نمی‌توان گفت بین مالکیت دولت و گزارش پایداری شرکت رابطه معناداری وجود دارد. بنابراین با توجه به نتایج به دست آمده، فرضیه چهارم رد می‌گردد.

هدف فرضیه پنجم پژوهش پاسخ به این سوال است که آیا بین اندازه مؤسسه حسابرسی و گزارش پایداری شرکت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؟ همان‌طور که در جدول ۶ مشاهده می‌شود، مقدار سطح معناداری محاسبه شده برای متغیر اندازه مؤسسه حسابرسی برابر با ۰/۰۰۰ می‌باشد که نشان می‌دهد تاثیر این متغیر در سطح اطمینان ۹۵ درصد به صورت معنادار می‌باشد، همچنین ضریب برآورد شده متغیر ذکر شده برابر با ۰/۲۰۴- است که نشان می‌دهد رابطه مورد بررسی به صورت منفی و معکوس می‌باشد. بنابراین با توجه به ضریب برآورده شده متغیر اندازه مؤسسه حسابرسی، نمی‌توان گفت بین اندازه مؤسسه حسابرسی و گزارش پایداری شرکت رابطه مثبت وجود دارد. بنابراین با توجه به نتایج به دست آمده، فرضیه پنجم رد می‌گردد.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف تعیین تأثیر ساختارهای مالکیت و ویژگی‌های حاکمیتی بر گزارش پایداری شرکت انجام شده است. نتایج به دست آمده حاصل از آزمون پژوهش‌ها نشان داد که فرضیه‌های پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد گردیدند.

فرضیه اول پژوهش، رابطه بین اندازه هیئت مدیره و گزارش پایداری شرکت را مورد بررسی قرار داد. بر مبنای نتایج به دست آمده، فرضیه اول پژوهش رد شده و نمی‌توان گفت بین اندازه هیئت مدیره و گزارش پایداری شرکت

رابطه مثبت وجود دارد. نتایج نشان داد رابطه بین اندازه هیئت مدیره و گزارش پایداری شرکت به صورت منفی می‌باشد، بدین معنا که با افزایش تعداد اعضای هیئت مدیره، گزارشگری پایداری شرکت کاهش می‌یابد. اندازه هیئت مدیره بزرگ منجر به هماهنگی ناکارآمد و افزایش هزینه نمایندگی می‌شود. به طور مشابه، اندازه بزرگ هیئت مدیره مشکلات ارتباطی، تاخیر در تصمیم‌گیری را افزایش می‌دهد و منجر به کنترل ضعیف‌تر بر مدیریت می‌شود. نتایج این فرضیه از پژوهش حاضر مطابق با پژوهش بزرگی و امامی‌میبدی (۱۴۰۱) ملکیان و همکاران (۱۳۹۸) و مغایر با پژوهش کومار و همکاران (۲۰۲۲)، شمیل و همکاران (۲۰۱۴)، کهزادی (۱۴۰۰) و عامری (۱۳۹۸) می‌باشد.

فرضیه دوم پژوهش، رابطه بین نسبت مدیران مستقل و گزارش پایداری شرکت را مورد بررسی قرار داد. بر مبنای نتایج بدست آمده، فرضیه دوم پژوهش رد شده و نمی‌توان گفت بین نسبت مدیران مستقل و گزارش پایداری شرکت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. نتایج نشان داد در شرکت‌های ایرانی مدیران غیرموظف هیئت مدیره نسبت به سایر اعضای هیئت مدیره، انگیزه قوی برای نظارت بر کار مدیران اجرایی و فرایند گزارشگری ندارند. با توجه به اینکه مدیران غیرموظف هیچگونه وابستگی مالی و اجرایی به شرکت نداشته، می‌تواند انگیزه آنها را برای تشویق مدیران برای افشای بهتر پایداری شرکتی کاهش دهد. می‌توان این رابطه را این‌گونه توجیه کرد که وجود یک رابطه منفی بین مدیران مستقل و میزان افشا به واسطه آن است که مدیران مستقل، جایگزین مقرون به صرفه برای افشای اطلاعات هستند. نتایج این فرضیه از پژوهش حاضر مغایر با پژوهش‌های کومار و همکاران (۲۰۲۲)، بدرالحیدر و نیشیتانی (۲۰۲۲)، ناسیتی (۲۰۱۹)، باندارا و همکاران (۲۰۱۸)، بزرگی و امامی‌میبدی (۱۴۰۱) معزی (۱۴۰۰)، ثابت‌کوشکی‌نیا (۱۴۰۰) و مطابق با پژوهش‌های امران و همکاران^۱ (۲۰۱۴)، شمیل و همکاران (۲۰۱۴) و محمود و اورالین (۲۰۱۷) و معصومی و همکاران (۱۳۹۷) می‌باشد.

فرضیه سوم پژوهش، رابطه بین تعداد جلسات هیئت مدیره و گزارش پایداری شرکت را مورد بررسی قرار داد. بر مبنای نتایج بدست آمده، فرضیه سوم پژوهش رد شده و نتایج نشان داد که بین تعداد جلسات هیئت مدیره و گزارش پایداری شرکت رابطه منفی وجود دارد. بدین معنا که با برگزاری تعداد جلسات بیشتر در هیئت مدیره، گزارشگری پایداری کاهش می‌یابد. جلسات متعدد به برقراری ارتباط بهتر میان مدیران و اعضای هیئت مدیره کمک می‌کند. اما برگزاری جلسات بیش از حد هیئت مدیره، علاوه بر هزینه‌هایی که دارد (از قبیل زمان مدیریت، هزینه مسافرت و حق‌الزحمه حضور در جلسات هیئت مدیره)، باعث انحراف مدیران شرکت از مسئولیت‌های عملیاتی و روزمره خود می‌گردد. از این‌رو هیئت مدیره می‌بایست تعادلی میان هزینه-منفعت تعداد جلسات برقرار کند. نتایج این فرضیه از پژوهش حاضر مغایر با پژوهش‌های کومار و همکاران (۲۰۲۲) و مطابق با پژوهش‌های حاجی^۲ (۲۰۱۳) ملکیان و همکاران (۱۳۹۸) می‌باشد.

فرضیه چهارم پژوهش، رابطه بین مالکیت دولتی و گزارش پایداری شرکت را مورد بررسی قرار داد. بر مبنای نتایج بدست آمده، فرضیه چهارم پژوهش رد شده و نمی‌توان گفت بین مالکیت دولتی و گزارش پایداری شرکت رابطه معناداری وجود دارد. سرمایه‌گذاران در بورس به دو دسته سهامداران حقیقی و سهامداران حقوقی تقسیم می‌شوند. بخشی از سهامداران حقوقی را واحدهای دولتی و شبه دولتی مانند بانک‌ها، بیمه تأمین اجتماعی، صندوق‌های

1. Amran et al.

2. Haji

بازنشتگی تشکیل می‌دهند. این سهامداران به دلیل سهم اندک از شرکت و نداشتن منفعت در جریان‌های نقدی شرکت به‌طور مستقیم هیچ انگیزه شخصی برای نظارت بر مدیران ندارند. نتایج این فرضیه از پژوهش حاضر مغایر با پژوهش‌های کومار و همکاران (۲۰۲۲) و مطابق با پژوهش‌های فواده و همکاران (۲۰۲۲)، حاجی (۲۰۱۳) و خوزین و همکاران (۱۳۹۷) می‌باشد.

فرضیه پنجم پژوهش، رابطه بین اندازه مؤسسه حسابرسی و گزارش پایداری شرکت را مورد بررسی قرار داد. بر مبنای نتایج بدست آمده، فرضیه پنجم پژوهش رد شده و نمی‌توان گفت بین اندازه مؤسسه حسابرسی و گزارش پایداری شرکت رابطه مثبت وجود دارد. از دلایل رد فرضیه حاضر، عدم وجود چهار مؤسسه بزرگ حسابرسی می‌باشد که در ایران فعالیت نمی‌کنند و دلیل دیگر می‌تواند حضور پررنگ سازمان حسابرسی در بیشتر شرکت‌ها و حسابرسی صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادر تهران توسط سازمان حسابرسی باشد که منجر به عدم بررسی مؤثر همه مؤسسات حسابرسی با اندازه‌های کوچک و بزرگ می‌شود. نتایج این فرضیه از پژوهش حاضر مغایر با پژوهش‌های کومار و همکاران (۲۰۲۲)، محمود و اورازالین (۲۰۱۷) الحلابی و حسینی (۲۰۱۵) می‌باشد.

با توجه به نتایج حاصل از فرضیه‌های پژوهش به سهامداران پیشنهاد می‌شود برای جلوگیری از فعالیت‌هایی که کارایی و اثربخشی کمتری دارند و نظارت بهتر بر مدیران برای افزایش گزارشگری پایداری شرکت، ترکیب هیئت مدیره را با اعضای کمتری برگزینند. به سیاست‌گذاران و قانون‌گذاران پیشنهاد می‌شود، تمهیداتی بیندیشند که مشوق -هایی برای مدیران غیرموظف در جهت تشویق مدیران برای گزارشگری پایداری شرکت در نظر گیرند و انگیزه مدیران مستقل را تقویت نمایند. به رئیس هیئت مدیره پیشنهاد می‌شود برای جلوگیری از انحراف مدیران شرکت از مسئولیت‌های عملیاتی و روزمره خود، تعداد جلسات را کاهش داده و کیفیت برگزاری جلسات را افزایش دهند. به سیاست‌گذاران دولتی توصیه می‌شود برای جلوگیری از انگیزه‌های سودجویانه و یا عدم تمایل سهامداران دولتی نسبت به نظارت مؤثر بر گزارشگری پایداری شرکت، میزان تملک سهامداران دولتی را به میزان یکسانی تعیین کنند که سهامداران دولتی در هر شرایطی انگیزه‌های یکسان داشته باشند. لازم است به مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی بیشتر بها داده شود و زمینه برای رقابت این مؤسسات با سازمان حسابرسی فراهم شود.

مهمترین محدودیتی که در اجرای پژوهش وجود داشته و در تعبیر و تفسیر نتایج پژوهش و قابلیت تعمیم آن بایستی مورد ملاحظه قرار گیرد، عدم دسترسی به داده‌های کیفی پایداری شرکتی می‌باشد که در صورت استفاده از داده‌های کیفی این متغیر، ممکن است نتایج متفاوتی نسبت به نتایج حاضر حاصل گردد. با توجه به این‌که پژوهش حاضر در بازه زمانی ۱۳۹۴ الی ۱۴۰۰ انجام شده است، در تعمیم نتایج به دیگر بازه‌های زمانی احتیاط لازم به عمل آید.

فهرست منابع

بحری‌ثالث، جمال، بهنمون، یعقوب، مددی‌زاده، ابراهیم. (۱۳۹۳). ویژگی‌های هیأت مدیره و استراتژی مالیاتی جسورانه. فصلنامه حسابداری مدیریت، ۷(۲۲)، ۶۷-۵۳.

- بزرگی، حمیدرضا، امامی‌میبدی، مریم. (۱۴۰۱). تأثیر ساختار مالکیت و ویژگی‌های هیئت مدیره بر عملکرد پایداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *فصلنامه رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری*، ۶(۲۱)، ۱۷۷۷-۱۷۹۳.
- پیرایش، رضا، اشتری، اسماعیل. (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین چرخش حساب‌سازان و ساختار مالکیت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *دانش حسابداری*، ۱۷(۶۶)، ۱۷۱-۱۸۸.
- ثابت‌کوشکی‌نیان، مجید. (۱۴۰۰). بررسی رابطه مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی و عملکرد پایداری شرکتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد حسابداری*، مؤسسه آموزش عالی شان‌دیز.
- خوزین، علی، طالب‌نیا، قدرت‌الله، گرکز، منصور، بنی‌مهد، بهمن. (۱۳۹۸). بررسی اثر ساختار مالکیت بر توسعه سطح گزارشگری پایداری. *فصلنامه حسابداری مدیریت*، ۱۱(۳۶)، ۱-۱۳.
- رضایی، فرزین، عیدان ترک زاده، خدیجه، نصیری، ناصر. (۱۳۹۰). بررسی تأثیر ساختار مالکیت بر نسبت تقسیم سود شرکت‌ها در بورس اوراق بهادار تهران. *فصلنامه بورس اوراق بهادار*، ۴(۱۳)، ۱۱۳-۱۳۳.
- رضایی، فرزین، محمدپور، مهدیه. (۱۳۹۶). تبیین رابطه بین مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و هزینه سرمایه ضمنی آنها. *فصلنامه پژوهش‌های نوین در حسابداری و حسابداری*، ۱(۱)، ۱۱۷-۱۳۸.
- رمضان‌احمدی، محمد؛ قلمبر، محمدحسین؛ درسه، سیدصابر. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر اندازه مؤسسه حسابداری و اظهارنظر حسابرس بر خطر سقوط آتی قیمت سهام. *بررسی‌های حسابداری*، ۱(۴)، ۳۷-۵۹.
- ستایش، محمد، مهتری، زینب. (۱۳۹۷). چارچوبی برای کلیات مبانی نظری گزارشگری یکپارچه در ایران. *پژوهش‌های حسابداری مالی*، ۱۰(۳۶)، ۸۵-۱۰۶.
- صالحی، مهدی، عبدلی‌محمودآباد، ناصر. (۱۳۹۷). تأثیر تخصص حسابرس در صنعت بر ریسک‌پذیری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *دانش حسابداری*، ۱۸(۷۰)، ۲۴-۵.
- عامری، حسین. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر ویژگی‌های هیات مدیره بر افشای گزارش پایداری شرکت‌ها. *فصلنامه حسابداری و منافع اجتماعی*، ۹(۳)، ۱۸۵-۲۰۲.
- عبدی، مصطفی، کردستانی، غلامرضا، رضازاده، جواد. (۱۳۹۸). طراحی الگوی منسجم گزارشگری پایداری شرکت‌ها. *پژوهش‌های حسابداری مالی*، ۱۱(۴)، ۲۳-۴۴.
- غزنوی‌قصونی، رضا، آهنگری، مهناز، وقفی، سیدحسام، غزنوی، مهرداد. (۱۳۹۷). بررسی رابطه بین مدیریت سود و میزان اجتناب از مالیات با ریسک سقوط قیمت سهام با در نظر گرفتن نقش قدرت مدیرعامل. *فصلنامه پژوهش‌های حسابداری و حسابداری عملیاتی و عملکرد*، ۲(۱)، ۱۱۱-۱۳۴.

- فخاری، حسین، ملکیان، اسفندیار، جفایی‌رهنی، منیر. (۱۳۹۶). تبیین و رتبه‌بندی مولفه‌ها و شاخص‌های گزارشگری زیست محیطی، اجتماعی و راهبردی شرکتی به روش تحلیل سلسله مراتبی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *حسابداری ارزشی و رفتاری*، ۲(۴)، ۱۵۳-۱۸۷.
- کهزادی، سیروس. (۱۴۰۰). تأثیر ساختار مالکیت و ویژگی‌های هیئت مدیره بر عملکرد پایداری شرکت. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد حسابداری*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
- معزی، مهدیه. (۱۴۰۰). حاکمیت شرکتی و هیئت مدیره: تأثیر ترکیب هیئت مدیره بر عملکرد پایداری شرکت. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد حسابداری*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس.
- معصومی، سیدرسول، صالح‌نژاد، سیدحسن، ذبیحی‌زرین‌کلایی، علی. (۱۳۹۷). شناسایی متغیرهای مؤثر بر میزان گزارشگری پایداری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *دانش حسابرسی*، ۱۸(۷۰)، ۱۹۵-۲۲۱.
- ملکیان، اسفندیار، نیکروان‌فرد، بیتا. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر مالکان نهادی و دولتی بر دستمزد حسابرسی مستقل در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *مجله‌ی پیشرفت‌های حسابداری*، ۷(۱: ۶۸/۳)، ۱۶۶-۱۳۹.
- مهام، کیهان، علی‌پور، کیهان، طالبی، بهمن. (۱۳۹۴). رابطه مدیریت سود با عملکرد بازار شرکت‌های توزیع کننده سود سهمی. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۵(۱۸)، ۱۴۵-۱۶۶.
- نظری، سوسن. (۱۳۹۷). بررسی تأثیر ساختار مالکیت و نوآوری بر شاخص‌های پایداری در شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار ایران. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد حسابداری*، مؤسسه آموزش عالی آبان هراز.
- نوروش، ایرج، مومنی‌یانسری، ابوالفضل، صفری‌گرایلی، مهدی. (۱۳۹۴). کیفیت سود و ارزش شرکت: شواهدی از شرکت‌های ایرانی. *پژوهش‌های حسابداری مالی*، ۷(۴)، ۱۸-۱.

Abdi, M., Kordestani, G., & Rezazade, J. (2019). Designing of Corporates' Coherent Sustainability Reporting Model. *Financial accounting research*, 11(4), 23-44. [In Persian]

Ramezan Ahmadi, M., Ghalmbor, M. H., & Dorseh, S. S. (2014). Impact of Audit Firm Size and Auditor's Opinion on Future Stock Price Crashes. *Journal of Iranian Accounting Review*, 1(4), 37-59. [In Persian]

Al Farooque, O., & Ahlu, H. (2017). Determinants of social and economic reportings: evidence from Australia, the UK and South African multinational enterprises. *International Journal of Accounting & Information Management*, 25(2), 177-200.

Alshbili, I., Elamer, A. A., & Beddewela, E. (2020). Ownership types, corporate governance and corporate social responsibility disclosures: Empirical evidence from a developing country. *Accounting Research Journal*, 33(1), 148-166.

Ameri, H. (2019). Investigating the Impact of the Board of Directors on Disclosure of Corporate Sustainability Report. *Journal of Accounting and Social Interests*, 9(3), 185-202. [In Persian]

Amran, A., Lee, S. P., & Devi, S. S. (2014). The influence of governance structure and strategic corporate social responsibility toward sustainability reporting quality. *Business Strategy and the environment*, 23(4), 217-235.

- Appiagyei, K., Djajadikerta, H. G., & Mat Roni, S. (2023). The impact of corporate governance on integrated reporting (IR) quality and sustainability performance: evidence from listed companies in South Africa. *Meditari Accountancy Research*, 31(4), 1068-1092.
- Aras, G., & Crowther, D. (2008). Governance and sustainability: An investigation into the relationship between corporate governance and corporate sustainability. *Management Decision*, 46(3), 433-448.
- Haider, M. B., & Nishitani, K. (2022). Ownership structure, corporate governance, and assurance in sustainability reporting: evidence from Japan. *International Journal of Disclosure and Governance*, 19(4), 374-388.
- Bahri sales, J., Behanmon, Y., & Madadzadeh, E. (2015). Board of Directors' Characteristics and Tax Aggressiveness. *Management Accounting*, 7(22), 53-67. [In Persian]
- Bandara, T. P., Shasanka, H. U., Edirisinghe, E. L., Dissanayake, D. G., & Rathnasiri, K. A. (2018). Impact of Corporate Governance on Level of Sustainability Reporting of Sri Lankan Listed Companies. *Corpoarte Ownersh. Control*, 5(2), 1-25.
- Barako, D.G. (2007). Determinants of voluntary disclosure in Kenyan Companies annual reports. *African Journal of Business Management*, 1(5), 113-128.
- Bourlakis, M., Maglaras, G., Aktas, E. & Gallear, D. (2014). Firm size and sustainable performance in food supply chains: Insights from Greek SMEs. *International Journal Production Economics*, 152, 112-130.
- Bozorgi, M., & Emami maebodi, M. (2022). The effect of ownership structure and characteristics of the board of directors on sustainable performance in companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Quarterly journal of new research approaches in management and accounting*, 6(21), 1793-1777. [In Persian]
- Brooks, C., & Oikonomou, I. (2018). The effects of environmental, social and governance disclosures and performance on firm value: A review of the literature in accounting and finance. *The British Accounting Review*, 50(1), 1-15.
- Choi, B.B., Lee, D., & Psaros, J. (2013). An Analysis of Australian Company Carbon Emission Disclosures. *Pacific Accounting Review*, 25(1), 58-79.
- Dissanayake, D., Tilt, C. and Xydias-Lobo, M. (2016). Sustainability reporting by publicly listed companies in Sri Lanka. *Journal of Cleaner Production*, 129, 169-182.
- El-Halaby, S., & Hussainey, K. (2015). The determinants of social accountability disclosure: Evidence from Islamic banks around the world. *International Journal of Business*, 20(3), 202.
- Fakhari, H., Malekian, E., & Jafaei Rahni, M. (2018). Explaining and Ranking of the components and indicators of environmental, social and corporate governance reporting by Analytic Hierarchy Process in the companies listed in Stock Exchange. *Bi-Quarterly Journal of Value and Behavioral Accounting*, 2(4), 153-187. [In Persian]
- Ghaznavi, R., Vaghfi, S. H., & Ghaznavi, M. (2018). Investigate The Relationship Between the Tax Avoidance and Earnings Management and Stock Price Crash Risk by Emphasizing Role of Powerful CEOs The Tax Avoidance and Earnings Management. *Journal of New Researches in Accounting and Auditing*, 2(01), 111-134. [In Persian]
- Ahmed Haji, A. (2013). Corporate social responsibility disclosures over time: evidence from Malaysia. *Managerial auditing journal*, 28(7), 647-676.
- Hammami, A., & Hendijani Zadeh, M. (2020). Audit quality, media coverage, environmental, social, and governance disclosure and firm investment efficiency: Evidence from Canada. *International Journal of Accounting & Information Management*, 28(1), 45-72.

- Jizi, M. I., Salama, A., Dixon, R., & Stratling, R. (2014). Corporate governance and corporate social responsibility disclosure: Evidence from the US banking sector. *Journal of business ethics*, 125, 601-615.
- Jones, J., (1991). Earnings Management during Import Relief Investigations. *Journal of Accounting Research*, 29(2), 193-229.
- Karamanou, I., & Vafeas, N. (2005). The association between corporate boards, audit committees, and management earnings forecasts: An empirical analysis. *Journal of Accounting research*, 43(3), 453-486.
- Khan, A., Muttakin, M. B., & Siddiqui, J. (2013). Corporate governance and corporate social responsibility disclosures: Evidence from an emerging economy. *Journal of business ethics*, 114, 207-223.
- Khozein, A., Talebnia, G., Garkaz, M., & Banimahd, B. (2018). Effect of Ownership Structure on the Development of the Sustainable Reporting. *Management Accounting*, 11(36), 1-13. [In Persian]
- Kohzadi, Sirus. (2021). The effect of ownership structure and characteristics of the board of directors on the company's sustainability performance. *Master's thesis in accounting*, Islamic Azad University, Maroodasht branch. [In Persian]
- Kumar, K., Kumari, R., Nandy, M., Sarim, M., & Kumar, R. (2022). Do ownership structures and governance attributes matter for corporate sustainability reporting? An examination in the Indian context. *Management of Environmental Quality: An International Journal*, 33(5), 1077-1096.
- Lim, R. (2011). Are corporate governance attributes associated with accounting conservatism?. *Accounting & Finance*, 51(4), 1007-1030.
- Liu, X., & Zhang, C. (2017). Corporate governance, social responsibility information disclosure, and enterprise value in China. *Journal of Cleaner Production*, 142, 1075-1084.
- Maham, K., Alipour, S., & Talebi, B. (2015). Earnings Management and the Market Performance of Stock Dividend Distributing Firms. *Empirical Research in Accounting*, 5(4), 145-166. [In Persian]
- Mahmood, M., & Orazalin, N. (2017). Green governance and sustainability reporting in Kazakhstan's oil, gas, and mining sector: Evidence from a former USSR emerging economy. *Journal of cleaner Production*, 164, 389-397.
- Malekian, E., & NikravanFard, B. (2015). The impact of institutional and governmental ownership on audit fees (Firms Listed in Tehran Stock Exchange). *Journal Of Accounting Advances*, 7(1), 127-162. [In Persian]
- Masoumi, S., Salehnejad, H., & Zabihi, A. (2018). Identification of variables affecting the amount of sustainability reporting of companies admitted to the Tehran Stock Exchange. *Journal of Audit Science*, 18(70), 195-221. [In Persian]
- Moaezee, M. (2021). Corporate Governance and Board of Directors: The Impact of Board Composition on Corporate Sustainability Performance. *Master's thesis in accounting*, Islamic Azad University, Bandar Abbas branch. [In Persian]
- Naciti, V. (2019). Corporate governance and board of directors: the effect of a board composition on firm sustainability performance. *Journal of Cleaner Production*, 237, 1-18.
- Nazari, S. (2018). Investigating the impact of ownership structure and innovation on sustainability indicators in companies admitted to Iran Stock Exchange. *Master's thesis in accounting*, Aban Haraz Institute of Higher Education. [In Persian]
- Nguyen, L. T., Doan, A. N., & Frömmel, M. (2021). Boards of directors and corporate sustainability performance: Evidence from the emerging East Asian markets. *International Journal of Disclosure and Governance*, 18, 95-105.
- Noravesh, I., Momeni Yanesari, A., & Safari Gerayli, M. (2016). Earnings quality and firm value: evidence from Iranian firms. *Financial Accounting Research*, 7(4), 1-18. [In Persian]

Orazalin, N., & Mahmood, M. (2018). Economic, environmental, and social performance indicators of sustainability reporting: Evidence from the Russian oil and gas industry. *Energy policy*, 121, 70-79.

Pirayesh, R., Mansouri, A., & Ghorghi, H. S. (2013). Association Between Auditors' Rotation and Firm Ownership Structure in Listed Companies on Tehran Stock Exchange. *World Applied Sciences Journal*, 23(3), 326-332. [In Persian]

Rezaei, F., Eidantorkzadeh, K., & Nasiri, N. (2011). Impact of Ownership Structure on Dividend Policy in Tehran Stock Exchange. *Journal of Securities Exchange*, 4(13), 113-133. [In Persian]

Rezaei, F., & Mohammadpur, M. (2017). Explaining the relationship between social responsibility of companies and their implicit capital cost. *Quarterly Journal of New Researches in Accounting and Auditing*, 1(1), 117-138. [In Persian]

Sabet Kushkinian, M. (2021). Investigating the relationship between corporate governance mechanisms and corporate sustainability performance in companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Master's thesis in accounting*, Shandiz Institute of Higher Education. [In Persian]

Said, R., Hj Zainuddin, Y., & Haron, H. (2009). The relationship between corporate social responsibility disclosure and corporate governance characteristics in Malaysian public listed companies. *Social responsibility journal*, 5(2), 212-226.

Salehi, M., & Abdoli, N. (2018). The effect of the auditor's expertise in the industry on the risk-taking of companies admitted to the Tehran Stock Exchange. *Journal of Audit Science*, 18(70), 5-24. [In Persian]

Setayesh, M.H., & Mehtari, Z. (2018). A Framework for General Theoretical Foundations of Integrated Reporting in Iran. *Financial accounting research*, 10(36), 85-106. [In Persian]

M. Shamil, M., M. Shaikh, J., Ho, P. L., & Krishnan, A. (2014). The influence of board characteristics on sustainability reporting: Empirical evidence from Sri Lankan firms. *Asian Review of Accounting*, 22(2), 78-97.

The auditor's opinion on the going concern and corporate bankruptcy by the moderating role of conservatism in companies listed on the Tehran Stock Exchange

Shekoufeh Nekoueizadeh¹

Received: November 4, 2023

Accepted: December 21, 2023

Abstract

Purpose: The purpose of this study is to assess the going concern opinion and bankruptcy by the moderating role of accounting conservatism in companies listed on the Tehran Stock Exchange.

Methodology: For this purpose, 137 companies listed on the Tehran Stock Exchange through systematic elimination method were selected as statistical sample during the period 2018-2022 and their data were analyzed. The statistical technique used to test the hypotheses is logistic.

Findings: The results showed that there is a direct and significant relationship between bankruptcy in companies and the going concern opinion in companies listed on the Tehran Stock Exchange as well as conservatism plays a moderating role on the relationship between bankruptcy and the going concern opinion.

Originality: The present research can greatly contribute to the expansion of the existing literature in the field of auditor's opinion on the going concern, corporate bankruptcy and accounting conservatism in Iran.

Keywords: Audit opinion, bankruptcy, conservatism, going concern opinion.

JEL Classification: G01, G33

1. Department of Accounting, Firoozabad Branch, Islamic Azad University, Firoozabad, Iran; (Corresponding Author). (nekoe135@gmail.com)

Cite this paper: Nekoueizadeh, N. (2023). The auditor's opinion on the going concern and corporate bankruptcy by the moderating role of conservatism in companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting & Financial Transparency*, 1(1), 65-83. [In Persian]

اظهارنظر حسابرس در خصوص تداوم فعالیت و ورشکستگی شرکت‌ها با در نظر گرفتن نقش تعدیل‌کنندگی محافظه‌کاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

شکوفه نکوئی‌زاده^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۳۰

چکیده

هدف: هدف این پژوهش، بررسی اظهارنظر حسابرس در خصوص تداوم فعالیت و ورشکستگی شرکت‌ها با در نظر گرفتن نقش تعدیل‌کنندگی محافظه‌کاری حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. **روش‌شناسی:** از میان جامعه آماری به روش حذف سیستماتیک تعداد ۱۳۷ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، در طول دوره زمانی ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ به عنوان نمونه آماری انتخاب گردید و داده‌ها مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. تکنیک آماری مورد استفاده جهت آزمون فرضیه‌ها، رگرسیون لجستیک می‌باشد.

یافته‌ها: نتایج تحقیق نشان داد که بین ورشکستگی در شرکت‌ها و اظهارنظر حسابرس در مورد ابهام در تداوم فعالیت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. همچنین محافظه‌کاری حسابداری بر رابطه بین ورشکستگی در شرکت‌ها و اظهارنظر حسابرس در مورد ابهام در تداوم فعالیت شرکت‌ها نقش تعدیل‌کنندگی ایفا می‌کند.

دانش افزایی: پژوهش حاضر می‌تواند به گسترش ادبیات موجود در زمینه اظهارنظر حسابرس در مورد ابهام در تداوم فعالیت، ورشکستگی شرکت‌ها و محافظه‌کاری حسابداری در ایران کمک شایانی نماید.

کلیدواژه‌ها: اظهارنظر حسابرس، فرض تداوم فعالیت، محافظه‌کاری، ورشکستگی.

طبقه‌بندی موضوعی: G01, G33

۱. گروه حسابداری، واحد فیروزآباد، دانشگاه آزاد اسلامی، فیروزآباد، ایران. (nekoe135@gmail.com)

استناد: نکوئی‌زاده، شکوفه. (۱۴۰۲). اظهارنظر حسابرس در خصوص تداوم فعالیت و ورشکستگی شرکت‌ها با در نظر گرفتن نقش تعدیل‌کنندگی محافظه‌کاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *حسابداری و شفافیت مالی*، ۱(۱)، ۸۳-۶۵.

مقدمه

قانون‌گذاران در کشور آمریکا در این خصوص که بسیاری از شرکت‌ها پس از دریافت یک اظهار نظر استاندارد حسابرسی (گزارش تعدیل نشده)، از بین می‌روند اظهار نگرانی کرده‌اند و در این خصوص هشدار داده‌اند که عموم مردم از فروپاشی مالی واحدهای مورد رسیدگی توسط حسابرسان هراس دارند و به همین خاطر نیز حسابرسان را متهم به کوتاهی می‌کنند (ریاد و یزگل^۱، ۲۰۱۸). به طور کلی حسابرسان، از طریق اظهار نظر حسابرسی در خصوص ابهام در تداوم فعالیت به ارزیابی خود در مورد این که آیا واحد مورد رسیدگی توانایی ادامه حیات خود را دارد یا خیر، پاسخ می‌دهند. کیدا^۲ (۱۹۸۰) و موتچلر^۳ (۱۹۸۴) اعتقاد دارند که وقتی واحدهای مورد رسیدگی دچار ورشکستگی می‌شوند، اما پیش از آن اظهار نظر حسابرسی در خصوص ابهام در تداوم فعالیت دریافت نکرده باشند، حسابرسان با یک خطر بزرگ اقتصادی مواجه خواهند شد. تحقیقات پیشین (به عنوان نمونه گیگر و همکاران^۴، ۲۰۰۵؛ فیلدمان^۵ و ریاد، ۲۰۱۰؛ کارسون و همکاران^۶، ۲۰۱۳) نشان می‌دهد که حسابرسان، در حدود ۵۰ درصد موارد با اشتباهات نوع دو (به عنوان مثال، انتشار یک گزارش حسابرسی تعدیل نشده در سال قبل از ورشکستگی) مواجه می‌شوند.

پژوهش‌های انجام شده مربوط به اظهار نظر در مورد ابهام در تداوم فعالیت قبل از ورشکستگی واحدهای مورد رسیدگی نشان داده‌اند که پس از فروپاشی انرون، حسابرسان محافظه‌کارانه‌تر شده‌اند. برای مثال، گیگر و همکاران (۲۰۰۵) گزارش کرده‌اند که که در آمریکا در دوره بعد از تصویب قانون ساربینر آکسلی (سال‌های ۲۰۰۲-۲۰۰۳) نسبت به سال‌های قبل از آن (سال‌های ۲۰۰۰-۲۰۰۱) تعداد بیشتری از گزارش‌های حسابرسی شامل بند ابهام در تداوم فعالیت بوده است. بعد از آن نیز فیلدمان و ریاد (۲۰۱۰) به تحقیق در این خصوص اظهار نظرهای حسابرسی ارائه شده در دوره قبل از ورشکستگی در چهار دوره زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸ پرداختند تا این موضوع را نشان دهند که آیا رویکرد محافظه‌کاری حسابرسان که در پژوهش گیگر و همکاران (۲۰۰۵) نشان داد شد، هنوز ادامه دارد یا موقتی بود. آنها دریافتند که نسبت دریافت اظهار نظر حسابرسی با بند ابهام در تداوم فعالیت در دوره ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۳ نسبت به دوره ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۱ به شدت افزایش یافت (مشابه پژوهش گیگر و همکاران، ۲۰۰۵)، اما در دوره‌های بعدی با کاهش روبرو شد و در نهایت به نسبتی مشابه با دوره قبل از تصویب قانون ساربینر آکسلی رسید.

شوک‌های بیرونی ناشی از رکود اقتصادی که موجب افزایش قابل توجهی در ورشکستگی شرکت‌های سهامی عام شد، باعث افزایش علاقه به گزارش حسابرسان در شرکت‌های دارای مشکلات مالی شد. در کشور ایران نیز در سال‌های اخیر شوک‌های بیرونی ناشی از رکود اقتصادی به شدت افزایش یافته و به نوعی شرکت‌ها با این موضوع دست و پنجه نرم می‌کنند. با این حال، شواهد اندکی در خصوص اظهار نظر حسابرس در مورد ابهام در تداوم فعالیت و نقش آن در ورشکستگی شرکت‌ها وجود دارد. بنابراین، مسأله پژوهش حاضر آن است که چه ارتباطی بین اظهار نظر حسابرس در مورد ابهام در تداوم فعالیت و ورشکستگی شرکت‌ها وجود دارد. بنابراین، مسأله پژوهش حاضر آن است که چه ارتباطی بین اظهار نظر حسابرس در مورد ابهام در تداوم فعالیت و ورشکستگی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران وجود دارد؟ همچنین، با توجه به این که محافظه‌کاری در حسابداری نقش مهمی در گزارشگری مالی و اظهار نظر حسابرس

¹. Read & Yezegel

². Kida

³. Mutchler

⁴. Geiger et al

⁵. Feldmann & Read

⁶. Carson et al

دارد، این سؤال مطرح می‌شود که آیا محافظه‌کاری حسابداری بر رابطه بین اظهارنظر حسابرس در مورد ابهام در تداوم فعالیت و ورشکستگی شرکت‌ها نقش تعدیل‌کنندگی دارد یا خیر؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

وجود اطلاعات مالی قابل اتکاء، یکی از لازمه‌های بشر جهت پیشرفت و تولید علم است. فرد سرمایه‌گذاری که تصمیم به خرید یا فروش سهام می‌گیرد، بانکداری که در مورد تأیید یک تقاضای وام تصمیم می‌گیرد، دولتی که برای وصول درآمد مالیاتی به اظهارنامه‌های مالیاتی اتکاء می‌کند، همگی بر اطلاعاتی تکیه می‌کنند که توسط دیگران تهیه شده است. در بیشتر موارد هدف‌های تهیه‌کنندگان اطلاعات با هدف‌های استفاده‌کنندگان از آن اطلاعات متفاوت است. نیاز به وجود حسابرسان مستقل در چنین استدلالی مستتر است، یعنی افرادی باصلاحیت و صداقت حرفه‌ای که بتوانند مشخص کنند اطلاعات مالی که بر آن اتکاء می‌شود، تصویری مطلوب و کاملاً واقعیت‌آمیز است یا خیر؟ (ارباب سلیمانی و نفری، ۱۳۸۵).

نظریه کارگزاری، حسابرس را به‌عنوان نماینده مستقل سهامداران و سایر اشخاص ذی‌نفع در کنترل صحت، قابلیت اتکاء و مربوط بودن اطلاعاتی می‌شناسد که توسط مدیران واحد تجاری تهیه و ارائه می‌شود. اما به دلیل آن که کار حسابرسی مستلزم ارتباط نزدیک حسابرس با مدیران واحد تجاری است، بنابراین در این نظریه فرض می‌شود که حسابرسان ممکن است در انجام وظیفه خود، استقلال خود را حفظ نکرده و کار خود را به درستی انجام ندهند و به عبارتی در راستای منافع خود و مدیران عمل نمایند (والکر، ۲۰۰۳؛ نقل از بنی مهد، ۱۳۹۰).

به طور قانونی، قرارداد حسابرسی بین شرکت حسابرسی شونده و مدیرانش با حسابرس طرف قرارداد، منعقد می‌شود. اما سهامداران شرکت حسابرسی شونده، گروه اصلی استفاده‌کنندگان از گزارش حسابرس هستند. به عبارت دیگر، اگر چه حسابدار رسمی و صاحبکار، شرکت را به‌عنوان شخصیت حقوقی جداگانه‌ای معرفی می‌کنند که ذی‌نفع اصلی گزارش حسابرس است، اما سهامداران آن شرکت دریافت‌کنندگان و اتکاء‌کنندگان اصلی صورت‌های مالی و گزارش حسابرس هستند. اما مجموعه صورت‌های مالی، موضوع حسابرسی حسابرسان است که در هر سال برای ارائه مستقیم به سهامداران تهیه می‌شود؛ این صورت‌ها، به مثابه یک کالای عمومی در دسترس طیف‌های مختلفی از دیگر استفاده‌کنندگان قرار دارد (حساس‌یگانه، ۱۳۸۲). در نتیجه می‌توان عنوان کرد که استفاده‌کنندگان گزارش حسابرسی، طیف وسیعی شامل سهامداران، اعتباردهندگان، دولت و سایر استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی را در بر می‌گیرد.

گزارشگری مالی در واحدهای اقتصادی، بازتاب نیازهای اطلاعاتی و انتظارات گروه‌های گوناگون استفاده‌کننده از صورت‌های مالی، همچون سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان، دولت و مدیران است که برای اتخاذ تصمیمات درست اقتصادی همانند برنامه‌ریزی و اعمال نظارت به این اطلاعات نیاز دارند. از سوی دیگر استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی، هنگامی می‌توانند به اطلاعات مالی منعکس در صورت‌های مالی اتکاء کنند که شخصی مستقل، ذی‌صلاح، مطلع و بی‌طرف نسبت به میزان اعتبار این اطلاعات، نظر حرفه‌ای ارائه کرده باشد (مرادی و فخرآبادی، ۱۳۸۸).

بنابراین، به دلیل نیاز به حسابرسی و همچنین به دلیل این که گزارش حسابرسی پل ارتباطی بین حسابرس و استفاده‌کنندگان از آن محسوب می‌شود، این گزارش بایستی از دید استفاده‌کنندگان، قابل فهم، عینی و منبع اطلاعاتی مربوط

به شمار آید. ارتباط در اینجا به این معنی است که گزارش حسابرسی باعث تغییر در تصمیم‌ها شود، در غیر این صورت استفاده‌کنندگان به گزارش حسابرسی توجه نخواهند کرد. منظور از تأثیر بر تصمیم‌گیری‌ها این است که گزارش حسابرسی دارای محتوای اطلاعاتی باشد، به عبارت دیگر بتواند بر تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری، تصمیم‌گیری‌های اعتباری و قیمت سهام تأثیر بگذارد (مهدوی و غیوری مقدم، ۱۳۸۹).

افشای نامناسب و ناکافی در گزارش‌های مالی و عدم شفافیت اطلاعاتی در شرکت‌ها موجب می‌شود که مشکلات ناشی از تفکیک مالکیت از مدیریت افزایش یابد (فن و وانگ^۱، ۲۰۰۵). عدم ارائه اطلاعات مالی مربوط و قابل اعتماد، زیان‌های اقتصادی جبران‌ناپذیری را برای سهامداران و سایر ذی‌نفعان برون‌سازمانی به دنبال دارد. در این بین، حسابرسی مستقل از طریق اعتباردهی به صورت‌های مالی، تضمین قابلیت اتکاء و تأیید کیفیت اطلاعاتی مالی، موجب حمایت از حقوق تمامی ذی‌نفعان شرکت می‌شود. افزون بر این سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و سایر ذی‌نفعان برای ارزیابی عملکرد مالی واحدهای تجاری مختلف و تصمیم‌گیری در مورد موقعیت‌های گوناگون سرمایه‌گذاری، به نتایج حسابرسی انجام شده به وسیله مؤسسات حسابرسی مستقل اتکاء می‌کنند. از این رو، هر چه کیفیت حسابرسی بیشتر باشد، ارزش، اعتبار و قابلیت پذیرش آن به وسیله استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی افزایش می‌یابد (اشبو و وارفیلدز، ۲۰۰۳). همچنین، اگر برداشت استفاده‌کنندگان گزارش حسابرسی از آنچه حسابرس باید ارائه دهد و یا آنچه که اکنون ارائه می‌دهد با برداشت حسابرسان مستقل متفاوت باشد، انجام حسابرسی فاقد اثربخشی لازم بوده و خدمات حسابرسی ارزش افزوده‌ای را فراهم نخواهد کرد (همت‌فر و همکاران، ۱۳۸۹). از سویی دیگر به دلیل اینکه نظر حسابرس به صورت‌های مالی ارائه می‌گردد، اگر حسابرس از صاحبکار مستقل نباشد، نظرش چیزی به اعتبار صورت‌های مالی نمی‌افزاید (انصاری و همکاران، ۱۳۹۰). به عبارت دیگر حسابرس باید دارای استقلال نسبت به صاحبکار باشد، تا گزارش حسابرسی برای استفاده‌کنندگان آن دارای ارزش باشد.

محافظه‌کاری حسابداری

چارچوب نظری گزارشگری مالی ایران با استفاده از واژه احتیاط^۲، محافظه‌کاری را به عنوان بخشی از ویژگی قابل اتکا بودن در نظر گرفته است. مطابق چارچوب نظری گزارشگری ایران، احتیاط عبارت است از کاربرد درجه‌ای از مراقبت که در اعمال قضاوت برای انجام برآورد در شرایط ابهام مورد نیاز است به گونه‌ای که درآمدها یا دارایی‌ها بیشتر از واقع و هزینه‌ها یا بدهی‌ها کمتر از واقع ارائه نشود (کمیته تدوین استانداردهای حسابداری، ۱۳۸۸). در بیانیه مفاهیم حسابداری شماره دو آمریکا نیز درباره محافظه‌کاری و تعریف آن چنین آمده است: «واکنشی محتاطانه به ابهام در تلاش برای اطمینان از این که ابهام و ریسک‌های ذاتی شرایط تجاری به گونه‌ای مناسب مدنظر قرار گرفته‌اند». در این بیانیه آمده است که اگر ابهام وجود نداشته باشد، نیازی به محافظه‌کاری نیست؛ و هرچه ابهام و ریسک بیشتری وجود داشته باشد، نیاز بیشتری به محافظه‌کاری وجود دارد (هیأت استاندارد‌های حسابداری مالی، ۱۹۸۰). بلیس^۳ (۱۹۲۴) محافظه‌کاری را با ضرب‌المثل هیچ سودی پیش‌بینی نکنید، اما همه زیان‌ها را پیش‌بینی کنید تعریف کرده

^۱. Fan & Wong

^۲. Prudence

^۳. Bliss

است (واتس، ۲۰۰۳). به نظر واتس و زیمرمن (۱۹۸۶) محافظه‌کاری یعنی این‌که حسابدار از بین ارزش‌های ممکن، برای دارایی‌ها کمترین ارزش و برای بدهی‌ها بیشترین ارزش را گزارش کند، همچنین درآمدها باید دیرتر (و نه زودتر) و هزینه‌ها زودتر (و نه دیرتر) شناسایی شوند. باسو^۱ (۱۹۹۷) محافظه‌کاری را به‌عنوان تمایل حسابداران جهت نیاز به درجه بالاتری از تأییدپذیری برای شناسایی اخبار خوب در سود نسبت به اخبار بد تعریف می‌کند. از دیدگاه تهیه‌کنندگان صورت‌های مالی، محافظه‌کاری به‌عنوان کوششی برای انتخاب روشی از روش‌های پذیرفته شده حسابداری است که به یکی از نتایج زیر منتج می‌شود (شباهنگ، ۱۳۸۱):

۱. شناخت کندتر درآمد فروش، ۲. شناخت سریع‌تر هزینه، ۳. ارزشیابی کمتر دارایی‌ها، ۴. ارزشیابی بیشتر بدهی‌ها. ملاک اکثر تعریف‌های بیان شده از محافظه‌کاری آن است که اصول حسابداری راهنمایی برای حداقل کردن انباشته سودهای گزارش شده از طریق شناسایی کندتر درآمدها، شناسایی سریع‌تر هزینه‌ها، ارزشیابی کمتر دارایی‌ها و ارزشیابی بیشتر بدهی‌ها است (دیویدسن و همکاران^۲، ۱۹۸۵؛ ولک و همکاران^۳، ۱۹۸۹؛ استیکنی و ویل^۴، ۱۹۹۴). اگرچه نوعی توافق نظر بر وجود محافظه‌کاری در تهیه صورت‌های مالی از جانب حسابداران وجود دارد، اما هنوز تعریفی جامع از آن ارائه نشده است. با این حال، در متون حسابداری دو ویژگی مهم محافظه‌کاری مورد توجه و بررسی قرار گرفته است: نخست، جانب‌داری رو به پایین ارزش دفتری سرمایه نسبت به ارزش بازار آن و دوم، گرایش به تسریع در شناسایی هزینه‌ها و تعویق در شناخت درآمدها (پرایس^۵، ۲۰۰۵). بنابراین حسابداری محافظه‌کارانه نه تنها کیفیت اقلام گزارش شده در ترازنامه را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بلکه بر کیفیت سود گزارش شده در صورت سود و زیان نیز تأثیرگذار است (پنمن و ژانگ^۶، ۲۰۰۲).

به‌طور کلی در مورد نقش اطلاعاتی محافظه‌کاری حسابداری، دو دیدگاه کاملاً متفاوت وجود دارد. مطابق دیدگاه اول محافظه‌کاری نقش اطلاعاتی دارد، ولی بر اساس دیدگاه دوم محافظه‌کاری کیفیت اطلاعات را کاهش می‌دهد (شورورزی و برزگر خاندوزی، ۱۳۸۸). به اعتقاد طرفداران دیدگاه اول (به‌عنوان نمونه، استرلینگ^۷، ۱۹۷۰؛ باسو، ۱۹۹۷؛ واتس، ۲۰۰۳؛ فرانسیس و همکاران، ۲۰۰۴؛ واگن‌هوفر و داکر^۸، ۲۰۰۷؛ گیولی و همکاران^۹، ۲۰۰۷)، محافظه‌کاری باعث افزایش مقدار اطلاعات گزارش شده در بازارهای اوراق بهادار می‌گردد و در نتیجه می‌تواند به استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی برای تصمیم‌گیری‌های مناسب کمک کند. بر اساس تئوری نمایندگی مدیران برای افزایش منافع خود می‌کوشند تا اخبار بد مربوط به شرکت را پنهان و اخبار خوب را به‌سرعت گزارش کنند. این امر می‌تواند بر کیفیت گزارش‌های ارائه شده تأثیر منفی داشته باشد؛ اما محافظه‌کاری با تعدیل اثرهای منفی این تلاش‌ها، می‌تواند کیفیت گزارش‌های ارائه شده از سوی مدیریت را افزایش دهد و باعث شفافیت صورت‌های مالی گردد (فرانسیس و همکاران، ۲۰۰۴). پنمن و ژانگ (۲۰۰۲) نیز اعتقاد دارند که استفاده از روش‌های محافظه‌کارانه حسابداری، باعث کاهش سود گزارش شده و بهبود کیفیت سود حسابداری می‌شود، از آنجا که بسیاری از سرمایه‌گذاران تصمیم‌های

1. Basu

2. Davidson *et al.*

3. Wolk *et al.*

4. Stickney & Weil

5. Price

6. Penman & Zhang

7. Sterling

8. Wagenhofer & Ducker

9. Givoly *et al.*

خود را بر مبنای سودهای گزارش شده می‌گیرند، این امر می‌تواند برای سرمایه‌گذاران مفید باشد. لافوند^۱ و واتس (۲۰۰۸) بیان می‌کنند که محافظه‌کاری با کاهش انگیزه و توانایی مدیران برای دستکاری ارقام حسابداری موجب کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و زیان‌های ناشی از آن می‌شود. در نتیجه سرمایه‌گذاران خواستار اعمال محافظه‌کاری در هنگام ارزیابی‌ها و ارائه گزارش‌ها هستند. به‌طور کلی بر اساس این دیدگاه حسابداری محافظه‌کارانه می‌تواند اعتبار نتایج گزارش شده حسابداری را افزایش دهد، زیرا سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان احتمالاً تمایل‌های میانه‌رو مدیران را در انتخاب روش‌های حسابداری محافظه‌کارانه جهت خوش‌بینی در تهیه گزارش‌های مالی مشاهده می‌کنند (دوین^۲، ۱۹۶۳). اما طرفداران دیدگاه دوم (به‌عنوان نمونه، پنمن، ۲۰۰۷؛ پاییک و همکاران^۳، ۲۰۰۷)، مخالف محافظه‌کاری هستند. به نظر آنها محافظه‌کاری باعث کاهش کیفیت اطلاعات ارائه شده در صورت‌های مالی اساسی می‌شود و این امر می‌تواند زیان‌های هنگفتی برای سرمایه‌گذاران و سایر استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی به همراه داشته باشد (شورورزی و برزگر خاندوزی، ۱۳۸۸). به‌اعتقاد پنمن (۲۰۰۷) مدیران تمایل دارند سود خالص را طوری اعلام کنند که در سال‌های متوالی، با یک نرخ معین رشد کند. انگیزه اصلی آنان برای انجام این کار، کسب پاداش است. در سال‌هایی که سود خالص شرکت بالاست، مدیریت نگران این موضوع است که در سال‌های بعد، سود شرکت کمتر شود و عملکرد وی نیز مورد تردید قرار گیرد. از این‌رو مدیریت تمایل دارد در محاسبه سود محافظه‌کار باشد و از این طریق، مقداری از سود را به آینده منتقل کند. سود انتقالی، در سال‌های بعد، شناسایی شده و از این طریق، وضعیت سودآوری شرکت مناسب و رو به رشد نشان داده می‌شود. این کار معمولاً از طریق انتقال درآمدها و هزینه‌های غیرعملیاتی، صورت می‌گیرد. از آنجا که اقلام نقدی، کمتر می‌تواند مورد دستکاری قرار گیرد، این کار از طریق درآمدها و هزینه‌های غیرعملیاتی تعهدی انجام می‌شود. با انجام این کار، کیفیت سود نیز کاهش می‌یابد (پنمن، ۲۰۰۷). در این دیدگاه، محافظه‌کاری به‌عنوان تمایلی جهت کم نشان دادن درآمدها معرفی می‌شود؛ درحالی‌که به‌نظر می‌رسد این تمایل کم نشان دادن درآمدها به تنهایی دلیل قانع‌کننده‌ای برای نامطلوب بودن محافظه‌کاری محسوب نمی‌شود (شورورزی و برزگر خاندوزی، ۱۳۸۸). همان‌طور که گفته شد، در چارچوب نظری گزارشگری مالی ایران محافظه‌کاری به‌عنوان بخشی از ویژگی قابل اتکا بودن در نظر گرفته شده است. همچنین پژوهش‌های انجام شده در زمینه محافظه‌کاری، گویای این واقعیت هستند که محافظه‌کاری نقش اطلاعاتی دارد و اطلاعات مفیدی را برای استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی فراهم می‌آورد (شورورزی و برزگر خاندوزی، ۱۳۸۸).

ورشکستگی و بحران مالی

ورشکستگی و بحران مالی فرایند طولانی و پویایی است که ساختار سرمایه، عملیات و سیاست‌های سرمایه‌گذاری شرکت را تحت تأثیر قرار می‌دهد (کاهل^۴، ۲۰۰۲). وقتی شرکتی دچار بحران مالی می‌شود، وارد منطقه خطرناکی از فعالیت خود می‌شود. در این شرایط، با تشخیص بحران مالی در مراحل ابتدایی آن و انجام سریع اقدامات اصلاحی،

^۱. Lafond

^۲. Devine

^۳. Paek et al.

^۴. Kahl

می‌توان امکان خروج از منطقه خطر و با حداقل زیان ممکن را فراهم کرد (ویتاکر^۱، ۱۹۹۹). تشخیص دیرهنگام بحران مالی نیز ممکن است موجب عمیق‌تر شدن آسیب‌ها و زیان‌های وارده به شرکت و حتی در صورت وخامت اوضاع، منجر به ورشکستگی شود (سنبت و وانگ^۲، ۲۰۱۲). در ادبیات مالی طیف وسیعی از تعاریف برای توصیف بحران مالی ارائه شده است؛ به‌عنوان نمونه، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- کاهش ارزش دارایی‌ها به کم‌تر از یک حد مشخص.

- از دست دادن توانایی بازپرداخت بدهی‌ها.

- کافی نبودن جریان‌های نقدی شرکت به‌منظور پرداخت بدهی‌های کوتاه‌مدت.

- کافی نبودن دارایی‌های جاری به‌منظور پرداخت بدهی‌های جاری.

- تحمل زیان‌های عملیاتی ناشی از عدم‌کارایی در دوره ۳ ساله قبل از ورشکستگی (کیدا، ۱۹۸۰؛ موچلر، ۱۹۸۴).

هوپ‌وود و همکاران^۳ (۱۹۹۴) سه نوع شکست تجاری را معرفی کردند. نوع اول قبل از تأسیس شرکت رخ می‌دهد، نوع دوم به‌علت ناتوانی در بازپرداخت بدهی‌ها به‌وجود آمده و با نشانه‌های وقوع بحران مالی در نسبت‌های مالی شرکت همراه است و در نهایت نوع سوم به‌صورت ناگهانی و بدون هیچ‌گونه نشانه‌ای از بحران مالی رخ می‌دهد. در ماده ۱۴۱ لایحه اصلاحیه قسمتی از قانون تجارت مصوب سال ۱۳۴۷ است:

اگر بر اثر زیان‌های وارده حداقل نصف سرمایه شرکت از بین برود، هیئت مدیره مکلف است بلافاصله مجمع عمومی فوق‌العاده صاحبان سهام را دعوت نماید تا موضوع انحلال یا بقای شرکت مورد شور و رأی واقع شود. هرگاه مجمع مزبور رأی به انحلال شرکت ندهد باید در همان جلسه و با رعایت مقررات ماده ۶ این قانون، سرمایه شرکت را به مبلغ سرمایه موجود کاهش دهد. در صورتی که هیئت مدیره بر خلاف این ماده به دعوت مجمع عمومی فوق‌العاده مبادرت نکند و یا مجمعی که دعوت می‌شود نتواند مطابق مقررات قانونی منعقد گردد، هر ذینفع می‌تواند انحلال شرکت را از دادگاه صلاحیتدار درخواست کند (منصور، ۱۳۹۰).

چن و همکاران^۴ (۲۰۱۷) به مطالعه رابطه بین استراتژی‌های تجاری و گزارشگری حسابرس پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان‌دهنده آن است که بین استراتژی‌های تجاری و گزارشگری حسابرس رابطه معناداری وجود دارد. به بیان دقیق‌تر، شرکت‌هایی که دارای استراتژی نوآورانه تهاجمی^۵ (آینده‌نگر) هستند نسبت به شرکت‌هایی که دارای استراتژی تجاری رهبری هزینه تدافعی^۶ می‌باشند، بیشتر احتمال دریافت گزارش حسابرسی با بند ابهام در تداوم فعالیت را دارند. گون و همکاران^۷ (۲۰۱۷) در پژوهش به بررسی ارتباط عدم تقارن اطلاعاتی با انتخاب حسابرس، هزینه‌های حسابرسی و اظهارنظر حسابرس در مورد ابهام در تداوم فعالیت پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که در وضعیت عدم تقارن اطلاعاتی با احتمال بیشتری حسابرسان با کیفیت‌تر (بزرگ‌تر) انتخاب شده و هزینه‌های حسابرسی نیز افزایش پیدا می‌کند. همچنین، در وضعیت عدم تقارن اطلاعاتی با احتمال بیشتری حسابرسان اظهارنظری مبتنی بر ابهام

1. Whitaker

2. Senbet & Wang

3. Hopwood *et al.*

4. Chen *et al.*

5. prospectors-strategy

6. Defender-strategy

7. Gunn *et al.*

در تداوم فعالیت ارائه می‌کنند. ریاد و یزگل (۲۰۱۸) در پژوهشی به بررسی رابطه بین ورشکستگی شرکت‌ها و اظهار نظر حسابرسی با بند ابهام در تداوم فعالیت پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که بین ورشکستگی شرکت‌ها و اظهار نظر حسابرسی با بند ابهام در تداوم فعالیت در سال قبل از ورشکستگی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. سمائی رهنی و پورسامان (۱۳۹۷) به بررسی تاثیر محافظه‌کاری مشروط و غیرمشروط بر اظهار نظر حسابرس در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که بین محافظه‌کاری مشروط و اظهار نظر حسابرس رابطه معناداری وجود ندارد، ولی بین محافظه‌کاری غیرمشروط و اظهار نظر حسابرس رابطه منفی وجود دارد؛ عبارتی با افزایش محافظه‌کاری غیرمشروط احتمال ارئه اظهار نظر تعدیل شده کاهش می‌یابد. بهارمقدم و همکاران (۱۳۹۶) به بررسی رابطه بین توانایی مدیریت، حق الزحمه حسابرسی و تداوم فعالیت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که بین توانایی مدیریت و حق الزحمه حسابرسان و همچنین، توانایی مدیریت با احتمال انتشار گزارش حسابرس حاوی بند تداوم فعالیت حسابرسان رابطه منفی و معناداری وجود دارد. خواجهی و قدیریان آرانی (۱۳۹۷) به بررسی رابطه بین توانایی مدیران، عملکرد مالی و خطر ورشکستگی شرکت‌ها پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که بین توانایی مدیران و خطر ورشکستگی شرکت‌ها رابطه‌ای منفی وجود دارد و عملکرد مالی نقش متغیر میانجی کامل را در این رابطه بازی می‌کند. سمائی رهنی و پورسامان (۱۳۹۷) به بررسی تاثیر محافظه‌کاری مشروط و غیرمشروط بر اظهار نظر حسابرس در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که بین محافظه‌کاری مشروط و اظهار نظر حسابرس رابطه معناداری وجود ندارد، ولی بین محافظه‌کاری غیرمشروط و اظهار نظر حسابرس رابطه منفی وجود دارد؛ عبارتی با افزایش محافظه‌کاری غیرمشروط احتمال ارئه اظهار نظر تعدیل شده کاهش می‌یابد.

فرضیه‌های پژوهش

محصول نهایی حسابرسی یک واحد تجاری، گزارشگری است که در آن، حسابرسان نسبت به صورت‌های مالی صاحبکار ارائه می‌کنند. شهادت‌دهی حسابرسان در قالب اظهار نظر حرفه‌ای آن‌ها بیان می‌شود. حسابرس در جریان برنامه‌ریزی و اجرای روش‌های حسابرسی و ارزیابی نتایج حاصل از آن باید مناسب بودن استفاده مدیریت را از فرض تداوم فعالیت در تهیه صورت‌های مالی، بررسی کند. فرض تداوم فعالیت، یک اصل بنیادی در تهیه صورت‌های مالی است. طبق فرض تداوم فعالیت، واحد مورد رسیدگی معمولاً به‌عنوان واحدی فرض می‌شود که در آینده قابل پیش‌بینی به فعالیت خود ادامه می‌دهد و قصد یا الزامی برای انحلال، توقف فعالیت، یا کاهش قابل توجه در حجم عملیات را ندارد. بنابراین، دارایی‌ها و بدهی‌ها بر مبنای توانایی واحد مورد رسیدگی در بازیافت دارایی‌ها و تسویه بدهی‌ها در جریان عادی فعالیت‌های تجاری، ثبت می‌شود. در چنین حالتی از دیدگاه ریاد و یزگل (۲۰۱۸) انتظار بر این است که بین ورشکستگی شرکت‌ها و اظهار نظر حسابرسی با بند ابهام در تداوم فعالیت ارتباط منطقی وجود داشته باشد. چارچوب نظری گزارشگری مالی ایران با استفاده از واژه احتیاط^۱، محافظه‌کاری را به عنوان بخشی از ویژگی قابل اتکا بودن در نظر گرفته است. مطابق چارچوب نظری گزارشگری ایران، احتیاط عبارت است از کاربرد درجه‌ای از

^۱. Prudence

مراقبت که در اعمال قضاوت برای انجام برآورد در شرایط ابهام مورد نیاز است به گونه‌ای که درآمدها یا دارایی‌ها بیشتر از واقع و هزینه‌ها یا بدهی‌ها کمتر از واقع ارائه نشود (کمیته تدوین استانداردهای حسابداری، ۱۳۸۸). در بیانیه مفاهیم حسابداری شماره دو امریکا نیز درباره محافظه‌کاری و تعریف آن چنین آمده است: «واکنشی محتاطانه به ابهام در تلاش برای اطمینان از این که ابهام و ریسک‌های ذاتی شرایط تجاری به گونه‌ای مناسب مدنظر قرار گرفته‌اند». در این بیانیه آمده است که اگر ابهام وجود نداشته باشد، نیازی به محافظه‌کاری نیست؛ و هرچه ابهام و ریسک بیشتری وجود داشته باشد، نیاز بیشتری به محافظه‌کاری وجود دارد (هیأت استانداردهای حسابداری مالی، ۱۹۸۰). بر این اساس، محافظه‌کاری می‌تواند به عنوان معیاری از کیفیت اطلاعات باشد. در نتیجه، انتظار بر این است که وجود محافظه‌کاری حسابداری قدرت اثرگذاری بر رابطه بین ورشکستگی شرکت‌ها و اظهارنظر حسابرسی با بند ابهام در تداوم فعالیت را داشته باشد. بر این اساس، فرضیه‌های پژوهش به صورت زیر مطرح می‌شود:

فرضیه اول: بین ورشکستگی در شرکت‌ها و اظهارنظر حسابرس در مورد ابهام در تداوم فعالیت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: محافظه‌کاری حسابداری بر رابطه بین ورشکستگی در شرکت‌ها و اظهارنظر حسابرس در مورد ابهام در تداوم فعالیت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران نقش تعدیل‌کنندگی ایفا می‌کند.

این بخش شامل بیان فرضیه‌ها بر اساس مبانی نظری و خلاصه پژوهش‌ها می‌باشد.

متغیرهای پژوهش

در این پژوهش اظهارنظر حسابرس در خصوص ابهام در تداوم فعالیت متغیر وابسته است. برای اندازه‌گیری متغیر اظهارنظر حسابرس در خصوص ابهام در تداوم فعالیت از یک متغیر دو وجهی استفاده شده است. به این ترتیب که اگر شرکت گزارش حسابرسی مبتنی بر ابهام در تداوم فعالیت دریافت کرده باشد، عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر دریافت می‌کند.

متغیر مستقل در این پژوهش ورشکستگی شرکت‌ها است. ریسک ورشکستگی با استفاده از مدل Z' آلتمن (۱۹۸۳) اندازه‌گیری شد. مدل آلتمن مشهورترین مدل پیش‌بینی ورشکستگی است و به صورت گسترده‌ای در پژوهش‌های تجربی و در عمل مورد استفاده قرار گرفته است (دیچف^۱، ۱۹۹۸).

$$Z' = 0.717x_1 + 0.847x_2 + 3.107x_3 + 0.420x_4 + 0.998x_5 \quad \text{رابطه (۱)}$$

که در آن، Z' = شاخص کل، x_1 = نسبت سرمایه در گردش به کل دارایی‌ها، x_2 = نسبت سود انباشته به کل دارایی‌ها، x_3 = نسبت سود قبل از بهره و مالیات به کل دارایی‌ها، x_4 = نسبت ارزش دفتری سهام شرکت به ارزش دفتری کل بدهی‌ها، x_5 = نسبت فروش به کل دارایی‌ها است. در این مدل هر چه Z' کمتر باشد، درجه بحران مالی شرکت بیشتر است. به طوری که شرکت‌های با Z' بالاتر از ۲/۹ سالم و کمتر از ۱/۲۳ ورشکسته هستند. فاصله بین این دو منطقه تردید است و باید با احتیاط تفسیر شود. به طور کلی برای اهداف این پژوهش هر چه امتیاز به دست آمده کمتر باشد، ریسک ورشکستگی بیشتر می‌شود.

^۱. Dichev

محافظه‌کاری حسابداری در این پژوهش متغیر تعدیل‌کننده است. حسابداری محافظه‌کارانه نه تنها کیفیت اقلام گزارش‌شده در ترازنامه را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بلکه بر کیفیت سود گزارش‌شده در صورت سود و زیان نیز تأثیرگذار است (پنمن و ژانگ، ۲۰۰۲). در این پژوهش همچون پژوهش‌های بنی‌مهد و باغبانی (۱۳۸۸) و مرادی و همکاران (۱۳۹۰) برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری از مدل گیولی و هین^۱ (۲۰۰۰) استفاده شد. هر چه نسبت به دست آمده از این مدل بیشتر باشد، محافظه‌کاری بیشتر خواهد بود. مدل مورد استفاده توسط گیولی و هین (۲۰۰۰) برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری به شرح رابطه (۲) می‌باشد:

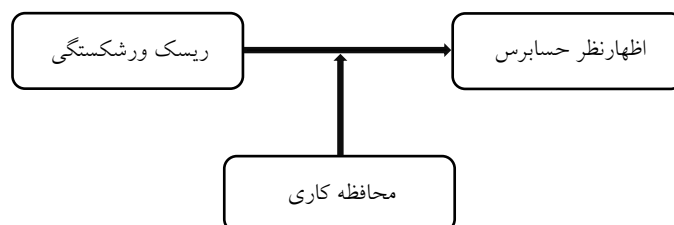
$$\text{رابطه (۲)} \quad (AFCC_{it}/TA_{it}) * (-1)$$

AFCC نشان‌دهنده اقلام تعهدی عملیاتی و TA نشان‌دهنده ارزش دفتری دارایی‌ها است. در مدل بالا اقلام تعهدی عملیاتی از رابطه (۳) محاسبه می‌شود:

$$\text{رابطه (۳)} \quad AFCC_{it} = OP_{it} - CFO_{it} + DE_{it}$$

که DE نشان‌دهنده هزینه استهلاک است.

متغیرهای کنترلی این پژوهش بر اساس ادبیات مربوطه در زمینه اظهارنظر حسابرِس در خصوص ابهام در تداوم فعالیت مشخص شدند (گون و همکاران، ۲۰۱۷؛ ریاد و یزگل، ۲۰۱۸). این متغیرها عبارتند از: اندازه شرکت‌ها (Size): این متغیر از طریق لگاریتم طبیعی کل دارایی‌های شرکت در پایان سال اندازه‌گیری شد. بازده کل دارایی‌ها (ROA): بازده کل دارایی‌ها شاخص میزان سودآوری شرکت بوده و از طریق سود خالص تقسیم بر کل دارایی‌های آن در پایان سال اندازه‌گیری شد. اهرم مالی (Lev): این متغیر از طریق تقسیم کل بدهی‌ها به کل دارایی‌های شرکت در پایان سال اندازه‌گیری شد. نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام (MTB): این متغیر از طریق تقسیم ارزش بازار سهام شرکت به حقوق صاحبان سهام آن در پایان سال اندازه‌گیری شد. نسبت جریان‌های نقد عملیاتی شرکت به کل دارایی‌ها (CFA): این متغیر از طریق تقسیم جریان‌های نقد ناشی از فعالیت‌های عملیاتی به کل دارایی‌های شرکت در پایان سال اندازه‌گیری شد. شکل ۱ مدل مفهومی پژوهش را به تصویر می‌کشد.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

جامعه و نمونه آماری

شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، جامعه آماری پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهند. دوره مورد مطالعه مربوط به سال‌های ۱۳۹۶ الی ۱۴۰۰ می‌باشد. در این پژوهش از نمونه‌گیری آماری استفاده نمی‌شود؛ اما شرایط زیر برای انتخاب نمونه قرار داده شد:

سال مالی شرکت منتهی به پایان اسفند ماه هر سال باشد.

اطلاعات مالی و غیرمالی مورد نیاز به منظور استخراج داده‌های مورد نیاز در بازه زمانی ۱۳۹۶ الی ۱۴۰۰ در دسترس باشد و سهام آنها به‌طور فعال در بورس معامله شود (وقفه بیشتر از سه ماه نداشته باشند).

تا پایان سال مالی ۱۳۹۶ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشد.

جزء بانک‌ها و مؤسسات مالی (شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی، شرکت‌های هلدینگ و لیزینگ‌ها) نباشد؛ زیرا افشای اطلاعات مالی و ساختارهای راهبری شرکتی در آنها متفاوت است.

با توجه به بررسی‌های انجام شده، تعداد ۱۳۷ شرکت در دوره زمانی ۱۳۹۶ الی ۱۴۰۰ حائز شرایط فوق بوده و مورد بررسی قرار گرفته است.

مدل رگرسیونی مورد استفاده و آزمون معناداری ضرایب

در این پژوهش پس از اندازه‌گیری متغیرهای مورد استفاده در پژوهش، برای آزمون فرضیه‌ها از رگرسیون لجستیک استفاده شده است. بدین ترتیب، برای آزمون فرضیه‌های اول و دوم پژوهش، به ترتیب، از مدل‌های رگرسیون لجستیک زیر استفاده شد:

$$GCO_{it} = a_0 + a_1FB_{it+1} + a_2size_{it} + a_3ROA_{it} + a_4LEV_{it} + a_5MTB_{it} + a_6CFO_{it} + e_{it} \quad \text{رابطه (۴)}$$

$$GCO_{it} = a_0 + a_1FB_{it+1} + a_2AC_{it} + a_3FB_{it+1} * AC_{it} + a_4size_{it} + a_5ROA_{it} + a_6LEV_{it} + a_7MTB_{it} + a_8CFO_{it} + e_{it} \quad \text{رابطه (۵)}$$

GCO_{it} نشان‌دهنده اظهارنظر حسابرس در خصوص ابهام در تداوم فعالیت، FB_{it+1} نشان‌دهنده ورشکستگی شرکت‌ها (در سال بعد)، AC_{it} نشان‌دهنده محافظه‌کاری حسابداری، $size_{it}$ نشان‌دهنده اندازه شرکت‌ها، ROA_{it} نشان‌دهنده بازده کل دارایی‌ها، LEV_{it} نشان‌دهنده اهرم مالی، MTB_{it} نشان‌دهنده نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام و CFO_{it} نشان‌دهنده نسبت جریان‌های نقد عملیاتی به کل دارایی‌ها است.

آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

جدول ۱ آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. در این جدول میانگین، انحراف معیار، کشیدگی و چولگی متغیرها نشان داده شده است.

جدول ۱. آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار	کشیدگی	چولگی
اظهار نظر حسابرسان	۰/۰۷۵	۰/۲۶۳	۲/۴۹۱	۳/۲۳۷
ورشکستگی شرکت	۲/۵۰۴	۱/۱۴۰	۰/۵۸۳	۰/۹۲۹
محافظه‌کاری حسابداری	۰/۰۵۶	۰/۰۴۰	۲/۷۳۱	۲/۳۱۰
اندازه شرکت	۶/۰۵۲	۰/۶۱۰	۱/۷۵۲	۰/۷۶۷
بازده دارایی‌ها	۰/۰۹۱	۰/۱۴۹	۲/۸۵۴	-۰/۰۶۹
اهرم مالی	۰/۶۱۸	۰/۲۳۵	۳/۰۱۳	۰/۸۲۰
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	۱/۱۵۴	۰/۳۷۶	۳/۱۲۳	۱/۲۹۰
جریان‌های نقد عملیاتی	۰/۲۱۴	۰/۲۲۶	۰/۹۸۸	۱/۳۰۲

آمار استنباطی

نتایج تخمین مدل (۱) برای بررسی فرضیه اول به شرح زیر است:

جدول ۲. نتایج حاصل از تخمین فرضیه اول

$$GCO_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 FB_{i,t+1} + \beta_2 Size_{i,t} + \beta_3 Roa_{i,t} + \beta_4 Lev_{i,t} + \beta_5 MTB_{i,t} + \beta_6 CFO_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

متغیر	ضریب برآوردی	خطای استاندارد	آماره Z	احتمال
مقدار ثابت (عرض از مبدأ)	-۲/۷۷۹	۱/۱۲۸	-۲/۴۶۲	۰/۰۱۳
ورشکستگی شرکت	۰/۸۸۸	۰/۰۸۴	۱۰/۴۸۸	۰/۰۰۰
محافظه‌کاری حسابداری	-۰/۵۸۸	۰/۱۷۳	-۳/۳۹۱	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	۲/۴۷۱	۰/۸۶۲	۲/۸۶۷	۰/۰۰۰
بازده دارایی‌ها	۱/۱۷۳	۰/۵۴۴	۲/۱۵۶	۰/۰۰۴
اهرم مالی	۰/۸۱۹	۰/۳۴۳	۲/۳۸۴	۰/۰۳۱
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	۰/۶۴۵	۰/۳۷۴	۱/۷۱۶	۰/۰۸۶
ضریب تعیین مک فادان	۰/۴۸۵			
آماره نسبت درست‌نمایی	۱۷۶/۴۶۹			
احتمال (آماره درست‌نمایی)	۰/۰۰۰			

در تحلیل رگرسیون لجستیک برای ارزیابی نیکویی برآزش کل مدل از آزمون نسبت درست‌نمایی LR استفاده می‌شود که آماره آن کای اسکور می‌باشد. بنابراین در اینجا آماره کای اسکور معادل آماره F در تحلیل رگرسیون خطی است. نسبت درست‌نمایی بر اساس تفاوت در مقدار انحراف‌ها محاسبه می‌شود. یعنی انحراف بدون وجود متغیر پیش‌بین در مدل منهای انحراف با وجود متغیر پیش‌بین در مدل. با توجه به جدول فوق سطح معنی داری آزمون مدل برابر صفر بوده و از خطای ۰/۰۵ کوچکتر می‌باشد، لذا نیکویی برآزش مدل قابل قبول است.

ضریب تعیین مک‌فادان معادل ضریب تعیین R^2 در رگرسیون خطی هست که در رگرسیون لجستیک استفاده می‌شود. از ضریب تعیین مک‌فادان برای این کار استفاده می‌شود تا مشخص گردد که متغیرهای مستقل و کنترلی تا چه حد توانسته‌اند میزان متغیر وابسته را تبیین کنند. مقادیر آماره‌های ضریب بین ۱ تا ۰ می‌باشد و هر چه قدر به ۱ نزدیک‌تر باشند بهتر است. در این پژوهش، مقدار ضریب تعیین مک‌فادان برابر $0/485$ بوده، بدین معنی که متغیرهای مستقل و کنترلی، تقریباً ۴۸ درصد از تغییرات در متغیر اظهارنظر حسابرس در خصوص ابهام در تداوم فعالیت را توضیح می‌دهد و مابقی متأثر از سایر عواملی است که در این پژوهش بررسی نشده‌اند.

همچنین برای بررسی معنی دار بودن ضرایب مدل از آماره والد Z استفاده می‌شود. این آماره معادل آماره t استیودنت در رگرسیون خطی می‌باشد. در تفسیر آماره والد، چنان چه مقدار این آماره برای هر متغیر در سطح خطای کوچک‌تر از $0/05$ معنی دار باشد در آن صورت متغیر در مدل مفید و اثر آن معنی دار است.

بر اساس نتایج ارائه شده در جدول (۲) مقدار احتمال آماره Z مربوط متغیر ورشکستگی شرکت برابر $0/000$ کوچکتر از $0/05$ بوده و ضریب آن برابر $0/888$ مثبت و معنی دار می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت بین ورشکستگی در شرکت‌ها و اظهارنظر حسابرس در مورد ابهام در تداوم فعالیت شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه مستقیم و معنی داری وجود دارد. لذا فرضیه اول با اطمینان ۹۵ درصد تأیید می‌شود.

جدول ۳. نتایج حاصل از تخمین فرضیه دوم

$$GCO_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 FB_{i,t+1} + \beta_2 AC_{i,t} + \beta_3 FB_{i,t+1} * AC_{i,t} + \beta_4 Size_{i,t} + \beta_5 Roa_{i,t} + \beta_6 Lev_{i,t} + \beta_7 MTB_{i,t} + \beta_8 CFO_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

متغیر	ضریب برآوردی	خطای استاندارد	آماره Z	احتمال
مقدار ثابت (عرض از مبدأ)	-۳/۴۵۶	۱/۲۷۵	-۲/۷۱۰	۰/۰۰۶
ورشکستگی شرکت	۰/۳۴۰	۰/۰۹۳	۳/۶۵۶	۰/۰۰۰
محافظه‌کاری حسابداری	۰/۸۵۶	۰/۲۹۰	۲/۹۴۴	۰/۰۰۷
محافظه‌کاری حسابداری* ورشکستگی شرکت	۰/۹۸۵	۰/۲۱۹	۴/۴۸۲	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	۲/۷۹۵	۰/۸۸۶	۳/۱۵۳	۰/۰۰۱
بازده دارایی‌ها	۱/۳۰۸	۰/۶۱۵	۲/۱۲۴	۰/۰۳۳
اهرم مالی	۰/۴۹۳	۰/۲۸۷	۱/۷۱۴	۰/۰۸۶
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	۰/۰۰۰	۰/۴۵۴	۰/۰۰۲	۰/۹۹۸
ضریب تعیین مک‌فادان	۰/۵۹۲			
آماره نسبت درست‌نمایی	۳۰۹/۲۷۶			
احتمال (آماره درست‌نمایی)	۰/۰۰۰			

با توجه به جدول فوق سطح معنی‌داری آزمون نسبت درست‌نمایی مدل برابر صفر بوده و از خطای $0/05$ کوچکتر می‌باشد، لذا نیکویی برازش مدل قابل قبول است. همچنین مقدار ضریب تعیین مک‌فادان برای مدل برابر $0/952$ بوده

بدین معنی که متغیرهای مستقل و کنترلی، تقریباً ۵۹ درصد از تغییرات در متغیر اظهار نظر حسابرس در خصوص ابهام در تداوم فعالیت را توضیح می‌دهد.

بر اساس نتایج ارائه شده در جدول ۳ مقدار احتمال آماره T مربوط متغیر ورشکستگی شرکت برابر ۰/۰۰۰ کوچکتر از ۰/۰۵ بوده و ضریب آن برابر ۰/۳۴۰ مثبت و معنی دار می‌باشد. همچنین مقدار احتمال آماره T مربوط متغیر حاصل ضرب محافظه‌کاری حسابداری در ورشکستگی شرکت برابر ۰/۰۰۰ کوچکتر از ۰/۰۵ بوده و مقدار ضریب این متغیر برابر ۰/۹۸۵ است که بیشتر از ضریب متغیر ورشکستگی شرکت (۰/۳۴۰) به تنهایی می‌باشد. این مقدار نشان می‌دهد که محافظه‌کاری حسابداری شدت ارتباط بین ورشکستگی در شرکت‌ها و اظهار نظر حسابرس در مورد ابهام در تداوم فعالیت را افزایش می‌دهد. لذا نقش تعدیل‌کنندگی متغیر محافظه‌کاری حسابداری در رابطه بین ورشکستگی در شرکت‌ها و اظهار نظر حسابرس در مورد ابهام در تداوم فعالیت تایید شده و فرضیه دوم با اطمینان ۹۵ درصد تایید می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

محصول نهایی حسابرسی یک واحد تجاری، گزارشگری است که در آن، حسابرسان نسبت به صورت‌های مالی صاحبکار ارائه می‌کنند. شهادت‌دهی حسابرسان در قالب اظهار نظر حرفه‌ای آن‌ها بیان می‌شود. شهادت بیانگر اظهار نظر و عقیده حسابرس در رابطه با میزان انطباق اطلاعات گزارش شده با معیارهای از قبل تعیین شده است. شهادت‌دهی عبارت است از گزارش قضاوتی، بر مبنای شواهد متقاعدکننده، توسط فردی مستقل، ذی صلاح و مطلع، در خصوص درجه انطباق تمامی جوانب با اهمیت اطلاعات حسابداری گزارش شده توسط یک بنگاه با معیارهای از قبل تعیین شده (نیکخواه آزاد، ۱۳۷۹).

حسابرس در جریان برنامه‌ریزی و اجرای روش‌های حسابرسی و ارزیابی نتایج حاصل از آن باید مناسب بودن استفاده مدیریت را از فرض تداوم فعالیت در تهیه صورت‌های مالی، بررسی کند. فرض تداوم فعالیت، یک اصل بنیادی در تهیه صورت‌های مالی است. طبق فرض تداوم فعالیت، واحد مورد رسیدگی معمولاً به‌عنوان واحدی فرض می‌شود که در آینده قابل پیش‌بینی به فعالیت خود ادامه می‌دهد و قصد یا الزامی برای انحلال، توقف فعالیت، یا کاهش قابل توجه در حجم عملیات را ندارد. بنابراین، دارایی‌ها و بدهی‌ها بر مبنای توانایی واحد مورد رسیدگی در بازیافت دارایی‌ها و تسویه بدهی‌ها در جریان عادی فعالیت‌های تجاری، ثبت می‌شود.

مطابق با بند ۲۰ استاندارد حسابداری شماره ۱، "مدیریت در زمان تهیه صورت‌های مالی باید توان ادامه فعالیت واحد تجاری را ارزیابی کند. صورت‌های مالی باید بر مبنای تداوم فعالیت تهیه شود، مگر این که مدیریت قصد انحلال یا توقف عملیات واحد تجاری را داشته باشد، یا عملاً ناچار به انجام این امر شود. در مواردی که مدیریت از رویدادها و شرایطی آگاهی یابد که ممکن است ابهام با اهمیت نسبت به توانایی تداوم فعالیت واحد تجاری ایجاد کند، این ابهام باید افشا شود. چنانچه صورت‌های مالی بر مبنای تداوم فعالیت تهیه نشود، این واقعیت باید همراه با مبنای تهیه صورت‌های مالی و این که چرا واحد تجاری فاقد تداوم فعالیت تلقی شده است، افشا شود." همچنین، مطابق با بند ۲۲ همین استاندارد، "مدیریت برای ارزیابی تداوم فعالیت، تمام اطلاعات موجود در خصوص آینده قابل پیش‌بینی

(حداقل ۱۲ ماه پس از تاریخ ترازنامه) را بررسی می‌کند. میزان این بررسی به واقعیات موجود در هر مورد بستگی دارد. در مواردی که واحد تجاری دارای سابقه سودآوری است و به‌آسانی به منابع مالی دسترسی دارد، نتیجه‌گیری درباره مناسب بودن کاربرد مبنای تداوم فعالیت برای واحد تجاری می‌تواند بدون تجزیه و تحلیل تفصیلی، امکان‌پذیر باشد. در غیر این صورت، برای ارزیابی تداوم فعالیت ممکن است بررسی مواردی از قبیل عوامل مؤثر بر سودآوری جاری و مورد انتظار، جداول زمانی بازپرداخت بدهی‌ها و منابع بالقوه تامین مالی ضروری باشد.^۱ نیوتن (۱۹۹۸) مراحل نامطلوب شدن وضع مالی شرکت را به دوره نهفتگی، کسری وجه نقد، ناتوانی پرداخت دیون مالی یا تجاری، ناتوانی پرداخت کامل دیون و در نهایت ورشکستگی تقسیم کرد. اگرچه اغلب ورشکستگی‌ها از این مراحل پیروی می‌کنند، اما برخی شرکت‌ها ممکن است بدون طی همه این مراحل به ورشکستگی کامل برسند. در مرحله نهفتگی ممکن است یک یا چند وضعیت نامطلوب به طور پنهانی برای واحد تجاری وجود داشته باشد بدون اینکه بلافاصله قابل شناسایی باشد. به‌عنوان نمونه، تغییر در تقاضای تولید، استمرار افزایش در هزینه‌های سربار، منسوخ شدن روش‌های تولید و غیره از این عوامل هستند. اغلب در دوره نهفتگی است که زیان اقتصادی رخ می‌دهد و بازده دارایی‌ها سقوط می‌کند. بهترین وضع برای شرکت این است که مشکل در همین مرحله کشف شود. نکته دوم اینکه راه‌حل‌های آسان‌تری که در این مرحله مؤثر است در مراحل بعدی نخواهد بود. نکته سوم، اگر مشکل در همین مرحله کشف و رفع شود، اعتماد عمومی دستخوش تزلزل نخواهد شد. برطرف‌ساختن مشکل در مراحل بعدی باعث کاهش اعتماد عمومی به شرکت می‌شود و در نتیجه دسترسی به وجوه دشوارتر می‌شود و شاید شرکت ناچار به رد پروژه‌های سودآور شود. مرحله کسری وجه نقد وقتی شروع می‌شود که برای اولین بار یک واحد تجاری برای ایفای تعهدات جاری یا نیاز فوری، دسترسی به وجه نقد نداشته باشد؛ گرچه چند برابر نیازش ممکن است دارایی‌های فیزیکی داشته و سابقه سودآوری کافی نیز داشته باشد، اما دارایی‌ها به قدر کافی قابل تبدیل به وجه نقد نیستند و سرمایه حبس شده است. در مرحله نبود قدرت پرداخت دیون مالی یا تجاری، مدیریت ابزارهای مناسبی مانند استفاده از افراد حرفه‌ای مالی یا تجاری، کمیته اعتباردهنده و تجدید ساختار در تکنیک‌های تأمین مالی را در اختیار دارد و شرکت هنوز قادر به تحصیل وجه نقد کافی است. از طریق این روش‌ها هنوز هم می‌توان مشکل را در این مرحله شناسایی و برطرف کرد. در مرحله ناتوانی پرداخت کامل دیون، شرکت رو به نابودی رفته است، کل بدهی‌ها از ارزش دارایی‌های شرکت بیشتر است و شرکت دیگر نمی‌تواند از ورشکستگی کامل خود جلوگیری کند.

این پژوهش به اظهارنظر حسابرس در خصوص ابهام در مورد فرض تداوم فعالیت و ورشکستگی شرکت‌ها با در نظر گرفتن نقش تعدیل‌کنندگی محافظه‌کاری حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته است. نتایج حاصل از فرضیه اول نشان می‌دهد که بین ورشکستگی و اظهارنظر حسابرس در مورد ابهام در تداوم فعالیت شرکت‌ها در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد. بنابراین اگر حسابرسان در شرکتی متوجه ورشکستگی و عدم ادامه حیات شرکت شوند در اظهارنظر رسمی آنان حتماً تأثیر خواهد داشت و ورشکستگی را در گزارش‌های خود لحاظ می‌کنند. نتایج این فرضیه از پژوهش حاضر مطابق با پژوهش ریاد و یزگل (۲۰۱۸) می‌باشد. همچنین نتایج حاصل از فرضیه دوم نقش تعدیل‌کنندگی متغیر محافظه‌کاری

^۱. Newton

حسابداری در رابطه بین ورشکستگی و اظهار نظر حسابرسان در مورد ابهام در تداوم فعالیت شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأیید کرده است. نتایج این فرضیه از پژوهش حاضر مطابق با پژوهش سمائی رهنی و پورساسان (۱۳۹۷) می‌باشد که می‌توان نتیجه گرفت که شرکت‌های در حال ورشکستگی و افول معمولاً محافظه‌کاری و احتیاط را در تمام عملیات‌های شرکت خود لحاظ می‌کنند. مثلاً سود را کمتر، اخبار بد را انتشار نمی‌دهند، میزان دارایی‌ها را غیر واقعی گزارش می‌کنند. با توجه به نتایج فرضیه اول پیشنهاد می‌گردد افرادی که قصد سرمایه‌گذاری و خرید سهام شرکتی را دارند، با دقت گزارش‌های هیأت مدیره و حسابرسان را بررسی نمایند تا اگر موردی از ورشکستگی و موضوعی در خصوص عدم کاهش تولید و موارد ابهام مطرح شده باشد، آگاهانه‌تر تصمیم‌گیری نمایند. با توجه به فرضیه دوم تحقیق پیشنهاد می‌گردد شرکت‌های که در مسیر افول و ورشکستگی قرار دارند، دلایل آن‌را به سهامداران گزارش نمایند و از پنهان کاری و محافظه‌کاری در گزارشات و صورت‌های مالی بپرهیزند. جهت پژوهش‌های آتی با توجه با اینکه بانک‌ها و سایر شرکت‌های واسطه‌گری مالی از نمونه پژوهش حذف شده بودند، پیشنهاد می‌شود پژوهشگران در آینده آن را مورد بررسی قرار دهند.

فهرست منابع

- انصاری، منوچهر، رحمانی یوشانلوئی، حسین، رحمانی، کمال الدین، پاسبانی، محمد، و عسگری، محمد علی. (۱۳۹۲). ارائه مدل مفهومی تأثیر موفقیت پیاده‌سازی مدیریت دانش بر کسب مزیت رقابتی در شرکتهای کوچک و متوسط (SMEs). مدیریت بازرگانی، ۵(۱)، ۴۰-۲۱.
- بهارمقدم، مهدی، صالحی، تابنده، و اعظمی، زینب. (۱۳۹۶). رابطه بین توانایی مدیریت، حق‌الزحمه حسابرسان و تداوم فعالیت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش‌های حسابداری مالی، دوره نهم، شماره ۲، ۴۴-۲۳.
- بنی‌مهد، بهمن، و باغبانی، تهمینه. (۱۳۹۰). اثر محافظه‌کاری حسابداری، مالکیت دولتی، اندازه شرکت و نسبت اهرمی بر زیان‌دهی شرکت‌ها. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۶(۴)، ۵۳-۷۰.
- بهبودیان، جواد. (۱۳۷۲). آمار و احتمال مقدماتی. چاپ پنجم. مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- پیری، پرویز، دیدار، حمزه، و دانشیار، فاطمه. (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی با نوع اظهار نظر حسابرسان در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی، سال سوم، شماره ۵، ۷۴-۷۶.
- حافظ نیا، محمد رضا. (۱۳۸۵). مقدمه‌ای بر روش پژوهش در علوم انسانی، چاپ دوازدهم. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب درسی علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- حساس‌یگانه، یحیی. (۱۳۸۴). فلسفه‌ی حسابرسان، چاپ اول. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

حساس یگانه، یحیی، و یعقوبی منش، سارا. (۱۳۸۲). تأثیر گزارش‌های حسابرسی بر قیمت سهام. *مطالعات حسابداری*، شماره ۳، ۵۸-۲۷.

خدادادی، ولی، واعظ، سیدعلی و امامی نائینی، محمدرضا. (۱۳۹۶). توسعه الگوهای پیش‌بینی و ارزشیابی اولسون (۱۹۹۵) با لحاظ کردن ریسک ورشکستگی. *مدیریت دارایی و تأمین مالی*، سال پنجم، شماره ۱، ۹۹-۱۱۶.

خواجوی، شکرالله، و قدیریان آرانی، محمد حسین. (۱۳۹۷). توانایی مدیران، عملکرد مالی و خطر ورشکستگی. *دانش حسابداری*، دوره نهم، شماره ۱، ۳۵-۶۱.

دارابی، رویا، و رضائی جعفری، عاطفه (۱۳۹۰). تأثیر بندهای گزارش حسابرس مستقل بر شفافیت گزارش‌های مالی. *حسابداری مدیریت*، شماره ۱۳، ۹۶-۷۹.

سمائی‌رهنی، سعید، و پورساسان، سیمین. (۱۳۹۷). بررسی تأثیر محافظه‌کاری مشروط و غیرمشروط بر اظهارنظر حسابرس در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، *مجله بررسی‌های حسابداری*، شماره ۱۹، ۹۳-۱۱۲.

شبهانگ، رضا. (۱۳۸۳). *تئوری حسابداری*، جلد اول، سازمان. حسابرسی، نشریه ی ۱۵۷.

شورورزی، محمدرضا، و برزگر خاندوزی، عابدین. (۱۳۸۸). نبود تقارن اطلاعاتی و نقش اطلاعاتی محافظه‌کاری: بررسی دیدگاه‌های متفاوت در باب محافظه‌کاری. *حسابدار*، شماره ۲۱۰، ۵۶-۶۳.

کمیته تدوین استانداردهای حسابداری (۱۳۸۸). *استانداردهای حسابداری*. چاپ شانزدهم، تهران، انتشارات سازمان حسابرسی.

همت فر، محمود، یعقوب پور، کریم، و امام دوست، اصغر. (۱۳۸۹). بررسی شکاف انتظارات بین حسابرسان و استفاده کنندگان در مورد ویژگی‌های حسابرسان مستقل. *دانش حسابرسی*، ۵(۱)، ۷۱-۸۰.

Basu, S. (1997). The conservatism principle and the asymmetric timeliness of earnings. *Journal of accounting and economics*, 24(1), 3-37.

Chen, L. H., Folsom, D. M., Paek, W., & Sami, H. (2014). Accounting conservatism, earnings persistence, and pricing multiples on earnings. *Accounting Horizons*, 28(2), 233-260.

Chen, Y., Eshleman, J. D., & Soileau, J. S. (2017). Business strategy and auditor reporting. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 36(2), 63-86.

Devine, C. T. (1963). The rule of conservatism reexamined. *Journal of Accounting Research*, 127-138.

Dichev, I. D. (1998). Is the risk of bankruptcy a systematic risk?. *the Journal of Finance*, 53(3), 1131-1147.

Feldmann, D. A., & Read, W. J. (2010). Auditor conservatism after Enron. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 29(1), 267-278.

Feldman, D. C. (2004). The devil is in the details: Converting good research into publishable articles. *Journal of management*, 30(1), 1-6.

Financial Accounting Standards Board (FASB). (1980). *Statement of Financial Accounting Concepts no. 2, Qualitative Characteristics of Accounting Information*. FASB, Norwalk, CT.

- Foster, B. P., & Shastri, T. (2016). Determinants of going concern opinions and audit fees for development stage enterprises. *Advances in Accounting*, 33, 68-84.
- Francis, J., LaFond, R., Olsson, P. M., & Schipper, K. (2004). Costs of equity and earnings attributes. *The accounting review*, 79(4), 967-1010.
- Geiger, M. A., Raghunandan, K., & Rama, D. V. (2005). Recent changes in the association between bankruptcies and prior audit opinions. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 24(1), 21-35.
- Givoly, D., & Hayn, C. (2000). The changing time-series properties of earnings, cash flows and accruals: Has financial reporting become more conservative?. *Journal of accounting and economics*, 29(3), 287-320.
- Givoly, D., Hayn, C. K., & Natarajan, A. (2007). Measuring reporting conservatism. *The Accounting Review*, 82(1), 65-106.
- Gunn, J. L., Hallman, N., Li, C., & Pittman, J. (2017). The importance of information asymmetry to auditor choice, audit fees, and going concern opinions: Evidence from exploiting exogenous shifts in analyst coverage. *Audit Fees, and Going Concern Opinions: Evidence from Exploiting Exogenous Shifts in Analyst Coverage (May 1, 2017)*.
- Hendel, I. (1996). Competition under financial distress. *The Journal of Industrial Economics*, 309-324.
- Kahl, M. (2002). Economic distress, financial distress, and dynamic liquidation. *The Journal of Finance*, 57(1), 135-168.
- Kida, T. (1980). An investigation into auditors' continuity and related qualification judgments. *Journal of accounting Research*, 506-523.
- Lafond, R., & Roychowdhury, S. (2008). Managerial ownership and accounting conservatism. *Journal of accounting research*, 46(1), 101-135.
- Mutchler, J. F. (1984). Auditor's Perceptions of the Going-Concern Opinion Decision. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 3(2).
- Penman, S. H., & Zhang, X. J. (2002). Accounting conservatism, the quality of earnings, and stock returns. *The accounting review*, 77(2), 237-264.
- Price III, R. A. (2005). *Accounting conservatism and the asymmetry in the earnings response to current and lagged returns*. Stanford University.
- Read, W. J., & Yezegel, A. (2018). Going-concern opinion decisions on bankrupt clients: Evidence of long-lasting auditor conservatism?. *Advances in Accounting*, 40, 20-26.
- Senbet, L. W., & Wang, T. Y. (2012). Corporate financial distress and bankruptcy: A survey. *Foundations and Trends® in Finance*, 5(4), 243-335.
- Sterling, R. R. (1970). *The theory of the measurement of enterprise income*. Lawrence, KS: University of Kansas Press.
- Stickney, C. P. & R. L. Weil (1994). *Financial Accounting: An Introduction to Concepts, Methods, and Uses*, 7th edition. The Dryden Press Harcourt Brace College Publishers, Forth Worth, TX.
- Wagenhofer, A., & Dücker, H. (2007). Die Messung von „Earnings“-Qualität. *Journal für Betriebswirtschaft*, 57, 263-297.
- Watts, R. L. (2003). Conservatism in accounting part I: Explanations and implications. *Accounting horizons*, 17(3), 207-221.
- Watts, R.L. & J. L. Zimmerman. (1986). *Positive Accounting Theory*. Prentice-Hall Inc, Englewood Cliffs, N.J.
- Wolk, H. I., Francis, J. R. & M. G. Tearny (1989). *Accounting theory: A conceptual and institutional approach*. Boston.

The relationship between social capital, knowledge sharing and organizational performance

Zabihallah Khani Masoum Abadi¹, Motahareh Zohali²

Received: October 23, 2023

Accepted: November 17, 2023

Abstract

Purpose: One of the most important issues in companies listed on the Stock Exchange is always improving and enhancing the performance and increasing the productivity of employees and the organization. This research aims to investigate the increase of effectiveness and efficiency through producing, sharing, and transferring knowledge among employees.

Methodology: The statistical population of the research is employees of companies listed on the Tehran Stock Exchange. A simple random sampling method was used to calculate the sample size. For data collection, the field research method and data collection tool was a standard questionnaire according to Terry Kim *et al* (2013). This research is descriptive in terms of its purpose. In this research, to investigate the research model, the structural equation method was used with SmartPLS 3, and then the path coefficients and their significance were analyzed.

Findings: The research results showed that structural, relational and structural social capital has a positive and significant effect on knowledge sharing. Also, structural, relational and cognitive social capital has a positive and significant effect on knowledge sharing, and knowledge sharing also has a positive and significant effect on organizational performance.

Originality: The development and expansion of knowledge in the organization requires attention to social capital. Dimensions of social capital, including structural and relational capital, are effective in increasing productivity and organizational performance by affecting knowledge sharing.

Keywords: Cognitive, knowledge sharing, organizational performance, social capital, structural, relational.

JEL Classification: M40

1. Department of Accounting, Fasa Branch, Islamic Azad University, Fasa, Iran. (Corresponding Author). (khanifinance@gmail.com)
2. Department of Accounting, Fasa Branch, Islamic Azad University, Fasa, Iran. (mz7448@yahoo.com)

بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی، تسهیم دانش و عملکرد سازمانی

ذبیح الله خانی معصوم آبادی^۱، مطهره زحلی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱۳

چکیده

هدف: همواره یکی از مسائل مهم و پراهمیت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار، بهبود و ارتقاء عملکرد و افزایش بهره‌وری کارکنان و سازمان است. هدف این پژوهش بررسی افزایش بهره‌وری و کارایی از طریق تولید، تسهیم و انتقال دانش است.

روش‌شناسی: جامعه آماری پژوهش کارکنان شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. برای محاسبه حجم نمونه آماری از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شده است. روش جمع‌آوری داده‌ها میدانی و ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه استاندارد برگرفته از پژوهش تری‌کیم و همکاران (۲۰۱۳) بوده است. این پژوهش از نظر نوع توصیفی و از نظر هدف کاربردی است. در این پژوهش به منظور بررسی مدل پژوهش از روش معادلات ساختاری و با نرم افزار SmartPLS نسخه ۳ استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج پژوهش نشان داد سرمایه اجتماعی ساختاری، رابطه‌ای و شناختی بر تسهیم دانش اثر مثبت و معناداری دارد. همچنین تسهیم دانش نیز بر عملکرد سازمانی اثر مثبت و معناداری دارد.

دانش افزایی: توسعه و گسترش دانش در سازمان نیازمند توجه به سرمایه اجتماعی است. ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی شامل سرمایه ساختاری و رابطه‌ای با تاثیر بر تسهیم دانش در افزایش بهره‌وری و عملکرد سازمانی موثرند. **کلیدواژه‌ها:** تسهیم دانش، رابطه‌ای، ساختاری، سرمایه اجتماعی، شناختی، عملکرد سازمانی.

طبقه‌بندی موضوعی: M40

۱. استادیار گروه حسابداری، واحد فسا، دانشگاه آزاد اسلامی، فسا، ایران. (نویسنده مسئول). (khanifinance@gmail.com)

۲. گروه حسابداری، واحد فسا، دانشگاه آزاد اسلامی، فسا، ایران. (mz7448@yahoo.com)

مقدمه

همواره یکی از مسائل مهم و پراهمیت در شرکت‌های اوراق بهادار، بهبود و ارتقاء عملکرد و افزایش بهره‌وری در کارکنان و سازمان بوده است. در شرایط کنونی کشور و فشارهای اقتصادی داخلی و خارجی، کالا و خدمات مختلف را با نوسان قیمتی زیادی همراه نموده است. یکی از راه‌هایی که می‌توان این مشکل را حل نمود و بهره‌وری و اثربخشی شرکت‌های اوراق بهادار را در این شرایط افزایش داد، تولید، تسهیم و انتقال دانش در بین کارکنان می‌باشد. به عبارت دیگر می‌توان با ارتقاء سطح دانش و به اشتراک گذاشتن آن در سطوح مختلف سازمان و همچنین مدیریت صحیح دانش پیرامون مشکلات شرکت‌های بورسی، عملکرد شرکت‌های بورس اوراق بهادار بهبود و ارتقاء داد. از طرفی تسهیم و انتقال دانش در بین کارکنان، یکی از مسائلی است که به میزان ارتباط و همکاری و اجتماعی بودن افراد ارتباط دارد تا بتوانند دانش موجود را در سازمان انتقال و گسترش دهند. لذا توسعه و گسترش دانش در سازمان ایجاب می‌کند که به سرمایه اجتماعی توجه ویژه‌ای شود. به همین منظور این پژوهش به بررسی سرمایه اجتماعی و مدیریت دانش و عملکرد سازمانی در شرکت‌های بورس اوراق بهادار می‌پردازد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

سرمایه اجتماعی به عنوان شرکت در فعالیتهای اجتماعی و شهروندی اطلاق می‌شود که اعتماد بین افراد جامعه را نیز شامل می‌شود (دراکر و کاپلان^۱، ۲۰۱۳). اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، روابط و پیوندهای اجتماعی به عنوان مولفه های سرمایه اجتماعی تأثیرات مفیدی در رشد و توسعه دارند. سرمایه اجتماعی باعث بهبود مشارکت افراد با یکدیگر خواهد شد (اکسبی^۲، ۲۰۱۰). سرمایه اجتماعی محور اصلی بخش مهمی از مباحث مدیریتی سازمانها محسوب شده، مدیرانی موفق قلمداد می‌شوند که بتوانند در ارتباط با جامعه به تولید و توسعه سرمایه اجتماعی بیشتری نائل شوند. با توجه به اهمیت سرمایه اجتماعی برای سازمانها، باید عواملی را که می‌توانند با بالا رفتن میزان این سرمایه رابطه داشته باشند، مشخص کرد (بودوین^۳، ۲۰۱۰). تحقیقات نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی بالاتر و انسجام اجتماعی بیشتر به بهبود شرایط جامعه و سازمان کمک می‌کند (کیم و کاواچی^۴، ۲۰۱۰) سرمایه اجتماعی به عنوان منبعی که ممکن است افراد، گروه‌ها و جوامع برای نیل به نتایج مطلوب آن را بکار گیرند، قلمداد می‌شود و آن مفهومی است که در بسیاری موارد توسط تحلیل گران اجتماعی برای توصیف طیف وسیعی از فرآیندهای اجتماعی بکار برده می‌شود و به درک این پرسش که چرا برخی افراد، گروهها و طبقات مردم به نتایج سیاسی، اقتصادی و یا اجتماعی مثبت‌تری نسبت به دیگران نایل می‌شوند، منجر می‌شود (نوقانی^۵، ۲۰۱۰). در غیاب سرمایه اجتماعی، سایر سرمایه‌ها اثربخشی خود را از دست می‌دهند و بدون سرمایه اجتماعی، پیمودن راه‌های توسعه و تکامل فرهنگی و اقتصادی، ناهموار و دشوار می‌شوند (همپشر و ماتیجسی^۶، ۲۰۱۰). مدیران و کسانی که بتوانند در سازمان، سرمایه‌اجتماعی ایجاد کنند، راه کامیابی شغلی و سازمانی خود را هموار می‌سازند. بهبود مکانیزم سرمایه اجتماعی

¹. Drukker & Kaplan

². Oxoby

³. Beaudoin

⁴. Kim & Kawachi

⁵. Noghani

⁶. Hampshire & Matthijsse

باعث بهبود عملکرد سازمانی و ارتقا بهره‌وری سازمان خواهد شد (تری کیم^۱، ۲۰۱۳). تسهیم دانش^۲ عبارت است از مجموعه رفتارهایی که شامل تبادل دانش و اطلاعات و کمک کردن به دیگران در این خصوص است (یوسفی و همکاران، ۱۳۸۹). هدف نهایی از تسهیم دانش کارکنان، تلاش برای انتقال و تبدیل تجربیات و دانش همه افراد به دارایی‌ها و منابع سازمانی، به منظور افزایش و پیشبرد اثربخشی سازمانی است. سالوپک^۳ بر این عقیده است که اگر خواهان این هستیم که افراد در سازمان آن چه را که یاد می‌گیرند تسهیم کنند باید شرایطی در سازمان فراهم و ایجاد شود که در آن، تسهیم شرایط نتیجه مزیت فردی باشد (سالوپک، ۲۰۱۰).

پیرامون ارتباط سازه‌های تحقیق می‌توان گفت که انتقال اطلاعات و دانش در سطح کلان و خرد بین افراد و سازمانها، بستگی به افرادی دارد که این انتقال را تسهیل و تسریع می‌کنند. در نتیجه، تمام عواملی که مشوق ارتباط بین فردی یا مانع آن باشند، بر مبادلات اطلاعاتی افراد نیز تأثیرگذار خواهند بود. به همین دلیل، اهمیت ارتباطات و تعاملات مبتنی بر اعتماد میان افراد در گسترش و کاربرد دانش، مورد تأکید قرار گرفته است. چنانچه سازمانی بتواند هر چه بیشتر تعاملات اثربخش را در میان کارکنان خویش در داخل گروه‌ها و واحدهای سازمانی افزایش دهد، بیشتر می‌تواند نسبت به اثربخشی مبادلات اطلاعاتی میان افراد خویش و در نتیجه، مدیریت اثربخش دانش سازمانی اطمینان حاصل کند (بهات^۴، ۲۰۰۱). بنابراین ایجاد و گسترش فرهنگ و جوی در سازمان که این نوع ارتباطات و تعاملات را ترغیب کند، از ضرورت‌های مدیریت دانش است. بر این اساس، پژوهشگران بر آن شده اند تا ارتباط میان سرمایه اجتماعی و ابعاد، فرایندها و فعالیت‌های گوناگون مدیریت دانش را در سازمان، آزمون و تبیین کنند. بنابراین مدیریت سازمان‌ها باید با تکیه بر دانش برتر، اتخاذ تصمیمات معقول‌تر در موضوع‌های مهم و بهبود عملکردهای مبتنی بر دانش را پیدا کنند. یکی از گام‌های راهبردی فرآیند مدیریت دانش، تسهیم دانش است. در واقع، سازمان‌ها به طور مشخص باید نوع مناسب دانش مربوط به فرآیندهای خود را تحت کنترل و مدیریت در آورند و دانش را منبعی مهم برای ایجاد و حفظ مزیت رقابتی در سازمان در نظر گرفته و به طور ویژه، به تسهیم دانش حاصل برای بهبود عملکرد فرآیندهای سازمان دولتی در محیط رقابتی توجه کنند (کینگ^۵، ۲۰۰۵). نقش تسهیم دانش در مدیریت دانش سازمان‌های دولتی چنان مهم است که بعضی از نویسندگان اظهار می‌دارند که وجود مدیریت دانش برای پشتیبانی از تسهیم دانش است. از دلایل اهمیت تسهیم دانش این است که تسهیم دانش موجب بهبود عملکرد و ارائه خدمات به مشتریان و کاهش هزینه‌ها، زمان توسعه خدمات و محصولات جدید و زمان تأخیر در تحویل خدمات و کالاها به مشتریان و در نهایت کاهش هزینه‌های مربوط به دسترسی به انواع ارزشمند دانش در داخل سازمان می‌شود (کینگ، ۲۰۰۵). بنابراین می‌توان گفت مدیریت دانش و تسهیم دانش و سرمایه اجتماعی و روابط بین افراد مفاهیمی هستند که ارتباط تنگاتنگی با بهره‌وری، اثربخشی و عملکرد کارکنان و سازمان‌ها دارند. لذا با توجه به مسائل گفته شده این سوال مطرح می‌شود که آیا بین سرمایه اجتماعی و تسهیم دانش و عملکرد سازمانی رابطه معنی‌داری وجود دارد؟

1. Terry Kim et al.

2. Knowledge Sharing

3. Salopek

4. Bhatt

5. King

احمدی (۱۳۹۱) در پژوهشی تأثیر اجرای مدیریت دانش بر عملکرد سازمانی با رویکرد کارت امتیازی متوازن را مورد بررسی قرار داد. نتایج حاکی از اثر مثبت و معنادار (اگرچه ضعیف) مجموعه اقدامات مدیریت دانش بر عملکرد کلی سازمان بوده است؛ این تأثیر تنها بر بعد یادگیری و رشد از مجموعه ابعاد مطرح در کارت امتیازی متوازن معنادار بوده و بر سایر جنبه‌ها معنادار نبوده است. همچنین عوامل اصلی استراتژی، فرهنگ، فرآیندها و فعالیت‌ها، آموزش و بازآموزی، پاداش‌دهی و انگیزش، هدایت و حمایت رهبری و نهایتاً تکنولوژی اطلاعاتی به ترتیب حائز بیشترین ضرایب اهمیت بر روی عملکرد سازمانی بوده‌اند. فارسیجانی و همکاران (۱۳۹۰) نشان دادند که نیروهای رقابتی سازمان بر کاربرد دانش جهت بهبود عملکرد زنجیره تأمین در صنعت خودرو تأثیر می‌گذارد. بررسی نگرش اعضای هیئت علمی پیرامون تسهیم دانش در موسسات آموزش عالی که توسط عزیززاده و همکاران در قالب طرح تحقیقاتی در سال ۱۳۸۹ انجام گرفته است، نشان داد که اکثریت اعضای هیات علمی در دانشکده کشاورزی (۷۱ درصد) و دانشکده منابع طبیعی (۸۰ درصد)، نگرش کاملاً مساعدی را نسبت به تسهیم و تبادل دانش خود با سایر همکاران ابراز کردند. بر همین اساس همبستگی معنی‌داری بین فرهنگ، ساختار دانشکده، فناوری اطلاعات اعتماد اجتماعی، روابط اجتماعی فردی، و کار گروهی با متغیر وابسته پژوهش (نگرش پیرامون تسهیم دانش) به دست آمد. نتایج نشان داد که متغیرهای بیان شده حدود ۵۰ درصد می‌توانند در نگرش افراد نسبت به تسهیم دانش نقش داشته باشند. دموری و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهشی تحت عنوان بررسی ارتباط مدیریت دانش با سرمایه اجتماعی در دانشگاه اسلامی یزد به این نتیجه رسیدند که مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی رابطه مثبت و معنی‌داری با ابعاد مدیریت دانش دارد. به عبارت دیگر؛ با بهبود مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی می‌توان شاهد توسعه ابعاد مدیریت دانش در دانشگاه اسلامی بود. امیرخانی (۱۳۸۴) در پژوهشی تحت عنوان کاربرد مدیریت دانش در بهبود عملکرد سازمان نشان داد که مدیریت دانش باعث بهبود عملکرد سازمانی خواهد شد. روزدار (۱۳۸۲) تأثیر مدیریت دانش بر عملکرد مدیران را بررسی کرده است. محقق به این نتیجه رسید که بین مدیریت دانش و افزایش نوآوری در محیط کار و بهره‌وری و عملکرد و نیز بین مدیریت دانش و هریک از شاخص‌های عملکرد رابطه وجود دارد.

تیاگو و همکاران^۱ (۲۰۰۸) نشان دادند که رابطه مثبتی بین شیوه‌های مدیریت دانش و عملکرد استادان دانشگاه وجود دارد. تری‌کیم و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی به بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی، تسهیم دانش و عملکرد سازمانی پرداختند. محمد و همکاران^۲ (۲۰۱۱) نشان داد که رابطه مثبتی بین شیوه‌های مدیریت دانش و عملکرد استادان دانشگاه وجود دارد. موراوک و پرودان^۳ (۲۰۰۹) در پژوهشی تحت عنوان بررسی ظرفیت جذب دانش، تعیین‌کننده‌های آن و تأثیرش بر عملکرد نوآوری در آمریکا نشان دادند که بین ظرفیت جذب حاصل از تقاضای بازار و فشار محافل علمی تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین نتایج نشان داد که بین آموزش کارکنان و بکارگیری نوآوری در سازمان رابطه معنی‌داری برقرار است. لین^۴ (۲۰۰۷) در پژوهشی تحت عنوان مفاهیم کلیدی تسهیم دانش و سیستم‌های مدیریت که جامعه پژوهش صنایع مختلف تایوان بود به این نتیجه رسیدند که وجود وفاق بین کارکنان، تعهد سازمانی و تصمیم‌گیری مشارکتی و به هم وابسته بودن وظایف بر تسهیم دانش اثر مثبتی دارد. همچنین

¹. Tiago et al.

². Muhammad et al.

³. Murovec & Prodan

⁴. Lin

تصمیم‌گیری مشارکتی و به هم وابسته بودن وظایف در بین افرادی که از تفکر سیستمی برخوردارند موجب تسهیم دانش می‌شود. هسو^۱ (۲۰۰۸) پژوهشی را درباره مفاهیم کلیدی تسهیم دانش و سرمایه انسانی در بین ۲۵۶ شرکت تایوانی انجام داد. نتایج این پژوهش نشان داد که استراتژی نوآوری در سازمان و ویژگی‌های دانشی مدیریت ارشد بر فعالیت‌های تسهیم دانش در سازمان اثر مثبت دارد. همچنین فعالیت‌های تسهیم دانش در سازمان موجب توسعه و رشد سرمایه انسانی می‌گردد. توسعه سرمایه انسانی نیز عملکرد سازمان را بهبود می‌بخشد. آدلر و کرون^۲ (۲۰۰۲) در پژوهشی تحت عنوان رابطه بین سرمایه اجتماعی و انتقال دانش به این نتیجه رسیدند که بین سرمایه اجتماعی و انتقال دانش، ارتباط معناداری وجود دارد. لندرو و همکاران^۳ (۲۰۰۲) به شواهد مناسبی مبنی بر ارتباط میان سرمایه اجتماعی و مدیریت دانش دست یافتند. در این پژوهش، مدیریت دانش به طور کلی و بدون تفکیک ابعاد گوناگون آن مدنظر قرار گرفت. تیمون و استاف^۴ (۲۰۰۳) در پژوهش خود نشان دادند که نقش سرمایه اجتماعی در بهبود مدیریت دانش، منجر به کسب عملکرد بالاتر در سازمان می‌شود. گلد و همکاران^۵ (۲۰۰۱) در پژوهشی تأثیر فرآیند دانش را بر عملکرد سازمانی بررسی کردند. آن‌ها برای تأیید تجربی توانایی مدیریت دانش بر روی بهبود عملکرد سازمانی تلاش کردند. نتایج نشان داد که جمع‌آوری و تسهیم دانش جدید می‌تواند برای سازمان مزیت رقابتی فراهم کند و در نهایت موجب عملکرد سازمان شود. ژانگ و همکاران^۶ (۲۰۲۰) به بررسی اثرات سرمایه اجتماعی بر عملکرد تامین مالی جمعی: تحلیلی جامع از دیدگاه‌های تجربی و پیش‌بینی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که سرمایه اجتماعی اعم از ساختاری، ارتباطی و شناختی تأثیر قابل توجهی می‌تواند بر عملکرد مالی داشته باشد. اولان و همکاران^۷ (۲۰۲۲) به بررسی رابطه بین هوش مصنوعی و تسهیم دانش و عملکرد سازمانی پرداختند. این مطالعه از یک رویکرد تئوری مجموعه فازی مبتنی بر مفهوم‌سازی هوش مصنوعی، اشتراک دانش و عملکرد سازمانی استفاده کرد. نتایج نشان می‌دهد که پیاده‌سازی فناوری‌های هوش مصنوعی به تنهایی برای بهبود عملکرد سازمانی کافی نیست. در عوض، یک سیستم مکمل که ترکیبی از هوش مصنوعی و اشتراک دانش است، استراتژی عملکرد سازمانی پایدارتری را برای عملیات تجاری در یک جامعه دیجیتال دائماً در حال تغییر فراهم می‌کند. لی و همکاران^۸ (۲۰۲۳) به بررسی رابطه تسهیم دانش و عملکرد سازمانی بیمارستان یانگون چین پرداخت و به این نتیجه رسید که هر چقدر دانش و فرآیند آموزش دانش در بین کارکنان بیشتر باشد به همان میزان نیز عملکرد سازمانی افزایش پیدا خواهد کرد.

فرضیه‌های پژوهش

بعد شناختی و به اشتراک‌گذاری دانش

فرضیه اول: بین بعد شناختی سرمایه اجتماعی با اشتراک دانش ضمنی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: بین بعد شناختی سرمایه اجتماعی با اشتراک دانش صریح رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

¹. Hsu

². Adler & Kwon

³. Landry *et al.*

⁴. Tymon & Stumpf

⁵. Gold *et al.*

⁶. Zhang

⁷. Olan *et al.*

⁸. Lee *et al.*

بعد شناختی و به اشتراک گذاری دانش

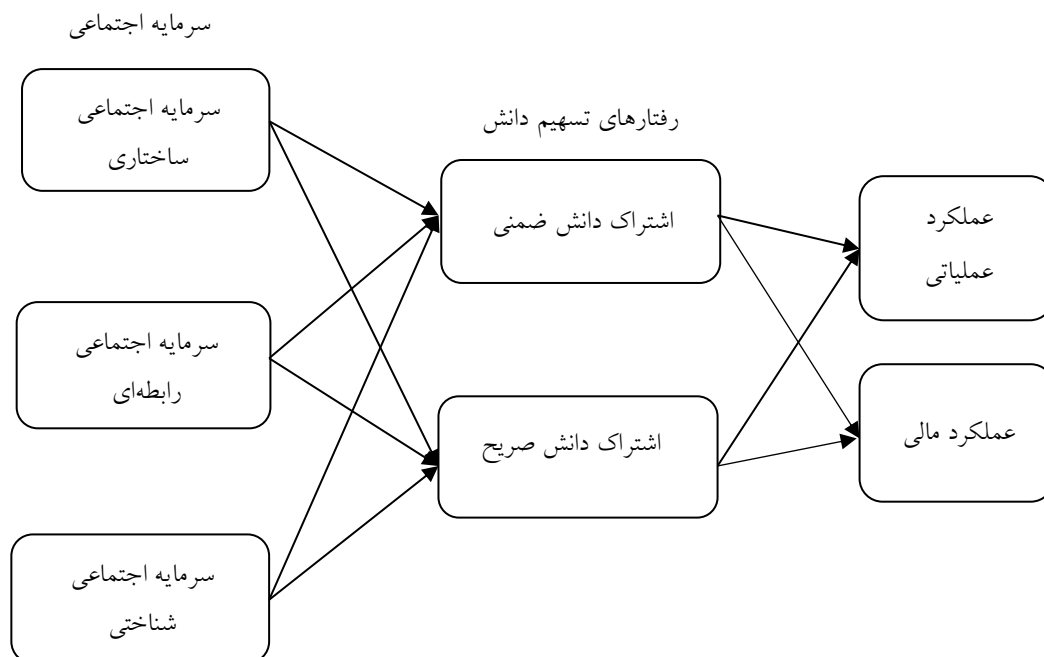
فرضیه سوم: بین بعد ساختاری سرمایه اجتماعی با اشتراک دانش ضمنی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.
فرضیه چهارم: بین بعد ساختاری سرمایه اجتماعی با اشتراک دانش صریح مثبت و معناداری وجود دارد.

بعد شناختی و به اشتراک گذاری دانش

فرضیه پنجم: بین بعد رابطه‌ای سرمایه اجتماعی با اشتراک دانش ضمنی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.
فرضیه ششم: بین بعد رابطه‌ای سرمایه اجتماعی با اشتراک دانش صریح رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

بعد اشتراک گذاری دانش و عملکرد عملیاتی و مالی

فرضیه هفتم: بین اشتراک ضمنی دانش با عملکرد عملیاتی شرکت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.
فرضیه هشتم: بین اشتراک ضمنی دانش با عملکرد مالی شرکت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.
فرضیه نهم: بین اشتراک گذاری صریح با عملکرد عملیاتی شرکت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.
فرضیه دهم: بین اشتراک گذاری صریح با عملکرد مالی شرکت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.
مدل مفهومی پژوهش با توجه به فرضیه‌های پژوهش در شکل ۱ به تصویر کشیده شده است.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش؛ تری کیم و همکاران (۲۰۱۳)

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر بر اساس هدف از نوع کاربردی و از نظر شیوه گردآوری اطلاعات، پژوهشی توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش کارکنان شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار می‌باشد. در این پژوهش از شیوه نمونه‌گیری تصادفی استفاده شد که از طریق پرسشنامه بین ۱۵۰ نفر از کارکنان شرکت‌های زیر تابعه بورس اوراق بهادار ارسال شد. در این مطالعه برای جمع آوری اطلاعات جهت آزمون فرضیه‌ها از پرسشنامه استاندارد

برگرفته از پژوهش تری کیم و همکاران (۲۰۱۳) استفاده شده است. این پرسشنامه دارای ۴۱ سوال می باشد که ۳ سوال مربوط به سرمایه شناختی، ۴ سوال مربوط به سرمایه رابطه‌ای، ۷ سوال مربوط به سرمایه ساختاری، ۶ سوال مربوط به اشتراک دانش صریح، ۸ سوال مربوط به اشتراک دانش ضمنی، ۹ سوال مربوط به عملکرد عملیاتی و ۴ سوال مربوط به عملکرد مالی سازمان می باشد که از پاسخ دهندگان درخواست شد با انتخاب گزینه‌ی مناسب از طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت به سوالات پاسخ دهند.

در این پژوهش برای بررسی روایی محتوا و صوری از نظر متخصصان استفاده شده است، بدین صورت که تعداد ۳۰ پرسشنامه بین متخصصان توزیع گردید و مشخص شد که سؤالات پژوهش هدف مورد نظر را می‌سنجد. برای بررسی روایی همگرا از میانگین واریانس به اشتراک گذاشته شده (AVE) استفاده شده است که مقدار ملاک برای هر متغیر بیشتر از ۰/۵ می باشد. همچنین برای سنجش روایی واگرا از ماتریس فورنل لارکر استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

در این پژوهش به منظور تجزیه و تحلیل و بررسی داده‌ها از دو بخش تحلیل توصیفی و استنباطی استفاده شده است. در بخش تحلیل توصیفی به بررسی مشخصات جمعیت شناختی پاسخ دهندگان پرداخته شد. با توجه به جدول ۱ مشاهده می شود که از ۱۵۰ نمونه انتخاب شده ۷۷ نفر (۵۱/۳ درصد) خانم و ۷۳ نفر (۴۸/۷ درصد) مرد بوده‌اند. همچنین ۲۵ نفر لیسانس، ۶۱ نفر ارشد و ۵۰ نفر دکتری بودند. ۳۴ نفر زیر ۱۰ سال، ۱۰-۱۵ سال ۴۴ نفر بودند، ۴۲ نفر ۱۶-۲۰ سال، ۱۹ نفر ۲۰ سال به بالا بودند.

جدول ۱. مشخصات جمعیت شناختی پاسخ دهندگان

شرح	فراوانی	درصد فراوانی
زن	۷۷	۵۱/۳
مرد	۷۳	۴۸/۷
کل	۱۵۰	۱۰۰
دیپلم	۵	۳/۳
فوق دیپلم	۹	۶/۰
لیسانس	۲۵	۱۶/۷
ارشد	۵۶	۴۰/۷
دکتری	۵۰	۳۳/۳
زیر ۱۰ سال	۳۴	۲۲/۷
۱۰-۱۵	۴۴	۲۹/۳
۱۶-۲۰	۴۲	۲۸
۲۰ سال به بالا	۱۹	۱۲/۷
کل	۱۵۰	۱۰۰

جهت بررسی و تأیید مدل مفهومی پژوهش و به دنبال آن آزمون فرضیه‌های پژوهش از تکنیک معادلات ساختاری با رویکرد روش حداقل مربعات جزئی و با استفاده از نرم‌افزار SmartPLS نسخه ۳ استفاده شد که یکی از نرم‌افزارهای آماری جهت اجرای این گونه مدل‌ها با حجم نمونه اندک است. جهت بررسی پایایی ابزارهای اندازه‌گیری پس از حذف گویه‌های با بارهای عاملی کمتر از ۰/۴، مطابق با جدول ۲ بارهای عاملی گویه‌هایی که بالاتر از ۰/۴ بوده و معنی‌دار نیز می‌باشند، آورده شده است. در نتیجه، بر اساس این شاخص نیز پایایی ابزارهای اندازه‌گیری مورد تأیید قرار گرفت.

جدول ۲. تحلیل عاملی تأییدی متغیرهای مورد بررسی پژوهش

متغیر	گویه	بار عاملی	آماره t
سرمایه ساختاری	Q۱	۰/۷۰۵	۱۰/۷۸۱
	Q۲	۰/۷۷۹	۱۵/۴۰۵
	Q۳	۰/۷۰۷	۹/۵۶۷
	Q۴	۰/۷۵۱	۱۲/۴۸۶
	Q۵	۰/۷۵۵	۱۴/۸۲۱
رابطه‌ای	Q۶	۰/۷۸۷	۱۹/۹۳۰
	Q۷	۰/۸۲۸	۳۲/۳۸۲
	Q۸	۰/۸۶۵	۳۲/۳۸۲
	Q۹	۰/۸۳۸	۱۹/۲۳۷
	Q۱۰	۰/۸۸۵	۳۸/۲۸۱
شناختی	Q۱۱	۰/۸۴۳	۲۶/۸۷۱
	Q۱۲	۰/۸۰۹	۱۶/۳۲۰
	Q۱۳	۰/۸۰۱	۱۲/۸۹۲
دانش ضمنی	Q۱۴	۰/۷۷۶	۲۴/۱۴۹
	Q۱۵	۰/۷۲۸	۲۶/۷۱۰
	Q۱۶	۰/۸۶۳	۲۰/۵۴۷
	Q۱۷	۰/۸۷۴	۴۵/۱۴۱
دانش صریح	Q۱۸	۰/۸۴۳	۴۷/۴۳۳
	Q۱۹	۰/۸۱۵	۴۸/۲۴۶
عملکرد عملیاتی	Q۲۰	۰/۷۷۷	۳۸/۸۸۵
	Q۲۱	۰/۸۹۳	۳۸/۸۸۵
	Q۲۲	۰/۸۶۱	۳۸/۸۸۵
	Q۲۳	۰/۸۵۱	۳۸/۸۸۵
عملکرد مالی			

پایایی سازه‌ها از طریق ۱- آلفای کرونباخ، ۲- پایایی ترکیبی^۱ هر یک از سازه‌ها و ۳- بارهای عاملی هر یک از گویه‌ها بررسی شده است (فورنل^۲ و لارکر، ۱۹۸۱). مقدار قابل قبول برای آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی ۰/۷ و بالاتر می‌باشد. مطابق با جدول ۳ مقادیر به دست آمده برای این دو شاخص بیشتر از ۰/۷ می‌باشند. بنابراین بر اساس این دو شاخص، ابزارهای اندازه‌گیری پایایی قابل قبولی دارند.

جدول ۳. پایایی و روایی واگرایی

متغیر	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی	AVE
سرمایه شناختی	۰/۷۴۲	۰/۸۵۲	۰/۶۵۹
سرمایه رابطه‌ای	۰/۷۲۸	۰/۸۰۹	۰/۵۲۳
سرمایه ساختاری	۰/۸۳۱	۰/۸۷۴	۰/۵۱۰
دانش صریح	۰/۸۳۴	۰/۸۷۸	۰/۵۴۷
دانش ضمنی	۰/۸۷۵	۰/۹۰۲	۰/۵۳۹
عملکرد عملیاتی	۰/۸۷۶	۰/۹۰۰	۰/۵۰۶
عملکرد مالی	۰/۹۷۰	۰/۹۷۷	۰/۹۱۷

همان طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، مقادیر واریانس استخراج شده متغیرهای پژوهش بیشتر از ۰/۵ می‌باشند. بر این اساس روایی همگرایی ابزارهای اندازه‌گیری پژوهش با استفاده از شاخص میانگین واریانس استخراج شده، مورد تأیید قرار گرفت.

مطابق با جدول ۴ مقدار جذر واریانس استخراج شده متغیرهای مکنون در پژوهش حاضر که در قطر اصلی ماتریس قرار گرفته‌اند، از مقدار همبستگی میان آن‌ها که در خانه‌های زیرین و چپ قطر اصلی ترتیب داده شده‌اند، بیشتر است. از این رو می‌توان اظهار داشت که در پژوهش حاضر، متغیرهای مورد پژوهش در مدل تعامل بیشتری با هم دارند؛ و به بیان دیگر روایی واگرایی مدل در حد مناسبی است.

جدول ۴. آزمون فورنل-لارکر

متغیر	عملکرد مالی	عملکرد عملیاتی	دانش ضمنی	دانش صریح	سرمایه شناختی	سرمایه ساختاری	سرمایه رابطه‌ای
سرمایه رابطه‌ای							۰/۷۲۳
سرمایه ساختاری						۰/۷۱۴	۰/۱۸۳
سرمایه شناختی					۰/۸۱۱	۰/۳۷۱	۰/۵۷۸
دانش صریح			۰/۷۳۹		۰/۵۴۱	۰/۵۶۷	۰/۴۲۲
دانش ضمنی			۰/۷۳۴	۰/۴۲۴	۰/۴۱۶	۰/۳۳۳	۰/۴۰۰
عملکرد عملیاتی		۰/۷۱۲	۰/۲۱۳	۰/۲۹۵	۰/۲۴۲	۰/۲۶۲	۰/۰۱۰
عملکرد مالی	۰/۹۵۷	۰/۳۱۶	۰/۲۰۰	۰/۲۷۸	۰/۱۹۷	۰/۱۲۳	۰/۰۰۵

^۱. Composite reliability

^۲. Fornell & Larcker

بررسی ارتباط متغیرها از طریق ضرایب مسیر (β) انجام می‌گیرد و به منظور بررسی معنادار بودن ضرایب مسیرها از آماره t استفاده می‌شود. اگر t خارج از بازه $\pm 1/96$ باشد، ضریب مسیر در سطح $0/05$ و اگر t خارج از بازه $2/58$ \pm باشد، ضریب مسیر در سطح $0/01$ معنی‌دار است.

جدول ۵. فرضیه‌ها، ضرایب مسیر و آماره t

نتیجه	آماره t	ضریب مسیر	فرضیه‌ها	
رد	۱/۶۰۰	۰/۱۹۰	شناختی ← دانش ضمنی	۱
تایید	۳/۸۹۰	۰/۲۷۰	شناختی ← دانش صریح	۲
تایید	۳/۲۸۰	۰/۲۵۰	رابطه‌ای ← دانش ضمنی	۳
تایید	۲/۵۵۰	۰/۱۸۰	رابطه‌ای ← دانش صریح	۴
تایید	۲/۲۰۰	۰/۲۱۰	ساختاری ← دانش ضمنی	۵
تایید	۶/۲۱۰	۰/۴۳۰	ساختاری ← دانش صریح	۶
رد	۰/۶۶۰	۰/۱۰۰	ضمنی ← عملیاتی	۷
رد	۱/۰۵۰	۰/۱۰۰	ضمنی ← مالی	۸
تایید	۲/۱۴۰	۰/۲۵۰	صریح ← عملیاتی	۹
تایید	۲/۳۵	۰/۲۳	صریح ← مالی	۱۰

جدول ۵ فرضیه‌ها، ضرایب مسیر و معناداری آماره t را نشان می‌دهد. طبق نتایج فرضیه اول سرمایه شناختی به میزان $0/190$ بر اشتراک دانش ضمنی تاثیر مثبت (مستقیم) دارد و با توجه به اینکه مقدار t خارج از بازه $\pm 1/96$ قرار ندارد ($t=1/600$) این ضریب مسیر معنی‌دار نمی‌باشد و در نتیجه این فرضیه تایید می‌شود و نشان می‌دهد سرمایه شناختی به طور معنادار بر اشتراک دانش ضمنی تاثیر گذار نیست.

طبق نتایج فرضیه دوم سرمایه شناختی به میزان $0/270$ بر اشتراک دانش صریح تاثیر مثبت (مستقیم) دارد و با توجه به اینکه مقدار t خارج از بازه $\pm 2/58$ قرار دارد ($t=3/890$) این ضریب مسیر در $0/01$ معنی‌دار می‌باشد و در نتیجه این فرضیه تایید می‌شود و نشان می‌دهد هرچه سرمایه شناختی بالاتر باشد، اشتراک دانش صریح آن نیز بالاتر می‌باشد.

طبق نتایج فرضیه سوم ضریب مسیر سرمایه ساختاری به میزان $0/210$ بر اشتراک دانش ضمنی تاثیر مثبت (مستقیم) دارد و با توجه به اینکه مقدار t خارج از بازه $\pm 1/96$ قرار دارد ($t=2/200$) این ضریب مسیر در $0/05$ معنی‌دار می‌باشد و در نتیجه این فرضیه تایید می‌شود و نتیجه نشان می‌دهد هرچه سرمایه ساختاری بالاتر باشد، اشتراک دانش ضمنی آن نیز بالاتر می‌باشد.

طبق نتایج فرضیه چهارم ضریب مسیر سرمایه ساختاری به میزان $0/430$ بر اشتراک دانش صریح تاثیر مثبت (مستقیم) دارد و با توجه به اینکه مقدار t خارج از بازه $\pm 2/580$ قرار دارد ($t=6/210$) این ضریب مسیر در $0/01$ معنی‌دار می‌باشد و در نتیجه این فرضیه تایید می‌شود و نشان می‌دهد هرچه سرمایه ساختاری بالاتر باشد، اشتراک دانش صریح آن نیز بالاتر می‌باشد.

طبق نتایج فرضیه پنجم ضریب مسیر سرمایه رابطه‌ای به میزان $0/250$ بر اشتراک دانش ضمنی تاثیر مثبت (مستقیم) دارد و با توجه به اینکه مقدار t خارج از بازه $\pm 2/58$ قرار دارد ($t=3/280$) این ضریب مسیر در $0/01$ معنی‌دار می‌باشد و در نتیجه این فرضیه تایید می‌شود و نشان می‌دهد هرچه سرمایه رابطه‌ای بالاتر باشد، اشتراک دانش ضمنی آن نیز بالاتر می‌باشد.

طبق نتایج فرضیه ششم ضریب مسیر سرمایه رابطه‌ای به میزان $0/18$ بر اشتراک دانش صریح تاثیر مثبت (مستقیم) دارد و با توجه به اینکه مقدار t خارج از بازه $\pm 1/96$ قرار دارد ($t=2/550$) این ضریب مسیر در $0/05$ معنی‌دار می‌باشد و در نتیجه این فرضیه تایید می‌شود و نشان می‌دهد هرچه سرمایه رابطه‌ای بالاتر باشد، اشتراک دانش صریح آن نیز بالاتر می‌باشد.

طبق نتایج فرضیه هفتم مقدار t خارج از بازه $\pm 1/96$ قرار ندارد ($t=0/66$) این ضریب مسیر معنی‌دار نمی‌باشد و در نتیجه این فرضیه رد می‌شود و نشان می‌دهد هرچه اشتراک دانش ضمنی به طور معنادار بر عملکرد عملیاتی تاثیر گذار نیست.

طبق نتایج فرضیه هشتم مقدار t خارج از بازه $\pm 1/96$ قرار ندارد ($t=1/050$) این ضریب مسیر معنی‌دار نمی‌باشد و در نتیجه این فرضیه رد می‌شود و نشان می‌دهد هرچه اشتراک دانش ضمنی به طور معنادار بر عملکرد مالی تاثیر گذار نیست.

طبق نتایج فرضیه نهم ضریب مسیر اشتراک دانش صریح به میزان $0/250$ بر عملکرد عملیاتی تاثیر مثبت (مستقیم) دارد و با توجه به اینکه مقدار t خارج از بازه $\pm 1/96$ قرار دارد ($t=2/140$) این ضریب مسیر در $0/05$ معنی‌دار می‌باشد و در نتیجه این فرضیه تایید می‌شود و نشان می‌دهد هرچه اشتراک دانش صریح بالاتر باشد، عملکرد عملیاتی آن نیز بالاتر می‌باشد.

طبق نتایج فرضیه دهم ضریب مسیر اشتراک دانش صریح به میزان $0/230$ بر عملکرد مالی تاثیر مثبت (مستقیم) دارد و با توجه به اینکه مقدار t خارج از بازه $\pm 1/96$ قرار دارد ($t=2/350$) این ضریب مسیر در $0/05$ معنی‌دار می‌باشد و در نتیجه این فرضیه تایید می‌شود و نشان می‌دهد هرچه اشتراک دانش صریح بالاتر باشد، عملکرد مالی آن نیز بالاتر می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

ضریب مسیر بین سرمایه اجتماعی ساختاری و تسهیم دانش $0/460$ بوده و معنی‌دار می‌باشد. بنابراین سرمایه اجتماعی ساختاری بر تسهیم دانش به ترتیب بر دانش ضمنی با ضریب $2/401$ و بر دانش صریح با ضریب $3/624$ اثر مثبت و معناداری داشته است. نتایج این فرضیه با پژوهش‌های تری‌کیم و همکاران (۲۰۱۳)، هسو (۲۰۰۷)، لین (۲۰۰۷)، تیمون و استاف (۲۰۰۳)، آدلر و کرون (۲۰۰۲)، لندرو و همکاران (۲۰۰۲) و دموری (۱۳۸۸) هم‌راستا است و مطابقت دارد. ضریب مسیر بین سرمایه اجتماعی رابطه‌ای و تسهیم دانش $0/06$ بوده و معنی‌دار نمی‌باشد. بنابراین سرمایه اجتماعی رابطه‌ای بر تسهیم دانش چه دانش ضمنی و چه دانش صریح اثر مثبت و معناداری ندارد. نتایج این فرضیه با پژوهش‌های

تری کیم و همکاران (۲۰۱۳)، هسو (۲۰۰۷)، لین (۲۰۰۷)، تیمون و استاف (۲۰۰۳)، آدلر و کرون (۲۰۰۲)، لندرو و همکاران (۲۰۰۲) و دموری (۱۳۸۸) مطابقت ندارد.

ضریب مسیر بین سرمایه اجتماعی شناختی و تسهیم دانش ۰/۴۶ بوده و معنی دار می باشد. بنابراین سرمایه اجتماعی شناختی بر تسهیم دانش به ترتیب بر دانش ضمنی با ضریب معنی داری ۴/۳۶۵ و دانش صریح با ضریب معنی داری ۲/۳۲۳ اثر مثبت و معناداری دارد. نتایج این فرضیه با پژوهش های تری کیم و همکاران (۲۰۱۳)، هسو (۲۰۰۷)، لین (۲۰۰۷)، تیمون و استاف (۲۰۰۳)، آدلر و کرون (۲۰۰۲)، لندرو و همکاران (۲۰۰۲) و دموری (۱۳۸۸) مطابقت دارد. ضریب مسیر بین تسهیم دانش ضمنی بر عملکرد عملیاتی با ضریب ۶/۹۷۷ و بر عملکرد مالی با ضریب ۳/۶۳۰ معنی دار می باشد. بنابراین تسهیم دانش بر عملکرد سازمانی اثر مثبت و معناداری دارد. نتایج این فرضیه با پژوهش های تری کیم و همکاران (۲۰۱۳)، هسو (۲۰۰۷) محمد و همکاران (۲۰۱۱)، لین (۲۰۰۷)، گلد و همکاران (۲۰۰۲)، احمدی (۱۳۹۱)، فارسیجانی و همکاران (۱۳۹۰)، امیرخانی (۱۳۸۴) و روزدار (۱۳۸۲) مطابقت دارد.

ضریب مسیر بین انتقال دانش صریح بر عملکرد عملیاتی با ضریب ۴/۱۷۲ و عملکرد مالی با ضریب ۷/۲۹۹ معنی دار می باشد. بنابراین انتقال دانش بر عملکرد سازمانی اثر مثبت و معناداری دارد. نتایج این فرضیه با پژوهش های تری کیم و همکاران (۲۰۱۳)، هسو (۲۰۰۷) محمد و همکاران (۲۰۱۱)، تیگو و همکاران (۲۰۰۸)، موراوک و پرودان (۲۰۰۹)، لین (۲۰۰۷)، گلد و همکاران (۲۰۰۲)، احمدی (۱۳۹۱)، فارسیجانی و همکاران (۱۳۹۰)، امیرخانی (۱۳۸۴) و روزدار (۱۳۸۲) همراستاست و مطابقت دارد. نتایج پژوهش نشان داد که بین سرمایه اجتماعی مدیریت دانش و عملکرد سازمانی رابطه معنی داری وجود دارد. پیشنهاد می گردد در پژوهش های آتی با پرسشنامه های دیگر نیز این موضوع بررسی گردد و نتایج آنها با یکدیگر مقایسه گردد. همچنین در پژوهش های آتی به بررسی نقش تعدیل گری به جای نقش میانجی گری مدیریت دانش در رابطه بین سرمایه اجتماعی و عملکرد سازمانی پرداخته شود. پیشنهاد می گردد در پژوهش های آتی به بررسی مدیریت دانش و نوآوری پرداخته شود. پیشنهاد می گردد در پژوهش های آتی از روش های غیر حضوری مانند پست بی نام برای پخش پرسشنامه استفاده گردد تا از این طریق افراد با آرامش کامل و بدون ترس از اینکه اطلاعات شخصی و محرمانه آنها افشا شود به طور کاملاً واقع بینانه به سوالات پاسخ دهند. از محدودیت های پژوهش می توان به موارد زیر اشاره نمود:

جامعه این پژوهش کارکنان شرکت های بورس اوراق بهادار بود که نمی توان تنها با پژوهش در یک سازمان نتایج پژوهش را به کل سازمان ها تعمیم داد. در این پژوهش برای سنجش متغیرها تنها از پرسشنامه استفاده شد. در حالی که می توان از ابزار مصاحبه نیز استفاده نمود. قلمرو زمانی پژوهش ۶ ماه بود که در بازه زمانی نمی توان به طور جامع به تمام سازه های پژوهش پرداخت. کمبود اطلاعات در بین پاسخ دهندگان پیرامون سازه های پژوهش از محدودیت های پژوهش بود.

فهرست منابع

احمدی، محسن. (۱۳۹۱). تأثیر اجرای مدیریت دانش بر عملکرد سازمانی با رویکرد کارت امتیازی متوازن (BSC) (مطالعه موردی در شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران). دهمین کنفرانس بین المللی مدیریت، ۱۸-۱.

- امیرخانی، امیرحسین. (۱۳۸۴). کاربرد مدیریت دانش در بهبود عملکرد سازمان. پیک نور- علوم انسانی، (۱۳) ۳، ۱۳۱-۱۴۰.
- دموری، داریوش، منصوری، حسین و طاهری دمنه، محسن. (۱۳۸۸). بررسی ارتباط مدیریت دانش با سرمایه اجتماعی در دانشگاه اسلامی (از دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه یزد). *مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، سال سیزدهم، شماره ۱، ۶۶-۴۴.
- روزدار، نگین. (۱۳۸۲). بررسی مدیریت دانش و و تأثیر آن بر عملکرد مدیران گروه بهمن در شهر تهران. *پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات*.
- فارسیجانی، حسن، فیضی، کامران، و شفیعی نیک آبادی، محسن. (۱۳۹۰). تأثیر نیروهای رقابتی سازمان بر کاربرد دانش جهت بهبود عملکرد زنجیره تأمین در صنعت خودرو. *چشم انداز مدیریت بازرگانی*، ۱۰(۷)، ۷۱-۹۲.
- علیزاده، ندا، پزشکی راد، غلامرضا، و صدیقی، حسن. (۱۳۸۹). بررسی نگرش اعضای هیات علمی پیرامون تسهیم دانش در موسسات آموزشی عالی (مطالعه موردی دانشکده های کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران). *آموزش عالی ایران*، ۳(۲)، ۱۲۵-۱۳۸.
- یوسفی، سجاد، مرادی، مرتضی و تیشه ورز دائم، محمدکاظم. (۱۳۸۹). نقش تعهد سازمانی در تسهیم دانش. *دوماهنامه توسعه انسانی پلیس*، سال هفتم، شماره ۲۳، ۳۰-۳۶.
- Adler, P. S., & Kwon, S. W. (2002). Social capital: Prospects for a new concept. *Academy of management review*, 27(1), 17-40.
- Beaudoin, C. E., Boris, N. W., Brown, L., Littrell, M. A., & Macintyre, K. C. (2010). WITHDRAWN: The multilevel effects of bonding and bridging social capital on child and adolescent health and psychosocial outcomes in Malawi. *Social Science & Medicine* (1982).
- Bhatt, G. D. (2001). Knowledge management in organizations: examining the interaction between technologies, techniques, and people. *Journal of knowledge management*, 5(1), 68-75.
- Drukker, M., Kaplan, C., Feron, F., & Van Os, J. (2003). Children's health-related quality of life, neighbourhood socio-economic deprivation and social capital. A contextual analysis. *Social science & medicine*, 57(5), 825-841.
- Fornell, C., & Larcker, D. F. (1981). Evaluating structural equation models with unobservable variables and measurement error. *Journal of marketing research*, 18(1), 39-50.
- Gold, A. H., Malhotra, A., & Segars, A. H. (2001). Knowledge management: An organizational capabilities perspective. *Journal of management information systems*, 185-214.
- Hampshire, K. R., & Matthijsse, M. (2010). Can arts projects improve young people's wellbeing? A social capital approach. *Social science & medicine*, 71(4), 708-716.
- Hsu, I. C. (2008). Knowledge sharing practices as a facilitating factor for improving organizational performance through human capital: A preliminary test. *Expert Systems with applications*, 35(3), 1316-1326.
- Kim, D., & Kawachi, I. (2007). US state-level social capital and health-related quality of life: multilevel evidence of main, mediating, and modifying effects. *Annals of epidemiology*, 17(4), 258-269.
- Landry, R., Amara, N., & Lamari, M. (2002). Does social capital determine innovation? To what extent?. *Technological forecasting and social change*, 69(7), 681-701.

- Lee, C. C., Yeh, W. C., Yu, Z., & Luo, Y. C. (2023). Knowledge sharing and innovation performance: a case study on the impact of organizational culture, structural capital, human resource management practices, and relational capital of real estate agents. *Humanities and Social Sciences Communications*, 10(1), 1-16.
- Lin, H. F. (2007). Knowledge sharing and firm innovation capability: an empirical study. *International Journal of manpower*, 28(3/4), 315-332
- Muhammad, N., Rahman, B. A., Abd Rahman, W. Z., Idris, A. R., Sabri, S. M., & Jusoff, K. (2011). Knowledge management practices (KMP) and academic performance in Universiti Teknologi Mara (UITM) Terengganu, Malaysia. *World Applied Sciences Journal*, 12(12), 21-26.
- Murovec, N., & Prodan, I. (2009). Absorptive capacity, its determinants, and influence on innovation output: Cross-cultural validation of the structural model. *Technovation*, 29(12), 859-872.
- Noghani, M. & Asgharpour A. (2008), Quality of life for citizens and relationship to social capital in Mashhad city. *Journal of Social Sciences*, Ferdowsi University of Mashhad. 1(5).
- Olan, F., Arakpogun, E. O., Suklan, J., Nakpodia, F., Damij, N., & Jayawickrama, U. (2022). Artificial intelligence and knowledge sharing: Contributing factors to organizational performance. *Journal of Business Research*, 145, 605-615.
- Oxoby, R. (2009). Understanding social inclusion, social cohesion, and social capital. *International Journal of social economics*, 36(12), 1133-1152.
- Salopek, J. J., & Dixon, N. M. (2000). Common knowledge: How companies thrive by sharing what they know. *Training & Development*, 54(4), 63-64.
- Terry Kim, T., Lee, G., Paek, S., & Lee, S. (2013). Social capital, knowledge sharing and organizational performance: what structural relationship do they have in hotels?. *International Journal of Contemporary Hospitality Management*, 25(5), 683-704.
- Tiago, F.G., Tiago, M.T., & Couto, J.P. (2008). Assessing the Drivers of Virtual Knowledge Management Impact in European Firm's Performance: An Exploratory Analysis. *Electronic Journal of Knowledge Management*, 7, 277-286.
- Tymon, W. G., & Stumpf, S. A. (2003). Social capital in the success of knowledge workers. *Career Development International*, 8(1), 12-20.
- Zhang, H., Gupta, S., Sun, W., & Zou, Y. (2020). How social-media-enabled co-creation between customers and the firm drives business value? The perspective of organizational learning and social Capital. *Information & Management*, 57(3), 103200.

The impact of corporate social performance on the market performance of companies listed on the Tehran Stock Exchange with the moderating role of business strategy

Hosein Asgari Alouj¹

Received: November 28, 2023

Accepted: December 21, 2023

Abstract

Purpose: The performance of companies is measured based on the achievement of short-term and long-term goals. For this reason, performance is considered a suitable indicator to reach the set goals. Several factors are effective in increasing the market performance of companies. The most important success criterion for companies is their market performance. This research sought to determine the moderating role of business strategy in the effect of corporate social performance on the market performance of companies listed on the Tehran Stock Exchange.

Methodology: The collected data of 117 companies from 2013 to 2021 was tested by the first-order generalized least squares regression method. To measure the corporate social performance, social dimensions, corporate governance, and environment are used, and to measure the market performance of the company, two criteria, Tobin's Q ratio and the MBV of the company, have been used.

Findings: The research findings showed that corporate social performance has a positive and significant effect on the company's market performance. In addition, the findings of the research showed that the aggressive business strategy has strengthened the effect of corporate social performance on the company's market performance.

Originality: The results of the research can be effective in revising and modifying the guidelines and reporting framework of corporate social performance information so that it helps all stakeholders and users evaluate the level of companies attention to the impact of the corporate social performance on market performance.

Keywords: Business strategy, corporate social performance, market performance.

JEL Classification: G40, G41, G20, G4, M14

1. Assistant Professor, Department of Accounting, Bilesavar Branch, Islamic Azad University, Bilesavar, Iran. (Corresponding Author). (hosein.asgari@ut.ac.ir)

Cite this paper: Asgari Alouj, H. (2023). The impact of corporate social performance on the market performance of companies listed on the Tehran Stock Exchange with the moderating role of business strategy. *Journal of Accounting & Financial Transparency*, 1(1), 99-121. [In Persian]

تأثیر عملکرد اجتماعی شرکت بر عملکرد بازار شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با

نقش تعدیلی راهبرد تجاری

حسین عسگری آلوج^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۰۷

چکیده

هدف: عملکرد شرکت‌ها بر اساس دستیابی به اهداف ترسیم شده کوتاه مدت و بلند مدت اندازه‌گیری می‌شوند. بدین جهت، عملکرد شاخص مناسبی جهت دسترسی به اهداف ترسیم شده تلقی می‌گردد. عوامل متعددی در افزایش عملکرد بازار شرکت‌ها مؤثر هستند. از مهم‌ترین معیارهای موفقیت شرکت‌ها عملکرد بازار آن‌هاست. این پژوهش به دنبال تعیین نقش تعدیل‌گری راهبرد تجاری در تأثیر عملکرد اجتماعی شرکت بر عملکرد بازار شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است.

روش‌شناسی: اطلاعات ۱۱۷ شرکت در بازه زمانی ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۰ گردآوری و با استفاده از روش رگرسیون حداقل مربعات تعمیم یافته مرتبه اول مورد آزمون قرار گرفته است. برای اندازه‌گیری عملکرد اجتماعی شرکت‌ها از ابعاد اجتماعی، حاکمیت شرکتی و محیط زیستی استفاده شده و برای اندازه‌گیری عملکرد بازار شرکت از دو معیار نسبت کیوتوبین و ارزش بازار به دفتری شرکت استفاده شده است.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان داد که عملکرد اجتماعی شرکت بر عملکرد بازار شرکت تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد. علاوه بر این یافته‌های پژوهش نشان داد که راهبرد تجاری تهاجمی باعث تقویت تأثیر عملکرد اجتماعی شرکت بر عملکرد بازار شرکت شده است.

دانش افزایی: نتایج پژوهش می‌تواند در بازنگری و اصلاح دستورالعمل‌ها و چارچوب گزارشگری اطلاعات عملکرد اجتماعی شرکت‌ها مؤثر باشد، بطوری که به تمامی ذینفعان و استفاده‌کنندگان کمک کند تا میزان توجه شرکت‌ها به تأثیر عملکرد اجتماعی شرکت بر عملکرد بازار را مورد ارزیابی ارزیابی قرار دهند.

کلیدواژه‌ها: راهبرد تجاری، عملکرد اجتماعی شرکت، عملکرد بازار شرکت.

طبقه‌بندی موضوعی: G40, G41, G20, G4, M14

۱. استادیار، گروه حسابداری، واحد بیله سوار، دانشگاه آزاد اسلامی، بیله سوار، ایران. (نویسنده مسئول). (hosein.asgari@ut.ac.ir)

استناد: عسگری آلوج، حسین. (۱۴۰۲). تأثیر عملکرد اجتماعی شرکت بر عملکرد بازار شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با نقش تعدیلی راهبرد تجاری. حسابداری و شفافیت مالی، ۱(۱)، ۹۹-۱۲۱.

مقدمه

شرکت‌ها برای موفقیت در رقابت با سایر رقبا، از شاخص‌های مناسب برای ارزیابی عملکرد خود استفاده می‌کنند تا با شناسایی نقاط ضعف و قوت، به دنبال بهبود وضعیت عملکردی خود باشند. یکی از شاخصه‌هایی که بیانگر چگونگی استفاده بهینه از منابع سازمانی در راستای تولید، نسبت به بهترین عملکرد در مقطعی از زمان است، بازده شرکت می‌باشد (پام و دائو^۱، ۲۰۲۲). متغیرهای بازده دارایی‌ها، بازده حقوق صاحبان سهام، بازده فروش و سود پس از مالیات به عنوان معیارهای عملکرد حسابداری و کیو توبین و ارزش بازار به دفتری بعنوان معیارهای عملکرد بازار و از مجموع معیارها برای محاسبه بازده شرکت (بازده حسابداری و بازار) استفاده شده است. ژائو و رنگ آراجان^۲ (۲۰۲۰) متغیرهای عملکرد پایداری شرکتی را به صورت کلی و جداگانه در سطوح عملکرد زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی و متغیر عملکرد شرکتی را در سطوح معیارهای حسابداری و معیارهای مبتنی بر بازار مورد ارزیابی قرار دادند. دیدگاه‌های سنتی اقتصادی، عملکرد مالی شرکت را عمدتاً به تولید و فروش وابسته دانسته و بیان می‌کنند که شرکت‌ها صرفاً با پرداختن به فعالیت‌های اصلی می‌توانند نسبت به تحقق بازده مورد انتظار سهامداران اقدام کنند. از اواخر قرن بیستم همگام با ظهور تئوری‌های سیستمی، ادبیات پژوهشی به سوی سنجش عملکرد اجتماعی شرکتی در کنار عملکرد مالی و تاثیر آن بر عملکرد مالی و سایر معیارهای مالی شرکت‌ها حرکت نمود (پالترینی و همکاران^۳، ۲۰۲۰). تئوری‌های سیستمی بر پایه گزارشگری اجتماعی شرکت‌ها نسبت به عموم ذینفعان بنا شده‌اند که شامل تئوری ذینفعان، تئوری مشروعیت و تئوری اخلاقی است. علاوه بر این تاثیر عملکرد اجتماعی بر عملکرد مالی از طریق تئوری‌هایی مانند تئوری نمایندگی و تئوری علامت دهی نیز قابل توجه هستند (وونگ^۴، ۲۰۲۲). بر اساس تئوری مشروعیت، شرکت‌ها برای مشروعیت بخشی به فعالیت‌های خود در نگاه مصرف کنندگان به دنبال توجه بیشتر به عملکرد اجتماعی خود و گزارشگری عملکرد در این حوزه هستند تا به واسطه کسب شهرت، از این مزیت رقابتی در رقابت با سایر رقبا، فروش بیشتری داشته و عملکرد مالی خود را بهبود دهند (ینگ و همکاران^۵، ۲۰۲۱). بر مبنای تئوری نمایندگی، افشای عملکرد اجتماعی شرکت باعث کاهش عدم تقارن اطلاعاتی ما بین شرکت و ذینفعان شده و هزینه‌های نمایندگی را کاهش می‌دهد (حبش و حداد^۶، ۲۰۲۰؛ چنگ و همکاران^۷، ۲۰۲۰). بر اساس نظریه اخلاقی، شاخص موفقیت شرکت، صرفاً بر پایه سود گزارش نمی‌شود، بلکه به وسیله حاکمیت شرکتی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، رفتار اخلاقی و برنامه‌های زیست محیطی آنها مشخص می‌شود (بروکت و رضائی^۸، ۲۰۱۲). بر اساس تئوری علامت دهی نیز شرکت‌ها برای جلب توجه سهامداران و سرمایه‌گذاران، با گزارش عملکرد خود در عملکرد اجتماعی، باعث انتشار پیام‌های مثبت به جامعه می‌شوند که نتیجه آن، افزایش اعتماد فعالان بازار به شرکت و رشد شاخص‌های سودآوری و ارزش شرکت خواهد بود (عسگری آلوج و خباط العنزی، ۱۴۰۲).

1. Pham & Dao

2. Jha & Rangarajan

3. Paltrinieri *et al.*

4. Voung

5. Ying *et al.*

6. Habbash & Haddad

7. Cheng *et al.*

8. Brockett & Rezaee

هدف عملکرد اجتماعی شرکت دستیابی به توسعه پایدار اقتصادی از طریق بهبود کیفیت زندگی کارکنان شرکت‌ها و خانواده‌های آنها، محیط زیست و کل جامعه می‌باشد. عملکرد اجتماعی بر موضوعات مهمی مانند اخلاق، محیط زیست، سلامت، آموزش، حقوق بشر تاکید دارد، اگر چه فعالیتهای پایداری شرکتی برای واحدهای اقتصادی هزینه دارد اما با ارتقای شهرت و اعتبار آنها در طولانی مدت منجر به کاهش هزینه‌ها و افزایش فروش، بهبود عملکرد مالی و توانایی رقابت و کاهش ریسک از جمله ریسک ورشکستگی می‌گردد (کمالی رضائی و همکاران، ۲۰۱۹). برخی از محققین براین عقیده‌اند که اغلب پرسشهای مطرح شده توسط سهامداران و سرمایه‌گذاران، ممکن است مرتبط با این موضوع باشد که آیا تعهد شرکت به مسئولیت اجتماعی در نهایت منجر به عملکرد مالی بهتر می‌شود یا خیر؟ اکثر پژوهش‌های مسئولیت اجتماعی، سوددهی شرکت‌ها را ارزیابی نموده‌اند (داداشی و پورعلی، ۱۴۰۱).

به منظور بهبود عملکرد اجتماعی، عملکرد بازار شرکت‌ها در این زمینه باید اندازه‌گیری شود. در این راستا چارچوب روش شناختی متعددی ارائه شده است تا عملکرد اجتماعی شرکت‌ها را قابل درک‌تر، کاربردی‌تر و کمی‌تر کنند (نیکولا و همکاران^۱، ۲۰۱۸). نظریه سازمانی بیان می‌دارد که شرکت‌ها در صنعت خود از راهبردهای مختلفی پیروی می‌نمایند که این راهبرد به ویژگی‌های شرکت بستگی دارد (بنتلی و همکاران^۲، ۲۰۱۷). نتایج برخی از پژوهش‌ها نشان می‌دهد که راهبردهای تجاری شرکت‌ها نیز می‌توانند یکی از عوامل اثرگذار بر عملکرد شرکت (کارایی) سرمایه‌گذاری در نیروی کار باشد (حبیب و حسن، ۲۰۲۱). شرکت‌های تهاجمی اغلب شرکت‌های نوآوری هستند که به دنبال محصولات جدید و بهره‌برداری از فرصت‌های بازار هستند. آنها بخش زیادی از بودجه خود را به تحقیق، توسعه و بازاریابی اختصاص می‌دهند، علاوه بر این، طیف گسترده‌ای از محصولات را در اختیار دارند، تمایل دارند به سرعت ترکیب محصولات خود را تغییر دهند تا بتوانند اولین قدرت را در بازار مربوطه داشته باشند (طهماسبی آقبلاعی، ۱۴۰۱). دو بعد از انواع راهبردهای تجاری شرکت‌ها راهبرد تهاجمی و راهبرد تدافعی می‌باشد، که هر کدام از این دو راهبرد بسته به شرایط بازار و نیز تصمیمات کلان مدیریتی برای دوره‌های معمولاً بلندمدت انتخاب می‌شود. در بررسی ادبیات رابطه بین عملکرد اجتماعی و بازده (عملکرد حسابداری) شرکت بررسی شده است، ولی پژوهش‌چندانی در این راستا که چگونه می‌توان از مزایای عملکرد اجتماعی شرکت در جهت بهبود عملکرد بازار شرکت استفاده کرد، قابل مشاهده نیست. بنابراین پژوهش حاضر عملکرد اجتماعی شرکت را به عنوان یکی از موضوعات مطرح در حوزه حسابداری مطالعه نموده و چگونگی رابطه آن با عملکرد بازار را مورد بررسی قرار می‌دهد. و جهت پوشش این خلاء تلاش می‌نماید از راهبرد تجاری به عنوان متغیر تعدیلگر بهره بگیرد. تا تأثیر پذیری رابطه عملکرد اجتماعی و عملکرد بازار بر اساس دو راهبرد تهاجمی و تدافعی در محیط بازار سرمایه ایران را مورد آزمون قرار گیرد. این پژوهش به دنبال یافتن پاسخ به سوال‌های زیر انجام می‌گیرد:

سوال ۱) آیا عملکرد اجتماعی بر عملکرد بازار شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد؟

سوال ۲) آیا راهبرد تجاری در تأثیر عملکرد اجتماعی بر عملکرد بازار شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران نقش تعدیل‌گری دارد؟

^۱. Nikolaou et al.

^۲. Bentley et al.

در ادامه پژوهش ابتدا مبانی نظری و پیشینه پژوهش بررسی می‌شود سپس در قسمت سوم روش شناسی پژوهش بحث می‌شود و در ادامه تجزیه و تحلیل داده‌ها تشریح می‌شود و انتهای پژوهش نتایج یافته‌ها، پیشنهادات و محدودیت‌های پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

مفهوم عملکرد اجتماعی شرکت برای اولین بار در دهه ۱۹۲۰ میلادی مطرح گردید ولی به دلیل رکود بزرگ و جنگ جهانی دوم، نتوانست به عنوان یک موضوع جدی تا دهه ۱۹۵۰ میان رهبران کسب و کار جایگاهی پیدا کند. عملکرد اجتماعی شرکت یکی از مکانیسم‌هایی است که اخلاق مدیران را با انتظارات ذینفعان همسو می‌کند (عسگری آلوچ و خباط العنزی، ۱۴۰۲). افشای عملکرد اجتماعی سازوکار موثری برای سرمایه‌گذاران بالقوه تلقی می‌شود تا تصمیمات صحیح سرمایه‌گذاری اتخاذ کرده و به طور موثر هزینه‌های سرمایه‌گذاری را کاهش دهند (ژانگ و همکاران، ۲۰۱۷). گزارشگری عملکرد اجتماعی عموماً دارای ماهیت داوطلبانه و اختیاری بوده و به فعالیت‌های که با قانون هم در تعارض نیست مربوط می‌گردد و حتی پایداری شرکتی ممکن است انتظارات در حال تغییر جامعه را نیز منعکس کند (تران^۱، ۲۰۱۷).

کردستانی و همکاران (۱۳۹۷) تأثیر افشای مسئولیت اجتماعی بر معیارهای حسابداری، اقتصادی و بازار ارزیابی عملکرد شرکت‌ها طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۴ را مورد بررسی قرار داده‌اند و نتایج نشان می‌دهد که سطح افشای مسئولیت اجتماعی تأثیر مثبت معنی‌داری بر نرخ بازده دارایی‌ها، سود هر سهم و ارزش افزوده اقتصادی شرکت‌ها دارد؛ سطح افشای مسئولیت اجتماعی تأثیر منفی معنی‌داری بر نرخ هزینه سرمایه شرکت‌ها داشته و سطح افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها بر معیارهای ارزش افزوده بازار و نرخ بازده سهام تأثیر معنی‌داری ندارد.

امیری و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی به تأثیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر عملکرد مالی با نقش واسطه‌ای فعالیت‌های سیاسی شرکت در مجتمع گاز پارس جنوبی به شناسایی مولفه‌های تأثیرگذار عوامل موثر بر عملکرد مالی پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر عملکرد مالی و فعالیت‌های سیاسی شرکت تأثیر مثبت و معنی‌داری داشته و فعالیت‌های سیاسی شرکت نیز بر عملکرد مالی تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد.

بابائی و همکاران (۱۴۰۰) پژوهشی با موضوع رابطه بین عملکرد پایداری و ارزش شرکت: با تأکید بر نقش امتیاز افشا و اندازه شرکت انجام و نتایج نشان می‌دهد بین ابعاد مالی (بعد اقتصادی) و غیرمالی عملکرد پایداری شرکتی (ابعاد اجتماعی، حاکمیتی، زیست‌محیطی و اخلاقی) و ارزش شرکت رابطه مثبت و معنی‌داری وجود داشته و شرکت‌هایی که عملکرد پایداری بالاتری دارند، تأثیر عملکرد پایداری بر ارزش شرکت در آن‌ها بیشتر مشاهده می‌گردد. همچنین نتایج نشان داد که شرکت‌هایی که امتیاز افشای بالاتری دارند، تأثیر عملکرد پایداری بر ارزش شرکت در آن‌ها بیشتر بوده و تأثیر عملکرد پایداری بر ارزش شرکت در شرکت‌های بزرگ و کوچک تقریباً برابر می‌باشد.

جلالیان لرکی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی به بررسی رابطه مدیریت سبز و عملکرد اقتصادی، عملکرد زیست‌محیطی و عملکرد اجتماعی پرداختند. نتایج به دست آمده با استفاده از روش تحلیل ساختاری نشان داد مدیریت

^۱. Tran

سبز با عملکرد اقتصادی، عملکرد زیست‌محیطی و عملکرد اجتماعی ارتباط مثبت معناداری دارد و شدت ارتباط بین مدیریت سبز با عملکرد زیست‌محیطی بیشتر از دو بعد دیگر عملکرد پایدار است.

قوامی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان تأثیر مسئولیت پذیری اجتماعی بر عملکرد مالی، شمول مالی و ثبات مالی در بخش بانکداری، اطلاعات ۱۱۰ شعبه از بانک‌های ملت مستقر در شهر تهران را در بازه زمانی ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۹ مورد بررسی و آزمون آماری قرار داده و یافته‌ها نشان می‌دهد که مسئولیت پذیری اجتماعی بر عملکرد مالی بانکهای مورد بررسی تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد.

رشیدی و حسینی (۱۴۰۱) در پژوهشی با موضوع تأثیر احساسات سرمایه‌گذاران بر عملکرد اجتماعی شرکت را بررسی و یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مسئولیت پذیری اجتماعی بر بازده سهام تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد. و پس از دوره‌های احساسی بالا، شرکت‌های دارای مسئولیت پذیری اجتماعی، بازده کمتری را تحصیل می‌کنند. بنابراین، به عنوان یک استراتژی مهم، افشای عملکرد مسئولیت‌پذیری اجتماعی تحت تأثیر احساسات سرمایه‌گذار قرار می‌گیرد. رضایی و همکاران (۱۴۰۱) راهبرد تجاری و کارایی سرمایه‌گذاری در نیروی کار شرکت‌ها را بررسی نمودند. نتایج نشان می‌دهد که بین راهبرد تجاری و ناکارایی سرمایه‌گذاری در نیروی کار رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد؛ به این معنا که شرکت‌های دارای راهبرد تهاجمی، کارایی کمتری در سرمایه‌گذاری نیروی کار نسبت به شرکت‌های تدافعی از خود نشان می‌دهند. همچنین، یافته‌های آنها حاکی است که بین راهبرد تجاری و بیش‌سرمایه‌گذاری (کم‌سرمایه‌گذاری) در نیروی کار رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد؛ به این معنا که شرکت‌های تهاجمی (تدافعی) بیشتر درگیر بیش‌سرمایه‌گذاری (کم‌سرمایه‌گذاری) در نیروی کار می‌شوند.

داداشی و پورعلی (۱۴۰۱) در مطالعه دیگری تأثیر مسئولیت اجتماعی و ریسک‌پذیری شرکت‌ها بر عملکرد را با توجه به متغیر تعدیل‌گر محدودیت مالی بررسی کرده‌اند و یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مسئولیت اجتماعی و ریسک‌پذیری تأثیر معکوس و معنادار بر عملکرد شرکت دارند. همچنین متغیر تعدیل‌گر محدودیت مالی بر رابطه بین مسئولیت اجتماعی و عملکرد تأثیر مثبت و معنادار دارد اما بر رابطه ریسک‌پذیری و عملکرد تأثیر معنادار ندارد.

عسگری آلوچ و خباط العنزی (۱۴۰۲) تأثیر عملکرد اجتماعی شرکت بر عملکرد مالی با تأکید بر نقش تعدیلگری احساسات سرمایه‌گذار بررسی کرده‌اند و نتایج حاکی است که احساسات سرمایه‌گذار بر عملکرد مالی تأثیر مثبت و معنی‌داری داشته است. همچنین تأثیر عملکرد اجتماعی شرکت بر عملکرد مالی بصورت مستقیم و معنی‌دار مشاهده گردیده است. در نهایت یافته‌های پژوهش نشان داد که احساسات سرمایه‌گذار باعث تقویت تأثیر عملکرد اجتماعی شرکت بر عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران گردیده است.

آبگینه و همکاران (۱۴۰۲) به بررسی رابطه افشای اطلاعات زیست‌محیطی و عملکرد مالی پرداخته‌اند که یافته‌های آنها نشان می‌دهد که بین افشای اطلاعات زیست‌محیطی و عملکرد مالی رابطه معناداری وجود دارد. توجه به افشای اطلاعات زیست‌محیطی به خصوص در صنایع آلاینده سبب ایجاد ارزش و توسعه پایدار شرکت‌ها خواهد شد.

وونگ (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان احساسات سرمایه‌گذار، پایداری شرکتی و عملکرد مالی: مطالعه‌ای از شرکت‌های ژاپنی با استفاده از رگرسیون چند متغیره به شناسایی رابطه احساسات سرمایه‌گذار، پایداری شرکتی و عملکرد مالی پرداخته است. یافته‌های پژوهش بیانگر این است که احساسات سرمایه‌گذار موجب افزایش ارزش

شرکت‌ها می‌شود و بر سودآوری (بازده دارایی‌ها)، تاثیر مثبت و معنی‌داری داشته است. نتایج پژوهش نشان داد که پایداری شرکتی بر ارزش شرکت‌ها تاثیر منفی و معنی‌داری دارد و این در حالیست که تاثیر پایداری شرکتی بر سودآوری شرکت مثبت است. یافته‌های پژوهش نشان داد که احساسات سرمایه‌گذار در رابطه پایداری شرکتی و عملکرد مالی نقش تعدیلگری ایفا می‌کند.

وو و لی^۱ (۲۰۲۳) در پژوهشی رابطه بین افشای محیطی و عملکرد مالی را بررسی نموده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که بین افشای اجباری محیطی و افشای داوطلبانه محیطی و عملکرد مالی رابطه مثبت وجود دارد. توسعه اقتصادی ارتباط مثبتی با عملکرد مالی شرکت دارد و همچنین رابطه بین افشای محیطی و عملکرد مالی را تقویت می‌کند. نفوذ اطلاعات به طور مثبت با عملکرد مالی شرکت مرتبط است، اما رابطه بین افشای محیطی و عملکرد مالی را تضعیف می‌کند. با گذشت زمان، عملکرد مالی شرکت به طور کلی افزایش قابل توجهی پیدا کرده است.

خان و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهشی موضوع ارتباط بین مسئولیت اجتماعی شرکت و عملکرد شرکت را بررسی کرده‌اند. این مطالعه شواهد بین‌المللی را ارائه می‌کند که عملکرد اجتماعی، عملکرد مالی را افزایش می‌دهد. علاوه بر این، مزایای کمیته‌های عملکرد اجتماعی از نظر افزایش تاثیر مثبت عملکرد اجتماعی بر عملکرد مالی در کشورهای دارای حاکمیت قوی و در صنایع کمتر حساس به محیط زیست به طور قابل توجهی بیشتر است.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر هدف کاربردی، از نظر نحوه گردآوری داده‌ها، توصیفی و از نوع همبستگی پس رویدادی یا گذشته نگر است. داده‌های مورد نظر متغیرها از اطلاعات صورت‌های مالی شرکت‌ها به روش کتابخانه‌ای و با مراجعه به لوح‌های فشرده سازمان بورس اوراق بهادار تهران، نرم افزار تدبیر پرداز و سایت اطلاع رسانی شرکت بورس گردآوری و به منظور بررسی ادبیات و مبانی نظری متغیرهای پژوهش نیز از روش کتابخانه‌ای با مراجعه به کتب، مقالات و پایان‌نامه‌های مرتبط استفاده شده است.

جامعه آماری پژوهش حاضر شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشند. با استفاده از روش حذف سامانمند، نمونه نهایی انتخاب می‌شود. پس از نظر گرفتن شرایط حذفی ۱۱۷ شرکت به عنوان نمونه نهایی پژوهش انتخاب گردید.

در پژوهش حاضر به پیروی از پژوهش (پام و دائو، ۲۰۲۲)، عملکرد بازار (MKT) از دو معیار کیوتوین و ارزش بازار به دفتری (MBV) شرکت که معیار موفقیت شرکت در ایجاد ارزش برای سهامداران هستند، استفاده شده است. برای اظهار نظر نسبت به فرضیه‌های پژوهش، از مدل‌های رگرسیونی (۱) و (۴) برای آزمون فرضیه اول پژوهش و از مدل‌های رگرسیونی (۶) و (۷) برای آزمون فرضیه دوم پژوهش استفاده شد.

$$Q.Tobin_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 CSP_{i,t} + \beta_2 SIZE_{i,t} + \beta_3 Lev_{i,t} + \beta_4 B.Size_{i,t} + \beta_5 B.Ind_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{رابطه (۱)}$$

$Q.Tobin_{i,t}$: نسبت کیوتوبین شرکت i در دوره t : شاخصی برای اندازه گیری ارزش شرکت بوده که بر مبنای رابطه (۲) اندازه گیری شده است (پام و دائو، ۲۰۲۲).

$$Tobin Q = \frac{\text{تعداد سهام در دست سهامداران} \times \text{ارزش بازار هر سهم} + \text{ارزش دفتری کل بدهی ها}}{\text{ارزش دفتری کل دارایی شرکت}} \quad \text{رابطه (۲)}$$

عملکرد اجتماعی شرکتی (CSP^۱): در پژوهش حاضر با پیروی از پژوهش (وونگ، ۲۰۲۲)، عملکرد زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی شرکت برای تعیین میزان عملکرد اجتماعی شرکتی استفاده می شود نحوه سنجش این متغیر منطبق با محیط گزارشگری ایران با استفاده از عملکرد زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی (ESG) به پیروی از (عسگری آلوج و خباط العنزی، ۲۰۲۳)، از الگوی وزنی (فخاری و همکاران، ۱۳۹۶) که برای سنجش میزان گزارشگری زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی شرکت های فعال در بازار سرمایه ایران ارائه دادند، استفاده شد. بدین صورت که براساس چک لیست پژوهش مذکور، گزارشات هیئت مدیره به دقت مورد تحلیل محتوا قرار گرفته و در صورت وجود هر شاخص برای آن امتیاز ۱ و در غیر اینصورت امتیاز صفر در نظر گرفته شده است که برای هر شرکت بصورت جداگانه محاسبه می گردد.

$$ESG = 0.337E + 0.388S + 0.275G \quad \text{رابطه (۳)}$$

که در رابطه (۳)، ESG نمایانگر نمره میزان گزارشگری زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی، E نمایانگر نمره بعد زیست محیطی، S نمایانگر نمره بعد اجتماعی و G نمایانگر نمره بعد حاکمیتی است. شاخص های مربوط به ابعاد افشا زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی به شرح جدول ۱ بوده که برای هر شرکت یک میانگین ابعاد طبق پژوهش های وونگ (۲۰۲۲)، ییلوئی خمسلوئی (۱۳۹۷) و عسگری آلوج و خباط العنزی (۱۴۰۲) براساس شاخص های جدول ۲ محاسبه و ESG هر شرکت طبق رابطه (۳) بدست می آید. حداکثر امتیاز برای هر ابعاد یک شرکت همان ضرایب رابطه (۳) بوده و حداقل امتیاز هم صفر خواهد بود. هرچه این شاخص به ۱ نزدیک باشد نشانگر رعایت کامل استانداردهای سه گانه زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی (عملکرد اجتماعی شرکت) هست و هر چه به صفر نزدیک باشد نشانگر عدم رعایت استانداردهای عملکرد اجتماعی توسط شرکت می باشد.

$Size_{i,t}$: اندازه شرکت i در دوره t : شاخص دارایی ها بوده و از طریق لگاریتم طبیعی ارزش دفتری دارایی ها در پایان دوره مالی اندازه گیری شده است.

$Lev_{i,t}$: اهرم مالی شرکت i در دوره t : شاخص تامین مالی بوده و از طریق نسبت بدهی ها به دارایی ها سنجیده شده است.

$B.Size_{i,t}$: اندازه هیات مدیره شرکت i در دوره t : شاخصی از تنوع بخشی در هیات مدیره بوده و برابر است با تعداد اعضای هیات مدیره شرکت (سیلوا و همکاران، ۲۰۱۹).

$B.Ind_{i,t}$: استقلال هیات مدیره شرکت i در دوره t : شاخصی از حاکمیت شرکتی خوب بوده و از طریق نسبت اعضا غیر موظف به کل اعضای هیات مدیره اندازه گیری شده است (سیلوا و همکاران، ۲۰۱۹).

^۱. Corporate Social Performance

جدول ۱. شاخص‌های ابعاد زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی

شاخص‌های زیست محیطی (E)	شاخص‌های اجتماعی (S)	شاخص‌های حاکمیت شرکتی (G)
(۱) سیستم مدیریت محیطی	(۱) توسعه اجتماعی و بشردوستی	(۱) انطباق با قوانین
(۲) انرژی، بهره‌وری و آب	(۲) ادراک اجتماعی ذینفعان	(۲) اخلاق، فساد و اصول رفتاری
(۳) مسائل محیطی، محصولات خدمات و زنجیره تامین	(۳) عدم تبعیض و شمول اجتماعی	(۳) رعایت حقوق سهامداران
(۴) تغییرات آب و هوا	(۴) حقوق نیروی کار	(۴) ترکیب هیات مدیره
(۵) تنوع زیستی	(۵) سلامت، امنیت و بهره‌وری	(۵) کمیته‌ها
(۶) آلاینده‌گی و آلودگی ضایعات	(۶) رعایت اصول حقوق بشر	(۶) جبران عملکرد
(۷) ارزیابی ریسک محیطی	(۷) سلامت	(۷) مدیریت ریسک سرمایه‌گذاری
(۸) آموزش محیطی	(۸) مسائل اجتماعی مشتریان و زنجیره تامین	(۸) اقدامات نظارتی و مدیریت ریسک
(۹) شفاف سازی محیطی	(۹) حفظ نام تجاری و رفتار ضد رقابتی	(۹) شفاف سازی راهبری
	(۱۰) سرمایه‌گذاری، مسئولیت اجتماعی	
	(۱۱) یادگیری و آموزش اجتماعی	
	(۱۲) شفاف سازی اجتماعی	

منبع: فخاری و همکاران (۱۳۹۶)

$$MBV_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 CSP_{i,t} + \beta_2 Size_{i,t} + \beta_3 Lev_{i,t} + \beta_4 B.Size_{i,t} + \beta_5 B.Ind_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{رابطه (۴)}$$

ارزش شرکت (MBV) ارزش شرکت i در دوره t برابر است با نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سرمایه که به شرح رابطه (۵) اندازه‌گیری شده است (پام و دائو، ۲۰۲۲).

$$MBV_{i,t} = \frac{\text{ارزش بازار حقوق صاحبان سرمایه}}{\text{ارزش دفتری حقوق صاحبان سرمایه}} \quad \text{رابطه (۵)}$$

و سایر متغیرها از جمله CSP و متغیرهای کنترلی در رابطه (۱) تشریح شده است. عدم رد فرضیه اول منوط به مثبت بودن ضریب β_1 و معنادار بودن آماره آن در سطح ۰/۰۵ است.

$$Q.Tobin_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 CSP_{i,t} + \beta_2 BS_{i,t} + \beta_3 (CSP_{i,t} * BS_{i,t}) + \beta_4 Size_{i,t} + \beta_5 Lev_{i,t} + \beta_6 B.Size_{i,t} + \beta_7 B.Ind_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{رابطه (۶)}$$

$BS_{i,t}$: راهبرد تجاری شرکت i در دوره t : بنتلی و همکاران (بنتلی و همکاران، ۲۰۱۳) از یک مجموعه امتیاز ترکیبی مبتنی بر ویژگی‌های شرکت‌ها برای تعیین راهبرد تجاری استفاده کردند. امتیاز بالاتر نشان دهنده شرکت‌های دارای راهبرد تهاجمی و امتیازات پایین تر شرکت‌های تدافعی هستند. برای اندازه‌گیری راهبرد تجاری از سیستم امتیازدهی ترکیبی (بنتلی و همکاران، ۲۰۱۳) استفاده گردید. برای محاسبه امتیاز ترکیبی از امتیازات ترکیبی پنج نسبت نرخ رشد

فروش، هزینه تبلیغات به کل فروش، تعداد کارمندان به فروش، ارزش بازار شرکت به ارزش دفتری و نسبت دارایی‌های ثابت به کل دارایی‌ها بهره‌گیری می‌شود. بدین منظور ابتدا شرکت‌ها را بر اساس چهار نسبت اول، به ترتیب از بالا به پایین در پنج گروه (پنجک) تقسیم نموده و سپس شرکتی که در بالاترین پنجک قرار دارد امتیاز ۵ و شرکتی که در پایین‌ترین پنجک قرار می‌گیرد، امتیاز ۱ را کسب می‌کند و بقیه شرکت‌ها نیز متناسب با پنجک مربوطه امتیازدهی می‌شوند. در خصوص نسبت پنجم، روش امتیازدهی برعکس است؛ یعنی، این بار شرکتی که در بالاترین پنجک قرار می‌گیرد امتیاز ۱ و شرکتی که در پایین‌ترین پنجک قرار دارد امتیاز ۵ را کسب می‌کند و بقیه شرکت‌ها متناسب با پنجک مربوطه امتیازدهی می‌گردند. در ادامه، امتیازات به دست آمده از دو مرحله قبل با یکدیگر جمع شده تا امتیاز نهایی هر شرکت به دست آید؛ بنابراین، دامنه امتیازات ترکیبی (مجموع پنج نسبت فوق) هر شرکت طی یک سال بین ۵ تا ۲۵ خواهد شد. در نهایت، شرکت‌هایی که مجموع امتیازشان در بازه ۱۵ تا ۲۵ باشد، به عنوان شرکت‌های تهاجمی در نظر گرفته شده و به آن‌ها عدد ۱ اختصاص می‌یابد. در مقابل، برای شرکت‌هایی که مجموع امتیازشان در بازه ۵ تا ۱۵ باشد (شرکت‌های تدافعی)، عدد صفر منظور می‌شود.

$$MBV_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 CSP_{i,t} + \beta_2 BS_{i,t} + \beta_3 (CSP_{i,t} * BS_{i,t}) + \beta_4 Size_{i,t} + \beta_5 Lev_{i,t} + \beta_6 B.Size_{i,t} + \beta_7 B.Ind_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{رابطه (۷)}$$

برای آزمون فرضیه دوم پژوهش ضریب β_3 مورد توجه قرار خواهد گرفت. در صورتی که ضریب متغیر تعاملی (عملکرد اجتماعی شرکت*راهبرد تجاری) نسبت به ضریب در مدل‌های اول و دوم افزایش یافته باشد، بیانگر تایید نقش تعدیل‌گری راهبرد تجاری است.

یافته‌های پژوهش

با استفاده از نرم افزار استاتا آمار توصیفی جداول ۳ و ۴ استخراج شد که مشاهده ضریب چولگی و کشیدگی متغیرها بیانگر وجود داده‌های پرت در برخی متغیرها بوده است. برای رفع این مشکل که امکان ایجاد تورش در نتایج را افزایش می‌دهد نسبت به ترمیم داده‌های پرت اقدام شد. در این پژوهش از دستور وینزورایزینگ برای ترمیم داده‌های پرت استفاده شده است.

جدول ۲. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	مشاهدات	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر	چولگی	کشیدگی
نسبت کیوتوبین	۹۳۶	۲/۹۰۰	۱/۸۳۸	۱/۳۱۶	۷/۹۶۸	۱/۵۲۰	۴/۳۵۴
ارزش شرکت	۹۳۶	۴/۸۱۰	۴/۳۰۶	۱/۰۵۹	۱۷/۰۲۵	۱/۶۳۱	۴/۷۷۹
عملکرد اجتماعی شرکت	۹۳۶	۰/۴۱۳	۰/۱۸۲	۰/۱۳۹	۰/۸۲۱	۰/۵۲۳	۲/۳۶۷
اندازه شرکت	۹۳۶	۱۵/۰۰۲	۱/۴۷۰	۱۲/۹۰۹	۱۸/۴۷۳	۰/۸۱۸	۳/۰۰۸
اهرم مالی	۹۳۶	۰/۵۳۸	۰/۱۸۹	۰/۱۹۶	۰/۸۶۰	-۰/۰۹۴	۲/۰۵۰
اندازه هیات مدیره	۹۳۶	۵/۰۴۷	۰/۳۳۰	۳	۷	۴/۸۰۱	۳۴/۶۱۷
استقلال هیات مدیره	۹۳۶	۰/۶۵۴	۰/۲۰۵	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	-۰/۶۹۶	۴/۰۳۱

در این پژوهش اطلاعات ۱۱۷ شرکت در دوره زمانی ۸ ساله ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۰ گردآوری شده است که باعث مشاهده ۹۳۶ عدد برای هر متغیر گردیده است. عملکرد بازار شرکت بر حسب دو متغیر نسبت کیوتوبین و ارزش شرکت برآورد شده است. میانگین نسبت کیوتوبین در نمونه مورد بررسی ۲/۹۰۰ و کمترین مقدار گزارش شده برای این متغیر ۱/۳۱۶ و بیشترین مقدار ثبت شده برای آن ۷/۹۶۸ بوده است. ارزش شرکت نیز که بیانگر نسبت ارزش بازار سهام به ارزش دفتری سهام است برابر با ۴/۸۱۰ بوده و در بیشترین مقدار به ۱۷/۰۲۵ رسیده است. میانگین عملکرد اجتماعی شرکت نیز در نمونه مورد بررسی به میزان ۰/۴۱۳ بوده و در بازه ۰/۱۳۹ و ۰/۸۲۱ قرار داشته است. راهبرد تجاری نیز که یک متغیر دوجبهی می‌باشد.

جدول ۳. آمار توصیفی متغیرهای کیفی

متغیر	راهبرد تهاجمی	راهبرد تدافعی	جمع
تعداد شرکت-سال	۵۲۷	۴۰۹	۹۳۶
ارزش درج شده	۱	۰	-

در جدول ۳ گزارش شده است. بر اساس نتایج مشاهده می‌شود که ۵۶ درصد شرکت‌های مورد بررسی (۵۲۷ سال- شرکت) دارای راهبرد تهاجمی و مابقی شرکت‌ها (۴۰۹ سال- شرکت) راهبرد تدافعی را برای خود برگزیده‌اند. بیشترین انحراف معیار نیز به عملکرد بازار تعلق گرفته و کمترین انحراف معیار نیز به عملکرد اجتماعی شرکت تعلق گرفته است. در نمونه مورد بررسی چولگی اهرم مالی، و استقلال هیات مدیره به سمت چپ بوده و مابقی متغیرها دارای چولگی به سمت راست بوده‌اند. بیشترین چولگی و کشیدگی نیز به اندازه هیات مدیره تعلق یافته است.

آزمون تشخیص همخطی

در این پژوهش از آزمون عامل تورم واریانس برای بررسی هم خطی بین متغیرها استفاده گردیده است. که نتایج در جدول ۴ نشان داده شده است.

جدول ۴. نتایج حاصل از آزمون تشخیص همخطی

متغیرهای توضیحی	مدل اول	مدل سوم	نتیجه
	VIF	VIF	
عملکرد اجتماعی	۱/۰۲	۱/۰۲	همخطی وجود ندارد
راهبرد تجاری		۱/۰۴	همخطی وجود ندارد
اهرم مالی	۱/۰۹	۱/۰۹	همخطی وجود ندارد
اندازه شرکت	۱/۰۱	۱/۰۴	همخطی وجود ندارد
استقلال هیات مدیره	۱/۰۵	۱/۰۵	همخطی وجود ندارد
اندازه هیات مدیره	۱/۰۲	۱/۰۲	همخطی وجود ندارد
میانگین عامل تورم واریانس	۱/۰۵	۱/۰۵	همخطی وجود ندارد

نتایج گزارش شده در جدول ۴ بیانگر نبود هم خطی شدید بین متغیرهای توضیحی است. با توجه به مشترک بودن متغیرهای توضیحی مدل اول و دوم؛ مدل سوم و چهارم، بررسی دو مدل اول، سوم برای نبود هم خطی کفایت می نماید. علاوه بر این، در راستای اطمینان بیشتر نسبت به اجرای آزمون ضریب همبستگی پیرسون نیز اقدام گردید که نتایج حاکی از نبود همبستگی شدید در بین متغیرهای توضیحی بوده است.

جهت انتخاب بهترین مدل بین داده‌های تلفیقی و ترکیبی با روش اثرات ثابت از آزمون چاو (F تست) و در نهایت جهت انتخاب بهترین مدل بین داده‌های ترکیبی با روش اثرات ثابت و روش اثرات تصادفی از آزمون هاسمن استفاده شد که نتایج این آزمونها برای هر چهار مدل در جدول ۵ گزارش شده است.

جدول ۵. نتایج آزمون چاو و هاسمن- انتخاب الگوی مناسب برای آزمون فرضیه‌ها

الگوی انتخابی	آزمون هاسمن		آزمون چاو		مدل
	معنی‌داری	آماره	معنی‌داری	آماره	
اثرات ثابت	۰/۰۰۰	۱۶۰/۸۸	۰/۰۰۰	۳۶/۲۰	اول
اثرات ثابت	۰/۰۰۰	۱۴۶/۴۹	۰/۰۰۰	۲۰/۶۳	دوم
اثرات ثابت	۰/۰۰۰	۲۱۰/۴۷	۰/۰۰۰	۵۹/۴۱	سوم
اثرات ثابت	۰/۰۰۰	۱۸۳/۳۸	۰/۰۰۰	۴۵/۶۲	چهارم

با استفاده از آزمون والد تعدیل شده برای آزمون ناهمسانی واریانس استفاده گردید که نتایج این آزمون در جدول ۶ گزارش شده است. نتایج گزارش شده نشان می دهد که سطح معنی‌داری آزمون والد تعدیل شده در هر چهار مدل پژوهش کمتر از ۰/۰۵ است که حاکی از وجود ناهمسانی واریانس است. برای رفع این مشکل از مدل رگرسیونی حداقل مربعات تعمیم یافته GLS استفاده گردید و مشکل ناهمسانی واریانس ها رفع شد.

جدول ۶. نتایج آزمون ناهمسانی واریانس

نتیجه آزمون	آزمون والد تعدیل شده		مدل
	معنی‌داری	آماره	
وجود ناهمسانی واریانس	۰/۰۰۰	۵۶۷۵/۳۱	اول
وجود ناهمسانی واریانس	۰/۰۰۰	۱۵۸۱۲/۶۴	دوم
وجود ناهمسانی واریانس	۰/۰۰۰	۴۱۷۸/۵۱	سوم
وجود ناهمسانی واریانس	۰/۰۰۰	۳۷۶۴۹/۶۸	چهارم

در پژوهش حاضر به منظور بررسی خودهمبستگی سریالی بین باقیمانده‌ها، از آزمون والد ریج استفاده شده است که در جدول ۷، نتایج حاصل از آزمون والد ریج نشان داده شده است.

جدول ۷. نتایج آزمون عدم خودهمبستگی سریالی والدريج

مدل	آماره آزمون	سطح معنی داری	نتیجه
اول	۱۷۷/۲۱۸	۰/۰۰۰	وجود خودهمبستگی سریالی
دوم	۱۷۳/۷۵۶	۰/۰۰۰	وجود خودهمبستگی سریالی
سوم	۱۰۲/۵۰۵	۰/۰۰۰	وجود خودهمبستگی سریالی
چهارم	۸۸/۱۶۰	۰/۰۰۰	وجود خودهمبستگی سریالی

نتایج گزارش شده در جدول ۷ حکایت از وجود خودهمبستگی سریالی در باقیمانده‌های مدل پژوهش دارد، زیرا سطح معنی داری آزمون والدريج در هر چهار مدل پژوهش کمتر از ۰/۰۵ بوده است. برای رفع این مشکل مدل پژوهش با استفاده از روش رگرسیون حداقل مربعات تعمیم یافته مرتبه اول برآورد گردیده است. برای بررسی وابستگی مقطعی بین باقیمانده‌ها از آزمون پسران استفاده شده است که در جدول ۸ نتایج حاصل از آزمون پسران نشان داده شده است.

جدول ۸. نتایج آزمون همبستگی مقطعی بین باقیمانده‌ها

مدل	آماره آزمون	سطح معنی داری	نتیجه
مدل اول	۱۲۵/۹۹۱	۰/۰۰۰	وجود همبستگی مقطعی
مدل دوم	۱۲۲/۴۸۳	۰/۰۰۰	وجود همبستگی مقطعی
مدل سوم	۹۰/۶۲۱	۰/۰۰۰	وجود همبستگی مقطعی
مدل چهارم	۸۰/۴۱۱	۰/۰۰۰	وجود همبستگی مقطعی

یافته‌های گزارش شده از آزمون پسران در جدول ۸ نشان داده است که سطح معنی داری این آزمون برای هر چهار مدل پژوهش کمتر از ۰/۰۵ است که بیانگر وجود همبستگی مقطعی بین باقیمانده‌ها است. برای رفع این مشکل از روش رگرسیون حداقل مربعات تلفیقی استفاده گردیده است. در این پژوهش برای بررسی نرمال بودن باقیمانده‌ها از آزمون جارکیو برا بهره‌گیری شده است. نتایج این آزمون برای هر شش مدل پژوهش در جدول ۹ ارائه شده است.

جدول ۹. آزمون نرمال بودن باقیمانده‌ها (آزمون جارکیو- برا)

مدل مربوطه	آماره آزمون	نتیجه
مدل اول	۱۲/۶۰۹	عدم نرمال بودن باقیمانده‌ها
مدل دوم	۱۱/۰۷۹	عدم نرمال بودن باقیمانده‌ها
مدل سوم	۱۳/۰۰۲	عدم نرمال بودن باقیمانده‌ها
مدل چهارم	۱۰/۱۴۷	عدم نرمال بودن باقیمانده‌ها

بر اساس گزارش اجرای آزمون جارکیو برا، آماره این آزمون در هر چهار مدل پژوهش بیش از ۵/۹۹ بوده است. بنابراین باقیمانده‌های مدل نرمال نبوده‌اند. با توجه به برقراری فروض کلاسیک قبلی، ضرورتی برای نرمال بودن باقیمانده‌ها وجود ندارد.

آزمون آماری فرضیه‌های پژوهش

با توجه به وجود خودهمبستگی سریالی در مدل‌های پژوهش، با استفاده از روش حداقل مربعات تعمیم یافته مرتبه اول نسبت به آزمون چهار فرضیه پژوهش اقدام و نتایج ارائه شده است.

فرضیه اول: عملکرد اجتماعی شرکت بر عملکرد بازار شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر مثبت و معنی داری دارد.

فرضیه فرعی اول: عملکرد اجتماعی شرکت بر نسبت کیوتوبین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر مثبت و معنی داری دارد.

جدول ۱۰. نتایج آزمون فرضیه فرعی اول پژوهش

روش آزمون: حداقل مربعات تعمیم یافته مرتبه اول

$Q.Tobin_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 CSP_{i,t} + \beta_2 Size_{i,t} + \beta_3 Lev_{i,t} + \beta_4 B.Size_{i,t} + \beta_5 B.Ind_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$					
نام متغیر	نوع متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره Z	سطح معنی داری
عملکرد اجتماعی شرکت	مستقل	۰/۰۲۸	۰/۰۰۹	۲/۸۸	۰/۰۰۴
اندازه شرکت	کنترلی	-۰/۰۹۸	۰/۰۵۲	-۱/۸۹	۰/۰۵۸
اهرم مالی	کنترلی	-۲/۷۶۶	۰/۳۸۳	-۷/۲۲	۰/۰۰۰
اندازه هیات مدیره	کنترلی	-۰/۱۰۴	۰/۱۹۸	-۰/۵۳	۰/۵۹۶
استقلال هیات مدیره	کنترلی	-۰/۱۶۷	۰/۳۱۳	-۰/۵۳	۰/۵۹۳
ضریب ثابت		۶/۷۳۳	۱/۲۸۶	۵/۲۳	۰/۰۰۰
ضریب تعیین: ۰/۴۰۳۴	ضریب آماره والد: ۵۶/۳۶				
ضریب تعیین تعدیل شده: ۰/۳۹۱	سطح معنی داری آماره والد: ۰/۰۰۰				

همان‌گونه که در جدول ۱۰ گزارش شده است، ضریب تأثیر متغیر عملکرد اجتماعی شرکت برابر با ۰/۰۲۸ و سطح معنی داری آماره آن برابر با ۰/۰۰۴ است. این بدان معناست که در سطح اطمینان ۹۵ درصد، عملکرد اجتماعی شرکت بر عملکرد بازار (نسبت کیوتوبین) شرکت‌های مورد بررسی تأثیر مثبت و معنی داری داشته است. بنابراین فرضیه فرعی اول پژوهش رد نشده است. از سویی برای بررسی معنی داری کل مدل به آماره آزمون والد توجه می‌شود. همان‌گونه که مشخص است، سطح معنی داری آماره این آزمون نیز برابر با ۰/۰۰۰ است که کمتر از ۰/۰۵ بوده و معنی داری کل مدل را تایید می‌نماید. همچنین ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد که متغیرهای توضیحی (مستقل و کنترلی) استفاده شده در مدل توانایی پیش‌بینی ۳۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته را دارند.

فرضیه فرعی دوم: عملکرد اجتماعی شرکت بر ارزش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر مثبت و معنی داری دارد.

جدول ۱۱. نتایج آزمون فرضیه فرعی دوم پژوهش

روش آزمون: حداقل مربعات تعمیم یافته مرتبه اول

$$MBV_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 CSP_{i,t} + \beta_2 Size_{i,t} + \beta_3 Lev_{i,t} + \beta_4 B.Size_{i,t} + \beta_5 B.Ind_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

نام متغیر	نوع متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره Z	سطح معنی داری
عملکرد اجتماعی شرکت	مستقل	۰/۰۵۹	۰/۰۲۴	۲/۴۵	۰/۰۱۴
اندازه شرکت	کنترلی	-۰/۱۷۲	۰/۱۲۹	-۱/۳۴	۰/۱۸۲
اهرم مالی	کنترلی	۲/۲۴۴	۰/۹۴۷	۲/۳۷	۰/۰۱۸
اندازه هیات مدیره	کنترلی	-۰/۵۲۰	۰/۴۸۷	-۱/۰۷	۰/۲۸۶
استقلال هیات مدیره	کنترلی	-۰/۱۱۱	۰/۷۶۹	-۰/۱۵	۰/۸۸۵
ضریب ثابت		۹/۳۶۵	۳/۱۷۸	۲/۹۵	۰/۰۰۳
ضریب تعیین: ۰/۴۱۶۷				ضریب آماره والد: ۱۹/۲۲	
ضریب تعیین تعدیل شده: ۰/۴۰۱				سطح معنی داری آماره والد: ۰/۰۰۲	

همان‌گونه که در جدول ۱۱ گزارش شده است، ضریب تأثیر متغیر عملکرد اجتماعی شرکت برابر با ۰/۰۵۹ و سطح معنی داری آماره آن برابر با ۰/۰۱۴ است. این بدان معناست که در سطح اطمینان ۹۵ درصد، عملکرد اجتماعی شرکت بر عملکرد بازار (ارزش) شرکت‌های مورد بررسی تأثیر مثبت و معنی داری داشته است. بنابراین فرضیه فرعی دوم پژوهش رد نشده است. از سویی برای بررسی معنی داری کل مدل به آماره آزمون والد توجه می‌شود. همان‌گونه که مشخص است، سطح معنی داری آماره این آزمون نیز برابر با ۰/۰۰۲ است که کمتر از ۰/۰۵ بوده و معنی داری کل مدل را تایید می‌نماید. همچنین ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد که متغیرهای توضیحی (مستقل و کنترلی) استفاده شده در مدل توانایی پیش‌بینی ۴۰ درصد از تغییرات متغیر وابسته را دارند.

فرضیه دوم: راهبرد تجاری در تأثیر عملکرد اجتماعی شرکت بر عملکرد بازار شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران نقش تعدیل‌گری دارد.

فرضیه فرعی سوم: راهبرد تجاری در تأثیر عملکرد اجتماعی شرکت بر نسبت کیوتوبین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران نقش تعدیل‌گری دارد.

همان‌گونه که در جدول ۱۲ گزارش شده است، ضریب تأثیر متغیر عملکرد اجتماعی شرکت برابر با ۰/۰۲۶ و سطح معنی داری آماره آن برابر با ۰/۰۰۴ است. این بدان معناست که در سطح اطمینان ۹۵ درصد، عملکرد اجتماعی شرکت بر عملکرد بازار (نسبت کیوتوبین) شرکت‌های مورد بررسی تأثیر مثبت و معنی داری داشته است.

جدول ۱۲. نتایج آزمون فرضیه فرعی سوم پژوهش

روش آزمون: حداقل مربعات تعمیم یافته مرتبه اول

$$Q.Tobin_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 CSP_{i,t} + \beta_2 BS_{i,t} + \beta_3 (CSP_{i,t} * BS_{i,t}) + \beta_4 Size_{i,t} + \beta_5 Lev_{i,t} + \beta_6 B.Size_{i,t} + \beta_7 B.Ind_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

نام متغیر	نوع متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره z	سطح معنی داری
عملکرد اجتماعی شرکت	مستقل	۰/۰۲۶	۰/۰۰۹	۲/۸۹	۰/۰۰۴
راهبرد تجاری	تعدیلگر	۱/۱۹۸	۰/۱۱۳	۱۰/۵۵	۰/۰۰۰
عملکرد اجتماعی شرکت *	تعاملی	۰/۰۱۷	۰/۰۱۷	۱/۰۳	۰/۳۰۴
راهبرد تجاری					
اندازه شرکت	کنترلی	-۰/۰۱۰	۰/۰۴۷	-۰/۲۳	۰/۸۲۰
اهرم مالی	کنترلی	-۲/۹۱۴	۰/۳۵۳	-۸/۲۵	۰/۰۰۰
اندازه هیات مدیره	کنترلی	-۰/۰۷۱	۰/۱۸۳	-۰/۳۹	۰/۶۹۸
استقلال هیات مدیره	کنترلی	-۰/۱۴۲	۰/۲۹۰	-۰/۴۹	۰/۶۲۳
ضریب ثابت		۴/۶۳۴	۱/۱۹۵	۳/۸۸	۰/۰۰۰
ضریب تعیین: ۰/۳۶۴۲					ضریب آماره والد: ۱۸۸/۶۰
ضریب تعیین تعدیل شده: ۰/۳۵۰۹					سطح معنی داری آماره والد: ۰/۰۰۰

از سویی تأثیر راهبرد تجاری بر عملکرد بازار (نسبت کیوتوبین) برابر با ۱/۱۹۸ و سطح معنی داری آن برابر با ۰/۰۰۰ است که حاکی از تأثیر مثبت و معنی دار راهبرد تجاری شرکت بر عملکرد بازار (نسبت کیوتوبین) در نمونه مورد بررسی بوده است. ضریب متغیر تعاملی (عملکرد اجتماعی * راهبرد تجاری) نیز برابر با ۰/۰۱۷ بوده و سطح معنی داری آن برابر با ۰/۳۰۴ است که حاکی از عدم تأیید نقش تعدیل‌گری راهبرد تجاری در تأثیر عملکرد اجتماعی شرکت بر عملکرد بازار (نسبت کیوتوبین) است. بنابراین فرضیه فرعی سوم پژوهش رد شده است. از سویی برای بررسی معنی داری کل مدل به آماره آزمون والد توجه می‌شود. همان‌گونه که مشخص است، سطح معنی داری آماره این آزمون نیز برابر با ۰/۰۰۰ است که کمتر از ۰/۰۵ بوده و معنی داری کل مدل را تأیید می‌نماید. همچنین ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد که متغیرهای توضیحی (مستقل، تعدیلگر، تعاملی و کنترلی) استفاده شده در مدل توانایی پیش‌بینی ۳۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته را دارند.

فرضیه فرعی چهارم: راهبرد تجاری در تأثیر عملکرد اجتماعی شرکت بر ارزش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران نقش تعدیل‌گری دارد.

جدول ۱۳. نتایج آزمون فرضیه فرعی چهارم پژوهش

روش آزمون: حداقل مربعات تعمیم یافته مرتبه اول

$$MBV_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 CSP_{i,t} + \beta_2 BS_{i,t} + \beta_3 (CSP_{i,t} * BS_{i,t}) + \beta_4 Size_{i,t} + \beta_5 Lev_{i,t} + \beta_6 B.Size_{i,t} + \beta_7 B.Ind_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

نام متغیر	نوع متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره z	سطح معنی داری
عملکرد اجتماعی شرکت	مستقل	۰/۰۵۰	۰/۰۲۲	۲/۲۴	۰/۰۲۵
راهبرد تجاری	تعدیلگر	۲/۹۰۴	۰/۲۷۶	۱۰/۵۲	۰/۰۰۰
عملکرد اجتماعی شرکت*	تعاملی	۰/۱۱۹	۰/۰۴۲	-۲/۸۴	۰/۰۰۴
راهبرد تجاری	کنترلی	۰/۰۴۵	۰/۱۱۶	۰/۳۹	۰/۶۹۹
اندازه شرکت	کنترلی	۱/۹۳۳	۰/۸۶۳	۲/۲۴	۰/۰۲۵
اهرم مالی	کنترلی	-۰/۴۴۱	۰/۴۴۷	۰/۹۹	۰/۳۲۴
اندازه هیات مدیره	کنترلی	۰/۰۷۲	۰/۷۰۸	-۰/۱۰	۰/۹۱۹
استقلال هیات مدیره	کنترلی	۴/۱۶۹	۲/۹۱۹	۱/۴۳	۰/۱۵۳
ضریب ثابت					
ضریب تعیین: ۰/۳۷۱۵				ضریب آماره والد: ۱۵۵/۰۸	
ضریب تعیین تعدیل شده: ۰/۳۵۹۶				سطح معنی داری آماره والد: ۰/۰۰۰	

همان‌گونه که در جدول ۱۳ گزارش شده است، ضریب تأثیر متغیر عملکرد اجتماعی شرکت برابر با ۰/۰۵۰ و سطح معنی داری آماره آن برابر با ۰/۰۲۵ است. این بدان معناست که در سطح اطمینان ۹۵ درصد، عملکرد اجتماعی شرکت بر عملکرد بازار (ارزش شرکت) شرکت‌های مورد بررسی تأثیر مثبت و معنی داری داشته است. از سویی تأثیر راهبر تجاری بر عملکرد بازار (ارزش شرکت) برابر با ۲/۹۰۴ و سطح معنی داری آن برابر با ۰/۰۰۰ است که حاکی از تأثیر مثبت و معنی دار راهبرد تجاری شرکت بر عملکرد بازار (ارزش شرکت) در نمونه مورد بررسی بوده است. ضریب متغیر تعاملی (عملکرد اجتماعی شرکت* راهبرد تجاری) نیز برابر با ۰/۱۱۹ بوده و سطح معنی داری آن برابر با ۰/۰۰۴ است که حاکی از تایید نقش تعدیل‌گری راهبرد تجاری در تأثیر عملکرد اجتماعی شرکت بر عملکرد بازار (ارزش شرکت) است. بنابراین فرضیه فرعی چهارم پژوهش رد نشده است. از سویی برای بررسی معنی داری کل مدل به آماره آزمون والد توجه می‌شود. همان‌گونه که مشخص است، سطح معنی داری آماره این آزمون نیز برابر با ۰/۰۰۰ است که کمتر از ۰/۰۵ بوده و معنی داری کل مدل را تایید می‌نماید. همچنین ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد که متغیرهای توضیحی (مستقل، تعدیلگر، تعاملی و کنترلی) استفاده شده در مدل توانایی پیش‌بینی ۳۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته را دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش به دنبال تعیین نقش تعدیل‌گری راهبرد تجاری در تأثیر عملکرد اجتماعی شرکت بر عملکرد بازار شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده است. امروزه شرکت‌هایی می‌توانند در بازار رقابتی موفق‌تر عمل نمایند که در استفاده از منابع در اختیار بهتر عمل نمایند. بر این اساس مفهوم عملکرد بازار در ادبیات مدیریتی نوین از ارزش بالایی برخوردار بوده و شناسایی عوامل مؤثر بر آن نیز مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. در این پژوهش تلاش شد تا عملکرد بازار از دو بعد ارزش سهام شرکت در بازار و نسبت کیوتوبین مورد ارزیابی قرار گیرد. بر اساس تئوری مشروعیت سازمانها و شرکتهای با هر اندازه و در هر بازاری باید برای بقاء خویش رضایت جامعه را کسب نماید و این رضایت در صورتی حاصل می‌شود که جوامع باور داشته باشد که عملیات شرکت‌ها تأثیر سودمندی بر عملکرد اجتماعی شرکت‌ها باقی می‌گذارد بعبارت دیگر سازگاری هر واحد اقتصادی با وضعیت یا شرایط موجود در سیستم‌های اجتماعی از بعد هنجارها و ارزش‌ها در گرو عملکرد مطلوب اجتماعی هست. راهبرد تجاری نیز به عنوان یک متغیر تعدیلگر در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است. شرکت‌ها دارای راهبرد تجاری یکسانی نبوده و بسته به شرایط بازار و شرایط شرکت از راهبردهای تجاری مانند تدافعی، تهاجمی و ... استفاده می‌نمایند. همچنین نوع اتخاذ تصمیم عاملی است که می‌تواند رفتار شرکت را تحت تأثیر قرار دهد و نمی‌توان از استراتژی‌های یکسان در صنایع مختلف استفاده نمود. برای انجام این پژوهش از اطلاعات ۱۱۷ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۸ ساله ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۰ استفاده شده است. بر این اساس دو فرضیه اصلی و برای هر فرضیه اصلی نیز دو فرضیه فرعی تدوین و با انجام تجزیه و تحلیل آماری، فرضیه‌های پژوهش تأیید شده است.

فرضیه اصلی اول پژوهش بیان می‌دارد که عملکرد اجتماعی شرکت بر عملکرد بازار شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد. در این راستا دو فرضیه فرعی نیز طراحی گردید که طبق فرض فرعی اول عملکرد اجتماعی شرکت بر نسبت کیوتوبین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد. و طبق فرض فرعی دوم عملکرد اجتماعی شرکت بر ارزش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد. بر اساس تئوری‌های اقتصادی، هرچه شرکت‌ها روی عملکرد اجتماعی خویش سرمایه‌گذاری کنند نتایج مطلوب تری در عملکرد اقتصادی و به تبع آن عملکرد بازارشان پدیدار خواهد گشت. بازار برای شرکت‌هایی که عملکرد اجتماعی بهتری دارند، پاداش بیشتری را به صورت افزایش ارزش سهام پرداخت می‌کند. عملکرد اجتماعی باعث خواهد شد تا شرکت از اعتماد جامعه و سرمایه‌گذاران نهایت استفاده را کرده و به دنبال سرمایه‌گذاری در فرصت‌های سرمایه‌گذاری پربازده باشند و موفقیت در این مسیر باعث کسب سود بیشتر برای شرکت و سهامداران و جامعه خواهد شد. سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان به شرکت‌هایی که ابعاد مختلف عملکرد اجتماعی را به خوبی اجرا می‌نمایند، اهمیت بیشتری می‌دهند. این امر منجر می‌گردد که این شرکت‌ها نزد سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان اعتبار بالاتری به واسطه اجرای بندهای مسئولیت‌پذیری اجتماعی بیابند و انتظار می‌رود مدیران، به دنبال استفاده از این فرصت‌های مطلوب با روش‌های قانونی برای تأمین منافع شرکت تلاش نمایند که خروجی این اقدامات افزایش عملکرد بازار شرکت خواهد بود. یافته‌های آزمون فرضیه اول پژوهش با نتایج پژوهش‌های پام و دائو (۲۰۲۲)؛ وونگ (۲۰۲۲)؛ عسگری آلودج و خباط العنزی (۱۴۰۲)؛ بابائی و همکاران (۱۴۰۰)؛

قوامی و همکاران (۱۴۰۱)؛ رشیدی و حسینی (۱۴۰۱)؛ امیری و همکاران (۱۳۹۹)؛ خان و همکاران (۲۰۲۳) و جلالیان لرکی و همکاران (۱۴۰۰) همسو و با پژوهش‌های ژائو و همکاران (۲۰۲۰) و صادق پور و همکاران (۱۴۰۱) همسو نمی‌باشد.

فرضیه اصلی دوم پژوهش بیان می‌کند راهبرد تجاری در تأثیر عملکرد اجتماعی شرکت بر عملکرد بازار شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران نقش تعدیل‌گری دارد. در این راستا دو فرض فرعی سوم و چهارم نیز تدوین گردید که فرض فرعی سوم عبارت است از راهبرد تجاری در تأثیر عملکرد اجتماعی شرکت بر نسبت کیوتوبین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران نقش تعدیل‌گری دارد. و فرض فرعی چهارم نیز عبارت است از راهبرد تجاری در تأثیر عملکرد اجتماعی شرکت بر ارزش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران نقش تعدیل‌گری دارد. نتایج تجزیه و تحلیل آماری نشان داد که این فرضیه پژوهش در زمانی که از ارزش شرکت به عنوان معیاری از عملکرد بازار استفاده شود، پذیرفته می‌شود. شرکت‌ها باید متناسب با وضعیت خود و محیط پیرامونی خود از راهبرد تجاری مناسبی استفاده نمایند تا بتوانند در برآورده نمودن انتظارات سهامداران موفق عمل نمایند. بر اساس نظریه سازمانی، شرکت باید استراتژی تجاری خود را در مراحل مختلف چرخه عمر تغییر دهد و متناسب با جریان نقد ورودی به شرکت برای توسعه فعالیت‌های خود برنامه‌ریزی نمایند. در شرکت‌ها معمولاً دو نوع راهبرد تهاجمی و تدافعی انتخاب می‌شود. شرکت‌هایی که تازه وارد صنعت می‌شوند، عمدتاً راهبرد تهاجمی را برای خود انتخاب می‌نمایند و انگیزه بیشتری برای نوآوری خواهند داشت. نوآوری نوعی عملکرد اجتماعی می‌باشد زیرا به دنبال تجربه ایده‌های جدید است. بنابراین همان‌گونه که یافته‌های آزمون فرضیه دوم پژوهش نشان داد، راهبرد تجاری تهاجمی باعث خواهد شد تا شرکت در عملکرد اجتماعی خویش تلاش مضاعفی انجام دهد و این موضوع موجب افزایش عملکرد بازار شرکت خواهد شد. یافته‌های آزمون فرضیه دوم پژوهش با نتایج پژوهش‌های رضائی و همکاران (۱۴۰۱) و حبیب و حسن (۲۰۲۱) همسوئی دارد و با یافته‌های ژائو و همکاران (۲۰۲۰) همسوئی ندارد.

با توجه به نتایج فرضیه اول پژوهش و تایید تاثیر مثبت و معنی دار عملکرد اجتماعی بر عملکرد بازار، پیشنهاد می‌شود شرکت‌ها بر لزوم توجه به فعالیت‌های جانبی در کنار تولید اهتمام و باید به جامعه به عنوان یک سرمایه اجتماعی توجه نمایند و همانند سرمایه‌های درون شرکتی از سرمایه اجتماعی خود نیز مراقبت نمایند، زیرا بقای بلند مدت شرکت به نحوه تعامل با بازار وابسته بوده و مشتری مداری و تعامل با جامعه امروزه از رموز موفقیت در کسب و کار بشمار می‌رود. بر اساس نتایج آزمون فرضیه دوم پژوهش و تایید نقش تعدیل‌گری راهبرد تجاری در تأثیر عملکرد اجتماعی بر عملکرد بازار، به شرکت‌ها پیشنهاد می‌شود همواره بر اساس شرایط شرکت، راهبرد مناسبی را برای خود اتخاذ نمایند. داشتن برنامه‌های بلند مدت، میان مدت و کوتاه مدت در بخش‌های مختلف از قبیل تولید، تامین مالی و فروش می‌تواند در این مسیر به شرکت‌ها کمک نماید. بررسی وضعیت رقبا و الگوبرداری از شرکت‌های موفق نیز می‌تواند در انتخاب راهبرد تجاری صحیح به شرکت‌ها کمک نماید.

فهرست منابع

- امیری علی، شهابی صالح، روستا عباس و اسماعیلی، مختار. (۱۳۹۹). تاثیر مسئولیت پذیری اجتماعی بر عملکرد مالی با نقش واسطه ای فعالیت های سیاسی شرکت در مجتمع گاز پارس جنوبی. نشریه علمی رویکردهای پژوهشی نوین مدیریت و حسابداری، ۴(۱۴)، ۱۵-۳۹.
- آبگینه، مریم، قنبری، مهرداد و رحمانی، محمود. (۱۴۰۲). ارائه مدل عملکرد مالی بر اساس افشای اطلاعات زیست محیطی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۱۲(۴۵)، ۱۷-۳۸.
- بابائی، فاطمه، رحمانی، علی، همایون، سعید و امین، وحید. (۱۴۰۰). رابطه بین عملکرد پایداری شرکتی و ارزش شرکت: با تأکید بر نقش امتیاز افشا و اندازه شرکت. مجله دانش حسابداری، ۱۲(۳)، ۱-۲۷.
- جلالیان لرکی، رضا، باورصاد، بلقیس و علیزاده، صابر. (۱۴۰۰). بررسی رابطه مدیریت سبز و عملکرد پایداری (عملکرد اقتصادی، عملکرد زیست محیطی و عملکرد اجتماعی): مورد مطالعه شرکت های فعال در صنعت پتروشیمی. پیشرفت های مالی و سرمایه گذاری، ۲(۴)، ۱-۳۲.
- داداشی، نسرين و پورعلی، محمدرضا. (۱۴۰۱). تاثیر مسئولیت اجتماعی و ریسک پذیری بر عملکرد شرکت ها با توجه به متغیر تعدیل گر محدودیت مالی. دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۱۱(۴۱)، ۱۵۸-۱۴۵.
- رشیدی، محسن و حسینی، حنیفه. (۱۴۰۱). تاثیر احساسات سرمایه گذاران بر عملکرد اجتماعی شرکت. حسابداری و منافع اجتماعی، ۱۲(۲)، ۱۷۱-۲۰۰.
- رضایی، غلامرضا، تقی زاده، رضا، صادق زاده مهارلویی، محمد و زراعتگری، رامین. (۱۴۰۱). تأثیر رقابت در بازار محصول بر کارایی سرمایه گذاری در نیروی کار با تأکید بر نقش محدودیت در تأمین مالی. راهبرد مدیریت مالی، ۱۰(۲)، ۹۱-۷۷.
- صادق پور، فرشته، حسینی معصوم، محمدرضا و سعیدی، هادی. (۱۴۰۱). اثر تعاملی هزینه های تحقیق و توسعه بر رابطه بین عملکرد زیست محیطی و عملکرد مالی شرکت های بورس اوراق بهادار تهران. پیشرفت های مالی و سرمایه گذاری، ۳(۷)، ۱-۲۲.
- طهماسبی آقبلاغی، داریوش، فرجی، میثم و چراغی، امیر. (۱۴۰۱). مسئولیت اجتماعی و کارایی سرمایه گذاری: نقش تعدیلی نوع استراتژی تجاری شرکت (مورد مطالعه: شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران). مدیریت بازاریابی، ۱۷(۵۷)، ۱۵۵-۱۶۵.
- عسگری آلوج، حسین و مطر خباط العنزی، حسن. (۱۴۰۲). بررسی تاثیر عملکرد اجتماعی شرکت بر عملکرد مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با تاکید بر نقش تعدیلگری احساسات سرمایه گذار. پژوهش های مالی و رفتاری در حسابداری، ۳(۲)، ۹۳-۱۱۴.

فخاری، حسین، ملکیان، اسفندیار و جفایی رهنی، منیر. (۱۳۹۶). تبیین و رتبه بندی مولفه ها و شاخص های گزارشگری زیست محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی به روش تحلیل سلسله مراتبی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار. *دو فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری*، ۲(۴)، ۱۵۳-۱۸۷.

قوامی، هادی، حسینپور، حمید و حصار، حمید. (۱۴۰۱). تأثیر مسئولیت اجتماعی شرکتهای بر عملکرد مالی، ثبات مالی و شمول مالی در بخش بانکداری، مدیریت، حسابداری و اقتصاد، ۶(۳)، ۳۵-۴۹.

کردستانی، غلامرضا؛ قادرزاده، سید کریم و حقیقت؛ حمید (۱۳۹۷). تأثیر افشای مسئولیت اجتماعی بر معیارهای حسابداری، اقتصاد و بازار ارزیابی عملکرد شرکتهای پیشرفتهای حسابداری، ۱۰(۱)، ۱۸۷-۲۱۷.

بیلویی خمسلویی، مالک، ایزدی نیا، ناصر و عرب صالحی، مهدی. (۱۳۹۷). بررسی رابطه متقابل بین میزان افشای شاخص های گزارشگری پایداری شرکتی و کیفیت سود، حسابداری سلامت، ۷(۲)، ۱۰۴-۱۲۶.

Abgineh, M., Ghanbari, M., & Rahmani, M. (2023). presentation of model of financial performance based on the disclosure of environmental information in companies listed on the Tehran Stock Exchange (TSE). *Journal of Management Accounting and Auditing Knowledge*, 12(45), 17-38. [In Persian]

Amiri, A., Shahbi, S., Rusta, A. & Esmaili, M. (2019). The effect of social responsibility on financial performance with the mediating role of political activities in South Pars gas complex. *Quarterly journal of new research approaches in management and accounting*, 4(44), 15-39. [In Persian]

Asgari Alouj, H. & Khabbat alanzi, H. M. (2023). Effect of Corporate Social Performance on Financial Performance at Listed Companies on the Tehran Stock Exchange with Moderating Role of Investor Sentiment. *Financial and Behavioral Researches in Accounting*, 3(2), 93-111. [In Persian]

Babaei, F.; Rahmani, A.; Homayun, S. & Vahid, A. (2021). The relationship between corporate sustainability performance and firm value: with emphasis on the role of disclosure score and firm size. *Journal of accounting knowledge*, 10(42), 45-62. [In Persian]

Bentley, K. A., Omer, T. C., & Sharp, N. Y. (2013). Business strategy, financial reporting irregularities, and audit effort. *Contemporary accounting research*, 30(2), 780-817.

Bentley-Goode, K. A., Omer, T. C., & Twedt, B. J. (2019). Does business strategy impact a firm's information environment?. *Journal of accounting, auditing & finance*, 34(4), 563-587.

Brockett, A., & Rezaee, Z. (2012). *Corporate sustainability: Integrating performance and reporting* (Vol. 630). John Wiley & Sons.

Guping, C., Safdar Sial, M., Wan, P., Badulescu, A., Badulescu, D., & Vianna Brugni, T. (2020). Do board gender diversity and non-executive directors affect CSR Reporting? Insight from agency theory perspective. *Sustainability*, 12(20), 8597.

Dadashi, N., & Pourali, M. R. (2022). The effect of social responsibility and risk-taking on the performance of companies according to the moderator variable of financial constraint. *Journal of Management Accounting and Auditing Knowledge*, 11(41), 145-158. [In Persian]

Fakhari, H., Malekian, E. & Jafaei Rahani, M. (2016). Explanation and ranking of the components and indicators of environmental, social and corporate governance reporting by the hierarchical analysis method in companies admitted to the Tehran Stock Exchange. *Value and behavioral accounting*, 2(4), 187-153. [In Persian]

Habbash, M., & Haddad, L. (2020). The impact of corporate social responsibility on earnings management practices: evidence from Saudi Arabia. *Social Responsibility Journal*, 16(8), 1073-1085.

- Habib, A., & Hasan, M. M. (2021). Business strategy and labor investment efficiency. *International Review of Finance*, 21(1), 58-96.
- Jalalianlarki, R., Bavarsad, B., & alizadeh, S. (2021). Investigating the relationship between green management and economic performance, environmental performance and social performance (a study of companies active in the petrochemical industry). *Advances in Finance and Investment*, 2(4), 1-32. [In Persian]
- Jha, M.K., Rangarajan, K. (2020). Analysis of corporate sustainability performance and corporate financial performance causal linkage in the Indian context. *Asian Journal of Sustainability and Social Responsibility*, 5, 1-30.
- Kamalirezaei, H., Anvary Rostamy, A. A., Saeedi, A., & Khodaei Valeh Zaghard, M. (2020). Corporate social responsibility and bankruptcy probability: Exploring the role of market competition, intellectual capital, and equity cost. *Journal of Corporate Accounting & Finance*, 31(1), 53-63.
- Khan, A., Afeef, M., Ilyas, M., & Jan, S. (2023). Does CSR committee drive the association between corporate social responsibility and firm performance? International evidence. *Managerial Finance*.
- Kordestani, G., Ghaderzadeh, S. K., & Haghighat, H. (2018). Impact of social responsibility disclosure on accounting, economic and market based Measures Of corporate performance evaluation. *Journal of Accounting Advances*, 10(1), 187-217. [In Persian]
- Nikolaou, I. E., Tsalis, T. A., & Evangelinos, K. I. (2019). A framework to measure corporate sustainability performance: A strong sustainability-based view of firm. *Sustainable Production and Consumption*, 18, 1-18.
- Paltrinieri, A., Dreassi, A., Migliavacca, M., & Piserà, S. (2020). Islamic finance development and banking ESG scores: Evidence from a cross-country analysis. *Research in International Business and Finance*, 51, 101100.
- Qavami, H.; Hosseinpour, H. & Hessari, H. (2022). The effect of social responsibility on financial performance, financial inclusion and financial stability in the banking sector. *Management, Accounting and Economics*, 6(3), 35-49. [In Persian]
- Rashidi, M., & hosseini, H. (2022). Investor Sentiment for Corporate Social Responsibilities. *Journal of Accounting and Social Interests*, 12(2), 171-200. [In Persian]
- Rezaei, Gh., Taghizadeh, R., Sadeghzadeh Maharloi, M., & Zeraatgari, (2022). The effect of competition in the product market on the efficiency of investment in labor with an emphasis on the role of restrictions in financing. *Financial Management Strategy*, 10(2), 77-98. [In Persian]
- Sadegh Pour, F., Hosseini Masoom, M. R., & Saeidi, H. (2022). The moderating effect of research and development costs on the relationship between environmental performance and financial performance Tehran Stock Exchange companies. *Advances in Finance and Investment*, 3(7), 1-22. [In Persian]
- Silva, J. R., Silva, A. F., & Chan, B. L. (2019). Enterprise risk management and firm value: evidence from Brazil. *Emerging Markets Finance and Trade*, 55(3), 687-703.
- Tahmasebi aghbelaghi, D., faraji, M., & cheraghi, A. (2022). Social Responsibility and Investment Efficiency: The Moderating Role of the Type of Business Strategy of the Company (Case Study: Companies Listed on the Tehran Stock Exchange). *Journal of Marketing Management*, 17(57), 101-115. [In Persian]
- Thi Pham, P. M., & Thi Dao, B. T. (2022). A meta-analysis of risk taking and corporate performance. *Cogent Business & Management*, 9(1), 2064263.
- Tran, Q. N. (2017). The behavior patterns of investors in Thailand stock market, *Asian Journal of Finance & Accounting*, 9(1), 155-165.
- Vuong. N. B. (2022). Investor sentiment, corporate social responsibility, and financial performance: Evidence from Japanese companies, *Borsa _Istanbul Review*, 22(5), 911-924.







Wu, H., & Li, J. (2023). The relationship between environmental disclosure and financial performance: Mediating effect of economic development and information penetration. *Economic research-Ekonomska istraživanja*, 36(1), 116-142.

Yabalouei Khameslouei, M., Izadnia, N., & Arabsalehi, M. (2018). Investigating the Mutual Relationship between the Extent of Disclosure of Corporate Sustainability Reporting Indicators and Earnings Quality. *Journal of Health Accounting*, 7(2), 104-126. [In Persian]

Ying, M., Tikuye, G. A., & Shan, H. (2021). Impacts of firm performance on corporate social responsibility practices: The mediation role of corporate governance in Ethiopia corporate business. *Sustainability*, 13(17), 9717.

Zhang, Y., Zhang, Y., Shen, D., & Zhang, W. (2017). Investor sentiment and stock returns: Evidence from provincial TV audience rating in China. *Physica A: Statistical Mechanics and its Applications*, 466, 288-294.

Content

❑ Investigating the effect of the quality of internal audit performance on the accuracy of profit forecasting by managers of companies listed on the Tehran Stock Exchange Massoumeh Latifi Benmaran, Sharzad Seraj		1-15
❑ Examining the relationship between conservative reporting practices and company performance in the capital market during the COVID-19 pandemic period Malektaj Maleki Oskouei, Mohammad Hassani, Saeed Mirzakhani		16-40
❑ The effect of ownership structures and governance characteristics on the company's sustainability report Hamed Yadegari far, Masood Fooladi		41-64
❑ The auditor's opinion on the going concern and corporate bankruptcy by the moderating role of conservatism in companies listed on the Tehran Stock Exchange Shekoufeh Nekoueizadeh		65-83
❑ The relationship between social capital, knowledge sharing and organizational performance Zabihallah Khani Masoum Abadi, Motahareh Zohali		84-98
❑ The impact of corporate social performance on the market performance of companies listed on the Tehran Stock Exchange with the moderating role of business strategy Hosein Asgari Alouj		99-121

In the name of God



Islamic Azad University
Safashahr Branch

Journal of Accounting & Financial Transparency
Issue 1, Vol 1, Autumn 2023



Publisher: Islamic Azad University, Safashahr Branch
Director-in-Charge: Mehdi Sarikhani (Ph.D.)
Editor-in-Chief: Rezvan Hejazi (Ph.D.)
Executive Manager: Rouhollah Nozari (Ph.D.)
Executive Director: Fatemeh Karimi

Editorial Board:

Seyed Hossein Abtahi

Professor of Management, Safashahr Branch, Islamic Azad University

Daruosh Foroughi

Professor of Accounting, University of Isfahan

Zohreh Hajiha

Professor of Accounting, East Tehran Branch, Islamic Azad University

Seyed Abbas Hashemi

Associate Professor of Accounting, University of Isfahan

Mehdi Kheirandish

Professor of Management, Shahid Sattari Air University

Mohammad Hossein Setayesh

Professor of Accounting, Shiraz University

Hashem Valipour

Associate Professor of Accounting, Firoozabad Branch, Islamic Azad University

GholamReza Zandi

Associate Professor of Accounting, University of Kuala Lumpur (UniKL)- Malaysia

Address: Vahdat Blvd., Safashahr, Fars, Iran. Postal Code:7396166561

Phone: +98 (71) 44451936

Fax: +98 (71) 44451939

Website: <https://sanad.iau.ir/en/Journal/aft>



Islamic Azad University
Safashahr Branch

Journal

of

Accounting & Financial Transparency

Volume 1/ Issue 1/ Autumn 2023/ Serial Number 1

- Investigating the effect of the quality of internal audit performance on the accuracy of profit forecasting by managers of companies listed on the Tehran Stock Exchange 1-15
Massoumeh Latifi Benmaran & Sharzad Seraj
- Examining the relationship between conservative reporting practices and company performance in the capital market during the COVID-19 pandemic period 16-40
Malektaj Maleki Oskouei, Mohammad Hassani & Saeed Mirzakhani
- The effect of ownership structures and governance characteristics on the company's sustainability report 41-64
Hamed Yadegari far & Masood Fooladi
- The auditor's opinion on the going concern and corporate bankruptcy by the moderating role of conservatism in companies listed on the Tehran Stock Exchange 65-83
Shekoufeh Nekoueizadeh
- The relationship between social capital, knowledge sharing and organizational performance 84-98
Zabihallah Khani Masoum Abadi & Motahareh Zohali
- The impact of corporate social performance on the market performance of companies listed on the Tehran Stock Exchange with the moderating role of business strategy 99-121
Hosein Asgari Alouj

